فتاوی
دار العلوم
مدلل و مکمل
دیوبند
فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن.عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد أحمد الحقانی الأفغانی عفا الله عنه

جلد سوم (۳)

مکتبه حنفیه
کاسی روڈ ، کوئته . فون: 2662510 - 081

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربيع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah	مكتبه حنفيه
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers	العلم كمپيوترز
Composing Organization	كمپوزنگ اداره

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 :كاسى روڈ، حاجى غيبى چوک، كوئته ، شمارهٔ تليفون

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 :العلم كمپيوترز ، كوئته ، پاكستان ، شمارهٔ تليفون

فهرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد سوم

ختم شد فهرست



بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فتاوای دار العلوم دیوبند (مکمل ومدلل) جلد سوم

الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين ، وعلي آله وصحبه اجمعين.

شکر وسپاس بی پایان الله تعالی را که با رحمت ومهربانی بی انتهاء خود توفیق پوره کردن بخش سوم را برایم عطا نمود. وباندازه تپ وتلاش خود بکدام مقداری که میتوانستم از جانب خود درآن تقصیر نه نموده ام، اینکه بکدام اندازه کامیاب بودم؟ فیصلهٔ آنرا اصحاب فضل وکمال خواهند کرد. بندهٔ ناچیز طالب العلم درجه ادنی بوده ، البته ذوق وعلاقهٔ کم وبیش خواندن، نوشتن ومطالعه را دارد، وقتیکه این کار بسیار مهم وعلمی برایم سپرده شده بود. خدا میداند ولی همدمی این فکر برایم اطمنان داد که این خدمت برایم بدون خواست وخواهشم سپرده شده بهمراه این، این حدین نیز پیش رویم بود که رحمت عالم ﷺ به حضرت عبد الرحمن بن سمره رضي الله عنه فرموده بودند: لا تسال الامارة فانک ان أعطيتها عن مسئلة وُكلت اليها وان أعطيتها عن غير مسئلة أعنت عليها. متفق عليه (مشكوٰة كتاب الامارة ص۳۲۰) ترجمه: خواست وهوس امارت (مسئولیت) را مکن، زیرا که اگر بخواست تو برایت سپرده شود پس از همکاری محروم خواهی شد واگر بدون مطالبه وخواست این خدمت برایت سپرده شود پس الله جل جلاله کمک ترا میکند. مسرورم که چنین شد الله تعالی مرا همکاری کرد وکدام کاریکه از مدت زمانی معطل شده بود بالای آن بالادستی حاصل شد دعا مینمایم که این کار بسر رسیده وجلدهای متباقی آن نیز چاپ وطبع شود ودر مطالعه مسلمانان قرار گیرد. بارسیدن باینجا شفقت ودلسوزی بی پایان استادان گرامی یادم میآید کسانیکه از برکت دعا وتوجهات خصوصی آنها برایم شوق علم وفن نصیب شد، إله العالمین این خدمت ناچیزم را قبول فرمائید، ومردم را موقع استفادهٔ اعظمی نصیب فرمائید واین را برای مرتب (ترتیب دهنده) ذریعهٔ پیروزی هردو گیتی بگرداند. ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم.

خواستگار دعا

محمد ظفیر الدین غفرله، پوره نور دیهاوی، دار الافتاء دار العلوم دیوبند

بسم الله الرحمٰن الرحیم

الحمد لله وکفٰی وسلام علی عباده الذین اصطفٰی.

الباب الخامس فی الامامة

فصل اول: جماعت واهمیت آن

اگر درقریه نماز جماعت نمیشود پس به مسجد محله دیگر رفتن ضرور است یانه؟ سوال: (۵۱۳) وقتی که درمسجد محله انتظام نمازجماعت نباشد پس آیا درمسجدمحله دیگر باجماعت نماز خواندن روا است یا نه؟

جواب: حق مسجد محله خود زیاد هست پس برای مرد مناسب نیست که مسجد محله خودرا ترک کند وبه مسجد دیگر برود درشامی از خانیه منقول هست که اگر درمسجد محله خود نمازش تنهائی بیابد هم درآنجا اذان دهد ونماز بخواند وبه مسجد دیگر نرود: لان له حقا علیه فهو یؤدیه [1] الخ. فقط

اگر به مسجد کسی نمیاید آیا مؤذن بعد ازدادن آذان به مسجد دیگر برای جماعت رفته میتواند: سوال: (۵۱٤) یک مرد درمسجد مؤذن است وبه این مسجد کدام نماز خوان نمیآید عموما مؤذن تنها نماز میخواند آیا این مؤذن پس از اذان درمسجد خود برای جماعت به مسجد دیگر رفته میتواند؟

جواب: برای مؤذن لازم هست که بعد از آذان دادن درهمین مسجد نماز بخواند فقط.

ماندن از جماعت بخاطر عذر: سوال: (۵۱۵) برای قوم کالان به لحاظ حالات امنیتی ویا به دلائل دیگرترس است که اگر به خاطر نماز شام وخفتن وصبح به مسجد برود پس خدا ناخواسته تاوان بدنی برایش خواهد رسید برایش رواست که نمازها متذکره را درخانه خود بخواند ویانه؟

جواب: بسبب عذر مذکور ترک کردن جماعت روا ست. [2] فقط

نماز فرض بهمراه همسر (بی بی) شده میتواند: سوال (۵۱٦) بهمراه همسر خود نماز خوانده میتواند یانه وهمسر به چه اندازه دور استاده شود؟

---

(۱) بل فی الخانیة لولم یکن لمسجد منزله مؤذن فانه یذهب الیه ویؤذن فیه ویصلی ولوکان وحده لان له حقا علیه فیؤدیه. (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة الخ مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص٦١٧. ط.س. ج۱ ص٦٠٩. ظفیر

(۲) بل فی الخانیة الخ نفس العبارة والمرجع ظفیر مفتاحی.

جواب: اگر یکجا نماز میخوانند پس زن را عقبتر استاد نماید.

اشتراک مریض متعفن به جماعت: **سوال:** (۵۱۷) یکمرد از دیر زمانی از بد بوئی دهن شکایت دارد به هردو طرف مقتدیان ضرر میباشد پس برای او شرکت کردن درنماز مناسب است ویا تنها بدون جماعت نماز خواندن؟

جواب: درشامی هست: وکذالک الحق بعضهم من بقیه بخر اوبه جرح اورائحة الٰی ان قال وقوله ﷺ ولیقعد فی بیته، صریح فی ان اکل هٰذه الاشیاء عذر فی التخلف عن الجماعة [1] الخ ، پس معلوم شد که این آدم درنماز جماعت شریک نشود وجداگانه نماز بخواند فقط.

قصداً ترک نمودن نماز جماعت وگناه آن: **سوال:** (۵۱۸) کسیکه عمداً جماعت را ترک ودرخانه نماز میخواند حکم چیست؟

جواب: کسیکه بدون ضد بترک نماز جماعت اصرار میورزد فاسق هست: فی البحر لا تقبل شهادته اذا ترکها استخفافاً بذالک ومجانة اما اذا ترکها سهوا او بتاویل ککون الامام من اهل الاهواء ولا یراعی مذهب المقتدی فلا.

اختلاف درجماعت دوم وجواب آن: **سوال:** (۵۱۹) جماعت دوم درمسجد قریه روا است یا نه؟ اگر روا نیست پس دلیل ناروا بودنش چیست؟ امام ابو یوسف جائزش میگوید واکثر فقهاء این قول را درست گفته اند جوابش چیست؟

جواب: جماعت دوم درمسجد قریه مکروه است: قال المحقق الشامی: ولنا انه علیه الصلاة والسلام کان خرج لیصل بین قوم فعاد الی المسجد وقد صلی اهل المسجد فرجع الی منزله فجمع اهله وصلی بهم، ولوجاز ذالک لما أختار الصلاة فی بیته علی الجماعة فی المسجد ولان فی الاطلاق هکذا تقلیل الجماعة معنًی فانهم لا یجتمعون اذا علموا انها لا تفوتهم الخ ومثله فی البدائع وغیره. ومقتضی هذا الاستدلال کراهة التکرار فی مسجد المحلة ولو بدون اذان یؤیده ما فی الظهیریة لو دخل جماعة المسجد بعد ما صلی فیه اهله یصلون وحدانا وهو ظاهر الروایة. [2] ازین روایت درست وقوی کراهیت اشکار میشود زیرا که ظاهر الروایة این است پس روایت امام ابو یوسف در مقابل ظاهر الروایة قابل نخواهد بود ودیگر اینکه هرگاه میان مکروه بودن ومکروه

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة الخ مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۹، ط.س. ج۱ ص۶۶۱. ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة مطلب تکرار الجماعة ج۱ ص ۵۱۶ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۳. ظفیر

نبودن عارض بیآید ترجیح به مکروه بودن میباشد، کما بین فی موضعه، وتحقیق زیاد این موضوع در رساله حضرت مولینا رشید احمد گنگوهی بنام (القطوف الدانیة فی کراهیة الجماعة الثانیة) دیده شود.

آن شخص چیست که بخاطر تنگی جای جداگانه نماز بخواند؟ **سوال:** (۵۲۰) یک آدم تنها در مسجد ویا میدان نماز فرض ادا مینماید ویک مقتدی نیز همراهش هست این هردو در جای بلندی هستند که اگر مرد سوم اقتدا نماید وهمراه شان استاد شود ترس افتادن موجود است درین حالت مرد سوم کمی یک جانب شد وجدا نماز را شروع کرد نماز او خواهد شد یا نه؟

جواب: برای مرد سوم مناسب است که باین امام اقتدا نماید اگر چه بخاطر مانع مذکور پستر (عقب) جدا استاد شود واگر چنین نکرد وتنها نماز خواند باز هم میشود. [1]

در بازار کلانیکه یک مسجد باشد در انوقت چه کند؟ **سوال:** اگر بازار بزرگ با اندازه یک میل باشد ودر ان فقط یک مسجد باشد پس آیا بالای همه مردم بازار خواندن نماز با جماعت لازم است ویا تنها بالای مردم دورا دور مسجد؟

جواب: بالای همه مردم خواندن نماز باجماعت سنت مؤکد هست اما به کسیکه کدام چیز عذر مانند مریض، یا باران، یا سردی سخت وغیره باشد پس برای آنها ترک کردن جماعت باکی ندارد. [2] درمختار.

اگر مسجد را رها کند وپیوسته جماعت بان نماید چطور هست: **سوال:** (۵۲۲) همیش مسجد را ترک کردن ودر فاصله چند متری آن در خانه خود دوامدار برنامۀ جماعت را تیار کردن روا است ویا نه؟

جواب: این روا نیست ورها نمودن مسجد بقسم دوامدار گناه است واصرار بآن فسق است: قال فی الأجناس: لا تقبل شهادته [3] شامی، فقط.

---

(۱) وفی الفتح لو اقتدی واحد بآخر فجاء ثالث. یجذب المقتدی الخ مقتضاه ان الثالث یقتدی متاخرا ومقتضی القول بتقدم الامام انه یقوم بجنب المقتدی الاول والذی یظهر انه ینبغی للمقتدی التاخر اذا جاء ثالث الخ وهذا کله عند الامکان والا تعین الممکن. (رد المحتار باب الامامه ج ۱ ص ۵۳۱، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸). ظفیر

(۲) وفی البدائع تجب الجماعة عن الرجال العقلاء البالغین الاحرارالقادرین علی الصلٰوة بالجماعة من غیرحرج الخ وتسقط الجماعة بلا عذر حتی لاتجب علی المریض الخ والصحیح انها تسقط بالمطر والطین والبرد الشدید والظلمة الشدیدة کذا فی التبیین. (عالمگیری مصری الباب الخامس فی الامامة ج ۱ ص ۷۷، ط. ماجدیه ج۱ ص ۸۲....۸۳). ظفیر

(۳) رد المحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۱۸. ط.س. ج ۱ ص ۵۵٤. ظفیر

ثواب جماعت به وجود چه اندازه مقتدیان بدست میآید: سوال: (۵۲۳) (۱) ثواب جماعت با موجودیت چند نفر حاصل میشود اگر همراه امام یکمرد باشد پس بازهم ثواب خواهد بود یا نه؟

سوال: (۵۲٤) (۲) مقتدیان بکدام فاصله از امام استاده میشوند؟

جواب: (۱) اگر همراه امام یک مقتدی باشد جماعت خواهد شد وثواب آن حاصل خواهد شد.

جواب: (۲) مقتدیها از امام باندازه فاصله گیرند که با سهولت سجده آنها شود فقط.

کسیکه بسبب واردات (جن) قادر به خواندن قرائت وتشهد نباشدچه کند: سوال: (۵۲۵) ما قولکم رحمکم الله فی رجل استولی علیه الواردات حتی لَم یقدر علی القرآءة والتشهد وخرج کلمة هل من مزید، یا الله اکبر، یا لا اله الا الله، من فمه بلا اختیارمنه وامام الناس یصلی بالجماعة یَجب علیه الدخول فی صلٰوتهم بالجماعة او یَجب علیه الانحراف عن الجماعة عسی ان یجد وقتا یؤدی الصلٰوة بقرآنة تشهد ؟

جواب: یجب علیه الدخول فی الجماعة قال علیه الصلاة والسلام اذا اقیمت الصلاة فلا صلاة الا المکتوبة، وقال علیه الصلاة والسلام فعلیک بالجماعة فانما یاکل الذئب القاصیة، الحدیث، فالشیطان ذئب الانسان یسوّل له ویصدّه عن ذکر الله والمسابقة الی الخیرات، فالواردات المقبولة ما تدعوه الی اتباع السنة السنیة لا ما تمنعه عن القربات فلا ینحرف عن الجماعة ویجتهد بقدر الوسع ان یزیل تلک الواردات یاتی باوراد الصلٰوة فما فوت بالاختیار لا یؤاخذ به. فقط والله اعلم

چواری مسلمان در جماعت شریک شده میتواند یانه؟ سوال: (۵۲٦) خدمه مسلمان (خدمتگار) مردمیکه کثافات را جاروب ودور میکنند درمسجد باجماعت نماز خوانده میتواند یا نه؟ ودرحوض مسجد وضوءکرده میتوانند یانه؟

جواب: خدمه مسلمان درمسجد باجماعت نماز خوانده میتوانند ودر حوض آن وضوء کرده میتوانند [1] فقط در وقت آمدن به مسجد توجه کنند که لباس صفا وستره وپاک برتن داشته باشند که درآن پلیدی وبد بوئی نباشد واین کار برای هر شخص ضروریست. والله اعلم

---

(۱) مانند دیگر مسلمانان نمازخوان آنها نیز هستند وبشلیکه بالای عقلاء وبالغان مسلمان دیگر شرکت درنماز جماعت راجب است همچنان بالای اینها نیز واجب است: تجب الجماعة علی الرجال العقلاء البالغین الاحرار القادرین علٰی الصلٰوة بالجماعة من غیر حرج. (عالمگیری مصری باب خامس ج ۱ ص ۷۷، ط. ماجدیه ج۱ ص ۸۲). ظفیر

دلائل کراهیت جماعت دوم: سوال: (۵۲۷) دلیل کراهیت جماعت دوم چیست؟

جواب: اقوال فقهاء وائمة بحیث دلیل برای تقلید کنندگان بسنده است پس هرگاه درظاهر الروایة عند الحنفیة کراهیت جماعت دوم درمسجد قریه هست بمثلیکه درشامی نقل شده پس اضافه ازاین برای مقلدین هیچ دلیلی نیست. درشامی نقل شده: ومقتضی هذا الاستدلال کراهة التکرار فی مسجد المحلة ولو بدون الأذان ویؤیده ما فی الظهریة: لو دخل جماعة المسجد بعد ماصلي فیه أهله یصلون وحدانا وهوظاهر الروایة الخ وکمی پیش ازین مذکور است: ثم قال فی الاستدلال علی الامام الشافعی النافی الکراهة ما نصه ولنا انه علیه الصلاة والسلام کان خرج لیصلح بین قوم فعاد الی المسجد وقد صلی فیه اهل المسجد فرجع الی منزله فجمع اهله وصلی بهم ولو جاز ذلک لما اختار الصلاة فی بیته عن الجماعة فی المسجد ولان فی الاطلاق (ای فی تجویز الجماعة الثانیة) هکذا تقلیل الجماعة معنًی فانهم لا تفوتهم [1] الخ پس ازعمل کرٗدن رسول اکرم ﷺ وتصریح فقهاء کراهیت جماعت دوم در مسجد قریه ثابت شد. درین صورت اگر برخی از روایات جواز موجود باشد پس نخست جواز بهمراه کراهیت جمعه میشود. پس در آنجا شاید جوازمع الکراهت مراد باشد، نتیجه این که این کراهیت تنزیهی باشد بهرحال جماعت دوم ازکراهیت تحریمی ویا تنزیهی خالی نیست، ودیگر اینکه درکدام جاکه میان کراهت وعدم کراهیت تصادم بیاید پس به کراهیت ترجیح داده میشود: لأن دفع المضار اولی من جلب المنافع، وهمین مضمون است که حضرت مولینا گنگوهی قدس سرہ دررساله خود (کراهت جماعت ثانیة) شرح فرموده اند ودرآن جواب آن روایت حدیث وفقه را داده اند که از آن جواز فهمیده میشود حضرت مولانا محمد قاسم صاحب نانوتوی قدس سرہ درین رابطه سخن قاطع ارشاد فرموده اند آنها فرموده اند: درعدم جواز جمع دوم یک دلیل بمن اشکار شد ویک دلیل به حضرت مولانا احمد علی محدث سهارنپوری قدس سرہ شخصیکه استاد حضرت مولانا نانوتوی است. دلیلي که به حضرت مولانا نانوتوی معلوم شد قصه صلاة خوف است که بهمراه همان زد وخورد وغالمغال که حالت جنگ است باز هم یک جماعت کرده شد ونماز گذاران دو گروپ کرده شد ودرمیان نماز باین اندازه شور خوردن ورفت وآمد روا کرده شد اما اجازه جماعت دوم داده نشد درحالیکه این اسان بود که یک امام به یک گروپ نماز جماعت راپوره میکرد وامام دیگر

---

(۱) رد المحتار للعلامة الشامی باب الامامة ج۱ ص ۵۱۶. ط.س. ج ۱ ص ۵۵۶. ظفیر

بعد ازآن گروپ دوم نماز رابه جماعت پوره میکرد وفرمود این دلیل اشکار تر است. وچون این نماز به زمانهٔ حضور ﷺ خاص نه بلکه حالا نیز چنین حکم است پس گفته نمیشود که این کار بخاطری بود که بهمگی فضیلت اقتداء رسول اکرم ﷺ پیدا شود. ودلیلي که حضرت مولانا احمد علی قدس سره فرموده اند دقیق است مولانا احمد علی صاحب فرموده اند: که مسئله اینست که درکدام مسجد یک، یک دفع نماز باجمع خوانده شده باشد پس درآن مسجد باز نماز جماعت وجمعه درست نیست. همچنان درشامی [1] وغیره تصریح است که بعد ازجمعه دروازه هاي مسجد بسته شود. نشود که باز چند مردمي بیایند وجمعه دیگر بنمایند. پس وقتی مایان درین سبب ودلیل دقت کنیم که علت عدم جواز چیست؟ درحالیکه همه شرایط نماز جمعه علی حالها موجود است. مصر هست، إذن عام نیز هست، نمازگذار نیز وجود دارد، دریک شهر تعدد جمعه نیز درست است مع هذا چه سبب است که بار دوم جماعت نماز جمعه دریک مسجد درست نباشد؟ پس سوای این هیچ سبب نیست که برای جمعه جماعت نیز شرط است. پس معلوم شد که جماعت ثانیه جماعت مشروعه نیست پس هرگاه آن جماعت معتبره نشد پس یک شرط جمعه فوت شد حالا اشکار شد که جماعت ثانیه دریک مسجد درست نیست، وهو کما قال رحمه الله فقط.

ترک نمودن جماعت: **سوال**: (۵۲۸) شخصی ازدو سال باینسو با تواتر درمسجد اذان میدهد ویک ساعت قبل از اذان به مسجد میآید وبخاطر شوق وعلاقه بآذان کارهای خیر ذیل را انجام میداد:

(۱) به مسافرین مسجد نان دادن،(۲) به تیل، گوگرد افتابه (کوزه ها) وفرش وغیره مسجد توجه نمودن (۳) بهمراه امام مسجد همکاری کردن وغیره کارهای خوب شخصی دیگری او را از اذان دادن منع کرد بهمین سبب او ازهمه کارهای فوق دست برداشت حتی که آمدن به مسجد راترک کرد ودر خانهٔ خود نماز میخواند شرعاً چه حکم است؟

جواب: ثواب اذان دادن دراحادیث بسیار زیاد آمده. باین شرط که آذان را بروقت وبطریقه صحیح ادا نماید لکن ثواب زیاد از آذان در نماز باجماعت هست، وتاکید این بسیار زیاد است پس مؤذن مذکور را اگر مردم بکدام سبب ازآذان منع کرده باشند به وی روا نیست که نماز

---

(۱) والظاهر انه یغلق ایضاً بعداقامة الجمعة لئلایجتمع فیه احدبعدها. (ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷٦٦، ط. س. ج ۲ ص ۱۵۷). ظفیر

باجماعت درمسجد را رها نماید این بسیار کار بد است [۱] البته اگر مؤذن مذکور آذان صحیح میداد وبوقت آن اذان میداد ولوجه الله آذان میداد ودرشوق آذان کارهای خیر دیگر رالجام میداد وهرگونه خبر گیری مسجد رامینمود پس بدون سبب منع کردن او از آذان بد است بالای مردم محله ومسجد لازم است که اورا از آذان دادن منع نکند لکن اگر بکدام دلیل وی رامنع کرده باشند پس این مؤذن باید بپندارد که به موجب حدیث شریف: إنما الأعمال بالنيات. برای وی ثواب نیت نیک میرسد ونماز جماعت وکار خیر دیگر راترک نمودن مناسب نیست زیرا که این کارکم فهمی است که هرگاه یک کار به او بند شود پس همه کارهای ثواب وضروری امور شرعیه یعني جماعت وغیره رانیز ترک نماید. فقط

مرد مصاب به جذام برای شرکت درجماعت به مسجد نیاید: سوال: (۵۲۹) جذام مرض ساری است یانه؟ اگرمرد مجزوم میخواهد نماز باجماعت بخواند ومردم از او نفرت دارند باساس این مجبوریت برای وی روا است که درخانه خود نماز بخواند ویاخیر؟ وگناه ترک نماز جماعت بدوش کی خواهد بود؟ واین که مشهور است که جذامی رابسر نیزه دادن طعام حکم شده کدام اصلی دارد؟

جواب: درباره جذامی همان حکم است که به مسجد نیاید ودرجماعت شریک نشود ودر خانه نماز بخواند پس بالای وی هیچ گناهی از ترک کردن نماز باجماعت نیست بلکه برای وی حکم همین است وشریک شدن درجماعت برای وی مکروه وگناه است درمختار. [۲] فقط

دریک مسجد دو آذان ودو جماعت روا است یاخیر؟ سوال: (۵۳۰) اگر درمسجدی امام حنفی باشد واز مدتی مردانی ازیک گروپ غیر مقلد درانجا نماز خواندن شروع کرد وآمین بالجهر وغیره میکنند وامام مسجد باساس وگمان معنای صحیح چیزی وظیفه شَیْئًا لله را میگوید بدین سبب اورا غیر مقلدین مشرک میگویند ونماز خواندن را در پشت او ترک نمودن سخن تاجاي رسید که درین مسجد یک گروپ جدا نماز وآذان راشروع کردُ حالا درین مسجد دو آذان ودوجماعت ادا میشود چنین کردن شرعاً روا است ویا نه؟ وامام سابق را مشرک گفتن چه

---

(۱) والجماعة سنة مؤكدة للرجال وقيل واجبة وعليه العامة (در مختار) قال في شرح المنية والاحكام تدل على الوجوب من ان تاركها بلا عذر يعذر وترد شهادته ويأثم الجيران بالسكوت عنه الخ (ردالمحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۰ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفير

(۲) ويمنع منه اى المسجد وكذا كل مؤذن (در مختار) وكذالك القصاب والسمك والمجذوم والابرص اولى بالالحاق (ردالمحتار. باب ما يفسد الصلوٰة وما يكره مطلب في احكام المسجدج ۱ ص ۶۱۹، ط.س. ج ۱ ص ۶۶۱) ظفير

حکم دارد؟

جواب: درآذان ودو جماعت دریک مسجد روا نیست [۱] وامام مذکور مشرک نیست او را مشرک گفتن غلط است البته برای این امام مناسب است که وظیفه شیئا لله راترک نماید زیرا این وظیفه روا نیست وبرای امام احتراز کردن واز چنین کارهای مشتبه مناسب است. فقط

گر تنها طفلها مقتدیان باشند نیز جماعت میشود: سوال: (۵۳۱) هرگاه مقتدیان بالغ پیدا نشود ایابه مقتدی شدن تنها طلفها ثواب جماعت حاصل خواهد شد ویا خیر؟

جواب: اگر مقتدی بالغ هیچ نبود پس باجور شدن طلفها بصفت مقتدی ثواب جماعت داده خواهد شد فقط.

کسیکه آذان را بشنود وباز بمسجد نه آید آیا نماز اومیشود یانه؟ سوال: (۵۳۲) اگر یک شخص قریه آذان رامیشنود وبه مسجد نمیآید ودرجماعت شریک نمیشود ودرخانه نماز میخواند پس حکم او چیست؟ ونماز وی میشود یا خیر؟

جواب: نماز خواندن باجماعت واجب وتارک آن فاسق است به مردم محله لازم است که به اوتاکید نماز باجماعت را بنمایند والا آنها نیز گنهگار خواهند بود برای تارک قصدی نماز جماعت أحکام بسیار سخت است، حتی که فقهاء نوشته اندکه بدون عذر تارک جماعت را جزا داده شود وگواهی اش معتبر نیست [۲] لکن نمازش میشود ضرورت قضائی خواندنش نیست [۳] فقط.

درخانه جماعت با زنان وثواب آن: سوال: (۵۳۳) درخانه جماعت کردن بازنان رواست یانه؟ دربخش ۱۱ زیور بهشتی هست که درجائیکه هیچ مرد نباشد ونه کدام زن محرم مانند خواهر ومادر امامت تنها زنان مکروه تحریمی است، اگر کدام مرد یازن محرم باشد پس مکروه نیست، اگر برخی مردم چنین جماعت راسنت بداند وبهمراه همسر ویازن محرم خود جماعت

---

(۱) اهل المسجد اذا صلوا باذان وجماعة یکره تکرار الاذان والجماعة فیه (عالمگیری. الباب الثانی فی الاذان ج ۱ ص ۵۱ ، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۵٤) ظفیر

(۲) ولتحصیل فضیلة الجماعة بصلوته مع واحد (ای من الصبیان) الا فی الجمعة فلا تصح بثلاثة منهم. (الاشباه والنظائر احکام الصبیان ص ٤٨٠) ظفیر

(۳) فتسن اوتجب ثمرته تظهر فی الاثم بترکها مرة علی الرجا ل العقلاء البالغین الاحرار القادرین علی الصلاة بالجماعة من غیر حرج ولو فاتته ندب طلبها فی مسجد اخر الا المسجد الحرام ونحوه (در مختار) قال فی النهر الا ان هذا یقتضی الاتفاق علی ان ترکهامرة بلاعذر یعزر وترد شهادته ویأثم الجیران بالسکون عنه (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۰،۵۲۱ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص۵۵٤، ۵۵۵) ظفیر

بخواند پس ازوعید ترک کردن جماعت خلاص میشود ویانه؟ اگر جماعت درخانه سنت باشد پس دریک حدیث که رسول الله ﷺ اراده سوختاندن اسباب وخانه ها را چرا فرمودند؟ هدف اینکه برخی مردها با سنت مؤکد گفتن جماعت درخانه ادا میکنند حکم چیست؟

جواب: جماعت جداگانه زنان مکروه تحریمی است لهذا زنان جماعت نکنند یعنی قسمیکه امام نیز زن باشد جماعت نکنند: ویکره تحریما جماعة النساء الخ کما تکره امامة الرجال لهن فی بیت لیس معه رجل غیره ولا محرم منه کأخته وزوجته [1] الخ ترجمه این نیز همان است که مسئله را ازبخش۱۱ زیور بهشتی نقل نموده پس این نیزدرست است پس اگر درمسجد جماعت پیدا نشود پس باچنان کردن از وعید ترک جماعت خلاص شده میتواند. الغرض اصل اینست که بمسجد برود ودرجماعت شریک شود اگر تصادفا درمسجد جماعت میسر نشد پس درخانه زنان وطلفها راشامل نماید وجماعت کند بمثلیکه در درمختار هست وازحدیث سوختاندن خانه ها ثابت میشود که برای مردان بدون عذر درخانه جماعت کردن روا نیست بلکه به مسجد بیایند ودرجماعت شریک شوند واگر کدام وقت اتفاقا جماعت پیدا نشد پس درصورت مذکوره درخانه جماعت بخواند. این نیست که مسجد ترک کردن ودرخانه ها جماعت کردن سنت است چنین نیست ، همچنمان شامی این واقعه را نوشته است که یک مرتبه رسول ﷺ برای صلح درمیان یک قوم تشریف برده بودند وقتی بمسجد رفتند جماعت خلاص شده بود در آنوقت آنحضرت درخانهٔ خود اهل وعیال را جمع کرده بهمراه آنها نماز را بجماعت ادا فرمود [2] واز این نیز ثابت شد که جماعت کردن درخانه در حالتی هست که درمسجد جماعت پیدا شود فقط.

به خاطر دشمني با امام ترک کردن جماعت مناسب نیست: سوال: (۵۳٤) مؤذنیکه که اعتراض دارد که ملا امام همراهم دشمنی دارد وبدین سبب درعقب امام نماز نمیخواند همیشه جدا نماز میخواند نمازش میشود یانه وگناه بالایش هست یانه واذانش مکروه است یانه؟

جواب: این عذر ترک نمودن جماعت شرعا لغو وغلط هست وعادت ساختن ترک جماعت

---

(۱) الدرالمختار هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۸ ج ۱ رص ۵۲۹ ، ط. س. ج ۱ ص ۵٦۵. ظفیر

(۲) حدیث احراق اینست: عن ابی هریرة رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ والذي نفسي بيده لقد هممت أن آمر بحطب ليحطب ثم آمر بالصلاة ليؤذن لها ثم آمر رجلا ليؤم الناس ثم اخالف إلى رجا ل. وفي رواية: لا يشهدون الصلاة فاحرق عليهم بيوتهم الخ رواه البخاري ولمسلم نحوه (مشکوٰة باب الجماعت وفضلها فصل اول ص ۹۵) ظفیر

برای همیش باعث فسق وگناه است وآذان فاسق مکروه است واعاده آن مستحب هست: ویعاد آذان الجنب الخ درمختار، زاد القهستانی: والفاجر والراکب والقاعد الخ شامی [(۱)] اگر آن نماز وی که تنها میخواند روا میشود ولی از ثواب جماعت محروم میماند وبسبب ترک نماز جماعت گنهگار هست.

دروقت تعلیم دین ترک نمودن جماعت درست است یانه؟ **سوال:** (۵۳۵) اگر زید تعلیم درس دین را میدهد ونماز جماعت خفتن میماند درین حالت چه حکم است؟

جواب: در دومختار نقل شده که بعض علماء ترک نمودن جماعت را بسبب علم فقه ومطالعه آن جواز داده اند وحصول علم مذکور را بصفت عذر قبول کرده اند یعنی ازجملهٔ عذرهائیکه بسبب آن اگر احیانا جماعت ترک شود پس حرج نیست مشغولیت درعلم فقه است ولی اگر باترک نمودن جماعت اصرار میورزد پس معذور نیست وواجب التعزیر هست. [(۲)] فقهاء که فرموده اند که جماعت دوم درمسجد قارعة الطریق روا است وتعریف آن راچنین کرده اندکه: مسجدیکه امام ومؤذن مشخص نباشد، باساس این تعریف شاید درین شب وروز دراکثر جاها هیچ یک چنان مسجدی پیدا نه میشود که امام ومؤذن درآن تعین نباشد پس جماعت ثانی اصلاً جائز نخواهد بود، ودراکثر قریه ها امام ومؤذن تعین نمیباشد پس ازین تعریف لازم میشود که درآنجا درهر مسجد جماعت دوم جائز باشد برایم این شبه است که آیا این تعریف بمثل تعریف مصرکه نیست که باعتبار زمانهٔ خود فقهاء انرا تعریف کرده اند؟

جواب: قاعده کلیه فقهاء اینست که درمسجد یک امام ومؤذن مقرر باشد آنجا جماعت دوم مکروه است خواه آن مسجدهای شهرها باشد ویامسجد قریه ها، پس مشکلی نیست مطابق همین قاعده عمل شود. [(۳)] فقط

---

(۱) رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۵ ، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۳. ظفیر

(۲) فلاتجب (الجماعة) علی مریض الخ وکذا اشتغاله بالفقه لابغیره کذا جزم به الباقانی تبعا للبهنسی ای الا اذا واظب تکاسلا فلا یعذر ویعزر ولو باخذ المال یعنی بحبسه عنه مدة ولا تقبل شهادته (الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۰ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۵) ظفیر

(۳) ویکره تکرار الجماعة باذان واقامة فی مسجد محلة لا فی مسجد طریق اومسجد لا امام له ولا مؤذن (درمختار) قوله یکره تحریماً لقول الکافی لا یجوز والمجمع لا یباح، وشرح الجامع الصغیر انه بدعة کما فی رسالة السندی ، قوله باذان الخ عبارته فی الخزائن اجمع مما هنا ونصها: ویکره تکرار الجماعة فی مسجد محلة باذان واقامة الا اذا صلی بهما فیه او لا غیر اهله او اهله بمخافة الاذان ولو کرر اهله بدونها اوکان مسجد طریق جاز اجماعًا کما فی مسجد لیس له امام ولا مؤذن ویصلی والناس فیه فوجا فوجا الخ والمراد بمسجد المحلة ما له امام =

دریک مسجد دو جماعت: سوال: (۵۳۷) اینجا بخاطری افطاری روزه به مسجد نان آورده میشود باذان شام افطار میشود وخوردن شروع میکنند که درآن اکثر مردم پائین می نشینند وروزه را افطار میکنند بعد از آذان باتوقف ده (۱۰) دقیقه جماعت استاده میشود وبرخی از حضرات بالای چت افطار میکنند هرنماز خوان از افطار با اطمینان فارغ میشود ودر جماعت شامل میشود ولی حضرات بالای چت درجماعت شامل نمیشوند وقیتکه درپائین جماعت شد پس حضرات چت جماعت دوم میکنند آیا این جائز است یانه؟

جواب: بهتر اینست که درجماعت اول داخل شوند ودروقت جماعت درخورد ونوش مصروف نشوند إلا بضرورة وبرای مردم پائین مناسب است که اندکی دیگر توقف کنند تاهم مردم باطمنان چیزی خوراک نمایند ودر جماعت شامل شوند. [1] فقط

انتظار یک نماز خوان چطور هست: سوال: (۵۳۸) یک شخصی است برخی اکثر ازشب وروز او درمسجد میگذرد اگر گاهگاه وی در وقت نماز بیرون ازمسجد درکار شخصی خود قسمی مشغول شود که هیچ فکر وقت معین نماز نیابد، درحالیکه در مسجد نماز باساس حساب ساعت به وقت معین ادا میشود وهمه مردم به مسجد آمدند ووقت مقرر نماز نیز شد پس آیاخبر ساختن بار دوم این شخص بعد از آذان ضرور است یا نه؟ ودر انتظار وی تأخیر نمودن جماعت صحیح است یانه؟ وبدین تاخیر در جماعت کدام نوع کراهیت میآید یا خیر؟

جواب: درحالت ذکر شده در خبر کردن دوباره هیچ باکی نیست واگر به سبب وي ویا کسی دیگری باین اندازه تاخیر در جماعت کرده شود که وقت مکروه نشود وبه دیگران تکلیف نباشد پس درآن نیز حرجی نیست [2]. فقط

اگر دروقت جماعت سنت میخواند امام انتظارش را بنماید یانه: سوال: (۵۳۹) نماز پیشین دوبجه خوانده میشود سه دقیقه به دوبجه باقی بود که شخصی نیت سنت را بست ودر رکعت سوم بود که دو بجه پوره شد آیا درین صورت برای امام اجازه این قدر تاخیر هست ویانه

= وجماعة معلومون الخ ومقتضى هذا الاستدلال كراهة التكرار فى مسجد المحلة ولو بدون الاذان (رد المحتار باب الامامة مطلب فى تكرار الجماعة فى المسجد ج۱ ص۵۱۶، ط.س. ج۱ ص۵۵۲) الا فى مسجد على طريق فلاباس بذلک) (در مختار) هو مالیس له امام ومؤذن، راتب (رد المحتار باب الاذان ج۱ ص ۳۶۷، ط.س. ج۱ ص ۳۹۵) ظفیر

(۱) ویکره تکرار الجماعة الخ فى مسجد محلة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص۵۱۶، ط.س. ج۱ ص۵۵۲) ظفیر

(۲) والتثویب حسنٌ عندالمتاخرین الخ وینتظر المؤذن الناس الخ عالمگیریه ج ۱ ص ۵۴، ط. ماجدیه ج۱ ص۵۶. ظفیر

که آنشخص چهار رکعت را پوره کند؟

جواب: بلی بآن اندازه اجازه هست [۱]. فقط

بسبب عذر مجال ترک نمودن نماز جماعت هست یا خیر: سوال: (۵۴۰) پیوسته به خانهٔ زید یک مسجد هست که درآن پنج وقت اذان میشود ودر بعض وقت ها درمسجد نمبر دشنام زدن نیز میاید جماعت کننده گان بالکل احترام مسجد رانمی نمایند زید تعلیم یافته از مسئله ها باخبر هست لکن بخاطر ادای نمازبه جماعت به مسجد نمی آید ازطرف زید دروقت اعتراض چنین جواب داده میشود که چون آداب واحترام مسجد مراعات نمیشود واز مسجد تفریح گاه جور شده وبه فهماندن نیز مردم ازحرکتهای باز نمیآیند بدین سبب من نماز خواندن درخانه رابهتر میدانم بعضی مردم میگویند که به تارک جماعت باندازهٔ زنا بامادر گناه حاصل میشود وایا این درست است؟ ویا ازچنین انسان اصلاً نمازش نمیشود؟

جواب: اگر نیت زید خالص باشد ودرحقیقت به دلایل مذکوره نماز را درخانه میخواند پس ممکن عند الله ازگرفت خداوند نجات یابد. بهر حال احتیاط درین است که در مسجد باجماعت نماز بخواند واین گفتار بعضی مردم که گناه ترک نمودن جماعت طوریست که بهمراه مادرخود زنا نماید غلط هست تارک جماعت بدون عذر گنهکار میشود ونمازش میشود واگر یک عذر درست باشد ویا امام مبتدع وفاسق باشد پس باترک نماز جماعت گنهکار نمیشود اگر چه اشتراک درجماعت بهتر است.

بسبب تکبر ترک نمودن جماعت روا نیست: سوال: (۵۴۱) یک شخص ازمدت زیادی باینسو امام مسجد هست هیچ کار خلاف شریعت نمیکند پس کدام شخصیکه درعقب همین نماز نمیخواند به سبب تکبر که من ازین امام عالم بهتر هستم علمم که زیاد نیست ولی اعمالم ازامام مسجد بهتر هست یعنی من هیچگاه تحیة المسجد راترک نه نموده ام وامام چند مرتبه ترک نموده ومن نوافل زیاد میخوانم پس این شخص جماعت راترک میکند وتنها نماز میخواند.

جواب: برای شخص مذکور ترک نمودن جماعت بخاطر سبب ذکر شده درست نیست وعذر

---

(۱) فتسن او تجب الخ علی الرجا ل العقلاء البالغین الاحرار القادرین علی الصلاة بالجماعة من غیر حرج (در مختار) فبالحرج یرتفع الاثم ویرخص فی ترکها الخ فی نور الایضاح وانقطع عن الجماعة العذر من اعذارها وکانت نیته حضورها یحصل له ثوابها صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة (درمختار) افادان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد. ردالمحتارباب الامامة ج۱ ص ۵۱۸، ط.س. ج۱ ص ۵۵۱. ظ

وی غلط هست ودرشامی هست که: برای ترک کننده بدون عذر جماعت جزا داده میشود وشاهدی وی مردود هست: کما نقل عن شرح المنیة والاحکام تدل علی الوجوب من ان تارکها بلا عذر یعزر وترد شهادته [۱] الخ. فقط

رفتن زنان به عیدگاه برای نماز: سوال: (۵۴۲) برای زنان رفتن به عیدگاه برای نماز بمثل مردان درست است یا نه؟

جواب: درین زمانه بلکه ازبسیار قبل رفتن زنان به عیدگاه جهت اشتراک درنماز ممنوع ومکروه است در زمانۂ صحابه کرام این کار منع شده بود کما وردْ فی الحدیث [۲] در درمختار هست که: ویکره حضورهن الجماعة ولو لجمعة او عید او وعظ الخ [۳].

ازواج مطهرات درجماعت شریک میشدند یانه؟ سوال: (۵۴۳) ازواج مطهرات رضی الله عنهن ومستورات خواص صحابه رضی الله عنهم درجماعت نمازهای پنجگانه وجمعه وعید اشتراک میکردند ویا نه؟

جواب: درزمانۂ رسول اکرم ﷺ زنان در نمازهای پنجگانه وجمعه وعیدها حاضر میشدند ولی بمثل مردها پابند نبودند وبعد ازنزول ایۂ حجاب درآن بسیار سختی شد حتی که حضرت عمر رضی الله عنه زنان را ازنماز خواندن درمسجد منع کردند پس زنان درحضور حضرت عائشه شکایت کردند که رسول الله ﷺ اجازه فرموده اند وعمر رض منع میکند پس حضرت عایشه (رض) دفاع از زنان را نه نمود بلکه تائید حضرت عمر (رض) را فرمود وگفت: اگر رسول الله ﷺ حالت زنان را مشاهده مینمود که فعلاً هست پس حتماً انها را منع میفرمودند. [۴] فقط.

درجماعت دوم شرکت کرده شود یانه: سوال: (۵۴۴) جماعت دوم مکروه هست وقتی شخصی به مسجد قریه برسد وجماعت دوم آماده باشد ویا استاده باشد پس شریک شود ویا به مسجد دیگری برود که گمان شرکت در جماعت درآن باشد برود؟

جواب: به مسجد دیگر برود ویا اگر میشود بهمراه مردمان دیگر درجای دیگری جماعت نماید.

---

(۱) رد المحتار، باب الامامة ج ۱ ص ۵۱۶، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۲. ظفیر

(۲) ببیند مسلم شریف را باب خروج النساء الی المسجد صفحه ۱۸۳ جلد ۱ ومشکوة باب الجماعة. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ج۱ ص ۵۲۹، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۶. ظفیر

(۴) عن عمرة بنت عبدالرحمٰن انها سمعت عائشة زوج النبی ﷺ تقول لو ان رسول الله ﷺ رای ما احدث النساء لمنعهن المسجد کما منعت نساء بنی اسرائیل قال فقلت لعمرة انساء بنی اسرائیل منعن المسجد قالت نعم (مسلم باب خروج النساء الی المساجد ج۱ ص۱۸۳). ظفیر

[1] فقط.

وقت تکبیر او از کجا تا کجا است: سوال: (۵۴۵) ثواب تکبیر اولی تاکدام وقت میباشد؟

جواب: تا شامل شدن در رکوع رکعت اول ثواب تکبیر اولی حاصل خواهد شد کما فی الشافی. وقیل بادراک لرکعة الاولی وهذا اوسع وهو الصحیح، شامی صفحه (۳۵۳) جلد ۱ فقط.

درجماعت ازسر کرده شده شرکت نمودن فرض ادا میشود یانه: سوال: (۵۴۶) وقتی نماز با جماعت خوانده شد ودرچیزی نقصان سرزد که بهمراه آن اعادهٔ نماز ضرور هست حالان که کدام نماز دوباره خوانده میشود نماز گذار نو در آن شریک شده میتواند ونماز خود را خوانده میتواند یا نه؟

جواب: اگر در دفعهٔ اول بالکل نماز نه شده بود مثلا باطل شده بود پس نماز خوانان جدید دروقت اعاده نماز ادا میشود. واگر سبب ترک کدام واجب اعاده نماز واجب بود پس نماز اشخاص نوگذار نخواهد شد. [2] فقط

درکدام جائیکه امام ومؤذن تعین نباشند درآنجا جماعت دوم روا است یانه؟ سوال: (۵۴۷) در مساجد این جا عموماً نه اوقات جماعت مقرر هست ونه امام ومؤذن تنها دروقت شام به تعداد مردها میآیند پس درین مسجدها جماعت دوم روا است یانه؟

جواب: در مسجدیکه امام ومؤذن وجماعت تعین نباشد جماعت دوم جائز هست. [3] فقط

با مخالفت به بدعتیها در جماعت امام سابق فرقی میآید یانه: سوال: (۵۴۸) اگر یک شخص از پانزده یا بیست سال باینسو دریک مسجد امام باشد برخی ازمردم بخاطر نفسانیت ویا بسبب اختلاف درعقاید درحالیکه امام متبع سنت است خارج کنند واین گروه بدعتیها جدید وبدون این گروه همهٔ مقتدیها به امام راضی هستند وگروه بدعتیان باساس ضد امام دلخوا خودرا

---

(۱) وإذا فاتته الجماعة لا يجب عليه الطلب في مسجد آخر بلا خلاف بين أصحابنا لكن إن أتى مسجدا آخر ليصلي بهم مع الجماعة فحسن وإن صلى في مسجد حيه فحسن وذكر القدوري أنه يجمع في أهله ويصلّي بهم. (عالمگیری مصری فصل فی الامامة ص ۷۷ ج۱، ط. ماجدیه ج۱ ص ۸۲، ۸۳) ظفیر

(۲) والمختار انه جابر للاول لان الفرض لایتکرر (درمختار) ای الفعل الثانی جابر للاول بمنزلة الجبر بسجود السهو وبالاول یخرج عن العهدة وان کان علی وجه الکراهة علی الاصح کذا فی شرح الاکمل علی اصول البزدوی. (ردالمحتار باب صفة الصلوٰة مطلب واجبات الصلوٰة ج۱ ص۴۲۶، ط.س. ج۱ ص ۴۵۷) ظفیر

(۳) ویکره تکرار الجماعة باذان واقامة فی مسجد محلة لا فی مسجد طریق اومسجد لا امام له ولا مؤذن (الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۶ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۲) ظفیر

استاد مینمایند وبجای امام اول جماعت میکنند، بعد از آن امام سابق جماعت میخواند آیا نماز امام سابق درست است یانه؟ واگر دریک وقت امام نو وسابق باقرائت جهری جماعت میکنند پس نماز کی میشود ونماز چه کسی نمیشود؟

جواب: جماعت امام سابق بدون کراهیت درست هست وآن جماعت دوم نیست، بلکه گناه بی اتفاقی به دوش این فرقهٔ بدعتیها هست، وبالای امام انها هست وجماعت آنها معتبر نیست دریکجا ادا کردن دو جماعت نیز گناه است بالای امام نو ومقتدیهای بدعتی آن در جماعت امام سابق هیچ کراهیت نیست [1].

جماعت دوم جائز است یانه؟ وبعد ازجماعت نماز جداگانه درمسجد بهتر است یا درخانه با جماعت:

سوال: (٥٤٩) جماعت دوم در مسجد جائز است یانه وبعد ازادا کردن نماز جماعت نماز جداگانه در مسجد ادا کردن بهتر است ویا در جنگل ویا خانه به جماعت ادا کردن نماز بهتر است؟ ودرجنگل ویاخانه گفتن اذان واقامت بهتر هست یانه؟ ادا کردن جماعت دوم برسقف مسجد ویا بالای حوض مسجد ویا در کدام اطاق ریزه گگ دیگر جائز است یانه؟

جواب: درجنگل ویاخانه نماز با جماعت بهتر است: درجنگل یاخانه اذان وتکبیر کردن بهتر است، تنها تکبیر کردن نیز کافی است واگر درخانه میخواند پس اذانیکه در مسجد شده همان کافیست تنها تکبیر بگوید درمیان صحن مسجد که کدام حوض است ویا سقف مسجد همهٔ در حکم مسجد است. بلی در اطاقک وغیره بیرون هست دران جماعت دوم جائز است. [2] فقط

اگر کدام شخص قبل از آمدن امام نماز بخواند آن نماز در حکم جماعت نیست:

سوال: (٥٥٠) اگر امام یک مسجد در وقت صبح نا وقت میآید، یک مقتدی وقتی میاید واو درنماز جهراً قرائت میخواند ویک نماز خوان جاهل بهمراه این مقتدی شریک نه میشود بلکه انتظار امام را مینماید این کاروی روا است یانه؟

---

(١) ولوصلّی بعض اهل المسجد باقامة وجماعة ثم دخل المؤذن والامام وبقية الجماعة فالجماعة المستحبة لهم والكراهة للاولى كذافي المضمرات. عالمگیری مصری باب ثانی في الاذان ص ٥١ ج١، ط ماجدیه ج١ ص٥٤) ظفیر

(٢) قال عليه الصلاة والسلام صلوة الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة، مشكوٰة ص ٩٥ ثم انهما سنة للصلوات الخمس اداء اوقضاءً اذا صليت بجماعة. كبيرى ص ٣٥٧، ولا يكره تركهما لمن يصلي في المصر إذا وجد في المحلة ولا فرق بين الواحد والجماعة والافضل أن يصلي بالأذان والإقامة وإذا لم يؤذن في تلك المحلة يكره له تركهما ولو ترك الأذان وحده لا يكره ولو ترك الإقامة يكره ويكره للمسافر تركهما وإن كان وحده ولو ترك الإقامة أجزأه ولكنه يكره فإن اذن واقام فهو حسن. عالمگیری ص ٥٢ مطبوعه هند، ماجديه ج١ ص٥٤. ظفير

جواب: جماعت نخست آنست که امام محله بهمراه مردم محله اداء میسازد پس به این نماز گذار نادان لازم است که انتظار جماعت امام محله را بکند. [۱] فقط

وقتی امام مقرر شده بسبب نه آمدن مقتدی تنها نماز خواند چه حکم دارد: **سوال**: (۵۵۱) یک مسجدیکه از ابادی فاصله داشته باشد وبدین سبب اکثرا درین مسجد جماعت نه میشود پس آیا بالای خالد (که امام مقرر هست) درین صورت درانجا بانماز خواندن گناه ترک جماعت نخواهد بود؟

جواب: درین صورت بالای خالد گناه ترک نمودن جماعت نیست بلکه هرگاه کسی نه آید پس خالد اذان واقامت نماید وتنها نماز بخواند وباین عمل برای وی ثواب جماعت حاصل میشود وحق مسجد نیز ادا میشود. [۲]

در وقت یک جماعت جماعت دیگر روا است یانه: **سوال**: (۵۵۲) درمسجد وَقتی جماعت اهل حدیث ادا میشود ونماز نیزجهریست آیا درین وقت برای حنیفها روا است که جماعت دیگر بکنند یانه؟

جواب: غیر مقلد را امام ساختن مناسب نیست واگر امام شد نماز درعقب وی روا است اما احتمال کراهیت وفساد هست جماعت جدا گانه درهمین مسجد مناسب نیست، اگر جماعت دیگر میخواند درجای دیگر بخواند [۳] فقط.

کسیکه جماعت رانه یافت وی درکدام جا نماز بخواند: **سوال**: (۵۵۳) برای منفردیکه جماعت دست نداد برای وی ادا کردن فرض او در مسجد بهتر است ویا در خانه؟

جواب: اگر بیرون از مسجد جماعت میشد بهتر است [۱] ورنه جاي بهتر برای ادای فرایض مسجد هست: فی روایة أنس أن أصحاب رسول الله ﷺ کانوا إذا فاتتهم الجماعة فی المسجد صلوا فی المسجد فرادی [۲] الخ شامی.

---

(۱) لو صلّی بعض اهل المسجدباقامة وجماعة ثم دخل المؤذن والامام وبقية الجماعة فالجماعة المستحبة لهم والكراهة للاولی. (عالمگیری مصری. باب الاذان ص ۵۱ ج ۱، ط: ماجدیه ج۱ ص٥٤) ظفیر

(۲) بل فی الخانية لولم يكن لمسجد منزله مؤذن فانه يذهب اليه ويؤذن فيه ويصلي ولوكان وحده لان له حقا عليه فيؤديه (رد المحتار. باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها، مطلب فی احكام المسجد ص ٦١٧ ج ۱. ط.س. ج۱ ص ٦٥٩) ظفير

(۳) دراصل جماعت امام مقرره معتبر است: ولو صلّی بعض اهل المسجد باقامة وجماعة ثم دخل المؤذن والامام وبقية الجماعة فالجماعة المستحبة لهم والكراهة للاولی كذافی المضمرات (عالمگیري مصری باب ثاني اذان ص ۵۱ ج ۱ ط: ماجدیه ج۱ ص٥٤) ظفير

منع کردن کسیکه ازوی خطر مختل ساختن امن وامان وفساد باشد ازجماعت چه گونه هست:

سوال: (٥٥٤) اگربه واسطهٔ یک نماز خوان درامن خلل واقع میگردد واندیشهٔ شر وفساد باشد ویابه عموم نماز خوانان بگونهٔ تکلیف واذیت میرسد پس آیا منع کردن این شخص از جماعت بخاطر حفظ امنیت وانسداد شر وفساد خلاف شریعت است؟

جواب: شخصیکه درحفظ امنیت خلل اندازی میکند وباعث شر وفساد میباشد وبه عموم مردم نماز گذار ضرر وتکلیف میرساند وعمل کرده اوموجب مصروفیت میباشد، منع کردن آن مطابق قانون شریعت هست، احادیث آثار وگفتارهای فقهاء به این حکم واضح دلالت میکنند. رسول الله ﷺ خورندهٔ سیرخام پیاز را از مسجد منع کرده، بلکه از مسجد اخراجش نموده، همچنان آنحضرت ﷺ آن زن را که عطر استعمال کرده باشد ازخوف فتنه از آمدن به مسجد منع کرده همچنان آنحضرت ﷺ دربارهٔ آنانیکه ازپیش روی نماز خوان تیر میشود که دران احتمال آمدن فرق در خشوع وخضوع نماز گذار هست اگر چه نماز نمیشکنا، فرموده است: ادرءوا ما استطعتم فلیدفعه فان ابیٰ فلیقاتله فانما هو شیطان، ونحو ذالک، همچنان آنحضرت ﷺ آن شخص را که در مسجد بسوی قبله تف کرده بود از امامت دور کرد واورا مؤذی خدا ورسول گفت وعبد الله ابن مسعود مردمانی را که درمسجد جمع شده بودند وبآواز بلند درذکر ورد مشغول بودند بدعتیها گفت واز مسجد بیرون شان ساخت، وفقهاء نیز تصریح کرده اند: کسیکه سیر خام وپیاز خورده باشد وهمچنان گنده دهن، که ازدهن وی بوی خراب بیرون میشود، وجذامی ومبروص یعني مریض پیس، وماهي فروش، وهرچیز ضرری اگر چه آن به زبان ضرر میرساند منع نمودن از آمدن به مسجد ضرور هست بگونهٔ نمونه ملاحظه نمائید چند روایات وعبارت محدثین وفقهاء را:

عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ من اكل هذه الشجرة فلایقربن مسجدنا ولایؤذینا بریح الثوم، رواه مسلم. وعن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال انکم ایها الناس تاکلون شجرتین لا اراهما الاخبثین هذا البصل والثوم رأیت رسول الله ﷺ اذا وجد ریحها من الرجل فی المسجد امر

---

(١) انه علیه الصلوٰة والسلام كان خرج لیصلح بین قوم فعاد الی المسجد وقدصلی اهل المسجد فرجع الی منزله فجمع اهله وصلی.. (ردالمحتار باب الامامة ص ٥١٨ ج ١، ط.س. ج١ ص ٥٥٣) ظفیر

(٢) ردالمحتار. باب الاذان مطلب فی كراهة تكرارالجماعة فی المسجد ص٣٦٧ ج١، ط.س. ج١ ص٣٩٣. ظفیر

به فاخرج الی البقیع فمن اکلها فلیمتها طبخاً. رواه مسلم، نووی درشرح مسلم مینویسد که: فلا یقربن المساجد هذا تصریح بالنهی عن اکل الثوم ونحوه عن دخول کل مسجد وهذا مذهب العلماء کافة. (۱) وحافظ ابن حجر درفتح الباری مینویسد: والحق بعضهم بذلک من بفیه بخر او جرح او رائحة، وزاد بعضهم فالحق اصحاب الصنائع کالسماک والعاهات کالمجذوم، ومن یؤذی الناس بلسانه، (۲) الخ ، وعن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ ایما امرة اصابت بخوراً فلا تشهد معنا العشاء الآخر رواه مسلم. (۳) وعن ابی سعید قال قال رسول الله ﷺ لایقطع الصلوٰة شیئ وادرءوا ما استطعتم فانما هوشیطان رواه ابوداود. (٤) وعن ابی سعید قال قال رسول الله ﷺ اذا صلی احدکم الی شیئ یستره من الناس فاراد احد ان یجتاز بین یدیه فلیدفعه فان ابی فلیقاتله فانما هو شیطان. رواه البخاری (۵) ، وعَنْ أَبِي سَهْلَةَ السَّائب بْنِ خَلَّادٍ هُوَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ رَجُلًا أَمَّ قَوْمًا فَبَصَقَ فِي الْقِبْلَةِ وَرَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْظُرُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ فَرَغَ لَا يُصَلِّي لَكُمْ فَأَرَادَ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يُصَلِّيَ لَهُمْ فَمَنَعُوهُ وَأَخْبَرُوهُ بِقَوْلِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ نَعَمْ وَحَسِبْتُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّكَ آذَيْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ. ابوداود. (٦) ، عن ابن مسعود رضی الله عنه انه سمع قوما اجتمعوا فی مسجد یهللون ویصلون علیه والسلام جهراً فراح الیهم وقال ما عهدنا ذلک علی عهده علیه الصلاة والسلام وما اراکم الا مبتدعین فما زال یذکر ذلک اخرجهم من المسجد. رواه الطبرانی. در درمختار امده: "واکل نحو ثوم یمنع عنه وکذلک مؤذ ولو بلسانه. آه ، اوپه رد المحتار کی دی: وَكَذَلِكَ أَلْحَقَ بَعْضُهُمْ بِذَلِكَ مَنْ بِفِيهِ بَخَرٌ أَوْ بِهِ جُرْحٌ لَهُ رَائِحَةٌ، وَكَذَلِكَ الْقَصَّابُ وَالسَّمَّاكُ، وَالْمَجْذُومُ وَالْأَبْرَصُ أَوْلَى بِالْإِلْحَاقِ. وَقَالَ سَحْنُونٌ لَا أَرَى الْجُمُعَةَ عَلَيْهِمَا وَاحْتَجَّ بِالْحَدِيثِ وَأَلْحَقَ بِالْحَدِيثِ كُلَّ مَنْ آذَى النَّاسَ بِلِسَانِهِ وَبِهِ أَفْتَى ابْنُ عُمَرَ وَهُوَ أَصْلٌ فِي نَفْيِ كُلِّ مَنْ يَتَأَذَّى بِهِ، آه ونحو ذلک فی مجالس الابرار وغیره. (۷) فقط والله تعالی اعلم.

---

(۱) مسلم باب نهی من اکل ثوما اوبصلا الخ عن حضور المسجد ص ۲۰۹ ج ۱ وص ۲۱۰ ج ۱. ظفیر

(۲) شرح نووی علی مسلم ص ۲۰۹ج۱ . ظفیر

(۳) فتح الباری شرح صحیح البخاری. ظفیر

(٤) مشکوٰة باب الجماعت ص ۹٦. ظفیر

(۵) مشکوٰة باب الجماعة ص ۹٦. ظفیر

(٦) مشکوٰة باب المساجد ومواضع الصلوٰة فصل ثالث ص ۷۱ . ظفیر

(۷) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ص٦٦۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص ٦٦۱. ظفیر

اگر جدا ازجماعت کدام نماز ادا شود، میشود یانه: **سوال:** (۵۵۵) اگر جماعت ازدست رفت وکدام شخص بسبب عدم علاقه به جماعت درجماعت شامل نشود ونماز خود را تنها خواند نماز او شد یانه؟

جواب: نماز او شد اما این مرد گنهکار وفاسق شد [1].

وقتی جماعت استاد بود جماعت دیگر ایستادن چطور هست: **سوال:** (۵۵۶) بکر به مسجد وقتی رسید که نماز جماعت شام استاد بود وهمراه خود یکمرد دیگر را یکجا کرد ونماز شام رابه صدای بلند آغاز کرد مردم ازبکر پرسیدند او جواب داد که عقب این امام نماز نه میشود زیرا که وی در روز جمعه فاتحه نمیخواند دربارهٔ بکر چه حکم است؟

جواب: درین حالت بکر سخت گنهکار وفاسق مقصر وتفرقه انداز هست که مخالفت جماعت را مینماید ودرمیان مسلمانان اختلاف میاندازد.

بالای سقف حجره مسجد جماعت کردن: **سوال:** (۵۵۷) اگر درماه مبارک رمضان به سبب گرمی بالای بام حجره جماعت شود جائز است یانه؟

جواب: نماز میشود ولی ثواب مسجد حاصل نخواهد شد [2].

سوختاندن خانه تارک جماعت جائز نیست: **سوال:** (۵۵۸) (۱) این فتاوی صادر نمودن که کسی درخانه نماز میخواند به مسجد نه میمآید حکم است که به خانه اش اتش زده شود چه طور هست؟

این گفتار که درخانه نماز خواندن کبیره است چه طور هست: **سوال:** (۵۵۹) این گفتار که درخانه نماز خواندن کبیره است چه طور هست؟

جواب: (۱) بیشک درحدیث تهدیداً چنین آمده که رسول الله ﷺ فرمود که من اراده کرده بودم که خانهٔ کسانیرا که به نماز نه میآیند بسوزانم لکن بخاطر بسبب زنها وطفلها چنین نکردم [1] الخ ازین اشکارمیشودکه حالا آتش زدن روانیست زیراکه انحضرت ﷺ نیزآتش نه زده بود.

---

(۱) مشکوٰة باب المساجد ومواضع الصلوٰة فصل ثالث ص ۷۱ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ص۶۶۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۶۶۱. والجماعة سنة مؤكدة للرجال، قال الزاهدی ارادوا بالتاکید الوجوب (درمختار) ان هذا یقتضی الاتفاق علی ان ترکها مرة بلا عذر یوجب اثما الخ وقال فی شرح المنیة والاحکام تدل علی الوجوب من ان تارکها بلا عذر یعزر وترد شهادته ویاثم الجیران بالسکوت عنه. (ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۲) ظفیر

جواب: (۲) مواظبت کردن قصدی به ترک جماعت بدون عذر گناه کبیره وموجب فسق است، لیکن اگر اتفاقا یک ویادو دفعه جماعت ترک شد گناه کبیره نیست [۲] فقط.

باران وخنک سخت عذر هست یانه: سوال: (۵۶۰) (۱) اگر امام یا مقتدی در روز باران وسردی زمستان گاه گاه درجماعت شریک نشود آیا این عذر کافی است برای ترک جماعت؟

انتظار امام یا مقتدی درست است یانه؟ سوال: (۵۶۱) (۲) هرگاه وقت جماعت تعین شده بود آیا انتظار کردن به امام یا مقتدی باندازه پنج دقیقه درست است؟

جواب: (۱) دربرخی صورتها سردی شدید وباران عذر شده میتواند برای ترک نماز جماعت.

جواب: (۲) هرگاه دروقت گنجایش موجود است انتظار کردن درست است. [۳] فقط

وقتی درحرم شریف جماعت اول پیدا نشد پس آیا درجماعت دوم شریک شود یانه:

سوال: (۵۶۲) اگر درحرم شریف جماعت شافعی میسر نشد آیا خواندن نمازبه تنهای درمسجد شریف بهتراست ویا درجماعت مالکی یا حنفی شریک شدن بهتر است در جماعت ثانیه نماز خواندن بدون کراهیت روا خواهد بود یا نه؟

جواب: خلاصهٔ پرسش این است که اگر بکسی درمسجد حرم محترم جماعت اول پیدا نشد آیا درجماعت دوم مالکی وحنبلی وحنفی شریک شود یانه؟ حالا در اینجا دو مسئله پیش آمد یکی اینکه اقتدا کردن به صاحب مذهب دیگر که نماز بجماعت ادا شود بهتر است ویا به تنهائي نماز خواندن بهتر است؟ پس درین مسأله اختلاف فقهاء است برخی نماز با جماعت رابهتر میدانند اگر چه امام از مذهب دیگر باشد یعنی شافعي وغیره باشد. پس قوی درین مسئله این هست که نماز خواندن باجماعت بهتر است ازنماز تنهائی چنانیکه علامه شامی بعد از نقل کردن اختلاف فرموده است: فتحصل الی الاقتداء بالمخالف المراعی فی الفرائض افضل من الانفراد اذا لم یجد غیره والا فالاقتداء بالموافق افضل [۴] الخ ومسئله دوم این است که وقتی درحرم شریف جماعت های متعدد ادا میشود اگربه کسی جماعت اول دست نداد پس شامل شدن درجماعت دوم وسوم

---

(۱) ولمرته تظهر فی الاثم بترکها مرة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۴) ظفیر

(۲) قال ان رسول الله ﷺ علمنا سنن الهدی وان من سنن الهدی الصلٰوة فی المسجد الذی یؤذن فیه (مشکوٰة باب الجماعة) ظفیر

(۳) فلاتجب (الجماعة) علی مریض الخ ولاعلی من حال بینه وبینها مطر وطین وبردشدید وظلمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۹ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۵). ظفیر

(۴) رد المحتار باب الامامة مطلب فی الاقتداء بشافعی ونحوه ص ۵۲۷ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۳. ظفیر

وچهارم جائز هست ویا نه؟ وجماعت ثانیه درحرم شریف روا است ویا خیر؟ وشریک شدن در جماعت دویم بهتر است ویا به تنهائي نماز خواندن بهتر هست؟ درین مسئله نیز اختلاف هست اکثر محققین جماعت دوم وسوم وغیره را درحرم شریف نیز مکروه را میدانند، به نزد آنها آشکار هست که نماز تنهائي از شریک شدن درجماعت دوم بهتر است بمثلیکهٔ حکم مساجد دیگری محله وقریه میباشد. وبعضی علماء میفرمایند که: حکم مسجد حرم شریف به مثل حکم مساجد قریه نیست بلکه مانند مسجد بالای راه است درانجا جماعت دوم درست است، بدین گونه علامه شامي بعد ازنقل کردن قول محققین که دربارهٔ انکار جماعت ثانیه ازآنها منقول شده، فرموده است: لکن یشکل علیه ان نحو المسجد المکی والمدنی لیس لهم جماعة معلومون فلایصدق علیه انه مسجد محلة بل هو کمسجد الشارع وقد مرّ انه لا کراهة فی تکرار الجماعة فیه اجماعًا فلیتامل [1] الخ وبعد ازآن علامهٔ موصوف جواز راترجیح داده لکن درحقیقت قول محققین که قائل عدم جواز هست راجح معلوم میشود. زیرا تعین امامها ومؤذنها درحرمین شریفین معلوم است وجماعت را همیشه نماز خوان نیز معلوم است اگر چه درایام حج وزیارت جماعت نامعلوم ها اضافه شود: وعن هٰذا ذکرَ العلامة الشیخ السندی تلمیذ المحقق ابن الهمام فی رسالة ان ما یفعله اهل الحرمین من الصلٰوة بائمة متعدة وجماعة مترتبة مکروه اتفاقًا ونقل عن بعض مشائخنا انکاره صریحًا حین حضر الموسم بمکة سنة ۵۵۱ هـ منهم الشریف الغزنوی وذکر انه افتی بعض المالکیة بعدم جواز ذٰلک علی مذهب العلماء الاربعة ونقل انکار ذٰلک ایضًا عن جماعة من الحنفیة والمالکیة حضروا لموسم سنة ۵۵۱ هـ آهـ. واقرة الرملی فی حاشیة البحر [2]. ثم نقل العبارة المذکورة سابقًا اعنی لکن یشکل علیه الخ وقد مرّ الجواب عنها. فقط

بعد ازجماعت آیا به یکدرجه جدا جدا نماز خوانده میشود: سوال: (۵۶۳) مشهور است که هرگاه بعد از ادا شدن جماعت نماز دیگر دو شخص به مسجد برای ادای نماز بیاید پس هردوی شان جدا جدا دریک درجه نماز خوانده نه میتوانند ونماز شان نمی شود هرکدام در درجه جدا نماز بخواند ودر نمازهای باقی چنین روا است این درست است یانه؟

جواب: چیزیکه مشهورهست غلط هست مثلیکه درنمازهای باقی وقتی جماعت میسر نشود وسه

(۱) رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعت فی المسجد ص ۵۱۷ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۳. ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعت فی المسجد ص۵۱۷ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۳. ظفیر

چهار شخص پسانترا بیایند ودر یک درجه نماز خوانده میتوانند همچنان درهر وقت کرده میتوانند هیچ سبب فرق نیست.

درابتداء اقامت استاده شدن امام ومقتدی چه مصلحت دارد: **سوال:** (٥٦٤) این تعامل جاری است که در ابتداء اقامت ملا ومقتدی استاد میشود در این چه مصلحت هست؟

جواب: آن مصلحت بخصوص اینست که از احادیث معلوم میشود که قبل ازقبل صف ها برابر کرده شود پس به (حی علی الفلاح) مقتدیها استادند وبه (قد قامت الصلاة) امام تکبیر تحریمه گفت بمثلیکه از روایت کتابهای فقه معلوم میشود پس ازقبل انتظام برابر کردن وغیره صفوف نخواهد شد درحالیکه بسیار مهم است وامر استادن به (حي علي الفلاح) استحبابی هست ودران تأویل نیز شدهٔ میتواند این طور که ازین تأخیر نه کند ودر تقدیم هیچ حرج نیست [1] فقط.

ایا با شریک شدن شیعه درجماعت سنی ها کدام نقص پیدا میشود: **سوال:** (٥٦٥) اگر درجماعت کدام شیعه درمیانه استاد شود ونماز بخواند نماز سُنیها میشود یا خیر؟ ویا منع کردن وی لازم هست یانه؟

جواب: درین صورت درنماز سُنیها کدام نقص وخلل نخواهد بود لکن برای اینده به این رافضی گفته شود که یا از مذهب خود توبه نماید ورنه به جماعت مسلمانان نه آید واورا مسلمانان در قبرستان خود گور نکنند فقط.

کسیکه نماز جماعت را ازدست داد اوبه تنهائی درمسجد نماز بخواند ویادر خانه جماعت نماید: **سوال:** (٦١٥) نماز جماعت ازشخصی فوت شد ایا وی درمسجد تنها نماز بخواند ویا درخانه با جماعت نماز بخواند؟

جواب: اگر درخانه نماز باجماعت ممکن بوده باشد پس این بهتر وافضل هست وچرا چنین نخواهد بود درحالیکه این از رسول الله ﷺ مروی هست بمثلیکه در رد المحتار نقل کرده است. [2] فقط

---

(١) عن النعمان بن بشير رضی الله عنه قال: كان رسول الله ﷺ يسوي صفوفنا حتى كانما يسوي بها القداح حتى رأى انا قدعقلناعنه ثم خرج يوما فقام حتى كاد ان يكبرفرأى رجلا باديا صدره من الصف فقال: عباد الله لتسون صفوفكم أو ليخالفن الله بين وجوهكم". رواه مسلم، وعن انس قال اقيمت الصلاة فاقبل علينا رسول الله ﷺ بوجهه فقال اقيموا صفوفكم وتراصوا الخ (مشكوٰة باب تسوية الصف ص ٩٧ وص ٩٨). ظ

(٢) ولنا انه ﷺ كان خرج ليصلح بين قوم فعاد الى المسجد وقد صلى اهل المسجد فرجع الى منزله فجمع اهله وصلى. (رد المحتار . باب الامامة ص ٥١٨ ج١، ط.س. ج٢ ص ٥٥٣). ظفير

درمسجد جماعت دوم وجمعه دوباره: **سوال**: (۵٦۷) یک شخص بجهت ضد درین مسجد نمازهای پنجگانهٔ خود را ونماز جمعه را میخواند جماعت دوم وجمعه دوباره چطور هست؟

جواب: خواندن نماز با جماعت درمسجد قریه مکروه ایست ودوباره خواندن نماز جمعه درهمان مسجدیکه نماز جمعه خوانده شده باشد جائز نیست: والظاهر انه یغلق ایضاً بعد اقامة الجمعة لئلا یجمع فیه احد بعدها، شامی [1] پس کسیکه به سبب ضد چنان میکند سخت گنهکار است.

بخاطر فسق ملا نماز درخانه: **سوال**: (۵٦۸) به فکر اینکه درعقب امام فاسق نماز مکروه است درخانهٔ خود ویا درمسجد قبل ویا بعد از جماعت تنها نماز میخواند. آیا جائز هست ویا ناجائز؟ وبه تنها خواندن تارک جماعت گفته میشود یانه؟

جواب: در درمختار هست: وفي النهر عن المحيط: صلى خلف فاسق او مبتدع قال فضل الجماعة [2] بالای این عبارت علامه شامی نوشته هست: قوله قال فضل الجماعة الخ أن الصلاة خلفهما أولى من الإفراد الخ پس اشکار شد که ازنماز انفرادی بهتر این است که در جماعت مذکوره شریک شود.

اشتراک مهتر درنماز جماعت: **سوال**: (۵٦۹) یکمردی ازقوم مهتر بدون مسلمان شدن اگر درجماعت نماز شریک میشود آیا شریک کردن ضرور است یانه او برادری خود را ترک نه میکند؟

جواب: وی را از شریک شدن درجماعت بند نه سازید، نه شود که در وعید: وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللهِ اَنْ یُّذْکَرَ فِیْهَا اسْمُهٗ [3] داخل شوید وی وقتی میخواهد درنماز وجماعت داخل شود که دردل او اسلام باشد ودرقوم مهتر بعضی مسلمانها نیز میباشد غالباً وی نیز شاید از کسانی باشد که مسلمانان اند.

درجای اباد نه شده شهر نماز واذان: **سوال**: (۵۷۰) یک مسجد درجنگل کنار دریاب واقع است وآباد نیست ودرآن کسی نماز نه میخواند اگر کدام شخصی ازشهر وقریه دران سکونت کند وپنج وقت باگفتن اذان واقامت نماز میخواند پس برایش ثواب جماعت حاصل خواهد شد

(۱) ردالمحتار باب الجمعه تحت قول الماتن وافاد ان المساجد تغلق یوم الجمعة الا الجامع ص ۷٦٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۱۵۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعه تحت قول الماتن وافاد ان المساجد تغلق یوم الجمعة الا الجامع ص ۷٦٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۱۵۷. ظفیر

(۳).سورة البقره رکوع ۱۴. ظفیر

یانه؟ ودرحق وی درین مسجد جداگانه نماز خواندن بهتر است ویا به سبب ترک کردن جماعت گنهکار میشود؟

جواب: باخواندن نماز با اقامت واذان درین مسجد نیز برایش ثواب جماعت حاصل میشود، وآباد ساختن این مسجد از بین رفته بخاطر بعضی دلائل افضل هست وتفصیل این موضوع در کتابهای فقه نوشته شده. [۱]

بسبب تجارت ترک نمودن جماعت: سوال: (۵۷۱) زید تاجر هست وبالای مزدور ورفیق دیگر خود اعتماد کرده نمیتواند که کاروبار خود رابه وی بسپارد او باین مردم سودای خودرا بگذارد وبخاطر ادای نماز جماعت به مسجد برود واگر چنین کند فکرش پراگنده میشود حالا درین باره برای زید چه حکم هست آیا وی در دوکان نماز خواند ویابه مسجد برود؟ زیرا در رفتن به مسجد بسیار تکلیف کردن هست؟

جواب: اگر اندیشۀ نقصان بود ومسدود ساختن دوکان مشکل بود این مرد دردوکان نماز بخواند کما فی الشامی: قوله وخوف علی ماله ای من لص ونحوه اذا لم یمکنه غلق الدکان والبیت مثلا [۲] فقط.

تارک جماعت: سوال: (۵۷۲) کدام شخصیکه بهمراه برپا شدن جماعت شدن درمسجد تنها نماز میخواند ودرجماعت شریک نه میشود حکم آن چیست؟ باین عمل کفر لازم میشود یانه؟

جواب: کفر لازم نمیشود ولی آن مرد فاسق است توبه نماید: إن تارکها (ای الجماعة) بغیر عذر یعزر وترد شهادته ویاثم الجیران بالسکوت عنه. غنیة المستملی ص ۴۷۵.

به سبب جنگ با امام ترک کردن جماعت: سوال: (۵۷۳) یک شخص بهمراه امام جنگ نموده است این شخص نماز باجماعت را ترک نموده وقتی که نماز شروع شود وی تنها نماز شروع میکند این شخص گنهکار هست یانه؟

جواب: درچنین حالت رها کردن جماعت وتنها نماز خواندن سخت گناه است این ادم گنهکار خواهد شد. [۳]

---

(۱) مؤذن مسجد لایحضر مسجده احدا قالوا هو یؤذن ویقیم ویصلی وحده وذلک احب من ان یصلی فی مسجد أخر (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۵) ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۱۹ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۳. ظفیر

(۳) ان تارکها (ای الجماعة) من غیر عذر یعزر وتردشهادته ویاثم الجیران بالسکوت (غنیة المستملی ص ۴۷۵) ظفیر

<u>بعد از دور دادن یک سلام درجماعت شریک شدن نیست</u>: سوال: (۵۷۴) بعد ازیک طرف سلام گفتن امام زید تکبیر تحریمه گفت ودر جماعت شامل شد نمازیش صحیح شد یانه؟

جواب: فی الدر المختار: وتنقطع التحریمة بتسلیمة واحدة [۱] الخ پس در صورت مذکوره اقتداء درست نه شد واو ازسر تکبیر بگوید وتنها نماز بخواند.

<u>چرا درمکه مکرمه چهار جای نماز هست</u>: سوال: (۵۷۵) چرا درمکه مکرمه چهار جای نماز برپا شده؟ ودرانجا تعدد جماعت چه حکم دارد؟

جواب: درین موضوع اختلاف علماء است بمثلیکه درشامی نقل کرده لاکِن در آخیر آن فرموده: که درمسجد حرام جماعات متعدد مکروه نیست [۲] فقط.

<u>شرح مسجد قارعة الطریق</u>: سوال: (۵۷۶) جماعت دوم چه حکم دارد ومقصد ازمسجد قارعة الطریق چیست؟

جواب: مراد ازمسجد قارعة الطریق این هست که درآن جماعت دوم مکروه نیست ودرمسجد محله جماعت دوم مکروه است. [۳]

<u>جذامی درجماعت شریک شده میتواند یانه</u>: سوال: (۵۷۷) شریک شدن مرد جذامی درجماعت متاسب است یانه ومردمان دیگر را نفرت کردن مناسب هست یاخیر؟

جواب: جمعه وجماعت ازجذامی ساقط هست بدین سبب وی بجماعت نیاید پس به جذامی ضرورر نیست که درجماعت شریک شود وکسانیکه ازمرد جذام زده جدا میباشند وخود را ازوی نگاه میکنند بالای آنها هیچ ملامتی نیست زیرا که حکم گریز کردن وحمایه کردن از وی را رسول الله ﷺ فرموده فقط.

<u>دریک مسجد جماعت میسرنه شد آیابه مسجد دیگوی برود</u>: سوال: (۵۷۸) اگر دریک مسجد جماعت پیدا نشد به مسجد دیگر بخاطر گیر کردن جماعت رفتن چطور هست؟

جواب: اگر در یک مسجد جماعت شده بود ودرمسجد دیگر امید یافتن جماعت بود پس رفتن

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ط. س. ص ۴۹۰ ج ۱. ظفیر

(۲) ویکره تکرار الجماعة الخ (درالمختار) وعن هٰذا ذکر العلامة الشیخ رحمة الله السندی تلمیذ المحقق ابن الهمام ان مایفعله اهل الحرمین من الصلوٰة بائمة متعددة وجماعات مترتبة مکروه اتفاقا ونقل عن بعض مشائخنا الکاره صریحاً الخ وقد مر انه لاکراهة فی تکرار الجماعة فیه اجماعاً (ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۱۷ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۲) ظفیر

(۳) قال فی الشامی ومقتضی هٰذا الاستدلال کراهة التکرار ولوبدون اذان الخ شامی ص ۵۱۶ ج۱. ظفیر

به مسجد دیگر وبا جماعت نماز خواندن بهتر وموجب ثواب هست درسلف اکابر أمت چنان میکرد که دریک مسجد جماعت میشد به تلاش جماعت به مسجد دیگر میرفتند [1] فقط.

سرعت در جماعت: **سوال**: (۵۷۹) زیدامام یک مسجد هست وبرادرش مؤذن است، ومسجد جامع است، نماز خوانان بسیار جمع میشوند، اصولی راکه امام ومؤذن وضعه نموده اند خلاف نماز گذاران هست، وآن اینکه مؤذن اذان داد امام صاحب حاضر شد، باندازهٔ چهار رکعت درنگ کرد درین وقت معین ممکن نیست اگر ده (۱۰) یا دوازده (۱۲) قیقه درنگ شود همه نماز گذاران یکجا خواهند شد لحظهٔ بعد ازآن مردم جمع شدند ویک جماعت بسیار بزرگ باجماعت نماز میخوانند به امام صاحب نیز گفته شد که پانزده دقیقه انتظار بکند که همه نماز گذار جمع شوند ولی وی از کار خود دست نمی کشد. درین صورت این امام چه حکم دارد؟ وجماعت دوم را چه حکم است؟

جواب: برای امام ومؤذن باین اندازه سرعت مناسب نیست، هرگاه دراوقات نمازها توسعه وفراخی است هیچ سبب چنین چالاکی نیست، وانتظار نماز گذار ضروریست، این کارها (یعنی فراغت از استنجاء وغیره) درظرف نیم ساعت شده میتواند ورعایت کردن نماز گذاران ضرور است، ودرین خودنشی وانتظار نکردن مردم محله برای امام بجای ثواب اندیشهٔ گنهکار شدن هست [2] مردم محله وی را دور کرده میتوانند برای مردم محله ونماز گذاوان مناسب است که اگر امام این چالاکی راترک نه نماید او را بند کنند وامام دیگر مقرر کنند جماعت دوم مکروه است آنرا هرگز نکنید وانتظار امام را بکشید فقط.

اول از صحرا گشت فارغ شود باز نماز بخواند: **سوال**: (۵۸۰) زید که صبح خیست اگر بخاطر صحرا گشت کلان به بیت الخلاء میرود نمازش قضاء میشود آیا نخست ازبیت الخلاء فارغ شود ویا نماز بخواند؟

جواب: نخست قضاء حاجت نماید باز نماز را قضائی بخواند [3] فقط.

---

(۱) ولوفاته ندب طلبها في مسجد أخر الا المسجد الحرام ونحوه (درمختار) فلايجب الطلب في المساجد بلا خلاف بين اصحابنا بل ان اتى مسجدا للجماعة فحسن وان صلى في مسجد حيه منفردا فحسن الخ وردالمحتار. باب الامامة جلد اول ص۵۱۸، ط.س. ج۱ ص۵۵۵). ظ

(۲) ويجلس بينهما بقدرمايحضر الملازمون مراعيالوقت الندب الافي المغرب فيسكت قائما قدر ثلاث أيات قصار ويكره الوصل (الدرالمختار على هامش ردالمحتار. باب الاذان ص ۳۶۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۳۸۹) ظفير

(۳) فلاتجب (الجماعة) على مريض الخ اومدافعة احد الاخبثين (الدرالمختار على هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۹ و ۵۲۰ ج ۱ =

به سبب نه داشتن استعداد مقرر نمودن امام بند کردن جماعت در مسجدها چطور هست: **سوال:** (۵۸۱) اگر دریک شهر بسیار مساجد باشد ونماز گذار کم باشد درهر مسجد طاقت مقرر کردن امام را ندارند اگر باشرکت مردم محلهٔ متصل دریک مسجد مقرر نمایند ومساجد دیگر راترک نمایند دریک مسجد به جماعت بهمراه امام مذکور نماز بخوانند چه حکم دارد؟

جواب: بهتر این است که حتی الوسع همه مساجد را آباد بسازند ونماز گذاران کم کم درهمه مساجد نماز بخوانند دروقت مجبوریت که چه قسم امکان داشت همانطور کنند [1] فقط.

ترک نمودن مسجد درست نیست: **سوال:** (۵۸۲) نماز خواندن در حمامیکه ازچهار طرف درآن دود میباشد روا است یانه؟ مثلا ادا ساختن نماز چطور است؟ مسجد سابقه صرف درفاصله پانزده قدم هست در آن مسجد نماز نمیخواند بلکه ازمدت زمانی درآن نماز را معطل کرده چه حکم است؟

جواب: معطل کردن مسجد وویران کردن آن روا نیست اگر چه نماز در خانقاه بالای حمام روا است لکن ترک نمودن مسجد ودرین خانقاه نماز خواندن خوب نیست اباد کردن مسجد محله بالای مردم لازم است بدیت این کارکه مسجد راترک نماید وخواندن نماز در نزدیک حمامیکه جای یکجا شدن دود هست وبدون ضرورت لازم ساختن این کار بالای کسی مخفی وپُت نیست. [2]

بخاطر نگهداری خانه ترک نمودن جماعت: **سوال:** (۵۸۳) آیا ترک کردن نماز جماعت بدلیل نگهداری خانه گناه دارد؟

جواب: ترک نمودن جماعت وتارک شدن جماعت علی الدوام ازکبیره هااست وفسق ومعصیت

= ط.س. ج۱ ص ۵۵۵ و ۵۵۶) کره الخ وصلاته مع مدافعة الاخبثین اواحدهما او الریح للنهی (درمختار) الاخبثین ای البول والغائط قال فی الخزائن سواء کان بعد شروعه او قبله فان شغله قطعها ان لم یخف فوت الوقت وان اتمها اثم الخ (رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ص ۶۰۰ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۶۴۱) ظفیر

(۱) ومسجد حیه افضل من الجامع (درمختار) ای الذی جماعته اکثر من مسجد الحی الخ بل فی الخانیة لولم یکن لمسجد منزله مؤذن فانه یذهب الیه ویؤذن فیه ویصلی ولوکان وحده لان له حقا علیه فیؤدیه (ردالمحتار. باب مایفسد الصلوٰة مطلب احکام المسجد ص ۶۱۷ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۵) ظفیر

(۲) ثم الاقرب الخ ومسجد حیه افضل من الجامع (درمختار) بل فی الخانیة لولم یکن لمسجد منزله مؤذن فانه یذهب الیه ویؤذن فیه ویصلی ولوکان وحده لان له حقا علیه فیؤدیه (ردالمحتار. باب مایفسد الصلوٰة مطلب احکام المسجد ص ۶۱۷ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۵) ظفیر

است اهتمام جماعت ضروریست.[۱]

مراعات کردن مرد شریر درجماعت: سوال: (۵۸۴) امام مسجد مراعات کسی راکرده میتواند یاخیر؟

جواب: فقهاء نوشته اند که امام دربعضی جاها مراعات مرد شریر رانیز کرده میتواند هرگاه از وی اندیشهٔ کدام فساد باشد.[۲] فقط

تأخیر درجماعت: سوال: (۵۸۵) دریک کوچه این منطقه ریزه (خورد) واری مسجد هست که درآن صرف پنج یا هفت نفر نماز خوان است درین مسجد پابندی جماعت اوقات پنجگانه هیچ نیست بصورت عموم دروقت اخیر نماز خوانده میشود که درآن بعض وقتها احتمال فوت شدن وقت میباشد، علی الاقل فضلیت جماعت حاصل نمیشود سلام نماز فجر درماه دسمبر وجنوري، سه، چهار دقیقه پیش از هفت گشتانده میشود وآن قتی هست که بگمان پرسنده که آفتاب از کنارهٔ اسمان معلوم میشود، سرخی وروشنی روز بصورت خوب آشکار میشود در جنتری (تقویم) رحمت الله رعدکانپوری درچهارده (۱۴) جنوری سنه ۱۹۱۸ شش بجه وچهل وشش دقیقه آفتاب برأمد نوشته شده ونماز ظهر اکثرا دو بجه ویا سه چهار دقیقه بالا دو بجه خوانده میشود وکم ازدو بجه بسیارکم خوانده میشود درین صورت پرسنده که میخواهد دروقت اول نماز بخواند اگر با جمع شدن نماز گذاران نماز خود را تنها بخواند چطور است؟

جواب: مطابق جنتری موجوده ومعموله مدرسه ها یعنی ربلوی تایم که دران به چهارده (۱۴) جنوری آفتاب برآمد رابه هفت بجه وبیست ویک (۲۱) دقیقه درج نموده بلکه ازسه جنوری تا هژده (۳ – ۱۸) همین وقت برامدن آفتاب هست واین جنتری (تقویم) تصدیق شده وتجربهٔ آن ازهمان سالها است. ووقت اول نماز عصر از چهارده جنوری (۱۴) سیزده دقیقه بالای چهار بجه میباشد وپیش پیش ازین موافق مذهب امام ابوحنیفه وقت آخر نماز پیشین میباشد. پس کدام ساعتیکه موافق ربلوی تایم هست درآن اگر درجنوری تا هفت بجه نماز فجر خوانده شود پس تا این وقت خواندن نماز صبح نیز خوب هست، همچنان تا دوبجه ویا پاو بالا دوبجه وقت نماز

---

(۱) والجماعة سنة مؤكدة للرجال الخ وقيل واجبة وعليه العامة الخ قال في البحر وهو الراجح عند اهل المذهب الخ ثمرته تظهر في الاثم بتركها مرة الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۰، ط.س. ج۱ ص ۵۵۲) ظفير

(۲) ولبس المحلة لاينتظر مالم يكن شريرا والوقت متسع (الدر المختار على هامش ردالمحتار. باب الاذان ص ۳۷۲ ج۱ . ط.س. ج۱ ص ۴۰۰). ظفير

ظهر نیز خوب هست. در حالیکه ترک نمودن جماعت هرگز صحیح نیست وواضح باد که بنزد احناف خوب اسفار یعني روشنی کردن درنماز صبح بهتر است. هکذا فی ردالمحتار [1] فقط.

در وقت دور دادن سلام گشتاندن تکبیر تحریمه ودرجماعت شریک شدن: سوال: (۵۸۶) زید تکبیر تحریمه گفت وامام سلام گستاند وزید هیچ همراه امام درقعده شریک نه شد حالا برای زید گفتن دوبارهٔ تکبیر لازم است ویا تکبیر تحریمه قبلی کافیست؟

جواب: وقتی مکمل تکبیر تحریمه یعنی الله أکبر را پیش از گشتاندن سلام امام گفته است وی درجماعت شریک شد وبالای وی گفتن دوباره تکبیر تحریمه لازمی نیست: قال فی الحلیة عند قول المنیة: ولا دخول فی الصلاة الا بتکبیر الافتتاح، شامی.

امامت درغیاب امام معین: سوال: (۵۸۷) درفتاوی رشیدیه هست که اگر چند نفر در وقت معین درعدم موجودیت امام با جماعت نماز خواندند، امام معین باز بدون کراهت جماعت کرده میتواند وثواب جماعت به جماعت دوم میرسد نه به اول الذکر ولی در درمختار که کدام جا شرائط لزوم کراهت امام اعظم وامام ابو یوسف رابیان کرده درآن جا شرط تعین وقت ویا امام هیچ نیست درین صورت چه شود وشرعاً چه حکم هست؟

جواب: صراحت آن درشامی هست که اگر جماعت قبلی راغیر اهل مسجد کردند درین صورت جماعت دوم مکروه نیست بلکه درین حالت جماعت دوم معتبر است وجماعت قبلی را هیچ اعتباری نیست یعني اینکه مردم مسجد حق جماعت کردن را دارند اگر چه ثواب جماعت به جماعت کننده گان اولین نیز حاصل خواهد شد عبارت آن این هست: عبارته فی الخزائن اجمع مما ههنا ونصها ویکره تکرار الجماعة فی مسجد محلة باذان واقامة الا اذا صلی بهما فیه اولا غیر اهله [2] الخ واز عبارات دیگران نیز این مفهوم میشود: ویؤیده ما فی الظهیریة ولو دخل جماعة المسجد بعد ماصلی فیه اهله یصلون وحدانا وهو ظاهر الروایة [3] شامي. درین عبارت به قید غیر اهله جماعت مردم غیر أهالی مسجد بیرون شد همچنان درباب الاذان هست: وحینئذ فلو دخل

---

(۱) یستحب الاسفار بالفجر لقوله ﷺ: اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر (هدایه کتاب الصلٰوة باب المواقیت ص ۷۸ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۳۶۶) . حضرت مفتی صاحب حواله جنتری دیوبند را داد وسوال از کانپوری هست بدین سبب مناسب است که در دانپوری به شش ونهم بجه جماعت ختم شود. ظفیر

(۲) ردالمحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۱۶ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۳. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۱۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۳. ظفیر

جماعة المسجد بعد ما صلی اهله فیه فانهم یصلون وحدانا الخ، معلوم شدچیزیکه درفتاوای رشیدیه هست درست است.

بسبب خوف فساد ترک کردن جماعت مسجد درست است یانه: سوال: (۵۸۸) یک مؤسس مسجد امام مسجد رالت کرد ودشنامش داد بدین سبب بیست نفر مسلمان در خانه نماز جمعه وجماعت را ادا میکنند آیا این روا است یانه البته بخاطر ترس ازفتنه وفساد؟

جواب: درین حال درخانه جمعه وجماعت کردن درست است.

جماعت کردن زنها درتراویح مکروه است: سوال: (۵۸۹) یک زن حافظ قران است اگر این زن میخواهد کلام ربانی را درتراویح بخواند ایا جماعت زنان شده میتواند یانه؟

جواب: جماعت زنان مکروه تحریمی است کردنش مناسب نیست.[۱]

ثواب نماز تنهائی درخانه زیاد است یا درمسجد: سوال: (۵۹۰) زید در مسجد نماز تنها میخواند وبکر در خانه نماز میخواند درثواب هر دو کدام فرق است؟

جواب: کدام شخصی که درمسجد نماز جماعت را ترک مینماید وعادتش نماز خواندن درخانه است وبه ترک کردن جماعت اصرار میکند فاسق است در احادیث آمده که نبی ﷺ فرموده اند: اگر فکر طفلها وزنان نه میبود من خانه های آنانی راکه بخاطر جماعت به مسجد نمی آیند مي سوختاندم پس کسیکه به مسجد میآید وتنها نماز میخواند ومراعت جماعت را نه میکند وبه عادت خود جماعت را ترک مینماید ویا درخانه عادت تنها خواندن راداشته باشد وجماعت راترک مینماید هردو فاسقان اند وهردو مرتکب کار حرام اند، درباره این هردو که فلانی زیاد ثواب دارد وفلانی ندارد گفته نمیشود هردو گنهکار است بالای هردو لازم است که پابندی جماعت را بکند ونه درخانه تنها نماز بخواند ونه درمسجد اگر بسبب مجبوریت اتفاقا جماعت فوت شود سخن جدا است.[۲]

فضیلت نماز خواندن در جنگل برای یک نفر است ویا برای جماعت؟ سوال: (۵۹۱) (۱)

---

(۱) ویکره تحریماً جماعة النساء ولوفی التراویح فی غیر صلوٰة جنازة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۸ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵٦۵) ظفیر

(۲) قال محمدفی الاصل اعلم ان الجماعة سنة مؤكدة لایرخص الترک فیها الا بعذر مرض اوغیره الخ ففی الغایة قال عامة مشائخنا انهاواجبة الخ وفی البدائع تجب علی العقلاء البالغین الاحرار القادرین علی الجماعة من غیر حرج انتهٰی، والادلة تدل علی الوجوب الخ وكذا الأحكام تدل علی الوجوب من ان تاركها من غیر عذر یعزر وترد شهادته ویاثم الجیران بالسكوت عنه. (غنیة المستملی فصل فی الامامة ص ۴۷۴) ط

کدام فضیلتی که درباره نماز خواندن درجنگل آمده آیا برای تنها خوان است ویا همراه جماعت؟ واین روشن است که جماعت خواندن درجنگل بسیار مشکل هست؟

جماعت دوم مکروه تحریمی است ویا تنزیهی: سوال: (٥٩٢) (٢) درجماعت دوم کراهت تحریمی است یا تنزیهی ومرتکب مکروه تحریمی کنندۀ کبیره است یاصغیره؟

درمکان سکونت جماعت دوم مکروه است یانه؟ سوال: (٥٩٣) (٣) خواندن جماعت دوم ویاسوم درخانه سکونت مکروه است یانه؟

إمام درمحراب چگونه استاد شود: سوال: (٥٩٤) (٤) درمحراب مسجد برای امام چگونه استاده شدن مناسب است، اگر بالکل در داخل استاد شود مکروه تحریمی است یا تنزیهی با کشیدن کدام اندازه قدم استاد شود؟ بهمراه حوالۀ کتابها تحریر نمائید.

جواب: (١) نماز خواندن درجنگل فضیلت دارد ومقصد آن این نیست که از مساجد زیاد هست، ازحدیث شریف خیر البقاع یعني بهتر درجاها بودن ثابت است [1] بلکه مقصد این است که هرگاه کدام شخص درجنگل باشد ووقت نماز بیاید پس درآنجا نماز بخواند واگر بسیار مردم بود جماعت نمایند واگر تنها باشد تنها بخواند به هرحال فضیلت حاصل است. درشامی است: وروی في الخبر ان من صلی علی هیئة الجماعة أی بأذان واقامة ولو کان منفرداً صلت بصلاتة صفوف الملائکة الخ. [2]

جواب: (٢) قال في الشامي قوله: ویکره تکرار الجماعة الخ ای تحریماً لقول الکافي لا یجوز والمجمع لا یباح وشرح الجامع الصغیر انه بدعة الخ. شامی [3] ازین عبارت اشکار شد که در جماعت دوم کراهت تحریمه است.

جواب: (٣) مکروه نیست. [4]

---

(١) ولیس المحلة لاینتظر مالم یکن شریرا والوقت متسع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الاذان ص ٣٧٢ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٤٠٠) ظفیر

(٢) درمختار فصل في القراءة. قوله ولو منفرد ا لانه ان اذن واقام صلی خلفه من جنود الله ما لایری طرفاه رواه عبد الرزاق. (ردالمحتار باب الاذان ج١ ص ٣٦٩، ط.س. ج١ ص ٣٩٤) ظفیر

(٣) ردالمحتار مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد. باب الامامة ص ٥١٦ ج ١. ظفیر

(٤) ویکره تکرار الجماعة باذان واقامة فی مسجد محلة، لا فی مسجد طریق اومسجد لا امام له ولامؤذن (درمختار) ولنا انه علیه الصلٰوة والسلام کان خرج لیصلح بین قوم فعاد الی المسجد وقد صلی اهل المسجد فرجع الی منزله فجمع اهله وصلی الخ (رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعت فی المسجد ط.س. ج١ ص ٥٥٣) ظفیر

جواب: (٤) در درمختار هست: وقيام الامام في المحراب لا سجوده فيه وقدماه خارجه لان العبرة للقدم [١] الخ ازین معلوم شد که اگر پاهایش ازمحراب بیرون بود کراهیت باقی نه می ماند ودرشامی گفته است: وفي حاشية البحر للرمل الذى يظهر من كلامهم انها كراهية تنزيهية، فتامل ص نمبر: ٤٣٤، جلد اول. [٢]

درمیان یک جماعت تلاش جماعت دیگر: **سوال**: (٥٩٥) (١) مردی بنام زید باوجود آنکه جماعت بپایان نه رسیده بود تکبیر گفت وجماعت دوم راکرد واین جماعت راصرف باین سبب کرد که امام جماعت اولی غیر مقلد بود یعنی درین مسجد اهل حدیث امام هست وقتی نماز پایان یافت امام غیر مقلد به مقتدیهای جماعت دوم گفت شما نماز را اعاده کنید زیرا که نماز شما باین دلیل نشد که درحدیث شریف آمده: اذا أقيمت الصلاة فلا صلاة الا التى أقيمت، حالا سؤال اینست که درصورت ذکر شده بالا در روشنی این حدیث بطلان این نماز ثابت میشود ویا نه؟ نمازیکه قبل ازختم شدن جماعت اول شروع شده اگر ثابت میشود اعاده اش باجماع است ویا بدون جماعت واگر ثابت نه میشود پس دلیل عدم جواز دوجماعت یک فرض دریک مسجد ویک وقت چیست.

در دوران جماعت نماز جماعت کنندگان دیگر میشود یا نه: **سوال**: (٥٩٦) (٢) درصورت فوق قطع نظر به حدیث از نظر مذهب حنفی آن نماز شد یانه؟ نمازیکه قبل ازپایان جماعت اول شروع شده اگر شده بهمراه کراهت تحریمی ویا تنزیهی؟

ترک نمودن اقتداء: **سوال**: (٥٩٧) (٣) پرسش این است (الف) باوجود قسم خوردن شرعی به سبب رنجیدن شخصی ترک کردن زید اقتدا را (ب) تلاش جدائی جماعت در جماعت اول اشتراک نکردن وقبل ازختم ان شروع جماعت دیگر درنظر مذهب حنفی جائز است یانه؟

با دومرد جماعت میشود یانه: **سوال**: (٥٩٨) (٤) درمذهب حنفی بدون ازجمعه در نمازهای باقي با دو نفر جماعت میشود یانه؟

جواب: از (٥٩٥ – ٥٩٨) الفاظ حدیث شریف که درمسلم شریف روایت شده این است: اذا اقيمت الصلوة فلا صلوة الا المكتوبة [٢] ازین حدیث ممانعت این سخن ثابت است که هرگاه

---

(٣) قال رسول الله ﷺ اذا اقيمت لصلوة فلا صلوة الا المكتوبة، رواه مسلم (مشكوة. باب الجماعة ص٩٦) ظفير

(٢) قال رسول الله ﷺ اذا اقيمت لصلوة فلا صلوة الا المكتوبة، رواه مسلم (مشكوة. باب الجماعة ص٩٦) ظفير

تکبیر نماز گفته شود ونماز جماعت راشروع شود درین جماعت شرکت کردن مناسب است سنت ونفل وغیره خواندن مناسب نیست ولی بسبب احادیث دیگر امام ابو حنیفه رحمه الله صبح را مستثنی کرده اند درین وقت ضرورت به نوشتن آن نیست، بهر حال ازین حدیث بطلان نماز دوم آشکار نمیشود حاصل این حدیث تنها این هست که وقتی جماعت استاد شود نماز دیگر نخوانید نه اینکه نماز دیگر باطل خواهد بود این معنای حدیث نیست این غلطی این غیر مقلد هست که حکم بطلان نماز دیگر را کرده بلکه مناسب به وی این بود که بگوید: در دوران یک جماعت کردن جماعت دوم مناسب نه بود، این کار بد شد درآینده چنین مکن غرض اینکه اعاده نماز ضروری نبود مناسب نیست غیر مقلد را امام ساخت، زیرا مردمان غیر مقلد در احادیث همینطور خطا میکنند وبه نادانی به مردم مسائل غلط را نشان میدهند ودر عقائد آنها تضاد میباشد بدین سبب غیر مقلد را امام گرفتن مناسب نیست وازین بسیار احتیاط کردن ضرور است تعجب آور است که غیر مقلدین تقلید را شرک میگویند وحنیفها را مشرک میگویند واین حنفیان همین مردم را امامان نمازهای خود بگردانند چون درصورت سوال شده سوال درباره امام غیر مقلد هست لهذا جواب مضامین باقی دو (۲) سوالات ترک کرده شد که هرگاه امامت غیر مقلد درست نیست ودور کردن او ضرور هست پس در رابطه به آن ترک اقتداء زید هیچ بحث نشد.

(٤) میشود.[1] فقط والله اعلم

وقتی که بعد از اسلام اول در جماعت شریک شد چه حکم دارد: سوال: (۵۹۹) اگر یک شخص قبل از پایان یافتن سلام دوم وبعد از سلام اول درجماعت شریک شد برای وی ثواب جماعت حاصل خواهد شد یا نه؟

جواب: این شخص درجماعت شریک نه شد وثواب جماعت به وی حاصل نشد در درمختار هست: تنقضی قدوة بالاول[2]. الخ فقط

نماز درمسجد جورشده به حرام مال: سوال:(٦٠٠) یک زن رقاصه بعد ازنکاح به همسرش

---

(۱) واقلها ای الجماعة اثنان واحد مع الامام ولومميزا الخ في مسجداوغيره (درمختار) لحديث اثنان فما فوقهما جماعة (رد المحتار باب الامامة ص ٥١٨ ج ١ ، ط.س. ج١ ص ٥٥٣) ظفير

(۲) اوتنقطع به التحريمة بتسليمة واحد، برهان وقدمر (درمختار) حيث قال وتنقضي قدوة بالاول قبل عليكم الخ فلايصح الاقتداء به. بعدها لانقضاء حكم الصلاة (ردالمحتار مطلب في وقت ادراک فضيلة الافتتاح، ط.س. ج١ ص ٥٢٥) ظفير

مبلغ داد وی بآن مبلغ مسجد ساخت آیا درین مسجد نماز جائز هست ویا تنها درخانه نماز بخواند؟

جواب: درین مسجد نماز میشود واز نماز خواندن تنهائي درخانه باجماعت درین مسجد نماز خواندن باجماعت بهتر است.

الفصل الثانی
استحقاق امامت

در موجودیت امام کسی دیگری را امام ساختن: سوال: (٦٠١) امام بیرون درصحن است ومردم در داخل مسجد کسی دیگری را بدون اجازه امام به امامت کنند چطور هست؟

جواب: در موجودیت امام بدون ضرورت وبدون سبب شرعی امام ساختن دیگری خوب نیست کدام شخصی را که مردم امام ساخت در عقب آن نیز نماز درست است بمثلیکه در درمختار هست: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقًا وقال قبیله والخیار الی القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرهم ولو قدموا غیر الاولی اساءوا بلا اثم الخ. [1] فقط

یک شخص از جنابت تیمم کرد ودیگری از بی وضوئی درینها امامت کدام بهتر است:

سوال: (٦٠٢) دو شخص که درعلم وتقوی برابر بودند یکی از جنابت ودیگر از بی وضوئي امامت کدام یکی بهتر است؟

جواب: هر دویش یکسان معلوم میشوند. [2] والله اعلم

وقتی درحال بی وضوئی وجنابت جماعت داده شود چه کند: سوال: (٦٠٣) اگر یک امام درحال بی وضوئی ویا جنابت نماز داد علاج این نمازها چطور خواهد شد وقتیکه یادش نبود که کدام کدام نماز خوان بود وبآنها چه گونه اطلاع بدهد؟

جواب: در درمختار هست که اگر امام درحالت جنابت ویا درحالت بی وضوئي نماز داد بالایش لازم هست که به مقتدیها اطلاع بدهد [3] پس برای امام مذکور مناسب است که حتی الوسع

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۲) لهذا بواسطه قرعه (پشک) فیصله شود یا اکثریت قوم که کدام طرف بود: فان استووا یقرع بین المستوین او الخیار الی القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرهم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۸) ظفیر

(۳) کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب اوفاقد شرط اورکنٍ وهل علیهم اعادتها، ان عدل نعم والا ندبت. (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۵۳ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱) ظفیر

کدام مقتدیها ئي که برایش یاد است مطلع نه دادن به آنها باکی نیست، اگر باز برایش کدام وقت یاد شد انرا نیز اطلاع بدهد وامام مذکور نیز آن نماز را اعاده نماید وتوبه نماید وازین گناه استغفار بخواهد. فقط

بدون سبب شرعی نه خواندن نماز درعقب امام: سوال: (٦٠٤) این جا دو مخالف هست یک نفر بالای دیگر به ناحق تجاوز میکند فریق دوم طرفدار مظلوم شدند ومقدمه نظامی دائر کردند نزد مظلوم اندیشه پیدا شد اگر به ظالم جزا داده شود برای همیش من را اذیت خواهد کرد این مظلوم به امام مسجد گفت: اگر در آینده من را اذیت نمیدهد من وی را معافی میدهم امام مسجد ازآن ظالم اقرار گرفت برای آینده وقتی برای گروپ دوم آشکار شد که امام مسجد مخالف ما را از مقدمه خلاص کرد نماز خواندن را در عقب ملا ترک کردند آیا اینها مرتکب گناه شدند یا نه؟

جواب: درکتابهای فقه نوشته اند که: اگر امام قصور نداشت ومردم از اقتداء وی بد میبرند گناه بالای تارکین است واگر قصور در امام باشد پس برای امام مکروه است که امامت چنان مردمی را بکند که انها به امامت وی ناخوش باشند اما درصورت پرسیده شده خطاء امام نیست لذا همان گنهکار اند که از اقتداء به وی اجتناب میکنند، در آینده بر ایشان ضرور است در عقب همین امام نماز بخوانند. [1] فقط

اگر امام قرائت بهتر کرده نمیتواند انتظار قاری مناسب هست: سوال: (٦٠٥) اگر جماعت تیار بود وامام مقرر از قرائت معلومات نداشت یک قاری وضوء میکرد انتظار وی کرده شود یا نه؟

جواب: درین صورت انتظار قاری مناسب وبهتر است. [2]

اگر اکثریت به کدام سبب امام را عزل کنند: سوال: (٦٠٦) درمسجد جامع یک امام از هشت سال باینسو مقرر هست درین دوران یک جوان بی ریش بد معاشی کرد وبه ممبران شکایت کرد سرپرست مسجد وپانزده نفر ممبرها مشوره کردند که امام را دور کنند ودو ممبر

---

(١) لو ام قوماً وهم له كارهون انكان الكراهة لفساد فيه الخ كره له ذلك الخ وان هو احق لا والكراهة عليهم (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٢٢ ج ١، ط.س. ج١ ص ٥٥٩) ظفير

(٢) فتسن اوتجب الخ على الرجا ل العقلاء البالغين الاحرار القادرين على الصلاة بالجماعة من غير حرج (درمختار) فبالحرج يرتفع الاثم ويرخص فى تركها ولكن يفوته الافضل (ردالمحتار باب الامامة ص ٥١٨ ج ١، ط.س. ج١ ص ٥٥٤) ظفير

ونماز خوان طرفدار امام اند وری را دور نه میکنند شرعاً درین حال چه حکم داده میشود؟

جواب: فقهاء نوشته اند که: دور کردن ویا گرفتن امام باختیار مؤسس مسجد واولاده وی است اگر اکثر افراد قوم به امامت یک شخص راضی شدند وامام مقرر کردهٔ قوم اصلح باشد پس ان اصلح امام شده میتواند: قال في الدر المختار الباني للمسجد اولی من القوم بنسب الامام والمؤذن في المختار الا اذا عيّن القوم اصلح ممن عينه الباني الخ قوله الباني اولی وكذا اولاده وعشيرته أولى من غيره الخ [1] شامي. درین صورت سوال شده هرگاه اکثریت قوم امام سابق رابه سبب فسق وشرارت دور کردند وامام دیگری تعین کردند معتبر است ومعزول میشود وسرپرست اگر ازجانب وقف کننده باشد وبه موجب شرط اوباشد پس این سرپرست ویامتولی نیز قائم مقام شده میتواند. [2] فقط

دعوای امامت امام وانکار مقتدیان: سوال: (٦٠٧) اگر یک سجاده نشین خانقاه بخاطر سجاده نشینی خود دعوای امامت را کرد وزارثان دیگر که صاحب برادری وی ومقتدیان هستند امامت او را قبول نه کنند آیا دعوای امامت درست است یانه؟

جواب: درکتب فقه هست: زیادحقدار مقررکردن امام وغیره مؤسس ووقف کننده مسجد میباشد، واگر اونبود اولاد ودوستان او بسیارحقداراند، بعد ازان کسی را که مردم محله ومسجد مقرر کنند همان کس امام میشود، اگر سجاده نشین خانقاه از اولاد وقف کننده هست وبیشک وی حقدارد که امام وغیره رامقرر کند لاکن دوستان واقرباء دیگر وقف کننده نیز چنین حق دارند درین باره سجاده نشین کدام ترجیع وخصوصیت ندارد. [3] فقط

وقتی درامامت اختلاف بود ترجیح به کی بدهند: سوال: (٦٠٨) درمسجد قریه دونفر میگویند که شخص پشنهادی ما امام خواهد بود وافراد زیاد جماعت میگویند که کدام شخصی را که ما درنظر داریم امام خواهد بود؟

---

(١) اگر درقرائت امام کدام غلطی نبود که مفسد الصلاة وغیره بود حکما امام مقرره ازشخص دیگر افضل است: واعلم ان صاحب البيت ومثله امام المسجد الراتب اولى بالامامة من غيره مطلقا (درمختار) ای وان كان غيره من الحاضرين من اعلم واقرأ منه (ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٢ ج ١، ط.س. ج١ ص ٥٥٩) البته اگر امام بخوشحالی به این قاری اجازه امامت بدهد برایش اجازت هست وانتظار بهتر است. والله اعلم. ظفير

(٢) ردالمحتار، كتاب الوقف بعد مطلب من سعى في نقض ماتم ص ٥٧٣ ج ٣، ط.س. ج٤ ص ٤٣٠. ظفير

(٣) ولاية الاذان والاقامة لبانیْ المسجدمطلقا وكذا الامامة لوعدلا (درمختار) وفي الاشباه ولد الباني وعشيرته اولى من غيرهم وفي الوقف ان القوم اذا عينوا مؤذنا واماما وكان اصلح مما نصبه الباني فهو اولى (ردالمحتار. باب الاذان فروع ص ٣٧٢ ج ١، ط.س. ج١ ص ٤٠٠). ظ

جواب: افراد زیاد جماعت که کدام شخص را مقرر نمایند همان شخص امام خواهد بود: لأن الاعتبار للأكثر. [١] فقط

امامت غیر معزز: **سوال**: (٦٠٩) حق امامت بدون ازقوم معزز برای قوم دیگر هست یانه؟ چند نفر میگویند تنها مردان قومهای آتی امامت کرده میتوانند، قوم پیران، سیدها، مُغل، پشتون، ودر پشت قوم رذیل نماز روا شده نمیتواند وبرای انها حق امامت حاصل شده نمیتواند؟ اینسخن شرعاً درست است یانه؟

جواب: استحقاق امامت به هرآن مسلمان هست که اهلیت امام شدن رادارد، سپس به هر اندازهٔ که لوازمات امامت مثل مسائل علم، تجوید، قرائت صلاح وتقوی، درآن زیاد باشد بهمان اندازه وی بهتر والیق بالامامت تصور میشود [٢] به مثلیکه در درمختار وغیره است: والاحق بالامامة الاعلم باحكام الصلاة ثم للأحسن تلاوة للقراءة، ثم الأورع، الى أن قال ثم الأشرف نسبا [٣] الخ از این عبارت روشن شد که ان شخص امام شده میتواند که اهلیت آنرا داشته باشد واز غیر احق بالامامة واولی است ودرین حکم همه اقوام وکسبه کاران یکسان اند، البته اگر همراه شرافت علمی وغیره شرافت نسبی نیز باشد بسیار خوب وافضل است مثلا امام قریشی، سید، پیر علوي أنصاری باشد از دیگران بهتر است چنانچه مقصد جملهٔ أخیر ثم الاشراف نسبا هست، معلوم شد که گفتار کسانیکه میگویند: بدون شیخ، وسید وغیره پشت دیگران نماز نمی شود غلط است. هر قوم که باشد، خواه سید یا پشتون یاپیر وغیره یا جولا ونداف وحجام (دلاک) وغیره باشد که لائق امامت باشد درعقب آن نماز صحیح است، ودرین ها کسیکه زیاد عالم، زیاد قاری، زیاد پرهیزگار باشد وی زیاد حقدار امامت هست، همچنان کسیکه بهمراه موجودیت صفت علم، تجوید وتقوی اشرف است باعتبار نصب بهتر است از دیگران [٤] بنزد خداوند بسیار معزز کسی

---

(١) او الخيار الى القوم فان اختلفوا اعتبر اكثرهم ايضاً. باب الامامة ص ٥٢٢ ج١، ط.س. ج١ ص ٥٥٨) ظفير

(٢) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض وقيل واجب وقيل سنة (درمختار) وعبارة الكافي وغيره الاعلم بالسنة اولى الا ان يطعن عليه في دينه لان الناس لا يرغبون في الاقتداء به. (ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢١ ج١، ط.س. ج١ ص ٥٥٧) ظفير

(٣) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢١ ج١ . ظفير

(٤) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتناب الفواحش الظاهرة وحفظه قدرفرض الخ ثم الاحسن تلاوة وتجويدا الخ ثم الاسن ثم الاحسن خلقا الخ ثم الاحسن وجها اى اكثرهم تهجدا الخ ثم الاشرف نسبا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ٥٢٠، ٥٢١ ج١، ط.س. ج١ ص ٥٥٧) ظفير

است که بسیار پرهیزگار باشد کما قال الله تعالی: انَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ اَتْقَاکُمْ، [(١)] لکن بهمراه سعادت تقوی اگر شرافت نسبی نیز باشد پس نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ است لکن سبک شمردن کدام مسلمان وکدام کارگر درست نیست. انَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اخْوَةٌ را درین موقع باید یاد داشت. فقط

امامت عیدگاه: سوال: (٦١٠) یک شخص عیدگاه ساخت وخودش امام آن شد، چند سال بعد وی یک شخص دیگر را امام کرد وپشت آن نماز ادا کرد حالا امام نخست وفات کرد واو یک پسر دارد، درین حالت حق امامت را چه کسی دارد؟

جواب: حق امامت درین صورت برای بانی عیدگاه است.

امام کم علم باوجود عالم بزرگی امامت میکند: سوال: (٦١١) آیا با موجودیت عالم بزرگ دریکجا إمام مقرر بدون اجازه وی امامت کرده میتواند یانه؟ اگر نمیتواند آیا بدون اجازه نکاح خوانی چطور کرده میتواند؟

جواب: از روایات احادیث وفقه ثابت میشود که کدام شخص امام قریه ومسجد باشد در موجودیت او وخلاف رضای وی کسی دیگر امام نمیشود، وبرای نکاح خوانی شارع ﷺ قاضی نکاح خوان را معین ومقرر نه نموده بلکه این کار به اولیاء سپرده شده است، که تفصیل آن درکتابهای فقه موجود هست، قیاس کردن نکاح خوانی به امامت درست نیست فقط.

بهتر درمیان صاحب علم کم وعلم زیاد کدام هست: سوال: (٦١٢) یک شخص ازمسائل خوب معلومات دارد وشخص دیگر کم علم است درین هردو مستحق امامت کیست، نماز را در پشت کم علم بخوانند ویا بسیار علم درست کدام است؟

جواب: زیاد حقدار امامت آن شخص است که به مسائل نماز بسیار زیاد میفهمد لکن اگر در پشت صاحب علم زیاد نماز بخواند میشود. [(٢)]

درمیان دوشخص ذیل مستحق امامت کیست: سوال: (٦١٣) حق کامل امامت وغیره برای زید از طرف پدرش حاصل شد ودرزید هرگز سخن خلاف شریعت نیست، بلکه نهایت متقی

---

(١) سورة الحجرات : ٢. ظفير

(٢) الأولى بالإمامة أعلمهم بأحكام الصلاة . هكذا في المضمرات وهو الظاهر . هكذا في البحر الرائق هذا إذا علم من القراءة قدر ما تقوم به سنة القراءة هكذا في التبيين ولم يطعن في دينه الخ ويجتنب الفواحش الظاهرة وإن كان غيره أورع منه وإن كان متبحرا في علم الصلاة لكن لم يكن له حظ في غيره من العلوم فهو أولى الخ دخل المسجد من هو أولى بالإمامة من إمام المحلة فإمام المحلة أولى كذا في القنية. (عالمكيرى مصرى، كتاب الصلوة الباب الخامس فى الامامة الفصل الثاني ص ٧٠ ج١، ط. ماجديه ج ١ ص ٨٣) ظفير

وعالم قرآن وسنت است وقوم نیز به امامت زید خوش هست اگر حق چنین شخص با جبر سلب شود وخالد درموجودیت زید نمازهای پنجگانه وجُمعه را بدهد شرعا برای خالد امامت کردن ونماز خواندن مردم درپُشت او جواز دارد یانه؟

جواب: در درمختار هست: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب أولی بالامامة من غیره مطلقا ای وان کان غیره من الحاضرین من هو اعلم واقرأ منه [1] الخ. معلوم شد که درین صورت اولی بالامامت زید هست، ودر حالیکه زید سابق ومقرر شده قوم است امام جور شدن خالد ناجائز ومکروه است. لحدیث ابی داود: ولا یقبل الله صلاة من تقدم قوما وهم له کارهون، درمختار. [2]

آیا بعد ازامام همه پسرانش مستحق امامت هستند ویا کسی که مرد اورا مقرر کنند:

سوال: (۶۱۴) امام یک مسجد وفات کرد او پنج پسردارد درآنها یکی بالغ بود بقیه همه نابالغ بودند، مردم قریه با اتفاق برادر کالان را امام کردند واواز پانزده وشانزده سال به این طرف امامت میکنند حالا که برادران دیگر نیز بالغ وقابل امامت شدند وبالای برادر کلان دعوه میکنند که ما در امامت شریک هستیم اگر به مردم قریه برادران خورد بدون رضای برادر کلان نماز بدهد درعقب آنها نماز جائز است یانه؟

جواب: فقهاء تصریح فرموده اند که حق مقرر کردن امام از بانی ویا مردم قریه است مردم قریه که کسی را امام کردند وی امام شد، برای برادران خورد پس ازبلوغ حق دعوهٔ امامت به این دلیل که امامت از پدر ما بود نیست. البته اگر مردم قریه آنها را نیز لائق امامت ببینند ودر امامت شریک شان کنند درست است، رضای برادر کلان ضروري نیست ونماز عقب همه آنانیکه مردم قریه مقرر کرده اند بدون کراهیت درست است [3].

رخصتی کردن امام: **سوال**: (۶۱۵) اگر امام بهمراه گرفتن تنخواه گاه گاه از مسجد غیر حاضر شود چه حکم دارد؟

جواب: درجلدسوم شامی کتاب الوقف است: امام یترک الامامة لزیارة أقربائه فی الرساتیق أسبوعا

---

(۱) رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۲، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۳) وفی الاشباه ولد البانی اولی من غیرهم آه وسیجیئ فی الوقف القوم اذا عینوا مؤذنا اواماما وکان اصلح مما نصبه البانی فهو اولی. (رد المحتار، باب الاذان ص ۳۷۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۴۰۰) ظفیر

أو نحوه أو لمصيبة أو لاستراحة لابأس به ومثله عفو في العادة والشرع [1]، حاصل ان این هست که غیر حاضری امام برای ضروریات خود ویا راحت یک هفته یا قریب به آن یعنی کم از پانزده روز عادة وعرفاً وشرعاً جائز است. باز پیش رفته تصریح کرده که اگر درهمه سال هفته دو هفته غیر حاضر باشد معاف است، پس حکم صورت مسئوله را نیز ازین معلوم کردن لازم است، که گاه گاه غیر حاضري امام معاف خواهد بود.

امامت ارثي نيست: **سوال**: (۶۱۶) زید امام یک مسجد هست ومسجد پیوست به یک خانقاه بزرگ است مصارف این مسجد ازقبیل تیل وچراغ را سرپرستان مسجد به یکجائي مینمایند زید سجاده نشین این خانقاه مقرر است تاحال همه متولیان مسجد اورا امام ساخته بودند ودر پشت اونماز میخواندند حالا چودن دروی بهمه لحاظ برادری وشریعت خرابیهای زیاد پیدا شده، بدعتی نیز هست، واو همراه برادری خود بالکل ویران نموده که بسبب آن بسیار مقتدیان ازوی گشته وناخوش اند درپس او نه میخواهند که نماز بخوانند ودر برادری خود کسی دیگری راکه درعلم اززید بلند است وبدعتی نیز نیست امام میسازند حالا این سجاده امامت رامیراث خود میداند واورا نمیگذارد، ودرثبوت امامت خود قدامت سجاده بودن وحقوق را پیش میکند آیا حالا مقتدیهای سر پرست امام را تبد یل کرده میتواند یانه؟ عذر امام سابق شنیده میشود یانه؟

جواب: درامامت وراثت نیست بلکه حق مقرر کردن امام نخست به بانی مسجد واولاده واقرباء او است بعد ازان حق نماز گذاران وباشنده گان قریه است که آنها امام مقرر کنند، بلکه اگر بانی مسجد یک شخص را امام ساخت واو صلاحیت امامت رانداشت ومردم شخص زیاد لائق از او رامقرر کردند همان شخص امام خواهد بود کدامی راکه مردم تعین نموده اند: قال فی الدرالمختار: الباني للمسجد اولی من القوم ينصب الامام والمؤذن فی المختار الا اذا عيّن القوم اصلح ممن عينه الباني. [2] خلاصه این است که هرگاه امام سابق بدعتی شد ونماز گذاران مسجد ازوی ناراض بودند بسبب خرابی ودورکردن آن ومقررکردن لائق تر واگاه به مسائل نماز را تعین کردن [3] لازم است وامام سابق این حق را ندارد که درمقابل امام تعین شده ازطرف قوم خود را

---

(۱) ردالمحتار. کتاب الوقف. مطلب فی غيبة التی يستحق بها العزل عن الوظيفة وما لا يستحق ص ۵۶۴ ج۳، ط.س. ج ۴ ص ۴۱۹. ظفير

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. کتاب الوقف ص ۵۷۳ ج۳ ، ط.س. ج۱ ص ۴۳۰. ظفير

(۳) ويكره امامة الخ مبتدع (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۸ ، ۵۵۹) ظفير

حقدار امامت بداند.

بدون اجازۂ امام مقرر حق امامت راندارد: **سوال**: (۶۱۷) در یک مسجد که شخص اهل مقرر باشد ودر موجودیت اوکدام وقت شخص بهتر از او بیابد وچند نفر مسجد به او بدون اجازۂ امام مقرر اجازۂ امامت بدهند ایا این کار آنها جائز است یانه؟ واین یک سخن مسلم است که در میان مردم کدام شخص که صاحب فضیلت زیاد میباشد همان شخص مستحق امامت است آیا این استحقاق ذران مساجد نیز حاصل است که از پیش درآن امام مقرر باشد ودر همین وقت موجود باشد؟ واین شخص یا فضیلت ضرورت اجازه گرفتن ازامام مقرر را دارد یانه؟

جواب: درمسجد که کدام امام مقرر باشد ودر او اهلیت امامت باشد همین امام نسبت به امام دیگر زیاد مستحق امامت است اگر چه شخص دیگر افضل واعلم، زیات عالم، واقرأ، زیاد قاری باشد لکن اگر چند مقتدی آن شخص دیگر را امام ساختند باکی ندارد، دردرمختار وشامی است: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب اولٰی بالامامة من غیره مطلقا، قال الشامی قوله مطلقا ای وان کان غیره من الحاضرین من اعلم واقرأ منه وفی التاتارخانیة جماعة الضیاف فی دار یرید ان یتقدم احدهم ینبغی ان یتقدم المالک فان قدم واحدا منهم لعلمه وکبره فهو افضل [۱] الخ، از اخیر عبارت معلوم میشود که اگر بسیار با فضیلت شخص را کسي مقتدی خود بسازد باکی نیست لاکن بهتر این است که بدون اجازۂ امام مقرر شده امامت نشود. فقط واللہ اعلم

دوری امام غیر اصلح: **سوال**: (۶۱۸) عمرو میگوید که مهتمم مدرسه ویا سرپرست مسجد را اختیار کُلی است که تنخوا خوران اوقاف را بدون دلیل وسبب عذر شرعی از منصب امامت وتدریس دورنمایداگرچه انتخاب کننده گان سرپرست به این کارناروائی متولی اظهار ناخوشنودی میکنند واو را منع میکنند وعمرو در دلیل دعوۂ خود این عبارت شامی را پیش میکنند: ولم ار حکم عزله لمدرس وامام ولا لهما، اقول وقع التصریح بذالک فی حق الامام والمؤذن ولا ریب ان المدرس کذلک بلا فرق ففی لسان الحکام عن الخانیة اذا عرض للامام والمؤذن عذر منعه من المباشرة ستة اشهر للمتولی ان یعزله ویولی غیره وتقدم مایدل علی جواز عزله اذا مضی شهر، نیری، اقول هٰذا العزل لسبب المقتضی والکلام عندعدمه قلت وسیذکره الشارح عند المؤیدیة التصریح بالجواز لوغیرہ اصلح الخ، زید میگوید ازین عبارت نیز عذر شرعی ثابت است که شش

(۱) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

ماه یا یکجاه بدون رخصت ویا بدون مقرر نمودن قائم مقام امام ومدرس بخاطر سستی وتساهل حاضر نیستند که بسبب ان نقصان شدید میرسد این کدام عذر کم است ثبوت خارج کننده بدون عذر شرعی درکجا ست؟ وخود ضمیر عند عدمه راجع است به عزل (یعنی ای عند عدم العزل) وعبارت آخر خودش شاهد این سخن هست که متولی محض برای خود اختیار عزل کردن را ندارد درین حالت که حق به جانب هست؟

جواب: ازعبارت مذکوره وهمچنان از عبارتهای دیگر همین روشن میشود که بدون عذر شرعی متولی را اختیار عزل کردن مدرس وغیره نیست هان درشامی ازین عبارت که: وقلت وسيذكر الشارح عند المؤيدية التصريح بالجواز لوغيره اصلح. [1] این موضوع معلوم میشود که اگر از مدرس وامام موجود زیات لائق واصلح پیدا شود معزول کردن اول مقرر نمودن دوم که اصلح است درست است

امام تنخوا دار در حکم اجیر است: سوال: (۶۱۹) زید میگوید که امام مسجد نه اجیر است نه مزدور زیرا که برای وی از مال وقف وبیت المال تنخوا حاصل میشود وعمرو میگوید: که امام مسجد اجیر ومزدور هست درین هردو گفتار کد ام یکی صحیح است؟

جواب: کدام امامیکه تنخوا میگیرد دراجیر شدن او چیزی تأمل هست. فقهاء اجوره گرفتن به امامت راجائز نوشته اند وحاصل شدن تنخواه ازمال وقف مقتضی آن نیست که آن اجوره نباشد، وتنخواه دار اجیر نباشد. آیا اگر برای تعمیر وقف ازمال وقف کارکنان تعمیر مقرر شوند انها اجیر (گیرنده گان اجوره) نخواهد بود؟ قول عمرو درآن درست است فقط.

بدون اجازهٔ امام امام شدن شخص دیگر: سوال: (۶۲۰) باشنده گان قصبه یک شخص پابند روزه ونماز وصالح وعالم رابرای نمازهای پنجگانه وجمعه ها وعیدها وجنازه ها بصفت امام مقرر کردند امامیکه مسؤلیت خود رابرابر بانجام میرساند ولی شخص غیره بدون اجازهٔ امام خطبه گفتن عید را بالای منبر شروع کرد درعلم بهمراه امام باندازه ذره مساوی نیست دیگر اینکه مرد دوم پابند روزه ونماز نیست بلکه مرتکب ممنوعات شرع است وهمه این حرکات را بخاطر نفس پرستی میکند، حالا باترک نمودن امام صالح گفتن خطبه زید تاکدام جا روا میشود مردیکه پدرش ازوی بالکل ناخوشنود باشد ودیدن چهره اش رانیز نه میخواهد وبخاطر انزجار از

---

[1] رد المحتار. کتاب الوقف ص ..... ج۳ ، ط.س. ج۱ ص ۴۲۸. ظفیر

وی سکونت جداگانه اختیار نموده آیا وی خطبه های عیدها وجمعه ها را گفته میتواند یانه؟

جواب: قال فی الدرالمختار: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب اولٰی بالامامة من غیره مطلقًا الخ ای وان کان وغیره من الحاضرین من هو اعلم واقرأ منه [1] الخ شامی. ازین روایت روشن شد که در موجودیت امام معین مسجد برای شخص دیگر اگر چه شخص دوم ازامام معین افضل باشد بدون اجازه امام معین امامت کردن مناسب نیست پس هرگاه شخص دوم لائق امامت نیز نیست بلکه فاسق هست وامام معین عالم صالح است به هیچ صورت برای شخص دوم درست نیست که باساس ضد ونفسیت امام شود وخطبه بگوید واین کار دلالت به جهالت او میکند وپس فاسق نمازخواندن مکروه تحریمی است:کماحققه فی الشامی وشرح المنیة وغیرهما، وشخصیکه پابند نماز وروزه نیز نباشد فاسق بودن او ظاهر است: همچنان عاق پدر فاسق است لیاقت امام شدن را ندارد ودر عقب او نماز خواندن مکروه تحریمی است [2] فقط.

وقتی کوت بپوشید امامت او درست است یانه؟ **سوال:** (۶۲۱) اگر امام کوت بپوشد وامامت میکند درست است یانه؟

جواب: امامت او بدون کراهت درست است [3] فقط.

امام تنخوائی روزها حاضری را گرفته میتواند یانه: **سوال:** (۶۲۲) آیا امام تنخواخور که معاشش ازجائداد وقف شده مسجد داده میشود به کدام عذر ویا بدون عذر کار امامت کمتر ازنصف ماه به سر نه رسانده مستحق گرفتن همه ماه است شرعا؟ هروقت تنخوا غیاب بودنش را میگیرد وامام مسجد این دلیل را پیش میکند که: فی القنیة عن باب الامامة امام لوترک لزیارة اقربائه فی الرساتین اسبوعًا اونحوه اولمصیبة اولاستراحة لاباس به عفو فی العادة والشرع وهٰذا مبنی علی ان القول بان خروجه لاقل من خمسة عشر یومًا بلاعذر شرعی لایسقط معلومه علی هٰذا انابت ادون ومساوی بلا اجازة قیم مسجد، استدلال میکند ودر استدلال عبارت قنیة را تقدیم میکند ومیخواهد باین استدلال تنخوا غیاب خود را بگیرد آیا این داد وگرفت جائز است یانه؟

جواب: فی الشامی: وقد ذکر فی الاشباه فی قاعدة العادة محکمة عبارة القنیة هذه وحملها علی

---

(۱) ردالمحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۲ ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۲) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه (ای الفاسق) کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۵ ج۱) ظفیر

(۳) یجب علی المصلی ان یقدم الطهارة من الاحداث والانجاس الخ ویستر عورته لقوله تعالٰی خذوا زینتکم عند کل مسجد الخ هدایة باب شروط الصلٰوة ص ۸۷ ج۱، ردالمحتار ط.س. ج۱ ص ۶۵۰) ظفیر

ان [1] يسامح اسبوعًا فى كل شهر [2] الخ وقد ذكر روايات جواز الاستنابة ايضًا فليطالع ثمه، حاصل جواب این است که المعروف کالمشهور به کدام اندازه غیر حاضری که مشهور باشد گرفتن تنخواه آن درست وانابت نیز درست است. فقط

افضل امام جور شود: سوال: (۶۲۳) (۱) زید حاجی است وبسیار پابند پنج وقت نماز هست وسه بچه دارد یکی انها ریش نمی تراشد بلکه ریش دراز دارد درلباس شرعی مانند زید هست، ودوی آن ریش ها را میتراشند زید وهرسه پسرش در دوکانداری با دروغ سودا میفروشند آیا درین حالت زید وپسرانش امامت کرده میتواند یانه؟

امامت کوتاه کنندۂ ریش: سوال: (۶۲۴) (۲) زید حافظ است پابند روزه ونماز هست لاکن ریش را کمی کوتاه میکند به اندازه یک انگشت میمانیش درین حالت درپس زید نماز درست است یانه؟ واگر کدام مولوی اورا دریک گروه بگوید که اوفاسق ویامرتد است چه حکم دارد؟

جواب: (۱) درمیان زید واولاده اش که هرکس پابند روزه ونماز باشد وظاهرا کدام علامۂ فسق درآن نباشد امامت آن بدون کراهت درست است واگر کدام کار فسق درانها باشد امامت آنها مکروه است. [3]

جواب: (۲) از یک قبضه کم کوتاه کردن ریش یعنی آنقدر کوتاه کردن ریش که ازمشت کم باقی بماند ممنوع است اطلاق فسق بالای چنین تراش کنند وکوتاه کنندۂ صحیح است وی فاسق است ومرتد وکافر گفتن برایش حرام وناجائز است [4] ودرمرتد گفتن شدید گناه است برای گوینده وامامت فاسق مکروه است وپشت اونماز بهمراه کراهت ادا میشود ومولوی مرتد گوینده مرتکب سخت معصیت وگناه کبیره است وی باین گفتار فاسق شد توبه نماید [5] فقط.

با موجودیت قاضی نکاح امامت شخص دیگر درست است یانه: سوال: (۶۲۵) با موجودیت قاضی امامت کردن شخص دیگر درست است یا نه؟

---

(۱) اشاره است بطرف ان عبارت که سائل درسوال بحوالۂ قنیه نقل کرده علامه شامی نیز بعینه همین عبارت را پیش ازین نقل کرده ببینید (ردالمحتار کتاب الوقف صفحه ۷۶۴ جلد۳) ظفیر

(۲) رد المحتار کتاب الوقف مطلب فی الغیبة التی یستحق بها العزل الخ ص ۵۶۴ ج۳ ط.س. ج۴ ص ۴۱۹. ظفیر.

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص۵۲۳، ط.س. ج۱ ص۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۴) ولاباس بنتف الشیب واخذ اطراف اللحیة والسنة فیها القبضة الخ ولذا یحرم علی الرجل قطع لحیته (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۵۹ ج۵، ط.س. ج۶ ص ۴۰۷) ظفیر

(۵) وعزر الشاتم بیاکافر وهل یکفر ؟ ان اعتقد المسلم کافرا نعم والا لا، به یفتی (ایضًا باب التعزیر ص ۲۵۳ ج۳) ظفیر

جواب: درین زمانه قاضی شرعی نیست قاضیهای که حالا موجود اند هیچ حق امامت وغیره نیست، تعین نمودن امام ومؤذن نخست حق بانی وواقف مسجد است وبعد ازآنها حق مردم اهلی هست که در اولادهای اینها باشد ازین بعد مردم شهر ویا محله که کدام شخص را بصفت امام مقرر کنند همان امام خواهد بود، کذا فی الدرالمختار والشامی [1] فقط.

به قاضی نکاح استحقاق شرعی امامت نیست: سوال: (٦٢٦) وقتی بعض مردم ازامامت قاضی منکر باشند وبرخی متفق باشند وقاضی مصر باشد آیا قاضی برحق است یا نه؟

جواب: برای قاضی عرفی درین باره هیچ استحقاق نیست بلکه موافق تفصیل گذشته برای بانی ویا اولادهٔ اش ویا مردم محل این استحقاق هست که انها کسی را بخواهند مقرر نمایند. فقط

درین وقت سند سابقهٔ قضا بکار میآید یانه: سوال: (٦٢٧) مراد از ذکر اقامت جمعه، وعیدها، وجماعات وترغیب وتحریض مردم بطاعات وعبادات درسند قاضی چیست؟

جواب: کدام وقت که ازطرف شاهان اسلامی قضاة مقرر میشدند درآن این الفاظ نوشته میشد حالا برای آنها درین رابطه کدام حق خاصی نیست وترغیب وتحریض به سوی طاعات را واعظان اسلام میکنندفقط.

نیابت دروقت انکار امام ومؤذن: سوال: (٦٢٨) اگر قاضی ازامامت وخطیب ازخطابت ومؤذن از اذان انکار نمایند برای قوم حق طلب کردن نائب حاصل است یا چگونه؟ وبرای متولی اختیار مقرر کردن امام از پیداوار زمین وقف شده است یانه؟

جواب: این حتی بعد از بانی وغیره به مردم محله است ازاول برای قاضي كدام استحقاق این نیست البته اگرکسی را بانی ومتولی ساخته باشد او موافق شرایط وقف انتظام به مصرف راخواهد کرد. فقط

درمیان عالم بینا وعالم نابینا کدامش أحق بالامامت است: سوال: (٦٢٩) یک شخص کور است لاکن عالم است ومحتاط است، وشخص دیگر بینا است ولی عالم نیست، أحق بالامامت کیست؟

---

(١) ولاية الاذان والاقامة لبا فی المسجد مطلقاوكذا الامامة لوعدلا (درمختار) وفی الاشباه ولد البانی وعشيرته اولى من غيرهم اه وسيجئ فی الوقف ان القوم اذا عينوا مؤذناواماما وكان اصلح ممانصبه البانی فهو اولى وذكره فی الفتح عن النوازل والقره اه (درمختار. باب الاذان ص ٣٧٢، ط.س. ج١ ص ٤٠٠). ظفير

جواب: اگر مرد کور عالم باشد حق امامت برای اوست شامی جلد اول: تبع فی ذلک صاحب البحر قال: قید کراهة امامة الاعمی فی المحیط وغیره بان لا یکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولی.[1]

مولوی احق بالامامت است ویا حافظ قران کریم: سوال: (۶۳۰) در ارتباط به نماز عید میان مسلمانها اختلاف ایجاد شد بعض میگفتند که نماز عید را امام صاحب خواهد بودکه همیش نماز میدهد وبرخی میگفتند: نماز عید راحافظ صاحب که در تراویح ماه مبارک رمضان قران شریف خوانده بدهد اخر الامر اینکه امام صاحب نماز داد وحافظ صاحب نیت را شکستاند ورفت درین حال چه باید کرد؟

جواب: جدائی درمیان مسلمانها بد است نماز درپشت حافظ صاحب هم میشود ودرپس امام صاحب نیز، نفس پرستی[2] کار بد است کسیکه بسبب نفس پرستی از جماعت جدا شد ونیت را شکست ورفت وی بد کرد وگنهگار شد توبه نماید وهمه باید به اتفاق زنده گی کنند درمیان خود ومناسب است: امام رابه اتفاق تعین کنند در قانون عالم احق بالامامت است: او الاحق بالامامة تقدیما بل نصبا لاعلم باحکام الصلاة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الخ درمختار.

مراعات کردن مقتدی: سوال: (۶۳۱) امامیکه بعد از پایان دادن قرائت ورفتن به رکوع لفظ الله اکبر را به اندازۀ دراز بگوید که اکثر نماز خوانان قبل ازاو به رکوع بروند آیا درین صورت بخاطر مراعات مقتدی خواندن قرائت عادی وتأخیر نه کردن دررفتن به رکوع بالای امام واجب است یانه؟ ومراعات مقتدیها حتی الوسع مستحب است یانه؟

جواب: بدون شک درچنین مواقع مراعات مقتدیها مناسب است وتکبیر را بسیار دراز نکنند بلکه کوتاه بخواند، بخاطر اینکه تکبیر مردم پیشتر ختم نشود وبرای مقتدیها مناسب است که[3]

---

(۱) البانی للمسجد اولی من القوم بنصب الامام والمؤذن فی المختار الا اذا عین القوم اصلح ممن عینه البانی (درمختار) وکذا واولاده وعشیرته اولی من غیرهم (ردالمحتار کتاب الوقف ص ۵۷۳ ج ۳، ط.س ج۱ ص ۴۳۰) اوالخیار الی القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرهم (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۸) ظفیر

(۲) بهتر خو اینست که انتخاب امام بطور متفق شود بخاطریکه کدام اختلاف راه نیابد لکن اگر اختلاف پیدا شد باکثریت فیصله شود (باب الامامة ص۵۲۲ ج۱) ظفیر

(۳) عن انس رضی الله عنه صلی بنا رسول الله ﷺ ذات یوم فلما قضی صلوته اقبل علینا بوجهه فقال ایها الناس انی امامکم فلا تسبقونی بالرکوع ولا بالسجود ولا بالقیام ولا بالانصراف رواه مسلم، (مشکوٰة باب ما علی الماموم من المتابعة ص ۱۰۱) ظفیر

تکبیر را پسناتر شروع کند بخاطریکه از امام پیش نشوند.

درمیان حافظ دیندار ونیمه ملا فاسق چه کسی احق بالامامت هست: سوال: (۶۳۲) زید درطفولیت قران مجید را حفظ کرد همیشه تلاوت میکند وما تجوز به الصلاة راخوب میشناسد واز قواعد تجوید نیز خبر دارد، ونیک وصالح است وهمه نماز خوانان ازامامت وی خوشنود هستند درپس او خواندن نماز جائز است یانه؟ وعُمر بعد از خواندن هدایه ومشکوة آنرا فراموش کرده ونماز گذار از امامت وی راضی نیستند وشطرنج میزند واکثرا نماز جمعه را ترک نموده به شکار میرود درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: درین هردو امامت شخص اول بهتر است ودر پس شخص دوم نماز خواندن مکروه است هکذا فی کتب الفقه. [1]

این غلط است که تنها سادات مستحق امامت اند: سوال: (۶۳۳) برخی ازمردم میگوید که بدون سیدها کسی دیگر مستحق امامت نیست چنین گفتار صحیح است یا غلط؟

جواب: این غلط است که بدون سیدها کسی دیگر مستحق امامت نیست مبنای استحقاق امامت برعلم وفضل وتقوی است، وکدام شخصیکه ازمسائل خبر داشته باشد پس اگرچه سید نباشد نسبت به آن سیدی که ازمسائل خبرنه باشد احق واولی است بالامامة کمافی کتاب الفقه [2].

درمیان سه نفر ذیل لائق امامت کیست: سوال: (۶۳۴) زید، بکر وعمر مامورین یک اداره هستند زید در سوارها، عمر در عسکرها، بکر در سیتار زدن زید حافظ است وجوان دانه اش پیدا شده پابند روزه ونماز است واز ممنوعات شرعیه کناره جوئي میکند، اخلاقش خوب است، تلفظ عمر درست نیست، سوره های کوچک وریزه را نیز نمیخواند، پابند نماز وروزه است بکر نیز مواظب روزه ونماز است اما کسب ستارزدن را میکند، قرانکریم را صحیح میخواند، درین هرسه مستحق امامت کیست؟

جواب: درین هرسه زید احق بالامامت است واگر زید نبود وعمر وبکر موجود باشد بکر اگر چه فاسق است به سبب کسب حرام لکن اگر عمر درخواندن قرآن کریم چنان غلطی میکند که

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۵۹) ظفیر

(۲) والاحق بالامامة تقدیما بل نصب الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحةً وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

بواسطه آن نماز فاسد میشود، امام شدن بکر مناسب است زیرا وی قرانکریم را درست میخواند اگر چه امامت فاسق مکروه است اما درپس اونماز میشود بخلاف عمر که در پشت او هراس (ترس) فاسد شدن نماز است. [۱]

مردم افضل در پشت سر امام کم رتبه از آنها اقتدا کنند یانه: سوال: (۶۳۵) زید جماعت میدهد ومرد بهتر از او آمدند آیا درجماعت شریک شوند یا نه؟ ونماز شان خواه مکروه نخواهد بود؟

جواب: درنماز آنها هیچ کراهت نخواهد بود وشریک شدن آنها درجماعت ضرور است [۲].

بدون رضای قوم ساختن امام: سوال: (۶۳۶) آیا محکمه کدام حق شرعی دارد که به زور برای قوم امام رامقرر کند که قوم به امام ساختن خوشنود نباشد؟

جواب: محکمه این حق را ندارد زیرا تاوان وفائده آن برای مردم هست، لهذا بدون رضائیت قوم محکمه برای انها هیچکس مقرر نکند ومحکمه درین رابطه هیچ حق ندارد کما مرّ من انّ منفعة ذلک ترجع الیهم [۳] فقط.

یک شخص اذان واقامت راکرده میتواند: سوال: (۶۳۷) اگر یک شخص اذان واقامت میکند جائز است یانه؟

جواب: اگر همان یک آدم اذان هم میگوید وامامت نیز میکند درشریعت درست است بلکه ثواب درهمین زیاد است [۴].

مسئله نیابت درخطبه: سوال: (۶۳۸) خطیب سابق در موجودیت برادرش برادرزاده خود را نائب مقرر کرد تا پنج شش سال مسؤلیت نیابت رابه بسیار دیانت انجام داد حالا خطیب سابق فوت شد ویک دختر ازوی باقیماند باین دختر ازطرف خود نائب مقرر کرده میتواند یا نه؟

---

(۱) والاحق بالامامة تقدیما بل نصبًا الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحة وفساد الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

(۲) ومثله امام المسجدالراتب اولی بالامامة من غیره مطلقا (درمختار) ای وان کان غیره من الحاضرین من هو اعلم واقرأ منه. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۳) اوالخیار الی القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرهم الخ وأم قوما وهم له کارهون لفسادفیه الخ کره له ذلک تحریما لحدیث ابی داود لا یقبل الله صلاة من تقدم قوما وهم لهم کارهون. (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۸) ظفیر

(٤) الافضل کون الامام هو المؤذن وفي الضیاء ان علیه السلام اذن فی سفر بنفسه واقام وصلی الظهر وقد حققناه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الاذان ص ۳۷۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۰۱) ظفیر

(۲) خطیب در موجودیت خود برادرزاده اش را نائب مقرر کرده وجماعت او را قبول کرده حالا برادرش دعوه دارد دعوای وی صحیح است یانه؟

جواب: کسي راکه خطیب سابق مقرر کرده وقوم وجماعت اورا قبول کرده همان شخص مقرر شد زیرا درحقیقت اختیار مقرر کردن امام بعد از باني واولاده اش برای قوم وجماعت است لهذا کسی راکه قوم قبول کرد همو امام شد حالا دعوهٔ هیچکس قبولي نخواهد بود نه از دختر ونه از برادر زیرا درامامت میراث جاری نمیشود. [۱]

<u>کسیکه قبل ازفرض سنت مؤکد خوانده نتوانست امام شده میتواند یانه</u>: سوال: (۶۳۹) أیا امام پیش ازجماعت سنت مؤکد کرده نتوانست امام شده میتواند یانه؟ درنماز مقتدیان کدام فرقی میآید یا نه؟

جواب: این شخص امام شده میتواند ودر نماز مقتدیها هیچ خلل وکراهت نخواهد بود فقط [۲].

<u>اذان قبل از صبح صادق ومسلسل به آن جماعت</u>: سوال: (۶۴۰) یک شخص بی علم غیر مقلد وشریر سخت طبیعت است به سبب او مردم محله نماز خواندن درمسجد را ترک کردند بهمراه آن که امام طالب العلم بر طریقهٔ حنفی است ولی به فشار زید رکوع وسجده وقومه وجلسه را درنماز دراز میکند واذان فجر را بیست دقیقه پیش از صبح صادق میگوید وبمجرد صبح شدن نماز را تنها ویا یک دو نفر بیاید. وباثر فشار بالای امام نماز را همراه آنها باجماعت بخواند مقتدیهای دیگر چه کرده میتوانند؟ آنها جماعت جداگانهٔ دوم بکنند ویا به کدام مسجد دیگر بروند؟

جواب: به نزد احناف اذان قبل ازصبح صادق جائز نیست: الا روایة عن الامام الثاني أی أبو یوسف رحمه الله [۳] واسفار درنماز صبح سنت است بالای مقتدیها لازم است که این سخنان به امام بگویند اگر امام قبول نکرد اورا دورکنند واگر دردورکردن فتنه بودبه مسجد دیگر نماز بخوانند.

---

(۱) ولایة الاذان والاقامة لباني المسجد مطلقا وکذا الامامة لوعدلا (درمختار)، (سیجیی في الوقف ان القوم اذا عینوا مؤذنا واماما وکان اصلح مما نصبه الباني فهو اولی. (ردالمحتار باب الاذان ص ۳۷۲ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۰۰) ظفیر

(۲) والاحق بالامامة الخ الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحة وفساد بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الخ ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقًا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط. س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

(۳) فیعاد اذان وقع بعضه وکذا کله بالاولی قبله کالاقامة خلاف للثاني في الفجر (درمختار) قوله خلاف للثاني هو راجع الی الاذان فقط فان ابایوسف یجوز الاذان قبل الفجر بعد نصف اللیل. (ردالمحتار باب الاذان ص ۳۵۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۳۸۵) ظفیر

[1] فقط

کدام یکی ازحافظ بی خبر ازمسائل نماز وناظره خوان باخبر ازمسائل نماز لایق امامت ست: سوال: (٦٤١) زید حافظ است وزنان او بی حجاب است واز مسائل ضروری بصورت خوب واقف نیست، عمر ناظره خوان است قرآن شریف را درست میخواند ونسبت به زید ازمسائل ضروری زیاد خبر دارد وزنهایش باحجاب اند درین حالت حقدار زیاد امامت کیست؟

جواب: درین حالت اگر چه در عقب زید نماز میشود ولی در عقب عمر زیاد بهتر است. وعمر زیاد لائق امامت است. [2]

درمیان فقیر وسید کدام یکی حق بالامامت است: سوال: (٦٤٢) امام یک قوم دریک مسجد غریب است ودرخانه اش پرده نیست، ودر مسجد دیگر امام سید هست ودرخانه اش پرده نیست ولی او کُور است درنماز جمعه به کدام یکی ترجیح است؟

جواب: برای امامت بهتر شخصیت که مسائل نماز برایش معلوم باشد، وصالح ومتقی باشد باکُور بودن امامت کردن باکی ندارد هرگاه که وی خوب، محتاط واز مسائل خبر باشد خلاصه اینکه اگر این امام ازمسائل خبرباشد وشخص نیک باشد همان برای امامت جُمعه بهتر است [3].

ترجیح در امامت: سوال: (٦٤٣) زید عالم طیب وحافظ است وعمر قاری حافظ قرائت سبعه است مشکوۃ هدایه جلالین را خوانده برای امامت تراویح کدام یک بهتر است؟

جواب: درین هردو زیاد مستحق امامت تراویح وغیره عمر است زیرا که او در پهلوی حصول علم دین قاری نیز هم است. [4] فقط

امامت قاری خوش اواز: سوال: (٦٤٤) یک شخص میگوید که درپشت قاری خوش آواز

---

(۱) والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والختم به هوالمختار (درمختار) لقوله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذی واحسنه وروی الطحاوی باسناد صحیح (ردالمحتار کتاب الصلوٰة ص ۳۳۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۳۲۶) ظفیر

(۲) والاحق بالامامة تقدیماً بل نصبا الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحةً وفسادا بشرط اجتنابه الفواحش الظاهرة الخ. (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

(۳) والاحق بالامامة تقدیما بل نصبا الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ۵۵۷) قید کراهة امامة الاعمی فی المحیط وغیره بان لایکون افضل القوم فان افضلهم فهو اولی آه. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰) ظفیر

(٤) والاحق بالامامة تقدیما بل نصبا الاعلم باحکام الصلاة الخ ثم الاحسن تلاوة وتجوید (درمختار) افاد بذالک ان معنی قولهم اقرأ ای اجود لا اکثرهم حفظا ومعنی الحسن فی التلاوة ان یکون عالما بکیفیة الحروف والوقف وما یتعلق بها قهستانی. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

نماز خواندن بهتر است، وتوجه او بسوی قرائت میباشد وبه هیچ طرف دیگر توجه نمیکند حتی که بسوی خدا ورسول نیز فکر نمیکند آیا این گفتار او درست است یانه؟

جواب: گفتاریش غلط است نماز درعقب قاری بهتر است، وخوش اوازی خوبائي دیگر است که ستائش آن در احادیث آمده.

درین دو امامت کدام بهتر است: سوال: (٦٤٥) وقتی درمسجد جامع یک شخص مورروثی ومواظبت نه کنندهٔ به شریعت است ودر مسجد دیگر شخص پابند شریعت، حافظ، وخوب خبردار از مسائل نماز نماز میدهد درکدام جا نماز خواندن اکمل وافضل است؟

جواب: برای امامت آن شخص بهتر است که باخبر از مسائل نماز وصالح وحافظ است [۱] لاکن بالای مردم حق همان مسجدیست که در محلهٔ آنها میباشد ونماز خواندن آنها در همان مسجد محلهٔ خودشان بهتر است، وبرای آنها درهمان مسجد ثواب جماعت حاصل خواهد شد.

الفصل الثالث

امامت از کی درست واز کی درست نیست

اگر کسی به شخص حرام زاده بگوید امامت اوچه گونه است: سوال: (٦٤٦) کسی به شخص معروف النسب وثابت النسب حرامزاده گفت وشتم نامناسب برایش داد او شرعا فاسق میگردد وامامت او روا است یا نه؟

جواب: درفسق وی وکراهت امامت او سخني نیست: إلا أن یتوب كذا في كتب الفقه. [۲]

امامت غسال وذابح: سوال: (٦٤٧) امامت امرده شوی یعني غسال وذابح درست است یانه؟

جواب: امامت غسال وذابح درست است نماز خواندن در پشت او جائز است وهیچ کراهت درآن نیست. [۳] فقط

---

(۱) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلٰوة فقط صحةً وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ٥٢٠ ج۱ ، ٥٥٧) قيد كراهة امامة الاعمٰى في المحيط وغيره بان لايكون افضل القوم فان افضلهم فهو اولٰى آه، (ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٠) ظفير

(۲) ويكره تقديم الفاسق ايضاً لتساهله في الامور الدينية فلا يؤمن من تقصيره في الاتيان بالشرائط (غنية المستملي ص ۳٥۱) ظفير

(۳) ذبح کردن ومرده شتن هر دویش روا است خواهی که به مزدوری باشد ویا بدون مزدوری (اجوره) درسلسله غسل دادن به مرده در درمختار است: والافضل ان يغسل الميت مجانا فان ابتغى الغاسل الاجر جاز ان كان ثم غيره والا لا، لتعينه عليه وان يكون حكم الحما ل والحفار كذالک (الدرالمختار على هامش ردالمحتار. باب الجنائز ص ٨٠٤ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۲۹۹) ودر سلسله ذبح است: ويجوز الاستيجار على الذكاة لان المقصود منها قطع الاوداج دون اماتة الروح وذالک يقدر عليه فاشبه القصاص فيما دون النفس كذا في السراج =

کسیکه چهار مذهب را گمراهی میگوید امامت او چگونه است: سوال: (۶٤۸) علماء دین چه میفرمایند درباره شخص که عقیده اش در اشعار ذیل درج است:

بجان نفـورز اهــل مذاهــب شتی — که غرق بحر ضلال اند وحرق نار هوا
نه شافعی نه حنفی نه مالکی مذهب — نه نقـشبندی وچشتی ونی کذا وکـذا
منم که غره نامم بنام صاحب نشت — علی ولـــی ملقــب بخاتــم الخلفــاء

اقتداء کردن درپس چنین شخص جائز است یانه؟

جواب: اگر براستی این عقیده وی باشد او مذاهب چهارگانه ومشائخ طریقه های چهارگانه را ضلال وگمراهی میپندارد وبآن معتقد باشد وی فاسق ومبتدع است در عقب وی نماز خواندن مکروه تحریمی است وعجب نیست که بسبب انکار از نصوص قطعیه به کفر وارتداد رسیده باشد، درین حال اقتداء به وی درست نخواهد بود بهرحال از اقتداء کردن به اوحذر کردن لازم است، ودور کردن چنین امام واجب است [1] فقط.

امامت متعه کننده: سوال: (٦٤٩) یک شخص درمحکمه قسم نمود که همراه یک زن به وعده نکاح متعه کرده ام آیا وی درمذهب حنفی باقی ماند ویانه؟ ودرپس او نماز خواندن چطور هست؟ واو که بدست یک بزرگ بیعت کرده بود باقیماند یانه؟ وتکفین وتجهیز وخواندن نماز جنازۂ چنین شخص مناسب است یانه؟

جواب: کدام شخصیکه اقرار این کار بد را میکند فاسق وعاصی است امامتش مکروه است اگر توبه کرد حنفیت وبیعت او قائم وامامتش درست است تکفین وتجهیز ونماز جنازۂ هرمسلمان لازم است اگر چه فاسق وبد کار باشد کما فی الحدیث: صلوا علی کل بر وفاجر. الحدیث [2] فقط.

امامت زانی وسگرتی: سوال: (٦٥٠) دو شخص امامان در مشهد هستند یکی آن دو بهمراه

= الوهاج. (عالمگیری کتاب الاجاره باب سادس عشر ص ٤٣٨ ج ٤، ط.س. ج٤ ص ٤٠٤) ظفیر

(۱) ویکره امامة العبد الخ والفاسق الخ والمبتدع الخ (درمختار) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لا یهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانته شرعا ولا یخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فلا یؤمن ان یصلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبتدع تکره امامته بکل حال، بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا (ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ٥٦٠) ظفیر

(۲) شرح فقه اکبر ص ٩٦. ظفیر

خورشنی خود (خواهر زن) زنا کرد ودیگرش سگرت بنام بیری را میزنند امامت اینها درست است یانه؟ واگر ایشان از امامت بند شوند خطر فساد کلان است؟

جواب: درپشت فاسق نماز میشود اما مکروه [1] است ووقتی دردور کردن امام فاسق فتنه میباشد به وی اقتداء کرده نماز بخوانند فقط.

امامت کُور (نابینا) : **سوال:** (۵۵۱) در پس کُور نماز خواندن درست است یانه؟

جواب: اگر ازنجاست محفوظ وبه مسائل نماز خبر باشد امامتش درست است [2] فقه.

امامت کسیکه پسرانش کارهای گناه میکند: **سوال:** (٦۵۲) (۱) یک شخص چهار پسر دارد یکی نماز میخواند وبعضی شراب میزند ویکی کار درامه ها را میکند، واین شخص همراه همین پسران رابطه دارد وهمه یکجا خورد ونوش مینمایند امامت این آدم درست است یانه؟

امامت بازیگر شطرنج: **سوال:** (٦۵۳) (۲) بازی شطرنج چگونه است، وامامت بازیگر شطرنج جائز ودرست است یا نه؟

جواب: (۱) اگر همین شخص خودش نیک ولائق امامت باشد در امامتش هیچ کراهت نیست در صورت احق بالامامت شدن لائق تر است برای امامت شده، قل الله تعالی: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرٰی، الآیة.

جواب: (۲) به شطرنج بازی کردن به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله مکروه تحریمی [3] است. عادت کنندۀ آن لیاقت امام شدن را ندارد.

امامت سوالگر: **سوال:** (٦۵٤) کسیکه سوال میکند ومرده شوی است نماز خواندن درعقب او درست وصحییح وجائز است یانه؟

جواب: در حدیث شریف است که: صلوا خلف کل بر وفاجر، یعنی در عقب هر نیک وبد نماز

---

(۱) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلاة الخ ثم الاحسن تلاوة وتجويدا (درمختار) افاد بذالک ان معنٰی قولهم اقرأ اى اجود لا اكثرهم حفظا ومعنٰی الحسن فى التلاوة ان يكون عالما بكيفية الحروف والوقف وما يتعلق بها قهستانى. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

(۲) ويكره تنزيها امامة عبد الخ واعمٰى (درمختار) قيد كراهة امامة الاعمى فى المحيط وغيره بان لا يكون افضل القوم فان كان افضلهم فهو اولى الخ ورد فى الاعمى نص خاص هو استخلافه ﷺ لابن ام مكتوم وعتبان على المدينة وكانا اعميين لانه لم يبق من الرجال من هو اصلح منهما الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ٥٦) ظفیر

(۳) ويكره تحريما اللعب بالنرد وكذا الشطرنج (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الحظر والاباحة ص ۳٤۷ ج۵) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار، ط.س. ج۱ ص ٥٦٠) ظفیر

بخوانید، ازین حدیث روشن شد که درپس سوالگر ومرده شوی نماز میشود باید دانست که اولی بالامامت کسی است که از مسائل نماز خبر داشته وصالح باشد وکارهای خلاف شرع نکند فقط.

امامت صاحب بواسیر درست است یانه: سوال: (٦٥٥) یک شخص مرض بواسیر خونی داشت وهرلحظه ترسی جاري کردن ان بود امامت او با موجودیت إمام تندرست درست است یانه؟

جواب: دروقت موجودیت خوف جاری شدن خون این شخص شرعا معذو رشده نمیتواند وقتی شرعا معذور میشود که درهمه وقت نماز برایش به اندازهٔ موقع پیدا نشود که وضوء کند وبدون بی وضوء ني این مرض نماز بخواند. وقتیکه هنوز معذور نه شده امامتش درست است وازین سبب کدام کراهتی در امامت او نیست وکدام وقت که او معذور شود دران وقت امام تندرست شده نمیتواند درین وقت عذر وامامت او بالکل ناجائز است. قال فی الدرالمختار: وصاحب عذر من به سلس البول الخ ان استوعب عذره تمام وقت صلٰوة مفروضة بان لایجد فی جمیع وقتها زمنًا یتوضأ ویصلی فیه خالیًا عن الحدث الخ وهٰذا شرط العذر فی حق الابتداء وفی حق البقاء کفی وجوده فی جزء من الوقت ولومرة، درمختار وشامی [1] جلد اول ص ۲۰۳، وفی باب الامامة منه ولا طاهر بمعذور هٰذا ان قارن الوضوء الحدیث الخ وصح لو توضأ علی الانقطاع وصلی کذالک کاقتداء بمفتصد من خروج الدم الخ. شامی جلد اول ص ۳۸۹. [2] فقط

امامت بیان کنندهٔ حدیث به دروغ: سوال: (٦٥٦) شخصی احادیث به دروغ میسازد وبیان مینماید وسخنان بسیار خلاف عقائد میگوید در عقب چنین شخص خواندن نماز چگونه است، واین مردم چه حکم دارد؟

جواب: این شخص، کذاب، یا مفتری، یا دیوانه است که روایات دروغ را بیان میکند وبالای خداوند تعالی ورسول الله ﷺ بهتان بسته میکند ومصداق این وعید میگردد: من کذب علی متعمدا فلیتبوأ مقعده من النار [3] یعنی کسی که بالای من دروغ میگوید دوزخ را جای خود

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الحیض مطلب فی احکام المعذور ص ۲۸۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۰۵. ظفیر

(۲) ایضًا باب الامامة ص ٥٤١ ج۱، ط.س. ج۱ ص ٥٧٨. ظفیر

(۳) مشکوٰة ، کتاب العلم ص ۳۲.

بسازد، این شخص مبتدع وفاسق است، امام ساختن وی درست نیست ودر پشت اونماز نخوانید [۱] فقط.

امامت امامیکه بعض مقتدیها ازاو ناراض باشد چطور است: سوال: (٦٥٧) امام فرائض وواجبات را بروش خوب ادا میکند ومقتدیهای دو گونه است برخی به امامت او خوشنود هست وبرخی ناخوش اهتمام کدام گروه خواهد شد ومطلب حدیث أبوداود چیست که میفرماید: ولا یقبل الله صلاة من تقدم قوماً وهم له کارهون؟

جواب: درکتابهای فقه امده که: اگر درامام کدام نقصان نباشد نارضائیت مقتدیها هیچ اثری (تاثیر) بالای نماز ندارد نماز امام بدون کراهت درست است وگناه بالای مقتدیها هست واگر نقص درامام بود وبسبب آن مقتدیها ناراض باشند بالای امام مؤاخذه است وامام شدن او مکروه است ومورد حدیث: من تقدم قوما الخ تنها آن امامت است که خلل ونقص داشته باشد ورنه مقتدیها گنهگار اند که بدون دلیل ناراض اند [۲].

امامت فلج شده: سوال: (٦٥٨) کسیکه به دست وپاها فلج باشد درعقب او نماز میشود یانه؟

جواب: امامت کسیکه به دست وپاهایش فلج باشد بدون کراهت صحیح است [۳] فقط.

امامت کسیکه به او شک سلسل بول میآید: سوال: (٦٥٩) مرض سلسل بول نیست لکن بافشار دادن ذکر قطره های شاشه بیرون میشود واحیاناً چنان فکر میشود که قطره های شاشه ازجای خود بیرون شده اما به دیدن آشکار نمیشود. چنین آدم امامت کرده میتواند یانه؟

جواب: درحالیکه خروج قطره ها نباشد امام شده میتواند وشک وگمان را اعتبار نیست فقط.

امامت امامیکه درمهمانی خود شراب را تیار کند چگونه است: سوال: (٦٦٠) عروسی دختر یک حافظ شد درآن مجلس سازنده گان بودند وغیر مسلم نیز دعوت شده بودند وبرای انها شراب اورده شد وبانها نوشانیده شد آیا درین حالت نکاح شد یانه ودرپس چنین حافظ اقتداء

(۱) ویکره امامة عبد الخ ومبتدع ای صاحبه بدعة (درمختار) اما الفاسق الخ ففی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۲) لوام قوماً وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه اولانهم احق بالامامة منه کره له ذالک تحریماً لحدیث ابی داود لایقبل الله صلاة من تقدم قوم وهم له کارهون وان هو احق لا والکراهة علیهم (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۲، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۳) این سخن درعیوب امامت داخل نیست. ظفیر

میشود یانه؟

جواب: نکاح شد لاکن این مردم بسبب ارتکاب گناه ها فاسق وعاصي شدند. توبه نمایند ودرپس چنین حافظ قران اقتداء نمودن مکروه است، تا که توبه نکند وی را امام نسازید [۱].

امامت شخصیکه ترغیب نگهداری زن بی نکاح را میدهد: سوال: (۶۶۱) شخصیکه دیگری راترغیب میدهد تازن نکاح نه شده را درخانه خود او سکونت بدهد امامتش درست است یانه؟

جواب: چنین شخص لائق امامت نیست ونماز درپس او مکروه است [۲] فقط.

سوال: (۶۶۲) اگر عقیدۀ یک شخص این باشد که تقلید ناروا وبدعت است، مرزایها (قادیانی) مسلمانان اند ومذهب مقلدین درقران نیست امام کردن چنین شخص وياد کردن ترجمه قرآن از او چگونه است؟

جواب: امام ساختن شخصیکه عقیده اش چنان باشد که در سؤال ذکر است صحیح نیست وخواندن ترجمه، قرآن شریف از اونیز مناسب نیست. [۳] فقط

سوال: (۶۶۳) (۱) امامت شخصیکه موهای سرش به اندازۀ دراز باشد که تاسینه اش میرسد واین موهارا بخاطر مکر وفریب نگاه نکرده باشد چگونه است؟

سوال: (۶۶۴) (۲) جاروب زدن، روشن کردن، پوش دادن قبرها رمزارهای انبیاء واولیاء، غوثها، قطب ها وديگر بزرگان دین چطور است؟ ودر عقب چنین شخص نماز خواندن مناسب است یانه؟

جواب: (۱) درست است.

جواب: (۲) روشنی کردن بالای قبرها، پوش انداختن وغیره ممنوع ومکروه است ونظیف نگاه

---

(۱) قال الله تعالى: ولا تعاونوا على الاثم والعدوان، الأية (القرآن) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المرادبه من يرتكب الكبائر كشارب الخمر والزاني الخ واما الفسق فقد عللوا كراهة تقديمه بانه لا يهتم لامر دينه الخ بل مشى في شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم. (رد المحتار باب الامامة ج ١ ص ٥٢٣ ، ط.س. ج١ ص ٥٦٠) ظفير

(۲) قال الله تعالى: ولا تعاونوا على الاثم والعدوان، الأية ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من يرتكب الكبائر كشارب الخمر والزاني الخ واما الفاسق فقد عللوا على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم. (رد المحتار باب الامامة ج ١ ص ٥٢٣ ، ط.س. ج١ ص ٥٦٠) ظفير

(۳) ويكره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع اى صاحب بدعة وهي اعتقاد خلاف المعروف عن الوصول الخ وان انكر بعض ماعلم من الدين ضرورة كفر بها الخ فلا يصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٦٠) ظفير

کردن آن خوب است در درمختار وشامی هست: تکره الستور علی القبور [۱] انتهی فقط (امامت او مکروه است [۲] ظفیر).

سوال: (٦٦٥) زید دروقت نماز ظهر به مسجد داخل شد بعد ازوضوء وپیش از سنت یک شخص را به نماز فرض دید نیت سنت راکرد ودرفرض شریک نشد وقتی سنت رابه پایان رساند انتظار اشخاص دیگر رانمود ولی کسی نه امد فرض وسنت اخر رابه تنهائي خواند بعد ازبه پایان رسیدن نماز دونماز خوان دیگر امد وخواستند جماعت با اقامت اداء کنند زید نیز همراه آنها شرکت نمود واقامت را زید گفت ونیت فرض نماز پیشین راکرد ونماز خواند، زید میگوید که حساب کردن نماز تنهائي درنفل کار اختیاری است، ودو رکعت اخر فرض خالی خوانده میشود ودر دورکعت اخر نفل قرائت سورت بهمراه فاتحه نیز واجب هست باین سبب اگر نیت نفل شود نفل ناقص میماند ودر رابطه به نفلهای سابق خود نیز میگوید که ناقص مانده ولی ثواب جماعتیکه برای خود ودیگران که از شکستاندن نفل بسیار زیاد هست صرف درصورت نخست حاصل شده است واگر فرضاً درجماعت اخیر برای فرض حاصل نشود ثواب نفل ضرور خواهد بود چون این مسئله اختلافی است برای آن حرف نیت فرض مناسب است وفرض جداگانه را نفل شمردن میباید.

سوال: (٦٦٦) (١) سنت اول کامل شد یا ناقص، زیرا امام تنها دردو رکعت اول قرائت بهمراه فاتحه خوانده.

سوال: (٦٦٧) (٢) بعد ازخواندن فرض تنهائي خواندن فرض بهمراه جماعت درست است یانه؟ واگر فرض نشود ثواب نفل حاصل میشود یانه؟

سوال: (٦٦٨) (٣) در بار بار خواندن نماز به نیت فرض اختلاف است یانه؟

سوال: (٤٦٩) (٤) درهمه رکعتهای نفل خواندن سوره بهمراه فاتحه واجب است یاخیر؟ اگر واجب باشد آیانماز مقتدی نفل کننده ناقص باقی میماند ویانه؟

جواب: مسئله این است که کسی نماز فرض راخوانده باشد امام فرض خوانان شده نمیتواند، وقتی زید نماز فرض خودرا تنها خواند فرض او ادا شد حالا ان فرض رانفل کرده نمیتواند بلکه

---

(١) ایضاً. ط.س. ج١ ص ٥٦٠. ظفیر

(٢) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ص ٨٣٩ ج١ ، ط.س. ج٢ ص ٢٣٨. ظفیر

اگر دوباره همین نماز رابخواند نفل خواهد بود ودر پس نفل کننده نماز فرض کننده گان نه میشود [۱] وانچه نیت سنت را درعقب فرض کننده اول کرده بود ونماز خوانده بود نفل شد [۲] ولی سنت مؤکدیکه قبل از ظهر است ادا نشد (۱) زیرا این سنت به تنهائي خواندن سنت است [۳] آن نفل شد سنت پیشین نشد [٤] (۲) وقتی فرض راتنها بخواند باز امام فرض کننده گان شده نمیتواند البته اگر جماعت فرض باشد، به نیت نفل اقتداء به این امام کرده میتواند. [۵]

(۳) بار بار فرض نمیشود کدام فرضیکه اول خواند همان فرض شد اگر پسانتر آنرا باز میخواند آن نفل است. [٦]

(٤) وقتی نفل را تنها میخوانی درهمه رکعتهایش قرائت فرض است واگر به نفل درعقب کدام فرض خوان استاده شد این نفل صحیح است ناقص نخواهد بود. [۷]

امامت دیوانه وصاحب عقیدهٔ غلط: **سوال**: (٦٧٥) یک شخص بنام حاجی حمایت علی به قوم شیخ زاده عقیده دارد که روح انسان بعد از مرگ درقالب دیگری میآید وآن بقواره او هم شکل او میباشد کسی را میگوید که این پدر پدر کلان من است وکسی را میگوید که این پدر کلانم است خلاصه اینکه همیشه چنین گمان هارا اظهار مینماید واز همین سبب همه مردم ازوی نفرت دارند ودرپس نماز نمیخوانند وبسیار شوق دور شدن او را دارند بدون گفتن کسی برای نمازدادن استاد میشرد؟

جواب: ازین گمان ها وتوهمات معلوم میشود که عقل شخص مذکور بجای نیست واو دیوانه است ویامعتوه (الری) است ودرپس معتوه ودیوانه نماز نه میشود. لهذا باساس این احتمال خوالدن نماز در پس اوبالکل فاسد است [۸] واگر او دیوانه مختل العقل ومعتوه نباشد وبهمراه ان

---

(۱) ولامفترض بمتنفل وبمفترض فرضا أخر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٤٢ ج ۱ ط.س. ج۱ ص ٥٧٩) ظفير

(۲) وصح اقتداء الخ متنفل بمفترض (ايضًا ص ٥٥٢ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٩٠) ظفير

(۳) وضم اليها سادسة الخ لتصير الركعتان له نفلا الخ والركعتان لا تنوبان عن السنة الراتبة بعد الفرض في الاصح لان المواظبة عليها انما كانت بتحريمة مبتدأة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ص ۷۰۱ ج ۱ ، ط.س. ج۲ ص ۸۷) ظفير

(٤) ايضا. ظفير

(۵) ولامفترض بمتنفل (درمختار ط.س. ج۱ ص ٥٧٩) واذا اتمها يدخل مع القوم والذى يصلى معهم نافلة (هدايه ص ١٣٤ ج ۱) ظفير

(٦) واذا اتمها يدخل مع القوم والذى يصلى معهم نافلة لان الفرض لا يتكرر في وقت واحد (هدايه باب ادراک الفريضة ص ١٣٥ ج۱) ظفير

(۷) والقراءة واجبة في جميع ركعات النفل (هدايه باب النوافل فصل في القرآءة ص ١٣١ ج۱) ظفير

(۸) ولايصح الاقتداء بالمجنون المطبق ولابالسكران (عالمگيرى مصرى الباب الخامس في الامامة ج۱ ص۷۹، ط. ماجديه ج۱ ص۸۵). ظ

که هوش وحواسش بجا است وچنین عقیده دارد، این عقیده خلاف اهل السنة والجماعة است بلکه خلاف اسلام است، باین سبب نیر درپس او نماز خواندن مناسب نیست ونمازیش نخواهد شد ویا مکروه تحریمی خواهد بود، زیرا درعقب بدعتی نماز مکروه تحریمی [۱] است ودر اسلام کسیکه شبه باشد وعقائد وی خلاف اسلام باشد درعقب وی نماز خواندن اصلاً صحیح [۲] نمیشود بهرحال بهر سبب در پس وی باید نماز نه خواند واو را امام ساختن حرام است برای اوگفته شود که هرگز امام مشو واو باید ازین کار بند کرده شود که نماز مردم را خراب نسازد، ویا ازعقائد باطلۀ خود وافکار دیوانگی توبه نماید درحدیث شریف آمده که نماز ان شخص قبول نمیشود که بامامتِ پیش شود ومردم ازامامت وی بد میبرند، وامام ساختن وی روا نیست، در درمختار آمده: ولو أم قوماً وهم له کارهون ان کان الکراهة لفساد فیه او لانهم احق بالامامة منه کره له ذٰلک تحریماً لحدیث ابی داود: ولایقبل الله صلٰوة من تقدم قوماً وهم له کارهون. [۳] فقط

امامت زانی درمسجد: سوال: (۶۷۱) یک إمام درداخل مسجد زنا کرد ونفر بچشم خود او را دید وامام مذکور همیش چنین حرکتها را میکند حکم نماز خواندن درپس چنین امام چیست؟

جواب: چنین شخص که دراین گونه فواحش مبتلا است فاسق وعاصی است وامامت وی مکروه تحریمی است لازم است که او معزول شود [۴] وامام دیگر صالح وعالم مقرر کرده شود اگر مکمل عالم نباشد علی الاقل آنقدر باشد که از مسائل نماز باخبر باشد وقرآن شریف را صحیح بخواند فقط.

امامت مؤذن: سوال: (۶۷۲) امامت مؤذن جائز است یانه؟

جواب: احناف امام شدن مؤذن را افضل میدانند در دُر مختار آمده: الافضل کون الامام هو المؤذن [۵] درديگر جا درباب الامامت آمده: وقول عمر (رض) لولا الخلافة لأذنت ای مع الامامة اذ الجمع أفضل. [۶]

---

(۱) ویکره امامة عبدالخ ومبتدع ای صاحب بدعة (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتارباب الامامة ص۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۵۹). ظ

(۲) وان انکر بعض باعلم من الدین ضرورة الخ فلا یصح الاقتداء به اصلاً (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۴، ط.س. ج۱ ص ۵۶۱). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۵) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) قوله فاسق من الفسق وهوالخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریما (ردالمحتارباب الامامة ص۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۵۹،۵۶۰). ظ

امامت کسیکه مسؤلیت خود را در ماموریت ادا نمیکند: سوال: (٦٧٣) کسیکه در یک اداره مامور باشد وکار خود را اداء نمیکند وماه به ماه تنخواه میگیرد امامت او جائز است یانه؟

جواب: امامت این شخص به دلیل فسق مکروه است. [۱] فقط

امامت گیرنده فائده ازگروی: سوال: (٥٧٤) (١) یک شخص زمین را گرو کرد وبه گروی دار کدام فائده غیره را مجرا نمیکند واین کار را روا میشمارد آیا درپس چنین شخص نماز درست است یانه؟

اقتداء به امامیکه سخن اورا مرد قبول ندارند: سوال: (٦٧٥) (٢) ملابه مردم قریه سخن شریعت را گفت چند نفر قبول نکردند وگفتند: ما رواج خود راترک نمیکنیم تو امام ما نیستی باز درپس همین امام نماز میخوانند نماز همین مردم درپس همان امام میشود یانه؟

جواب: (١) این تحقیق را شامی نموده که فائده گرفتن از زمین گروی درسود داخل است ودر: كُلّ قرض جرٌ نفعاً فهو ربوا، داخل است باین اساس کسیکه مرتکب این کار حرام میشود عاصي وفاسق خواهد بود ودر پس فاسق نماز مکروه است. [۲]

جواب: (٢) نماز درپس همین امام صحیح است باقی احکام شریعت قبول نکردن وبه آن عمل نکردن گناه است از آن توبه نماید فقط.

امامت تُتله: سوال: (٦٧٦) یک تُتله نماز میداد ودر پشت سریش چند مقتدیها بود بعد ازیک رکعت یک عالم بغرض خواندن نماز آمد آیا درجماعت شریک شود یانه؟ اگر شریک شد نماز همه مردم خود باطل نخواهد شد ونماز عالم در پس کُند زبان درست خواهد بود یا نه؟

جواب: آن عالمیکه پسان آمیده اگر به تنهائی خود نماز بخواند آن هم صحیح خواهد شد وکدام أمیانی که از پیش نماز میخواندند نماز آنها نیز صحیح خواهد بود واگر عالم مذکور به امی نامبرده اقتداء نماید باز نماز هیچکس درست نخواهد بود نه ازین عالم ونه ازین أمیانیکه از قبل نماز میخواندند چنین عبارت درمختار: او اذا اقتدیٰ امی وقاریٔ بامی تفسد صلوٰة الکل [۳] الخ شامل موضوع است: وصحت لو صلی کل من الامی وللقاری وحده فی الصحیح الخ الدر

(٦) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٣٧٢ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٤٠١. ظفیر.

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥١٥ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٥٢. ظفیر

(٢) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج ١، ط. س. ج ١ ص ٥٥٩) ظفیر

(٣) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٥٤ ج ١ ط.س. ج١ ص ٥٩٢. ظفیر

المختار. فقط [۱]

امامت قاتلیکه صرف توبه کرده باشد چگونه است: سوال: (۶۷۷) ازقاتل قصاص گرفته نشده وبالای مقتول خون رابخشش کرده نمی تواند توبه نموده است حالا بعد ازتوبه بخاطر باقیماندن حق العبد به کردن او فاسق شمرده میشودیانه؟ ونماز درپس اومکروه است یانه؟

جواب: در دُر مختار آمده: لا یصح توبة القاتل حتی یسلم نفسه للقود، وهبانیه. درشامی است: ای لا تکفیه التوبة قال فی تبیین المحارم: واعلم أن توبة القاتل لا تکون بالاستغفار والندامة فقط بل یتوقف علی ارضاء اولیاء المقتول [۲] الخ بالای اینجا شامی را نیز ببیند، آنقدر سخن معلوم شد که تنها به توبه گناه قتل معاف نمیشود وقاتل فاسق خواهد ماند ونماز درپس او مکروه خواهد بود [۳] فقط.

امامت لنگ درست است یانه: سوال: (۶۷۸) در پای یک شخص لنگی موجود است وامام مسجد است لاکن قران کریم راخوب میخواند درعقب چنین امام نماز خواندن درست است یانه؟

جواب: درشامی است: وکذا اعرج یقوم لبعض قدمه فالاقتداء بغیره اولی [۴] تاتارخانیه. ازین روایت معلوم شد که درپس لنگ نماز خواندن باکی ندارد فقط.

امامت امامیکه دعوت خانهٔ شرابی را میخورد: سوال: (۶۷۹) کدام شخصیکه درماه رمضان ویا درماه دیگر همیش آشکارا شراب مینوشد برای امام خورد ونوش ونکاح وجنازه این خانه چگونه است، وامامیکه این کار رامیکند ویا بالای دیگران میکند وازخورد ونوش آن اجتناب نه میکند حکم این امام چیست؟ وحکم رفتن به مجلسیکه درآن چنین مردم درنکاح جنازه ومهمان دعوت شده باشند ویا خودانها حاضر شوند چیست؟

جواب: شراب خور، وبدون عذر نه گیرندهٔ روزه فاسق وعاصی است بالای مسلمانان لازم است که بهمراه اوسلام وکلام وخورد ونوش را ترک نمایند [۵] وبدون شک خواندن نماز جنازه اش

---

(۱) درهمین گروی نمودن بهمراه کسی که گرو است یعنی راهن هیچ چیز نه میگیرد صرف بقسم ضمانت بهراه خود آنرا نگهداری میکند درین هیچ بدی نیست وامامت او جائز است. ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الجنایات فصل فیما یوجب القود ومالایوجبه ص ٤٨٤ ج٥ ، ط.س. ج۱ ص ٥٤٨. ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ٥٥٩) ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٥ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٢. ظفیر

(٥) وفی فصول العلامی ولا یسلم علی الشیخ الممازح والکذاب واللاغی ولا علی من یسب الناس اوینظر وجوه الاجنبات ولا علی الفاسق المعلن الخ (ردالمحتار مطلب المواضع التی یکره فیها السلام ص ٥٧٧ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦١٧) ظفیر

مناسب است، لاکن درزندگی بهمراه وی رفت وامد کردن مناسب نیست. وکدام امامیکه بدون ضرورت ومجبوریت همراه چنین مردم رفت وآمد مینماید وبدون بد شمردن وانکار بهمراهش خورد ونوش میکند او نیز گنهگار است لائق ساختن امامت نیست [1] فقط.

حکم امامیکه دعوت زن مرتد را میخورد: **سوال:** (۶۸۰) یک زن مرتد شده ودرحال اسلام فاجره بود ودر حال ارتداد نیز بدکار است این زن دریک مهمانی به مردم مذهب خود نان خوراند وبرای دو مسلمان یک بز وغیره راداد اگر کدام امام انرا بخورد اقتداء به او جائز خواهد بود یانه؟

جواب: برای امام مناسب نیست که چنین نان را بخورد بروی لازم است که ازین کار توبه [2] نماید وبعد ازتوبه اقتداء به اوجائز است فقط.

حق بستن نکاح وامامت عیدها: **سوال:** (۶۸۱) قاضی شهر مظفرگر محمد ضیاء الدین بود وی پابند نماز وروزه بود بحیث قاضی شهر حقوق مقررهٔ داشت ودوکار به او سپرده شده بود (۱) بستن نکاح (۲) امامت عیدها. که ازین حقوق نسل بعد نسل تاشش، هفت پشت مستفید شده زیرا که فیصله کردن ازشش هفت پشت درکلان های او روان بود اووفات یافت حالا سه شخص دعوه دارد: (۱) پسر قاضی ضیاء الدین کسیکه پابند روزه ونماز واز مسائل وارکان نماز خبر دارد ونکاح خوانی وخطبه خوانی رابسر رسانده میتواند، (۲) یک صاحب دیگری است که درآباء واجدادش کسی قاضی نگذشته وخودش سود میگیرد (۳) صاحب سوم برادر کلان شخص ذکر شده است، پابند نماز وروزه است؟ عربی دان است ولی مقلد نیست وهمه باشنده گان مظفرگر احناف اند درین سه اصحاب تقرر کدام یکی مناسب است؟

جواب: در هردو کاریکه به قاضی ضیاء الدین سپرده شده بود یعنی امامت عیدها وبستن نکاح وراثت نیست بلکه کسیکه اهل کارها باشد ودروی صفات امامت وقضاء یافته شود او امام وقاضی کرده شود صفات امامت اینست که امام از مسائل نماز خبرداشته باشد صالح ودیندار باشند قرآن شریف را صحیح بخواند، فاسق وبدعتی نباشد، وبسبب اعمال بد وعقائد فاسد او

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار باب الامامة ، ط س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۲) سئل الفقیه ابوجعفر عمن اکتسب ماله من امراء السلطان وجمع المال من اخذ الغرامات المحرمات وغیر ذلک هل یحل لمن عرف ذلک من طعامه قال احب الی ان لا یاکل منه الخ (ردالمحتار باب زکوٰة الغنم مطلب فی التصدق من المال الحرام ص ۳۵ ج۲ ، ط.س. ج۲ ص ۲۹۲) ظفیر

مسلمانهای عام ازوی نفرت نداشته باشند زیرا که این کار نیز سبب کراهیت امامت میشود [۱] وچون عموم مردم شهر احناف ومقلدین امام ابو حنیفه اند بدین سبب شخص غیر مقلد وبدعتی را نباید امام آنها ساخت زیرا او بسبب عدم تلقید یا بدعتها لائق امامت نیست ثانیاً عموم مسلمانها ازوی نفوت خواهند داشت، اگر در میان هرسه صاحبان مذکور کدام یک امام وقاضی ساخته میشود پسر قاضی صاحب مرحوم است پسریکه پابند نماز وروزه واز مسائل نماز باخبر ونکاح خوانی را بانجام رساننده میتواند زیاد لائق امام وقاضی جور شدن است زیرا که دوم بسبب [۲] سود خوری وشخص سوم بسبب عدم تقلید لائق امام شدن احناف اهل سنت نیست [۳] فقط.

اگر تنها یک شخص بالای امام تهمت ببندد امامت این امام چطور هست: سوال: (۶۸۲)
یک شخص بسیار خوب، قران شریف میخواند وشخص شریف است، خلاصه اینکه همه مردم شهر او را قابل امامت میدانند، تنها یک نفر به او تهمت میگوید که عمل جادو منتر میکند امام ازاین کار انکار میکند حالا بفرمائید که جزای شخصیکه بالای چنین امامي ایکه همه مردم شهر اورا خوب میشمارند تهمت میبندد چیست؟

جواب: هرگاه ثبوت اتهامیکه بالای امام زده شده نیست امامت او بدون کراهت صحیح، والزام تراش فاسق وعاصی است توبه نماید [۴] فقط.

امامت نابالغ: سوال: (۶۸۳) در پشمت نابالغ نماز میشود یانه؟

جواب: مذهب صحیح حنفی ها اینستکه اقتداء نابالغ برای بالغان درهیچ یک ازفرض ونفل درست نیست، تراویح نیز درپس نابالغ نمیشود همین مذهب صحیح احناف است وبلوغ در عمر پانزده سالگی میباشد لهذا تا وقتیکه بچه بالغ نه شده باشد او را امام نسازند همینطور قران

---

(۱) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلٰوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض الخ ولو ام قوما وهم له كارهون ان الكراهة لفساد فيه اولانهم احق بالامامة منه كره له ذالک تحريما لحديث ابى داود لايقبل الله صَلاة من تقدم قوم وهم له كارهون. (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷ – ۵۵۹) ظفير وكذا تكره خلف امرد الخ وشارب الخمر وأكل الربوا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲) ظفير

(۲) وكذا تكره خلف امرد الخ وشارب الخمر واكل الربوا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲) ظفير

(۳) ويكره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع اى صاحب بدعة الخ وزاد بن ملک ومخالف كشافعى الخ (ايضاً ج۱ ص ۵۲۵ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفير

(۴) يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اجْتَنِبُوْا كَثِيْرًا مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَّلَا تَجَسَّسُوْا (الحجرات: ۲۰) ظفير

شریف اورا درنفل بشوند یعنی این بچه نیت نفل راکرده استاد شود وشنودگان برایش بنشینند وقران شریف او را بشنود، هرگاه پانزده ساله شد در تراویح امامش بسازید قال فی الدرالمختار: ولا یصح اقتداء رجل بامرأة وخنثی وصبی مطلقا ولو فی جنازة ونفل الخ ودر شامی است: والمختار انه لا یجوز فی الصلاة کلها الخ فقط.[۱]

امامت بی ادبی کننده به استاد: سوال: (٦٨٤) گل بابا از مولوی بناء الله یک کتاب حدیث ویک کتاب فقه راخواند بعداز آن به کدام سخن گل بابا به استاذ مذکور خود دشنام داد والفاظ بد برایش گفت مدتی بعد مولوي صاحب وفات نمود حالا درپس گل بابا نماز جائز است یانه؟

جواب: حالا وقتی استاد مذکور گل بابا وفات نموده به گل بابا گفته شود که برای استاد خود دعا نماید وکدام بی ادبی وگستاخی که کرده ازآن توبه کند واستغفار بخواهد الله تعالی گناه او را معاف خواهد کرد واستادش خوشحال خواهد شد، بعد از توبه امامت گل بابا بدون کراهت درست است. در درمختار است که اگر درپس فاسق ومبتدع نماز بخواند ثواب وفضلیت جماعت برایش حاصل خواهد شد ودرشامی است که ازین روشن شد که نماز خواندن درپشت اینها بهتر است از تنها خوانی عبارت درمختار اینست: صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة الخ قال فی الشامی: أفاد أن الصلاة خلفهما أولی من الانفراد الخ[۲] فقط.

امامت إزار پوش پائین از بجلک: سوال: (٦٨٥) إزار امام از بجلک ها پائین است دروقت رفتن به مسجد به هردو دست إزار را بلند میکند وبه سجده میرود واین کار را درهر رکعت نماز دوامدار میکند وقتی به او در این رابطه گفته شد جوابش این بود که: قسم به خدا حالا دوچند میکنم، درین حالت نماز ما مقتدیها خواهد شد؟ وما درپشت او نماز بخوانیم ویا تنها نماز بخوانیم؟

جواب: امام مذکور نباید چنین کار کردزیرا که اول اینکه پائین کردن إزار از بجلک ها بیرون ازنماز نیز حرام ومنع است واین کار سبب فسق امام،میشود، ودر پس فاسق نماز مکروه است وتا وقتیکه فاسق توبه نکرده باشد امام ساختن او مکروه[۳] است. وثانیا: بار بار چنین حرکات

(۱) ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ٥٣٩ - ٥٤٠ ، ط.س. ج۱ ص ٥٧٦ – ٥٧٧ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٥ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٢ . ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٥٩). ظفیر

کردن درنماز نیز مناسب نیست زیرا که در این کار نیز کراهت است [۱] ودربعض حالات خوف فساد نماز است بهر حال منع کردن امام مذکور ازین کار لازم است واگر منع نه میشود دور کردن او لازم است واگر قدرت آن نباشد در پشت سر همین امام نماز خواندن بهتر است وثواب جماعت حاصل میشود [۲] فقط.

امامت شخصیکه تنها به آب استنجا میکند: سوال: (٦٨٦) زید میگوید عمر بعد ازبول خورد وکلان به کلوخ خود را پاک نه میکند تنها به اب استنجا میکند وی لایق امامت بخاطری نیست که استنجا بالحجر سنت مؤکد است، عمر میگوید: استنجا بالحجر ضروری نیست آیا درنماز خواندن در پشت عمر کدام مشکلی است یانه؟ به این کار یک مفتی عمر را فاسق گفته بالای او مفتی صاحب جواب ذیل را تحریر فرموده اند؟

جواب: اقول وبالله التوفیق، در شامی هست: ثم اعلم ان الجمع بین الماء والحجر افضل ویلیه فی الفضل الاقتصار علی الماء ویلیه الاقتصار علی الحجر وتحصیل السنة بالکل وان تفاوت الفضل کما افاده فی الامداد وغیره [۳] ازین تفصیل علامه شامی معلوم شد که تنها به اکتفاء کردن به آب سنت حاصل میشود وحکم فسق به او موجه نیست وتارک افضل فاسق نمیشود، فالجواب فیه سقم وغلط فقط.

امامت کسیکه زنی بالایش ادعای زنا بکنند: سوال: (٦٨٧) زنی به زبان خود بگوید که فلان مرد همراهم زنا کرده آن مرد امام مسجد نیز است حالا در پشت این شخص نماز جائز است یا نه؟

جواب: ثبوت زنا به گفتار زن شده نمیتواند [٤] ودر امامت او کدام کراهت نمیآید ونکاح زن مذکور به همراه شوهرش قائم است فقط.

امامت استعمال کننده سیاهی موی: سوال: (٦٨٨) کسیکه وسمه استعمال میکند وموی را

---

(۱) ویکره کفه ای رفعه ولو لتراب کمشمر کم اوذیل وعبثه به اوبثوبه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوٰة ومایکره فیها ص ٥٩٨ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٤٠) ظفیر

(۲) ولی النهر عن المحیط صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة (در مختار) افاد ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد لکن لا ینال کما ینال خلف تقی وورع (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ٥۲٥ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦۲) ظفیر

(۳) رد المحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۱۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۳۸ . ظفیر

(٤) تاوقتیکة چهار شاهد عینی شاهدی ندهند قابل اعتبار نیست: والشهادة علی مراتب منها الشهادة فی الزناء یعتبر فیها اربعة من الرجال لقوله تعالی : واللاتی یاتین الفاحشة من نساءکم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم (هدایه کتاب الشهادات ص ۱۳۸ ج ۳). ظفیر

سیاه میکند درعقب او خواندن نماز درست است یانه؟

جواب: مکروه است [1] فقط.

امامت کسیکه به شعبده عقیده دارد: سوال: (۶۸۹) زید شعبدۂ بازی میکند بقسم صدقه درسر چارپائی مریض بُز را بسته میکند اگر مریض صغیر بود بالای بُز سوارش میکند بازآن بُز را دفن میکند برای زید چه حکم است؟ ایا بالای وی توبه، وتجدید نکاح لازم است یانه؟ او را امام ساختن مناسب است یانه واگر به مسلمانان گفته شود که تکلیف دادن چنین شخص ضرور است علی الأقل از امامت دور شود وچند نفر جاهل میگویند که مایان به زیدایمان اورده ایم این چگونه است؟

جواب: امام ساختن چنین شخص روا نیست، بلکه مرد صالح، عالم، پرهیزگار را باید امام ساخت وجاهلانیکه طرفدار امامت چنین شخص اند گنهگار اند زیرا درمبتدع وفاسق بودن او هیچ ترددی نیست وامامت فاسق وبدعتی مکروه است ودور کردن چنین امام لازم است کذا فی الشامی [2] فقط.

امامت کسیکه اسباب مسجد را درخانۂ خود استعمال میکند: سوال: (۶۹۰) کسیکه مسجد را بربادکرد وخاک وسنگ آنرادرخانۂ مسکونی مصرف کرد وروزه ونماز را ادا نمیکند ونان خانه کافرها را میخورد وسود میدهد، وخطبه را غلط میخواند استاد شدن این شخص بالای منبر ووعظ کردن وخطبه گفتن وامامت او درست است یانه؟

جواب: بردن اسباب مسجد بطور غصب وخیانت ومصرف کردن آن درخانۂ خود، ونه گرفتن روزه، نماز نه خواندن، وبه سود دادن به کفارهم وهمه حرام است عامل این کارها فاسق است وامامت اومکروه [3] است. وخوردن نان خانۂ کافران درست است اعتراض کردن به این کاربیجا

---

(۱) ویستحب للرجل خضاب شعره ولحیته ولولی غیر حرب فی الاصح والاصح انه ﷺ لم یفعله ویکره بالسواد وقیل لا(الدرالمختار) فوبه یکره بالسواد ای بغیر الحرب الخ وان الیدین نفسه للنساء فمکروه وعلیه عامة المشائخ وبعضهم جوزه بلا کراهة روی عن ابی یوسف انه قال کما یعجبنی ان تتزین لی یعجبها ان تزین لها (ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۲ ج ۵ ، ط.س. ج۱ ص ۴۲۲) اگر وسمه مکروه پذیرفته شود امامت او مکروه خواهد بود ورنه نه زیرا که این مسئله اختلافی است. ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع ای صاحب بدعة (درمختار) بل مشی فی شرح المنیه ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲۳ ج۱ ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

است، وخطیب غلط خوان خطبه نباید خطیب مقرر شود فقط.

امامت کسیکه ازترس رنجیدن مزد به سخن خلاف شریعت سکوت میکند: سوال: (۶۹۱) وقتی عالم سخن خلاف شریعت را میشنود وبه این سبب آنرا منع نه میکند که مردم از من خفه خواهند شد وبه آن خاموشی میکند امامت چنین عالم چطور است؟

جواب: درباره امر بالمعروف در درمختار این تفصیل کرده است که اگر گمان غالب بود که این شخص سخن وحکم شریعت راقبول خواهد کرد، کردن امر بالمعروف ونهی عن المنکر به این شخص واجب است واگر این گمان بود که این شخص حکم شریعت را قبول نه خواهد کرد واجب [1] نیست چنین حکم است درصورت مسئوله که اگر گرفتن مفید بود برایش بگوید ورنه خاموش باشد وچرا از طرف عالم دین گمان بمیان یابد که باین سبب خاموش میباشد که مردم از من خفه نشود [2] فقط.

امامت کسیکه از مسائل منکر شود: سوال: (۶۹۲) عالمیکه سخنان خلاف شریعت را میشنود وسکوت میکند گویا به سبب لحاظ مردم وکدام مسئله که حق باشد آنرا پُت یعني مخفی نماید وبی ادبی شریعت را بکند، وچنین میگوید که فتوای شریعت بالای من چه کرده میتواند؟

جواب: درعقب شخصیکه مسائل شریعت را قبول نه میکند والفاظ [3] بی ادبی میگوید خواندن نماز روانیست، درشرح فقه اکبر ص۲۱۵ است: من أهان الشریعة او المسائل التی لا بد منها کفر.

امامت شخصیکه عقیده داشته باشد که پیغمبر ﷺ علم همه چیزها را داشت: سوال: (۶۹۳) اگر کسي عقیده داشته باشد که پیغمبر ﷺ علم کُلی یا جزئي داشت در عقب او خواندن نماز درست است یانه؟

جواب: علم برخي از مغیبات به رسول الله ﷺ باعـلام وتعلیـم خداونـد جَلَّ جَلَالُهُ مسلم ومتفق علیه

---

(۱) رای فی ثوب غیره نجسا مانعا ان غلب علی ظنه انه لو اخبره ازالها وجب والا فالامر بالمعروف علی هٰذا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۲٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۵۰) ظفیر

(۲) فالامر بالمعروف علی هذا کذا فی الخانیة وفی فصول العلامي وان علم انه لا یتعظ ولا ینزجر بالقول ولا بالفعل ولو باعلام سلطان اوزوج اووالده قدرة علی المنع لایلزمه ولایاثم بترکه، لکن الامر والنهي افضل وان غلب علی ظنه انه یضر به اویقتله لانه یکون شهیداً. (ردالمحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۲٤ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۵۰) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

است، البته داشتن این عقیده که علم همهٔ مغیبات به او بود ویا وی عالم الغیب بالاستقلال بود خلاف عقیده اهل سنت والجماعة است حذر کردن از نماز در پشت چنین شخص لازم است [۱] فقط.

امامت کسیکه عالمگیری را گرنگ میگوید: **سوال:** (۶۹۴) چه میفرمایند علماء دین دربارهٔ شخصي که درجریان بحث بالای مسئله به بیباکی وبدون هراس دربارهٔ فتاوی عالمگیری که کتاب معتمد ومعتبر فقه است میگوید که گرنگ است که کتاب پیشوای سکها گرونانک است وباز باین سخن محکم است، درپس چنین شخص نماز درست است یانه؟

جواب: چنین شخص فاسق هست، وسخت گنهگار است تا که توبه نه کند در پشت او نماز نه خوانید وامامش نسازید علماء توهین کتابهای فقه راکفر گفته اند [۲] والعیاذ بالله تعالی.

امامت کسیکه دردهن دندان داشته نباشد: **سوال:** (۶۹۵) کسیکه به خاطر خوب نه شدن بول کلان ویا بسبب کدام علت بچه گی خریطهٔ تمباکو را درمقعد خود میماند امامتش چگونه است، ویا دردهن او یک دندان هم نیست که بسبب آن اداء حروف درست شده نمیتواند ویا انگشتهای پایش از زمین بطرف دیگر باشد وخوبّ شخص روبرو میشود امامتش چگونه است؟

جواب: درهمه حالات نماز میشود لاکن بهتر اینست که چنان شخص امام شود که باعث نفرت مقتدیها نشود وآن امام صالح واز مسائل نماز باخبر وقرآن شریف خوب بخواند [۳] فقط.

امامت عاق: **سوال:** (۶۹۶) امامت عاق جائز است یانه؟

جواب: درحدیث شریف امده: صلوا خلف کل بر وفاجر، الحدیث. عاق چون مسلم است کافر نیست به این سبب درپشت او خواندن نماز صحیح است ولی مکروه است زیرا که عاق مادر وپدر وعاق یعني نافرمان استاد فاسق است وامامت فاسق مکروه است [۴] کذا في الشامی فقط.

امامت هاشمیکه مال زکوة را میخورد: **سوال:** (۶۹۷) یک شخص هاشمی صاحب نصاب

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ - ۵۲۴ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۲) ولی التتمة من اهان الشریعة والمسائل التی لابدمنها کفر. شرح فقه اکبر ص ۲۱۵. ظفیر

(۳) والاحق بالامامة تقدیما بل نصبا الاعلم باحکام الصلوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

(۴) اما الفاسق فقد عللوا الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) ظفیر

زکاة میگیرد، غزل میخواند، تبله میزند، وبرادر سکهٔ خود را رسوا میکند امامت این شخص چه حکم دارد؟

جواب: گرفتن مال زکاة برای غنی ناروا است وساز وسرود وتبله وغیره حرام است ومعصیت است همچنان تهمت بستن بالای مسلمان ورسواساختن وعیب جستن مسلمان حرام است مرتکب این کارها فاسق است. ولائق امام شدن نیست درشامی ودیگر کتابهای فقه هست که: امام ساختن فاسق حرام است ونمازخواندن درپس وی مکروه تحریمی است زیراکه فاسق واجب الاهانة است وامام ساختن او تعظیم او است [1] فقط.

امامت مریض: **سوال**: (۶۹۸) امام مؤظف مسجد به تب ولرزه مبتلا شده اما حواسش درست است، وعلماء همعصر او در مسجد موجود است درنماز دادن ترجیح به کی است؟ ودر اقتداء مقتدیهای عالم درپس امام مریض کدام کراهتی نخواهد آمد؟

جواب: درنماز کدام کراهتی نخواهد بود [2] فقط.

امامت اختیار کننده خلوت بازن بیگانه: **سوال**: (۶۹۹) امام یک مسجد به یک مرد چهار صد روپیه داد وبالای او زنش را طلاق داد حالا آن زن طلاق شده وامام دریک اطاق به تنهائی زنده گی میکنند آیا حالا نکاح آنها بعد ازگذشت عدت شده میتواند؟ دیگر اینکه امامت اوجائز است یانه؟ زن مذکور رابه مانند کنیز شمار کند یانه؟

جواب: بعد ازعدت نکاح شده میتواند وقبل ازنکاح این زن اجنبیه (بیگانه) است خلوت همراهش حرام است [3] وکنیز شمردن اوغلط وجهالت است وامام مذکور لائق امامت نیست وی باید ازامامت دور شود نماز در پشت او مکروه است. [4]

امامت بیست وپنج ساله که ریش اومکمل نیست: **سوال**: (۷۰۰) دریک مسجد امامی بیست

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) قوله فاسق من الفسق وهوالخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ - ۵۵۹) ظفیر

(۲) ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقا (درمختار) ای وان کان غیره من الحاضرین من هو اعلم واقرأ منه (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۳) وفی الاشباه الخلوة بالاجنبیة حرام (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی النظر والمس ص ۲۲۳ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۶۸) ظفیر

(۴) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار) باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

وپنج سال میشود که مقرر است ولی ریش او اشکار نشده درپس چنین شخص نماز روا ست یا نه؟ ودر شرائط بلوغ شرط است یا ریش؟

جواب: نماز درپس او درست است زیرا بالغ شدن شرط امامت است نه برآمدن [1] ریش هکذا فی کتاب الفقه فقط.

امامت تمیز نه کننده میان الف وعین؟ سوال: (۷۰۱) شخصیکه به سبب نادانی درمیان الفاظ قرآن شریف فرق کرده نمیتواند ومیان الف وعین، و ت، و ط، وغیره فرق کرده نمیتواند وزبر وزیر وپیش رانور مال گفته نمیتواند نماز دربس او درست است یانه؟

جواب: در پس اونماز درست خوانان صحیح نیست [2] فقط.

امامت کسیکه بالایش حج فرض است ولیکن نمیکند: سوال: (۷۰۲) زید دریک قریه امام است بالای زید بسبب نصاب حج فرض است واو حج نمیکند ومانع شرعی نیز نیست دیگر اینکه زید به وسمه ریش راسیاه میسازد، وممانعت حدیث را گوناگون تاویل میکند سوم اینکه زید بسیار به رغبت زیاد در جشن صلح سهم گرفت ومردم دیگر را ترغیب اشتراک درآن را داد گویا به پایان یافتن سلطنت اسلامی ترکها وخلافت ازطرفٰ وی اظهار خرسندی شد دربارۂ چنین شخص چه حکم است؟ واقتداء کردن به اوجائز است یانه؟ اگر درپس او نماز نمیشود کار نمازهای سابقه چطور خواهد شد؟

جواب: در دُرمختار وشامی آمده که سخن بسیار زیاد درست این است که حج بالفور ادا کرده شود یعنی درکدام سال که حج فرض شد در همان سال ادا شود وتاخیر کردن ازسال اول گناه صغیره است اگر تاچند سال تأخیر کند فاسق خواهد [3] شد. همچنان رنگ سیاه بدون داعی

---

(۱) وکذا تکره خلف أمرد (درمختار) الظاهر انها تنزيهية ايضا كما قال الرحمتی ان المراد به الصبيح الوجه لانه محل الفتنة وهل يقال هنا ايضا اذا كان اعلم القوم تفان الكراهة فان كانت علة الكراهة خشية الشهوة وهو الأظهر فلا وان كانت علة الجهل اونفرة الناس من الصلاة خلفه فنعم الخ سئل العلامة الشيخ عبد الرحمن بن عيسى المرشدى عن شخص بلغ من السن عشرين سنة وتجاوز حد الإنبات ولم ينبت عذاره فهل يخرج بذلک عن حد الأمردية الخ فهل حكمه في الإمامة كالرجال الكاملين أم لا وأجاب سئل العلامة الشيخ أحمد بن يونس المعروف بابن الشلبي من متأخري علماء الحنفية عن مثل هذه المسألة فأجاب بالجواز من غير كراهة (رد المحتار بالإمامة ج ۱ ص ۵۲۵ ط. س. ج۱ ص ۵۶۲) ظفير

(۲) ولاغير الالثغ به ای بالالثغ علی الاصح كما فی البحر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی الالثغ ص ۵۴۴ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۱) ظفير

(۳) وهوفرض علی الفور وهوالاصح فلايباح له تاخير بعد الامكان الی العام الثانی فاذا آخره وادی بعدذالک وقع اداء كذا فی البحرالرائق (عالمگيری مصری كتاب المناسک ص ۲۰۲ج۱ ، ط. م. ج۱ ص ۲۱۶) ظفير

شرعی (ضرورت شرعی) مکروه نوشته شده [۱] این هردو کار سبب کراهت امامت شخص مذکور است یعنی اگر چه نماز درپس اوادا میشود. لقوله ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث نقله فی شرح المنیة ، لیکن مکروه میشود ونمازهایکه درپس او ادا شده نیز شد، ضرورت اعاده آن نیست ازهمین خاطر کدام شخص صالح عالم راباید امام ساخت زیرا درامام ساختن اوتعظیم اوست وتعظیم فاسق حرام است. [۲] واشتراک درجشن صلح را ازین موضوع باید جدا ساخت زیرا اشتراک درین محافل بجهت حکم حکام مجبوریتی میباشد فی الجمله بالای قوم محض باین سبب حکم فسق کرده نمیشود فقط.

امامت شخصیکه سنی نیست وتحت تأثیر شیعه است: سوال: (۷۰۳) یک شخص رافضی بود ودرمیان قرم شیعه وسنی امام شد چون اکثر مردم سنی بودند درنماز طریقهٔ سنیها را درپیش گرفت مردمانیکه به شیعه بودن او مینگرند نماز نمیخوانند وبرای تسلی دل خود این پرسش رامطرح میکنند که اگر این امام به آن فرقه از شیعیان لعنت بگوید که بر بی بی عائشه رضی الله عنها تهمت می بندد، وحضرت علی را خدا میداند وسهوه شدن جبریل علیه السلام در آوردن وحی قبول میکنند وبالای صحابه کرام خصوصا شیخین طعن ولعن میگویند براین فرقه به موجب روایات فقهی کافر است وعقیدهٔ خود رابیان کند کدام عقیدهٔ که ازاهل سنت والجماعة است که چنین مردم کافران اند درآنوقت ما نماز میخوانیم ورنه تسلی ما نمیشود. تا وقتیکه صفائي نکند این شخص انکار میکند که این سخن را هرگز نخواهم زد وازین انکار شک زیاد میشود ازشیعه بودن اوآ یا درپس او یا وجودیت شخصیکه ازمدت زمانی مردم بدون عذر نماز میخوانند نماز خواندن درست است یانه؟

جواب: این سخن سنی میبود چرا درکافر وملعون گفتن روافضیکه عقائد آنها به یقین به حد کفر رسیده وبه اتفاق أهل سنت انها کافران اند، تامل وانکارمیکند وقتی این شخص درین رابطه موافقه اهل السنت والجماعة رانمیکند حتماً وی شیعه ورافضی است. ویا طرفدار روافض است بهرحال

---

(۱) ویستحب للرجل خضاب شعره ولحيته الخ ویکره بالسواد وقیل لا (الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۵ ج۵ ، ط.س. ج٦ ص ٤٢٢) ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانته شرعا الخ بل مشی فی شرح المنیة کراهة تقدیمه کراهة تحریم. (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۹۹ - ۵٦۰) ظفیر

[۱] لائق امام کردن [۲] نیست ونگاه کردن امام سابق که کدام سبب کراهت وعدم جواز در او نیست ضرور است.

نکاح بستن به سوگند زن جرم نیست: سوال: (۷۰۴) یک زن سوگند نمود که شوهرم مرا طلاق داده باساسی این سوگند قاضی نکاح اورا به شخصی دیگری بسته کرد بعد ازآن ثابت شد که طلاق نه شده بود مردم خواندن نماز را درپس شخص نکاح کننده ترک کردند بابستن این گونه نکاح امامت نکاح خوان درست است یانه؟ وزن اوطلاق میشود یانه؟

جواب: با بیان سوگندیه زن که طلاق شوهر سابق را بیان کند بستن نکاح او با شخص دیگر درست است [۳] وباین سبب نکاح خوان قابل دور کردن ازامامت نیست ونماز درپس اوصحیح است لاکن وقتی ثابت شد که آن زن طلاق نه شده درین وقت بیان کردن بطلان نکاح دوم بصفت عموم ضروری است وجدا کردن او از شوهر دوم لازم است پس اگر طلاق شد بعد از گذشت عدت باید دوباره نکاح شود واین سخن نیز واضح شد که همسر قاضی صاحب از نکاح او بیرون نشد فقط.

برای امامت ریش دراز بهتر است ویا ریش کوتاه: سوال: (۷۰۵) درقریه ما دو امام است: ف – م، ف که عمرش پنجاه سال، سفید پوش، ریش دراز، حافظ قران پابند جماعت است، و، م، که سی چهل ساله است، ریش را کوتاه میسازد ناظره میخواند، هروقت از جماعت غائب میباشد یکدفعه جماعت را بدون وضوء داده بود درین حالت امامت چه کسی بهتر است وباید کدام یک امام شود؟

جواب: درین صورت زیاد حقدار امامت (ف) است ودرعقب (م) نیز نماز ادا میشود ولی وقتی او درباره دین محتاج نیست وریشش موافق شریعت نیست وقتی نماز رابدون وضوء نماز داده نماز درپس او مکروه است ماندن یک قبضه مشت یعني ریش سنت است کم کردن ازآن درحکم

---

(۱) وبهٰذا ظهر ان الرافضی ان کان ممن یعتقد الالوهیة فی علی ﷺ اوان جبرئیل غلط فی الوحی اوکان ینکر صحبة الصدیق اویقذف السیدة الصدیقه فهو کافر لمخالفة القواطع المعلومة من الدین بالضرورة (رد المحتار کتاب النکاح فصل فی المحرمات ص ۳۹۸ ج۲ ، ط.س. ج۳ ص ٤٦) ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) بل مشی فی شرح المنیة کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۹ – ۵٦۰) ظفیر

(۳) وحل نکاح من قالت طلقنی زوجی وانقضت عدتی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۱ ج ۵ ، ط.س. ج٦ ص ٤۲۰) لا تجوز خلف الرافضی والجهمی الخ (عالمگیری مصری باب الامامة ص ۷۸ ج۱ ، ط. م. ج۱ ص ۸٤) ظفیر

تراش کردن [۱] ریش است واین حرام است: لَا يُكْرَهُ دَهْنُ شَارِبٍ وَ لَا كُحْلٍ إِذَا لَمْ يَقْصِدْ الزِّينَةَ أَوْ تَطْوِيلَ اللِّحْيَةِ إِذَا كَانَتْ بِقَدْرِ الْمَسْنُونِ وَهُوَ الْقَبْضَةُ وَأَمَّا الْأَخْذُ مِنْهَا وَهِيَ دُونَ ذَلِكَ كَمَا يَفْعَلُهُ بَعْضُ الْمَغَارِبَةِ ، وَمُخَنَّثَةُ الرِّجَالِ فَلَمْ يُبِحْهُ أَحَدٌ ، وَأَخْذُ كُلِّهَا فِعْلُ يَهُودِ الْهِنْدِ وَمَجُوسِ الْأَعَاجِمِ. (رد المحتار كتاب الصوم. باب مايفسد الصلٰوة مطلب في الاخذ من اللحية ص ۱۵۵ ج۲. ظفير)

به سبب گمان امامت راترک نماید یانه: سوال: (۷۰۶) اززمان زیادی امامت میکنم حالابرایم چیزی وهم پیدا شده که وضویم شاید شکسته شده باشد به این سبب خواهش دلم این است که تو امامت مکن، ووقتی مردم را جدا جدا به نماز میبینم دلم صبرنه میشود حکم شرعی چیست؟

جواب: باید هیچ کار بہ گمان نه شود وچنین وسوسه رابابد دفعه کرد ولاحول ولا قوة الا بالله را زیاد بگوید. وتا وقتیکه یقین شکست وضوء نباشد تا ان وقت به ان طرف نباید توجه [۲] کرد وباید امامت نمود درحدیث شریف آمده: تا وقتیکه صدای بی وضوئی ویا بدبوئي معلوم نه شده باشد وضوء نه میشکند [۳] فقط.

امامت نفع گیرنده ازگروی مکروه تحریمی است: سوال: (۷۰۷) وقتی شخصی زمین را گرو بگیرد ونفعش را میخورد امامت او مکروه تحریمی است یا تنزیهی؟

جواب: مکروه تحریمی است کذا فی الشامی [۴] فقط.

بعد ازامامت نماز خفتن امامت فرض این نماز را دوباره کرده میتواند یانه: سوال: (۷۰۸) زید دریک مسجد درپس امام فرض خفتن را خواند بعد ازآن درمسجد دیگر امامت فرض را نمود نمازیکه دوباره خوانده فرض است یانفل؟

جواب: نماز فرض سابق زید شده بود کدام نمازی راکه دوباره کرده نفل شد درپشت او فرض مردم آدا نشد [۵] فقط.

امامت نافرمانی کننده پدرومادرواجتناب نه کننده ازمنکرات:سوال: (۷۰۹) بکر به قشتی

---

(۱) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفير

(۲) اليقين لايزول بالشک (الاشباه والنظائر القاعدة الثالثة ص ۷۵) ظفير

(۳) عن ابی هريرة ﷺ قال قال رسول الله ﷺ اذاوجد احدكم فی بطنه شيئًا فاشكل عليه اخرج منه شيئ ام لا ؟ فلا يخرجن المسجدحتى يسمع صوتا اويجد ريحا رواه مسلم (مشكوٰة باب مايوجب الوضوء ص ۴۰) ظفير

(۴) رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹. ظفير

(۵) لا مفترض بمتنفل وبمفترض فرض آخر لان اتحاد الصلاتين شرط عندنا وصح ان معاذا ﷺ كان يصلي مع النبیؐ نفلا وبقومه فرض (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۹) ظفير

پهلوانان میرود، جائیکه دول زده میشود ومنکرات دیگر باشد در میله ها هرجا که هرگونه کار قبیح باشد تماشای آنرا میکند، تارک جماعت است، وداماد خود عمررا تحریک کرده ونافرمانی پدر خود زیدرا نموده تا اینکه زید بزدن پدر خود شروع کرد درحالیکه زید قبل از نکاح بسیارفرمانبردار پدر بود وبکر داماد خود عمر را ازمعافی خواستن از پدر منع کرد وازتعلیم نیز منعش کرد آیا امام ساختن بکر وعمر درست است یانه وعمر عاق پدر (زید) هست یانه؟

جواب: عمر موافق بیان پرسنده عاق پدر ونافرمان وشرعا فاسق وعاصی است امام ساختن اوحرام است ونماز درپس او مکروه است همچنان بکر که عمر را به نافرمانی پدر ومادر آماده میسازد ومرتکب منکرات شرعی است فاسق است امام ساختن اوحرام ونماز درپشت او مکروه تحریمی است. علامه شامی دلیل کراهت تحریمی نماز درعقب فاسق وحرمت امام کردن آن چنین نوشته است: که فاسق ازنظر حدیث راجب الاهانة است ودرامام کردن اوتعظیم او است بدین سبب امام ساختن اوحرام شد عبارت شامي اینست: اما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه بانه لايهتم بامر دينه وبان فی تقديمه للامامة تعظيمه وقد وجب عليهم اهانته شرعاً [1] الخ. فقط

امامت کسیکه ازار شش گروه برادر را میپوشد: **سوال**: (۷۱۰) اگر ازار شش گره برداشته باشد واز بجلک ها بلند باشد امام آن را بپوشد ونماز بدهد جائز است یانه؟

جواب: نماز درست است فقط که پوشیدن ازار با پاچه بر (عرض) دار درست است.

امامت کسیکه درپشت سابق نسب او خراب باشد: **سوال**: (۷۱۱) زید زن خود را طلاق مغلظ داد یک سال بعد شوهرش اورا بدون نکاح شرعی در زوجیت خود نگهداشت وازین زن یک دختر تولد شد بهمراه آن کدام مسلماني نکاح کرد اولادیکه ازین دختر پیدا شده امامت کرده میتواند یاخیر؟ در پشت او نماز جائزاست یانه؟

جواب: اگر این اولاد صالح وقابل امامت بود مثلاً: عالم باشد، از مسائل شریعت خبر باشد در پشت او بدون کراهت درست بلکه بهتر است [2] فقط.

امامت شخصیکه زن بالای او تهمت ببندد: **سوال**: (۷۱۲) هنده یک زن بیوه وبازاری است، نسبت حمل حرام خود را به امام میکند وامام انکار مینماید که این زن بالایم تهمت می

---

(۱) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

بندد چند نفر میخواهد امام را دورکنند شرعاً حکم امامت این امام چیست؟

جواب: وقتیکه هیچ شهادت زنا موجود نیست زنا وحمل شدن از زنا ثابت [۱] نیست وتنها تهمت بستن است درامامت امام کدام کراهت ازین سبب نمیآید. فقط

امامت امام پول گیرنده ازفاحشه ها: سوال: (۷۱۳) امام مسجد ازآن زنهای پول میگیرد که به راه ناروا یعنی (مُرده گاوی) گذاره خود را میکند وهرگاه کدام به ولادت بمیرد این امام سیخ آهنی را به تیل شرشم چرب کرده وازوی دور میدهد که ازوی بلاجور نشود. وهمین عقیده وارثان زن وفات شده میباشد از وی امام بقسم اجوره پول نقد میگیرد، ید مرد وباز مانده گان اوبه نیت ثواب بدون امام به کدام یتیم مسکین ازجملهٔ خیرات رخت وغیره داد آیابه نه دادن به امام گناه شد یاثواب ویا حق این امام بود؟ چنین امام قابل امامت است یانه؟

جواب: گرفتن از آمدني حرام برای هیچکس روا نیست [۲] بخصوص برای امام لازمست که درچنین چیزها بسیار احتیاط نماید. وکدام زنیکه دردرد اولاد یا نفاس (چهل) بمیرد شهید است، عقیده بلا شدن از او غلط است. ازین گمان باید توبه کرد وبرای ایصال ثواب به غریبان یتیمان ومسکینان خیرات دادن ذریعه ثواب است. اما در آن کدام حق خاص ندارد اگر اونیز محتاج وغریب باشد برای او نیز داده شود لاکن این گمان که فقط وی مستحق خیرات است وبدون وی به محتاجان ویتیمان دیگر دادن آن حرام است بالکل غلط ومطلق افتراء است چنین شخص لائق امام ساختن نیست. [۳] فقط

دراز ساختن رکوع وسجدهٔ امام چطور است: سوال: (۷۱٤) (۱) امام رکوع وسجده را دراز میکند بهمراه انکه مقتدیها اورا منع میکنند لاکن امام قبول ندارد شرعاً حکم این امام چیست؟

دراز کردن قرائت: سوال: (۷۱۵) (۲) آیا جائز است که امام قرائت را اهسته بخواند وسورت

---

(۱) وولد الزنا هذا ان وجد غيرهم والا فلا كراهة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲) ويكره تقديم الفاسق الخ وولد الزنا بناء على ان الغالب فيه الجهل ايضا اذا ليس له من يحمل على التخلق بالاخلاق الحميدة من العلم وغيره حتى لوتحقق منه عدم الجهل لايكره تقديمه كالعبد والاعرابى فانه لا ذنب له بزنى ابويه ولاتزر وازرة وزر اخرىٰ (غنية المستملى ص ۳۵۱) فى الحال سوال که درباری کسی است او خودش ولد الزنا نیست البته مادرش است. ظفیر

(۲) الشهادة فى الزنا يعتبر فيها اربعة من الرجال لقوله تعالى (هدايه كتاب الشهادات ص ۱۳۸ ج ۳) ظفير

(۳) الحرمة تتعدد مع العلم بها (درمختار) اما لو رأى المكاس مثلا ياخذ من احد شيئا من المكس ثم يعطيه آخر ثم ياخذ من ذالك الآخر فهو حرام (رد المحتار كتاب البيوع باب البيع الفاسد ، مطلب الحرمة تتعدد ص ۱۸۰ ج ٤ . ظفير

نیز دراز که براي مقتدیها تکلیف باشد یانه؟

غیر حاضري امام: سوال: (۷۱۶) (۳) بخاطر کار یک نفر امام در هفتهٔ پنج هفت مرتبه غیر حاضر بود دربارهٔ وی چه حکم است؟

طبع خوشی امام بعد ازنماز خفتن وحاضر نه شدن او درنماز: سوال: (۷۱۷) (٤) اگر امام بهمراه دوستها واشناهای خود می نشیند، که به سبب آن دربه خواب رفتن تأخیر میشود وبرای نماز صبح (بیدار) خیسته نمیتواند ونائب امام به تنخواهی که ازطرف مسجد باشد نگاه شود در رابطه به این امام چه حکم است؟

جواب: (۱) بالای امام لازم است که اختصار وتخفیف کند دراز کردن زیاد قرائت ورکوع وسجده خوب نیست کما ورد [1] فی الحدیث.

جواب: (۲) بسیار درازش نکند واز قرائت مسنونه تجاوز نه کند. [2]

جواب: (۳) بهتر این است که به خوشنودی مقتدیها چنین بکند بدون خوشنودی مقتدیها چنین نمودن خوب نیست.

جواب: (٤) این خوب نیست نبی ﷺ آنرا خوش نمیکرد [3] فقط.

امامت کسیکه بیوهٔ جوان را از نکاح منع میکند: سوال: (۷۱۸) یک شخص میخواهد یک دختران جوان رانکاح کند اما پدر دختر نه میخواهد درپشت اونماز چطور است؟

جواب: نماز درعقب وی صحیح است اما باوجود موقع خوب سیال ندادن دختر به نکاح بسیار بد است، چنین نباید کرد (زیرا ارشاد ربانی است: وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ، در ایامی بیوه نیز داخل است.

امامت مخالف خلافت: سوال: (۷۱۹) کسیکه از خلافت رابطه خود را قطع کند ودرین رابطه

---

(۱) ویکره تحریما تطویل الصلوٰة علی القوم زائدا علی قدر السنة فی قراءة واذکار رضی القوم اولا، لاطلاق الامر بالتخفیف (درمختار) لما فی الصحیحین اذا صلی احدکم بالناس فلیخفف فان فیهم الضعیف والسقیم والکبیر واذا صلی لنفسه فلیطول ماشاء الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص٥٦٤) ظفیر

(۲) ان التطویل هو الزیادة علی القرآئة المسنونة فانه صلی الله علیه وسلم نهی عنه وقراءته هی المسنونة فلا بد من کون مانهی عنه غیر ماکان دابه الا لضرورة الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۸ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٥) ظفیر

(۳) ویکره النوم قبلها والحدث بعدها لنهی النبی ﷺ عنهما الا حدیثا فی خیر لقوله ﷺ (لا سمر بعد الصلوٰة یعنی العشاء الاخیرة الخ) وانما کره الحدیث بعدها لانه ربما یؤدی اللغو اوالی تفویت الصبح اوقیام اللیل لمن له عادة به واذا کان لحاجة مهمة فلا باس الخ (رد المحتار کتاب الصلوٰة تحت قول وتاخیر عشاء الی ثلث اللیل ص ۳٤۱ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳٦۸) ظفیر

کدام کوشش نمیکند ونه درکدام جلسه شریک میشود واگر ازوی ازسبب پرسیده شود؟ میگوید این غیر اهم وخلاف مصلحت است وبه مردم زیرا تأثیر خود نیز این تلقین را میکند ونژاد پرستی میکند، آیا این شخص مسلمان است؟ واگر باشد امامت او جائز شده میتواند؟

جواب: این شخص به خطا است وهمدردی به اسلام ومسلمین اولین فریضه مسلمان است بهمراه مسلمانی همدردی نداشتن به خلافت اسلامی سخت غلطی است اینجا جای تفصیل نیست سخن کوتاه اینست که گمان وی باطل وغلط است باقی تکفیر وی درست نیست وجنگ کردن مناسب نیست وکدام حمله بالای وی نکنید وفتنه وفساد زیاد نکنید باصبر واطمنان کار خودرا بکنید کسی شریک شد فبها وکسی شریک نشد مسؤلیت خودش است ضرورت حمله به او نیست فقط.

امامت مامور کاروبار سودی وخودگیرنده سود: سوال: (۷۲۰) یک شخص دربانک رسمی مامور است وقرض سودی مینویسد وخودش نیز سود میگیرد نماز درپشت او مکروه است یا نه؟ واعاده نماز واجب است یا خیر؟

جواب: درحدیث شریف بالای دهنده وگیرنده وشاهدان وغیرهٔ سود لعنت وارد شده وحضرت رسول الله ﷺ فرموده اند: هُم سَواءٌ، یعنی همه گان درگناه یکسان اند، لذا شخص مذکور تاوقتی توبه نه کند به سبب اسق شدن لالق امام شدن نیست ونماز درپس اومکروه تحریمی است کذا فی الشامی [۱] لکن درديگر جای درمختار نقل کرده که: صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة افاد ان الصلٰوة خلفهما اولٰی من الانفراد. شامی [۲] البته این قاعده را نیز فقهاء نوشته اند که: کل صلوة ادی مع کراهة التحریم تجب اعادته [۳] درین باره بعضي فقهاء این تفصیل رانیز فرموده که اعاده درداخل وقت واجب است وبعد ازوقت مستحب است امام شافعی این را مرجوح گفته وگفته اند که سخن راجع این است که اعاده درداخل وخارج وقت واجب [۴] است

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح النیه ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلٰوة. مطلب واجبات الصلٰوة. ص ۴۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۵۷ . ظفیر

(۴) قید فی البحر فی باب قضاء الفوائت وجوب الاعادة فی اداء الصلٰوة مع کراهة التحریم بما قبل خروج الوقت اما بعد فستحب ، وسیاتی الکلام فیه هناک الخ وترجیح القول الاول بالوجوب فی الوقت وبعده (رد المحتار باب صفة الصلاة تحت مطلب کل صلاة ادیت مع کراهت التحریم ص ۴۲۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۵۷) ظفیر

البته علمائیکه دراصل اعاده رامستحب میدانند انها انرا درداخل وقت وبیرون وقت مستحب خواهند خواند فقط.

امامت کسیکه نکاح مطلقه رابدون حلاله بسته میکند وشرح وقایه را پرتاب کند: سوال: (۷۲۱) امام جُمعه که نکاح مطلقه ثلاثه را بدون تحلیل ببندد وبگوید که بنزد من سه طلاق بمثابة یک طلاق رجعی است همراهم بحث نمائید بعدا بایک دیوبندی تعلیم یافته بحث بمیان آمد وشرح وقایه تقدیم شد مرد مذکور شرح وقایه رابلند کرده وبه صحن مسجد پرتاب کرد وگفت که ملاتي دیوبندی ومردمیکه درین مسئله رفقای او هستند همه گی منافقان اند امامت چنین شخص چه حکم دارد؟

جواب: بسته کننده نکاح زن مطلقه ثلاثه بدون تحلیل بهمراه شوهر اول فاسق است وپرتاب کننده کتاب فقه ومنافق گویندۀ علماء حقانی منافق درجه سخت است بلکه با توهین کتاب های دین بیم کفر است. چنین شخص لائق امامت نیست تا وقتیکه او توبه نکند وایمان را تجدید نکند اوامام ساخته نشود درشامی آمده: وَأَمَّا الْفَاسِقُ فَقَدْ عَلَّلُوا كَرَاهَةَ تَقْدِيمِهِ بِأَنَّهُ لَا يُهْتَمُّ لِأَمْرِ دِينِهِ ، وَبِأَنَّ فِي تَقْدِيمِهِ لِلْإِمَامَةِ تَعْظِيمَهُ ، وَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِمْ إهَانَتُهُ شَرْعًا ، وَلَا يَخْفَى أَنَّهُ إذَا كَانَ أَعْلَمَ مِنْ غَيْرِهِ لَا تَزُولُ الْعِلَّةُ ، فَإِنَّهُ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يُصَلِّيَ بِهِمْ بِغَيْرِ طَهَارَةٍ فَهُوَ كَالْمُبْتَدِعِ تُكْرَهُ إمَامَتُهُ بِكُلِّ حَالٍ الخ ص ۳۷۶ ج۱، وفی شرح الفقه الاكبر عن التتمه من أهان الشريعة والمسائل التی لابد منها كفر الخ صفحه ۲۱۵ فقط.

امامت خائن وغاصب: سوال: (۷۲۲) اولاد زید امام محله راچلباز (مکار) میگویند یعنی بخاطر زدن پول مردم خود را درخانه حکومت غریب نوشته کرده وبه آن قسم میکند اگر چه بهمراه او بسیار زیاد مال است همچنان به نزد این امام بسیار مال جمع شده اقتداء چنین غاصب وخائن درست است یانه؟ درحالیکه مقتدیان ازوی نفرت میکنند واولاد زید به همین سخن ضد میکنند که ما درپس همین امام چلباز نماز عید راخواهیم کرد؟

جواب: شخصیکه حقوق مردم وبهمراه توان قرضهای مردم را ادا نمیکند وحقهای مردم را میزند ظالم وفاسق است. درپس اونماز خواندن مکروه است کذا فی الشامی.[1]

نکاح دختر حنفی بهمراه شیعه وامامت بسته کنندۀ این نکاح: سوال: (۷۲۳) نکاح دختر

---

(۱) بل فی شرح المنية ان كراهة تقديمه ای الفاسق كراهة تحريم (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) ظفیر

حنفی وبچهٔ شیعه درمیان خود میشود یا خیر؟ اگر نه میشود کسیکه نکاحش بسته میکند واصرار مینماید که میشود حکم او چیست؟ اگر وی امام مسجد باشد درپس او نماز میشود یانه؟

جواب: رافضی که تبرا (به صحابه بد رد میگوید) کننده باشد بهمراه اونکاح زن مسلمان سنی حنفی نمیشود واگر نکاح انها شده باشد یکی ازدیگر جدا کرده شوند [1] وامام مسجد که چنین رابسته میکند لائق امام کردن نیست اگر چه نماز درپشت اومیشود ولی مکروه است اگر چنین امام توبه نکند لائق دور کردن است [2] فقط.

امامت نابینا: **سوال**: (۷۲۴) امامت نابینا چه حکم دارد؟ گو مکروه است چرا؟ وهرگاه اعلم از او موجود باشد واز امامت او نفرت میکند چه حکم دارد؟ ازنماز خواندن درپس اوتنها خواندن بهتر است یانه؟ صاحب هدایه برای کراهت امام دو وجه ذکر کرده:

جواب: اینکه وی ازنجاست دور نمیشود دیگر اینکه مردم ازامامت اونفرت میکنند. اگر این دو سبب نه بود امامت گور بدون کراهت درست است [3] درشامی برامامت بلا کراهت کور استدلال نموده که حضور ﷺ عبدالله بن ام مکتوم وعتبان را امام ساخته بود: لکن ورد فی الاعمی نص خاص هو استخلافه ﷺ لابن ام مکتوم وعتبان علی المدینة وکانا أعمیین لأنه لم یبق من الرجال من هو اهلا منهم [4] الخ غرض اینکه هرگاه ازکُور اعلم (بسیار دانا) موجود است ومردم ازامامت کُور نفرت دارد بهتر این است که اعمیٰ امام نشود واگر شد باید نماز درپس اوخواند ازتنها خواندن نماز درعقب او افضل است بمثلیکه در درمختار وشامی است: صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة الخ قوله: نال فضل الجماعة افاد ان الصلاة خلفها اولی من الانفراد الخ [5] صفحه ۳۷۷ شامی فقط.

---

(۱) وفی النهر تجوز مناكحة المعتزلة لانا لا نكفر الخ (درمختار) وبهذا ظهر ان الرافضی ان كان ممن يعتقد الالوهية فی علی ﷺ اوان جبريل غلط فی الوحی اوكان ينكر لصحبة الصديق اويقذف السيدة الصديقة ﷺ فهو كافر (رد المحتار فصل فی المحرمات ص ۳۹۸ ج ۲ ، ط.س. ج ۳ ص ۴۵ – ۴۶) ظفیر

(۲) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشى فی شرح المنية ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۳) ويكره تقديم العبد الخ والاعمى لانه لا يتوقى النجاسة الخ ولان فی تقديم هؤلاء تنفير الجماعة فيكره . (هدايه باب الامامة ص ۱۱۰ ج۱) . ظفیر

(۴) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

(۵) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفیر

امامت دوباره عید: سوال: (۷۲۵) یک امام مسجد بعد ازنماز دادن عید فطر دوباره برای زنان نماز عید راداد شرعاً حکم این کار چیست؟

جواب: امامیکه یک مرتبه نماز عید را داد وی دوباره نماز عید را داده نمیتواند کدام نمازی راکه دوباره میدهد نفل است وجماعت نفل مکروه است لهذا این نماز مکروه شد وتنها به زنان جماعت دادن نیز مکروه است کذا [1] فی الدرالمختار فقط.

امامت عکس گیرنده بعد ازتوبه: سوال: (۷۲۶) بخاطر یک رهبر مجلسی جور شده بود باساس دعوت امام صاحب نیزآمده بود بشمول امام عکس همهٔ مجلس گرفته شد بهمراه آن که امام صاحب ازمسئله خبر نداشت عکس خودرا کشید درپشت او نماز میشود یانه درحالیکه او به خطاء خود اقرار میکند وتوبه میکند؟

جواب: خود عکس گرفتن ویا بالای دیگری گرفتن درشریعت حرام است یقینا که ازوی غلطی وگناه شده لاکن وقتیکه حالا این امام توبه میکند نماز درپس او بلا کراهت درست است [2].

امامت پدرش که پسرش زناکرده باشد چطور است: سوال: (۷۲۷) زید بهمراه همشیره پدر خود (عمه) زنا کرد وآنرا حامله ساخت وپدرش امام است وزید آب مسجد را پُر مینماید درپس پدر اوزید نماز میشود یانه وبه آب پُرکرده زید وضوء روا است یا نه؟

جواب: باثر بدکاری زید درامامت پدر وی هیچ کراهت نیست وبه آب پُر کرده زید وضوء جائز است. لکن ضرور است که به چنین شخص اخطار داده شود وبالایش توبه کشیده شود.

امامت شرابی: سوال: (۷۲۸) زید خطیب مسجد شاهی است اما پابند روزه ونماز نیست درماه رمضان المبارک عادت نوشیدن چای در هوتل ها وخوردن تمباکو ونوشیدن قهوه درسر راهای عام رادارد علاوه ازین ها دائم الخمر، وقماربازی مصروفیت روزانه اش هست وزناکار است، باموجودیت همه این کارها درمسجد جامع خطبه میدهد آیاچنین شخص خطبه گفته میتواند یانه؟

جواب: نماز خواندن در پشت چنین شخص مکروه است، وحق امام کردن را ندارد، دور کردن

---

(۱) ولا مفترض بمتنفل وبمفترض فرضا أخر لان اتحاد الصلاتين شرط عندنا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۹) ظفير

(۲) ولا التطوع بجماعة خارج رمضان ای یکره لو علی سبیل التداعی بان یقتدی اربعة بواحد (ایضاً باب الوتر والنوافل ص ۶۶۳ ج۱ ط.س. ج ۲ ص ۴۸) ظفیر

او ضرور است، وتا وقتیکه ازکارهای بد توبه نکند امام ساخته نشود [۱] فقط.

امامت شیعهٔ امامیه: سوال: (۷۲۹) درپشت گروه امامیه که رافضیها نامیده میشوند نماز اهل سنت میشود یانه؟ واگر به غلطی درپشت انها نماز عید را ادا کرده باشد انرا اعاده کند یا خیر؟

جواب: نماز سنی درپشت رافضی نه میشود، اعاده این نماز ضروریست [۲] ودر صورتی نماز عید باز گردانده میشود که بعد ازآن جماعت اهل سنت خوانده میشود ورنه نماز عید به تنهائي نه میشود.

امامت کسیکه بالایش شک خائن بودن باشد: سوال: (۷۳۰) اگر مردم بالای شخص گمان مثلا خائن شدن را داشتند آیا درعقب او نماز درست است یا نه؟

جواب: نماز [۳] صحیح است فقط.

امامت کسیکه علماء دیوبند راکافر میگوید: سوال: (۷۳۱) امامت شخصی که برخلاف علماء دیوبند نواقص ازامام الحرمین گرفته تاکفر میبندد وبه عدم جواز امامت علماء نزدیک میکند درست است یانه؟

جواب: این شخص فاسق است لیاقت امام شدن را ندارد، در حدیث شریف امده (سباب المسلم فسوق) الحدیث، وگویندهٔ بد به علماء اهل حق وتکفیر کنندهٔ آن نیز لائق امام شدن نیست ودر پشت او نماز جائز نیست [۴] فقط.

امامت اطفال درمکتب ابتدائي دولتي: سوال: (۷۳۲) تعلیم کردن فارسی واردو وحساب وکاروبار سوداگری (تجارت) درمکتب رسمی جائز است یانه؟ ونماز در پشت امامیکه پسرش درهمین جا درس میخواند جائز است یا نه؟

جواب: درین تعلیم وتعلم حرجی نیست ودر امامت این امام که پسرش درآنجا درس میخواند هیچ حرج وکراهت وفساد نیست فقط.

---

(۱) ویکره امامة عبدالخ وفاسق الخ وکذا تکره حلف امرد الخ وشارب الخمر (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ ...۵۶۲) ظفیر

(۲) ولاتجوز الصلاة خلف الرافضي والجهمي والمشبه ومن یقول بخلق القرآن (عالمگیری مصری باب الامامة ص ۷۸ ج۱ ، ط.م. ج۱ ص ۸۴) ظفیر

(۳) الیقین لایزول بالشک (الاشباه والنظائر القاعدة الثالثة ص ۷۵) ظفیر

(۴) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

امامت شخصیکه زن او بی راه وسرکش باشد: سوال: (۷۳۳) زید امام مسجد است، عمر یک روز دید که به خانۀ زید یک شخص بیگانه رفته بود عمر زید را گفت، زید آن شخص را درجای مخفی شده یافت، زید او را ازدست گرفت وبیرون کردش، زن زید به آمدن یک مرتبه دیگر این شخص اقرار کرد اما ازکردن کار ناجائز انکارکرد آیا این زن را زید طلاق داده میتواند یانه؟ واگر طلاق ندهد در پشت اونماز میشود یا نه؟ عمر بسیار پشیمان است که بسبب افشاء کردن راز گنهگار خواهم بود حکم چیست؟

جواب: طلاق دادن ضرور نیست، نگهداشت این زن جائز است [۱] ودرپس زید نماز درست [۲] است. وعمر نیز خوب کرد زیرا که حالا این شخص تنبیه شد وزید نیز شاید چنین حرکت نخواهد کرد وبالایش توبه کشیده شود فقط.

امامت قاضي با عزت: سوال: (۷۳٤) یک شخص که امام مسجد کلاں همۀ شهر است، مفتی منطقۀ خود وقاضی محکمۀ نکاح وطلاق مسلمانان است حالات حساس وخطرناک اسلام، اهل اسلام، شعائر اسلام، اماکن مقدسه وجزیرة العرب وغیره وکوشش وسر گرمی دشمنان اسلام در ازبین بردن اسلام رامی بیند. وبهمراه باخبر بودن از حکم الهي درعدم موالات (دوستی) باکفار نه میخواهد وظیفه شپرده شده از طرف حکومت را یعنی قضائي (باعزت) بخاطر کدام فائده خیالی ویا دفع ضرر احتمال ترک کند. بلکه اوترک کردن آنرا برای خود باعث ذلت ورسوائي ووجود آن راموجب عزت وفخر میپندارد هرچند مسلمانها اورا به زور، نرمی، ومحبت، درتنهائي ومجالس فهماندند وبسیار زیاد اگاهش ساختند واین کار را ازوی خواستند لاکن بالای وی هیچ اثری نکرد آیا چنین شخص قابل امامتی هست؟ وادا کردن نمازها وجمعه های او درست است؟ وآیا فتوای اودر مسائل شرعیه وفیصله هایش درمعاملات نکاح وطلاق قابل باور واعتماد شده میتواند؟ بینوا توجروا.

---

(۱) لایجب علی الزوج تطلیق الفاجرة ولا علیهاتسریح الفاجر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی المحرمات ص ٤۰۲ ج۲ . ط.س. ج۳ ص ۵۰) ظفیر

(۲) هرگاه زن زید خلاف رضای وی حرکت کرده زید هیچ گناه ندارد البته فرض زید این است که زن خود را اختیار بدهد وچنان پروگرام اماده بسازد که نه زن او این جرائت رابکند ونه هم برایش چنین فرصت بدست اید واگر ان طرف زید درین رابطه چشم پوشی شد دیوث گفته میشود وامامت اومکروه خواهد بود والله اعلم. ظفیر

جواب: (۱) بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله وحده، نمیشود وبالای جماعت فرض است که او را ازین منصب دورکند، دستخط مولانا ابو الکلام آزاد.

جواب: (۲) چنین شخص لائق امام ساختن نیست زیرا که درین قضاءها حکم کردن خلاف شریعت لازم است چنانچه آشکار است وبه مصداق این آیت کریمه که میفرماید: وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُوْنَ [1] این شخص فاسق است وامامت فاسق مکروه است کما فی کتب الفقه. [2]

امامت کسیکه دختر خودرا به قادیانی بدهد: سوال: (۷۳۵) داماد شخصی احمدی (قادیانی) بود وبهمراه آن ارتباط دارد آیا در پشت او نماز میشود یا نه؟

جواب: این شخص لائق امام جور شدن نیست تا وقتیکة داماد اوبعد ازتوبه وتجدید ایمان نکاح جدید نه کند ویا دختر خود را ازوی جدا نکند [3] فقط. (احمدی وقادیانی) بطور اتفاقي کافر است لهذا نکاح دختر مسلمان همراه او جائز نیست وارتباط گرفتن بهمراه او درست نیست، ظفیر).

امامت غیر مقلد غیر متعصب: سوال: (۷۳۶) درپشت سر مقلدینکه متعصب ودرباره شان اکابر بی ادب نیست وائمه چهارگانه راحق میپندارد ورعایت شرائط انرا نیز مینماید شرائطیکه درمذهب امام صاحب نماز به آن فاسد میشود خواندن نماز جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز درپشت چنین مقلدین صحیح است [4] به شرطیکه عقائد آنها موافق اهل السنت والجماعة باشد فقط.

امامت شخصیکه ادعای مردن در روز معین را میکند: سوال: (۷۳۷) یک شخص دعوی میکند که من شاید ازتاریخ ۲۵ ذی الحجة الی دهم محرم حتما میمرم ولی اوتا حال زنده است. چنین دعواکننده مسلمان باقی میماند یانه؟ ایا نکاح اوبحال خود است یانه؟ امامت اودرست است

---

(۱) سورة المائدة پاره ۷. ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنبة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنبة ان کراهة تحریمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) ظفیر

(٤) ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان تیقن المراعات لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره والتفصیل فی الشامی (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲-۵٦۳) ظفیر

یانه؟

جواب: این شخص مسلمان هست وکافر نه شده ونکاح اوقائم است اما روا نیست برای اوکه چنین دعوی بکند این غلطی وی بود چنین ادعا نمودن گناه است بروی لازم است که توبه کند ودر آینده چنین ادعا نکند [۱] اگروی توبه کند نماز درعقب اوبدون کراهت صحیح است [۲].

<u>امامت غلط خوان</u>: سوال: (۷۳۸) شخصیکه سوره فاتحه را چنین میخواند که ح ومیم الرحمن و ح الرحیم رامشدد میخواند: اِیَّاکَ نَعْبُدُ اِنْ اِیَّاکَ رابه نون غنه وکاف میخواند واِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ رابه ان یاک به نون غنه وکاف میخواند ومستقیم را مستکیم میخواند ومشدد را مخفف ومخفف را مشدد وممدود را مقصور ومقصور را ممدود میخواند درپشت چنین شخص باموجودیت اقرأ وخواننده صحیح خواندن نماز میشود یانه؟

جواب: امامت این شخص جائز نیست، درحالیکه اقراص ودرست خوان موجود باشد در عقب او خواندن نماز درست نیست نه نماز او میشود نه نماز مقتدیان [۳]. فقط

<u>امامت شخصیکه مادر را میزند</u>: سوال: (۷۳۹) کسیکه مادر خودرا ازخانه بیرون میکند واورا میزند، ودشنام میدهد وبهمراه او بی ادبی میکند امام شدن آن درست است یانه؟

جواب: چنین شخص سخت ظالم، فاسق وبدکار است مصداق خسر الدنیا والاخره است هیچگاه لائق امام شدن نیست ونه لائق پیروی ومقتداء شدن هست. [۴] ومصداق: ضَلُّوْا وَاَضَلُّوْا واین شعر مولانای روم قدس سره در الشامي ای بسا ابلیس آدم روی هست پس بهر دستی نباید واو دست. فقط (زیرا درقران بصراحت است که: فَلَا تَقُلْ لَّهُمَا اُفٍّ وَّلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيْمًا، الآية، ظفیر)

<u>امامت شخصیکه ازحکومت برطانیه مکتوب گرفته باشد</u>: سوال: (۷۴۰) شخصی بهمراه انگریزها ملاقات نموده وازطرف حکومت برطانیه برایش مکتوب آمده واورا به صفت عسکر

---

(۱) قال رسول الله ﷺ خمس لا يعلم الا الله ثم قرأ ان الله عنده علم الساعة الخ (مشكوٰة كتاب الايمان ص۱۲.ظفير

(۲) التائب من الذنب كم لاذنب له (مشكوٰة باب التوبه ص ۲۰۶) . ظفير

(۳) ولا غير الالثغ به اى بالالثغ على الاصح كما فى البحر عن المجتبى وحرر الحلبى وابن الشحنة انه بعد بذل جهده دائما حتما كالأمى فلا يؤم الا مثله ولا تصح صلاته اذا امكنه الاقتداء بمن يحسنه او ترك جهده اووجد قدر الفرض مما لا لثغ فيه هذا هو الصحيح المختار فى حكم الالثغ وكذا من لا يقدر على التلفظ بحرف من الحروف او لا يقدر على اخراج الفاء الا بتكرار (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۴ – ۵۴۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۸۱) ظفير

(۴) ان كراهة تقديمه اى الفاسق كراهة تحريم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰).ظفير

جدید نیز مقرر کرده لاکن دردل به خلافت اسلامی همدردی دارد آیا چنین آدم مسلمان نیست؟ ونماز خواندن در پس اوچطور است؟

جواب: درین صورت خلاصهٔ جواب این است که تکفیر کردن این شخص مناسب نیست واگر او از گذشته ها توبه کند واز صمیم دل وبراستی بهمراه اسلام واهل اسلام همدردی نماید وهیچ گونه همکاری أهل ظلم را درظلم شان نه کند، امامت وغیره آن درست است ونماز درپشت او درست است [1] فقط.

امامت فاسق متهم: سوال: (۷٤۱) خسر یک دختر بد نیت است، میخواست شرف سنوی (زن پسر) خود را خراب نماید دختر قصه میکند که بعد ازشتن سرتنبان قمیص خود را کشیده بودم که خسرم ازراه دیوال بالا شده وبه خانه امد من غالمغال (شور) کردم وی گریخت (فرار) کرد کدام کار دیگر نه شد پس آیا درعقب اونماز میشود یا نه؟ وزن ازنکاح شوهرش بیرون شد یانه؟ همراه چنین پدر پسر کدام روش را بکند؟ بینوا تؤجروا!!

جواب: هرگاه کدام کار موجب حرمت مصاهره نه شده طبق بیان زن این زن بالای شوهرش حرام نه شده لاکن چنین شخص فاسق متهم باید امام نشود اگر چه نماز دربشت او میشود ولی امام ساختن او مناسب نیست زیرا که از شرارت اومعلوم شد وحالا برای پسر روا نیست که همراه پدر کدام گستاخی کند لاکن اگر نگهداری جداگانه زن خود را کرده میتواند بکند [2] فقط.

امامت تارک نماز: سوال: (۷٤۲) برای امام مسجد ازسوی وقف تنخواه ماه پانزده روپیه حاصل میشود لاکن وی همیش برای نماز صبح حاضر نمیشود بخاطر یک تا هشت بجه خواب میباشد آیا این شخص فاسق است ونماز درپس وی مکروه است یانه؟

جواب: بسبب خواب وغیره نکردن امامت یک وقت گرفتن تنخواه ممنوع نیست ونه این کار سبب کراهت امامت شده میتواند بمثلیکه درحدیث شریف هست: لا تفریط فی النوم انما التفریط فی الیقظة، الحدیث [3] البته اگر تارک بودن نماز صبح تحقق یابد وی فاسق است نماز درپس او مکروه [4] است لاکن او بگوید که من نماز میخوانم تکذیب اوجائز نیست فقط.

---

(۱) التائب من الذنب کمن لاذنب له (مشکوٰة باب التوبه والاستغفار ص ۲۰٦) . ظفیر

(۲) ان کراهة الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰) ویکره تقدیم العبد الخ والفاسق لانه لایهتم لامر دینه الخ وان تقدموا جاز لقوله ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر (هدایه باب الامامة ج۱) . ظفیر

(۳) مشکوٰة. باب تعجیل الصلوٰة ص ٦۱ . ظفیر

=

امامت گویندۂ مشرک به صاحب هدایه: سوال: (۷۴۳) شخصیکه صاحب هدایه را مشرک وهدایه را منطق فلسفه، وصاحب مذهب را بدعتی میگوید وبرای او باین لقب خط مینوسید که: السلام علیکم من اتبع بهدایة محمد ﷺ درپشت سر چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: این شخص فاسق هست، نماز درپس او مکروه تحریمی است: کما حرر به فی الشامی: أن امامة الفاسق مکروه تحریما [1] فقط.

امامت لنگ: سوال: (۷۴۴) شخص لنگ است، بدون عصا گشته نه میتواند، سیده استاد شد نمیتواند درپشت چنین شخص نماز خواندن جائز است یاخیر؟

جواب: نماز درپس او صحیح است، لاکن بهتر این است که اگر کدام شخص دیگری که لائق امامت بود موجود باشد ولنگ نه باشد وی امام ساخته شود: وکذا یکره خلف اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیره اول الخ شامی [2] فقط.

امامت شخص متهم: سوال: (۷۴۵) مادر زید چند مرتبه این سخن راگفته که شوهرم همراه زن زید محبت مینماید وزید بالکل به گفتار مادر اعتبار نه میکند درین صورت حکم چیست؟ وآیا زید امام جور کرده میشود یا نه؟

جواب: به گفتار ما در زید زن زید بالای او حرام [3] نه شد ونه باید به چنین راپوری یقین کرد [4] وامام ساختن زید صحیح است.

امامت مبتلا به بواسیر: سوال: (۷۴۶) کسیکه مرض بواسیر داشته باشد وگاه گاه از او خون می چکد در پشت چنین شخص خواندن نماز درست است یانه؟

جواب: در وقتیکه خون ازوی نمیآید ووضوءش بود نماز در پشست او صحیح خواهد بود فقط.

امامت مخالفت سخن حق: سوال: (۷۴۷) دو گروه مدعی اهل حدیث است ازتقریبا چهار پنج سال به این سود دریک سخن اختلاف کرده اند درین گروه ها یکی آن نرم مطیع اسلام

---

(٤) وتارکها (ای الصلٰوة) عمدا مجانة ای تکاسلا فاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۵۲). ظ

(۱) ای ان کراهته کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰) ظفیر

(۲) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲. ظفیر

(۳) تزوج بکرا فوجدها ثیبا وقالت ابوک فضنی ان صدقها بانت بلا مهر والا لا ، (الدر المختار علی هامش رد المحتار، فصل فی المحرمات ج ۲ ص ۳۸٤ ، ط.س. ج ۳ ص ۳۲) ظفیر

(٤) منها الشهادة فی الزناء یعتبر فیها اربعة من الرجال (هدایه کتاب الشهادات ص ۱۳۸ ج۱) . ظفیر

واهل اسلام است وگروه دوم سخت عنادی وسنگدل هست وتابعداری سخن حق را نمیکند برای اینها حکم چیست؟ وامامت اینها چطور است؟

جواب: اشکارا است که گروه ضدیکه بخاطر نفسیت متابعت سخن حق رانه میکند وباطل اند وعاصی وفاسق اند وامامت انها مکروه [١] است باقی ماند سخن مکمل بامعلوم شدن مکمل واقعه شده میتواند فقط.

امامت ترتیل کننده درقرآن: **سوال**: (٧٤٨) درکام زید به خاطر مرض سوراخ پیدا شده وادای حرفها ازآن مکمل نمیشود، وبه ترتیل خوانده نمیتواند، آیابه موجودیت خوانندۂ خوب اززید امامت زید درست خواهد بود؟ ونماز درپشت او صحیح است یانه؟

جواب: نماز درپشت اونیز خوانده میشود تاوقتیکه کدام غلطی شکننده نماز نباشد، لاکن بهتر این است که کدام شخص دیگر که خوب خواندن میکند وقرآن شریف را به ترتیل وتجوید میخواند امام ساخته شود [٢] فقط.

امامت جنازه کنندۂ شیعه ها: **سوال**: (٧٤٩) شخصیکه امام مسجد جامع است ودر تکفین وتجهیز وجنازه شیعه ها مکمل شریک میباشد ومردم را تشویق میکند حکمش چیست؟

جواب: چنین شخص عاصی وفاسق است امام کردن او ونماز خواندن درعقب او مکروه [٣] است فقط.

امامت مسلمان جدید: **سوال**: (٧٥٠) در پشت مسلمان جدید خواندن نماز جائز است یاخیر؟

جواب: جائز است. [٤]

امامت معذور: **سوال**: (٧٥١) سه چهار شخص عذر دارند، لائق امامت نیستند در چنین حالت جدا جدا نماز خواند ویاکسی از میان آنها امامت خواهد کرد؟

جواب: امام معذورها معذور شده میتواند [٥] فقط.

---

(١) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار) بل مشى فى شرح المنية ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٥٩ – ٥٦٠) ظفير

(٢) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلٰوة بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض وقيل واجب وقيل سنة ثم الاحسن تلاوة وتجويدا للقراءة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٠ – ٥٢١ ج١، ط.س. ج١ ص٥٥٧ – ٥٥٨). ظ

(٣) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) ان كراهة تقديمه اى الفاسق كراهة تحريم (رد المحتار ص ٥٢٣ ج١، ط.س. ج١ ص ٥٥٩ – ٥٦٠) ظفير

(٤) والاحق بالامامة الخ الاعلم باحكام الصلٰوة الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ص ٥٢٠ ج١، ط.س. ج١ ص ٥٥٧). ظفير =

انتخاب امام: سوال: (۷۵۲) (۱) مسجدی به نام جولاها شهوت دارد، جولاها امام را دور کردند وحافظ قوم خود را خواستند وامامش کردند آیا مسلمانان دیگر درین مسجد حق دارد؟

امامت استعمال کنندهٔ افیوم: سوال: (۷۵۳) (۲) امامی از مسائل خبر دارد، قرآن شریف را درنماز بقراءة میخواند والفاظ را بطور مکمل اداء میکند ولی تریاق یعنی افیوم میخورد، نماز خواندن درپس او جائز است یا نه؟

امامت خوانندهٔ غلط: **سوال:** (۷۵٤) (۳) امام از مسئله خبر ندارد، قران شریف راغلط میخواند کالا میدوزد ومیفروشد ایا در عقب او نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: (۱) به رأی مقتدیها یک جماعت انها بسیار است امام مقرر شده میتواند اما بهر حال باید امام لائق باشد ازهر قوم که باشد [1].

جواب: (۲) درپشت سر افیوم خور نماز مکروه است، وی را نه باید إمام ساخت. [2]

جواب: (۳) بسبب ساختن کالا درامامت وی هیچ نقصان نیست. اما اگر قرآن شریف را غلط میخواند که بواسطهٔ آن درنماز نقص ویا فساد میآید پس او امام کرده نشود [3] فقط.

امامت کسیکه نکاح زن شوهر دار را می بندد (بسته میکند) : سوال: (۷۵۵) (۱) سه سال میشود که شوهر یک زن به خدمت عسکری رفته است وسه ماه قبل خط او رسیده بود حالا معلوم نیست که او زنده است ویا مرده سخن دیگر اینکه زن حامله پنج ماه است، یک شخص نکاح اورا بسته کرده بهمراه آن که مردم او را منع میکرد درپشت چنین شخص خواندن نماز جائز است یانه؟

امامت شخصیکه نکاح زن باشوهر را با شخص دیگری بسته کند: سوال: (۷۵٦) (۲) شخصی نکاح زنی رابسته کرد که شوهرش به جنگ رفته بود واین شخص مذکور گفت که هرگاه شوهر این زن بیاید این را برایش میسپارم ، وچنین شد تا ششماه در خانهٔ شوهر جدید بود

---

(٥) ولا طاهر بمعذور الخ وصح لوتوضا على الانقطاع وصلى كذلک كاقتداء بمفتصد امن خروج الدم وكاقتداء امرأة بمثلها وصبى بمثله ومعذور بمثله (درمختار) اى ان اتحد عذرهما واختلف لم يجز الخ (رد المحتار باب الامامة ص٥٤١ ج١، ط.س. ح١ ص٥٥٨،٥٧٨). ظ

(۱) اوالخيار الى القوم فان اختلفوا اعتبر اكثرهم ولو قدموا غيرالاولى اساءوا (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتارباب الامامة ص٥٢٢ ج١). ظ

(۲) وكذاتكره خلف الامرد وسفيه ومفلوج وابرص شاع برصه وشارب الخمر وآكل الربا ونمام ومراء متصنع (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٥ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٦٢) ظفير

(۳) ولا غير الالثغ به اى بالالثغ على الاصح (ايضا ص ٥٤٤ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٨١) ظفير

بعد ازآن شوهر اول آمده وزن خود را برد درپشت بسته کنندۀ چنین نکاح جائز است یانه؟

جواب: (۱) درین حال نکاح دوم زن شرعا درست نیست وکسیکه بهمراه علم نکاح دوم را بسته کرد فاسق است، درپشت او خواندن نماز مکروه است.

جواب: (۲) درپشت چنین نکاح کننده ونکاح بسته کننده نیز خواندن نماز مکروه است، این کار حرام است ومرتکب آن فاسق ومردود الشهادة است فقط.

امامت معالج: **سوال**: (۷۵۷) (۱) اگر امام محله بعیادت ومعالجه مصروف مانده وبه آن اهتمام نماید درضمن آن بعض نساء مریضه را هنگام درد ناف دست به ناف نهاده عزائم وافسونها بدهد درپس این چنین مبتدع نماز جائز است یانه؟

امامت امام مبتدع: **سوال**: (۷۵۸) (۲) درکشمیر بعض جُهال شیوع ساخته اند که بوقت ختنه اذان میگویند واین را ازقبیل سنن پندارند اگر امام محله این بدعات را ترویج دهد خلف وی نماز قوم درست است یامکروه؟

جواب: (۱) فقهاء نهادن دست طبیب رابه خاطر علاج بالای اعضاء اجنبه درست داشته اند ولیکن جواز عزائم وافسونها یافت نه شده [1] پس این چنین امام فاسق باشد وامامت اومکروه باشد وتقررش بر امامت تا وقتیکه او توبه ازبدعات نکند جائز نیست. [2]

جواب: (۲) بوقت ختنه اذان گفتن مشروع نیست وسنت پنداشتن آن نادانی است، وامامتش مکروه است [3] فقط.

امامت بدعتی: **سوال**: (۷۵۹) کسیکه دربدعت شریک میشود ویا کوشش میکند که خود را برهنه کرده بازی کند امامت وی چگونه است؟

جواب: امامت چنین شخص مکروه [4] است.

امامت کسیکه در عروس آوری (شانجی) سورنا ارمونه میبرند: **سوال**: (۷۶۰) اگر کدام

(۱) ولا یجوز النظر الیه بشهوة ای الا لحاجة کقاض الخ وکذا مرید شرائها اومداواتها الی موضع المرض بقدر الضرورة (رد المحتار باب شروط الصلٰوة سترالعورة ص ۳۷۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۰۷) ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعة (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول ﷺ لا بمعاندة بل بنوع شبهة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۴) ایضاً، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰. ظفیر

امام درعروسی (توی) پسرخود ارمونیه وسورنا میبرد واین عذر را بیان میکند که فامیل دختر گفته اند که اگر ارمونیه اوردی نکاح را خواهیم داد این عذر شرعا جائز است یانه؟ ودر پس او نماز جائز است یانه؟

جواب: این عذر شرعا مسموع نیست، وبردن ارمونیه به سبب این عذر درست نیست اگر إمام مذکور چنین کرده باشد فاسق است ودر پس او نماز مکروه است [1] فقط.

امامت خادم مسجد: سوال: (۷٦۱) بکر خدمتگار مسجد است وقتی امام نباشد نماز میدهد آیا در پس اونماز میشود یانه؟

جواب: درپس وی نماز صحیح است فقط (بشرطیکه وی لائق امامت باشد یعنی ازمسائل باخبر باشد وقرائت صحیح بگوید، ظفیر)

نماز عالم درپس ناظره خوان: سوال: (۷٦۲) امام مسجد که ناظره خوان بسیار نمازخوان است دروقت شام نماز میداد که یک عالم آمد وبزورر بالای امام نماز را شکستاند وخودش نماز داد حکم شرعی درین حالت چیست؟

جواب: این کار مولوی صاحب نهایت قبیح ومعصیت است، وی سخت گنهگار شد، هیچ کدام سببی چنان معلوم نه میشود که نماز فرض امام ومقتدیها شکستانده شود، ممکن وی گمان داشته باشد که درپس ناظره خوان نماز عالم نه میشود درحالیکه این غلط است. [2]

امامت شمس العلماء: سوال: (۷٦۳) امامت کسیکه ازطرف دولت برایش خطاب شمس العلماء حاصل شود جائز است یانه؟

جواب: باساس اصل: صلوا خلف کل بر وفاجر، نماز درپس او میشود لاکن بخاطر تنبیه مقرری کردن چنین امام مناسب نیست.

امامت خلل انداز در نکاح بیوه: سوال: (۷٦٤) وقتی زن بیوه به نکاح کردن خوش باشد

---

(۱) وکره کل لقوله ﷺ کله لهو المسلم حرام الا ثلاثة ملاعبته اهله وتاديبه لفرسه ومناضلته بقوسه (درمختار) قوله کره کل لهو ای کل لعب وعبث الخ شامل لنفس الفعل واستماعه کالرقص والسخرية والتصفيق وضرب الاوتار من الطنبور والبربط والرباب والقانون والمزمار والصنج والبوق فانها کلها مکروهة لانها زیّ الکفار واستماع ضرب الدف والمزمار وغيره ذلک حراما وان سمع بغتة يکون معذورا ويجب ان يجتهد ان لا يسمع قهستانی (ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البيع ص ۳۴۷-۳۴۸ ج ۵ ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفير

(۲) واعلم ان صاحب البيت ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غيره مطلقًا (درمختار) ای وان کان غيره من الحاضرين من هو اعلم واقرأ منه (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفير

ویک شخص درنکاح وی خلل میاندازد در پس او نماز میشود یانه؟

جواب: زن بیوه وقتی درسیال خود نکاح میخواهد نباید ولی ویا غیر ولی او را ازنکاح منع کند زیرا بدون سبب شرعی منع کردن کدام زن از نکاح گناه است فقط، واصرار برین کار فسق است لهذا امامت او مکروه است، [1] در قرانکریم آمده: وَانْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ وَالصّٰلِحِيْنَ، الآية، ظفير).

امامت گیرندۀ رخت: **سوال**: (۷٦۵) یک گروه ازاهل اسلام که اشکارا نماز نه میخواند وعبادت سری میکند واشیاء نیشه آور را استعمال میکند این گروه جلسه نمود واز اکابر منطقه معافی خواست، همه مردم بامعافی خواستن انها دعوت آنها را قبول کردند ودر عروسی شرکت نمودند، آنها اعتراف کردند که ما نماز نیز خواهیم خواند وبرای امام یکجوره کالا داد ایا امام مقصر است یانه؟ ودر پس او نماز جائز است یانه؟

جواب: هرگاه این گروه ازاهل اسلام است ووعده نماز راکرده ونماز را شروع کرد ووعده ادای همه فرائض مذهبی را داده اند پس شرکت درعروسی [2] او درست است وخوردن نان او جائز است وکدام امام صاحبیکه در آنجانان خورده وجورۀ کالا را گرفته مقصر نیست نماز در پس او جائز است فقط.

امامت تقاعد گیرنده ازدولت: **سوال**: (۷٦٦) امامت شخصیکه ازحکومت تقاعد میگیرد جائز است یاخیر؟

جواب: امامت أو صحیح ونماز در پس او درست است. [3]

امامت نقل کنندۀ دوکان به نمایش گاه: **سوال**: (۷٦۷) شخصی دوکان را به نمایشگاه نقل کرد درپس او نماز جائز است یانه؟

جواب: درپس چنین شخص نماز صحیح است. [4]

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹-۵٦۰) ظفیر

(۲) التائب من الذنب كمن لاذنب له (مشكوٰة باب التوبة) ظفیر

(۳) درقبول کردن معارضه ازطرف دولت کدام جرم شرعی نیست، درین وقت نیز هرگاه که وی مدت ماموریت خود را تکمیل کرده باشد یعنی مستحق تقاعد گشته باشد: وجاز تعمیر كنيسته وحمل خمر ذمي بنفسه اودابته باجر الخ (درمختار) قال في الخانية ولو أجر نفسه ليعمل في الكنيسة ويعمرها لاباس به لانه لامعصية في عين العمل (رد المحتار كتاب الحظر والاباحة فصل في البيع ص ۳۴۵ ج۵، ط.س. ج۱ ص ۳۹۱). ظفیر

(٤) باعثین شدن تالیری به امامت نه می آید این کدام عیب ظاهر واشکار نیست که باعث کراهت شود والله اعلم. ظفیر

امامت غیر مقلد: **سوال**: (۷٦۸) (۱) زید امام است ومقتدیان وقتی درهر جماعت تکبیر میگویند امام وقتی استاد میشود که درتکبیر حی علی الفلاح ویا الله أکبر گفته شود وقبل از این همه تکبیر را نشسته میشود (ویک مقتدی هم چنین میکند بهمراه امام بلند میشود وقتی تکبیر بپایان رسید امام الله اکبر میگوید.

ترک نمودن ثنا از سوی امام چگونه است: **سوال**: (۷٦۹) (۲) گاه گاه امام سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ را نه خوانده فوراً به الحمد لله شروع میکند.

اقتداء به امامیکه یک رکعت وتر میخواند: **سوال**: (۷۷۰) (۳) یک امام وتر را یک رکعت میخواند نماز خواندن درپس اوچطور است؟

جواب: فقهاء نوشته اند که: در ادآب نماز هست که وقتی درتکبیر حی علی الفلاح بگوید درین وقت امام ومقتدیان استاده شوند وهرگاه قد قامت الصلاة بگوید درآن وقت امام نماز را شروع کند واگر بعد از پایان یافتن تکبیر شروع کند باکی ندارد. [۱]

جواب: (۲) این کار خلاف سنت است.

جواب: (۳) امام ساختن این شخص خوب نیست وی غیر مقلد معلوم میشود، حتی الوسع درپس اونماز نخوانید شخصی دیگری که عالم متقی وحنفی باشد لا امام بسازید. [۲]

شوهر در تراویح به زن اقتداء کند یانه: **سوال**: (۷۷۱) زن زید حافظه است اگر در رمضان شریف شوهر وپسر ودخترانش به وی اقتداء کند درفرض وتراویح جائز است یا نه واگر زن حافظه تنها تراویح میخواند قرائت را به جهر بخواند یا نه؟

جواب: ولا یصح اقتداء رجل بالمرأة وخنثی وصبی مطلقًا الخ درمختار [۳] ویکره جماعة النساء ولو فی التراویح [۴] درمختار. ولا تجهر فی الجهریة بل لو قیل فی الفساد بجهرها لامکن بناءًا علی ان صوتها عورة شامی ص۳٤۹ ج۱، ازین روایات معلوم شد که اقتداء شوهر به زن صحیح

---

(۱) والقیام لامام ومؤتم حین قیل حی علی الفلاح الخ ان کان الامام بقرب المحراب والا فیقوم کل صف ینتهی الیه الامام علی الاظهر وان دخل من قدام قاموا حین یقع بصرهم علیه الخ وشروع لامام فی الصلٰوة مذ قیل قد قامت الصلٰوة ولو اخر حتی اتمها لا باس به اجماعا وهو قول الثانی والثلاثة وهواعدل المذاهب الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار آداب الصلٰوة ص ٤٤۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۷۹) ظفیر

(۲) وسننها رفع الیدین للتحریمة الخ والثناء والتعوذ والتسمیة (ایضًا سنن الصلاة ج ۱ ص ٤٤۳ ، ط.س. ج۱ ص ٤۷٤ – ٤۷۵) ظفیر

(۳) وکذا تکره خلف امرد الخ زاد ابن ملک ومخالف (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲٦ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲) ظفیر

(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷٦ – ۵۷۷ . ظفیر

نیست.[۱]

امامت بازیگر شطرنج: سوال: (۷۷۲) حافظیکه بازی شطرنج را میکند که نمازش نیز قضا میشود امامت او جائز است یانه؟

جواب: امامت وی مکروه است.[۲]

امامت عضو پارلمان: سوال: (۷۷۳) چنده دادن وعضو شدن در پارلمان تیار شد از جناب دولت چطور است وعضو شدن آن چه گونه است وکدام مردمیکه اعضای آن شده اند حکم آنها چیست ودرپس آنها نماز میشود یانه؟

جواب: چنده دادن وعضو شدن وکوشش برای آن درست نیست آنها درحقیقت کوشش دارند که شوکت اسلام وخلافت اسلامی را دور کنند حال چنین مردم بسیار خطرناک است وامام ساختن انها مکروه است[۳] فقط.

امامت عنین: سوال: (۷۷٤) در پس عنین یعني نامرد نماز درست است یانه؟

جواب: در پس عنین نماز درست است.[٤]

امامت مصلح: سوال: (۷۷۵) شخصی حنفی، قاری، متقی، شریف، پابند روزه با خبر از مسائل ضروری است پیشه وی درین وقت اصلاح سازی است وچیزیکه به اصلاح سازی حاصل مینماید به آن تربیه فامیل خودرا مینماید، آیا شرعاً این پیشه جائز است یانه؟ وامامت چنین انسان جائز است یانه؟

جواب: پیشه مذکوره حلال است وامامت ولی درست بدین سبب در امامت وی هیچ کراهت نیست.

امامت شخصیکه دختر رقاصه است: سوال: (۷۷٦) شیخ سخاوت پابند نماز وروزه است ودختر او پیشه سازنده گی (رقاصه) را میکند وسخاوت بهمراه او بود وباش میکند امامتش جائز است یانه؟

جواب: اگر درچنین حال مردم از امامت وی کراهت داشته باشند امام شدن او مکروه است[۵].

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۷٦ – ۵۷۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار فصل تالیف الصلوة تحت قوله وتلصق بعضها الخ ص ٤۷۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۰٤. ظفیر

(۳) ولاتعاونوا علی الاثم والعدوان (قرآن پاک) ویکره تقدیم الفاسق ایضاً لتساهله فی الامور الدینیة (غنیة المستملی ص ۳۵۱. ظفیر

(٤) با عنین شدن تاثیری به امامت نه می بد این کدام عیب ظاهر واشکار نیست که باعث کراهت شود والله اعلم. ظفیر =

امامت دشنام دهنده: **سوال**: (۷۷۷) شخصی به اولاد خود دشنام مادر وخواهر میدهد وبچه های حرامی واولاد حرامی برای آنها میگوید، ومیگوید در نطفهٔ تو فرق است یک دخترش جوان است وبالای وی هیچ پرده نمیکند، چنین شخص چه حکم دارد امامتش چطور است؟

جواب: اکثر کارهای این شخص خلاف شریعت وحرام ومعصیت است، لهذا حکم فسق بالای وی زده میشود وی فاسق است، ونماز درپس او مکروه تحریمی است [۱] فقط.

امامت کسیکه توانائی سجده کردن را ندارد چطور است؟ **سوال**: (۷۷۸) شخصیکه ازسجده کردن عاجز باشد وبقیه همه ارکان رکوع، قومه وغیره را بخوبی اداء مي کند وبه استاده گی نماز میخواند آیا درپس اونماز درست است یانه؟

جواب: نماز مردمانیکه سجده کرده میتوانند درپس او صحیح نیست، دردرمختار آمده: والعبرة للعجز عن السجود حتی لو عجز عنه وقدر علی الرکوع أومأ الخ. [۲]

امامت کسیکه خواسته غلط را قبول نمیکند: **سوال**: (۷۷۹) اگر استاد به شاگرد بگوید که بیوهٔ استاد خود که فی الحال درنکاح تو است طلاق بده ورنه عاق هستی اگر شاگرد طلاق نه داد این سبب عاق شدن او میشود یانه؟ ودر پس او نماز جائز است یانه؟ وعاق کردن در لست است یانه؟

جواب: این دلیل عاق شدن شاگرد نه میشود وبه این سبب عاق کردن شاگرد صحیح نیست واگر بدین سبب استادوی راعاق کرد درحقیقت اوعاق نیست [۳] ونماز درپس اوصحیح ودرست است فقط.

امامت قاتل زن بدروش: **سوال**: (۷۸۰) یک نفر بخاطر روش بد زن خود رکشت ویازده سال بندی شد نماز درپس چنین شخص درست است یانه؟

جواب: کُشتن برایش جائز نه بودبسبب این کشتاروی فاسق ومرتکب گناه کبیره است، [۴] توبه

---

(۵) قال رسول الله ﷺ الطلاق ابغض المباحات (مشکوٰة کتاب الطلاق) طلاق دادن بدون سبب فعل ناجائز است اتباع آن جائز نیست. ظفیر

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) حدیث نبوی است: سباب المسلم فسوق وقتاله کفر، رواه مسلم . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الامامة ص ۵٤۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۹. ظفیر

(۳) قال رسول الله ﷺ الطلاق ابغض المباحات (مشکوٰة کتاب الطلاق) طلاق دادن بدون سبب فعل ناجائز است اتباع آن جائز نیست. ظفیر

(٤) وعن معاویة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ کل ذنب عسی الله ان یغفره الا الرجل یموت کافرا، والرجل یقتل مؤمنا متعمدا (کتاب الترغیب والترهیب کتاب الحدود لابن حجر ص۲۲۲) ظفیر

کردن واز وارثان زن عفوه خواستن به عهدهٔ وی لازم است اگر توبه نمود وورثه حق خود را معاف کردند امامت او صحیح است [۱] فقط.

امامت صاحب عقائد غلط: **سوال**: (۷۸۱) یک شخص امام مسجد است وری بعد از نماز خفتن ازدهن یک قوال بنگی وچرسی چنین تعریفات حضرت عبد القادر جیلانی را میشنود که: یک دفعه حضرت پیر عبدالقادر جیلانی دروقت سوال کردن نکیر ومنکر درقبر ازیک مرید او به من ربک؟ نکیر ومنکر رابندی ساخته بود. ویک مرتبه ارواح بسیار مرده ها را ازملک الموت درحالی بود که از اسمان چهارم میگذشت واین قواله همه این خواندن رابه اواز بلند به لهجهٔ خطاب درمسجد مینماید وبخصوص برای سجاده نشین میگوید وامام مسجد ذرهٔ آنرا منع نه میکند بلکه آنرا تائید میکند که همه این چیزها صحیح است وبرای عاشق خو بالکل رواست آیا درپس چنین امام نماز جائز است؟ ومنع کننده این کار منکر اولیاء است یانه؟

جواب: چنین امامیکه قصه های دروغین وبی اساس رامی شنود وآنرا تحسین میکند وانرا تائید مینماید فاسق است، لایق امام کردن نیست ودرپس او خواندن نماز مکروه [۲] است. (ومنع کنندهٔ چنین قصه های باطل وخواندن آن برحق هست ووی رامنکر اولیاء وعد عقیده شمردن فسق ومعصیت وافتراء ودروغ واضح است). فقط

امامت دو کاندار: **سوال**: (۷۸۲) چشم دکاندار دروقت فروس سودا به مردها وزنها میافتد امامت وی جائز است یانه؟

جواب: امامت او جائز است [۳] فقط.

امامت غلط خوان: **سوال**: (۷۸۳) شخص امامت هست مگر الفاظ را صحیح نمیخواند وتمیز لفظ استاده وافتاده راکرده نه میتواند در میان هاء وحاء هیچ فرق کرده نمیتواند درپس چنین امام نماز یک حافظ درست است یانه؟

جواب: اقتداء حافظ صحیح خوان درپس شخصی که اداء صحیح نه میکند ودرمیان هاء وحاء وتا

---

(۱) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب كم لاذنب له (مشكوٰة باب الاستغفار والتوبه فصل ثالث ص ۲۰۶) ظفير

(۲) انسان به انداختن چشم فاسق نه میشود اول نه این دلیل که بخاطر ضرورت روا است ثانیا اینکه روی درستر داخل نیست معاف است البته تیز دیدن منع است حضور اکرم به علی (رض) فرموده بود: یا علی لا تتبع النظرة فان لک الاولی ولیست لک الاخرة (مشکوة باب النظر الی المخطوبة ص۲۶۹) دررابطه به ستر علماء مینویسند: وللحرة لو خنثی جمیع بدنها الخ خلا الوجه والکفین الخ.

(۳) ببیند: ردالمحتار الشامی باب الامامة ص۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ..... ظفیر

وطاء فرق کرده نمیتواند [1] صحیح نه میشود.

امامت موچی (کهنه دوزی) وغسال: سوال: (۷۸٤) کدام کراهیت درامام موچی وغسال هست یانه؟

جواب: نماز خواندن درپس موچی وغسال درست است وتنها بدین دلیل کدام کراهت در امامت اونیست البته اگرکدام دلیل دیگر کراهت موجود باشد نماز درپس او مکروه خواهد بود، وبهتر شخص برای امامت کسی است که ازمسائل نمازخبر بوده وقرآن شریف را درست بخواند وصالح باشد. [2]

امامت کسیکه درپشت نماز نمیخواند: سوال: (۷۸۵) اگر یک شخص بدون اجازهٔ امام مسجد جماعت میدهد البته باشارهٔ کدام شخص واو اکثراً درپس کسی نماز نه میخواند هرگاه جماعت را استاده ببیند یا پس میرود ویا دروضوء آنقدر خودرا مصروف میسازد که جماعت از او بگذرد نماز خواندن درپس او چطور است؟

جواب: نماز درپس او درست است واین کار وی بدو شرعاً قبیح است که در پست کسی نماز نه میخواند [3] فقط.

امامت کسیکه فیصلهٔ جمعیت علماء هند راغلط میگوید: سوال: (۷۸٦) کسیکه فیصله متفقه جمعیت علماء هند را دروغ می پندارد وعلماء را که بالای فتوای مذکور مُهر زده اند وکسانی که این فتوی را حق میداند کافر میگوید درمکتب انگلیسی معلم است درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: این شخص فاسق ونماز در پس وی مکروه تحریمی است وامام ساختن چنین شخص حرام است زیرا درآن تعظیم او است وتعظیم فاسق حرام است، کذا حققه فی الشامی ان الصلاة خلف الفاسق مکروه بکراهة التحریم [4].

امامت ختنه کننده: سوال: (۷۸۷) کسیکه اطفال را سنت وختنه میکند امامتش چطور است؟

---

(۱) الا غیر الالثغ علی الاصح الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٤٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٥٧) ظفیر

(۲) الاحق بالامامة تقدیما بل نصبا الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض وقیل واجب وقیل سنة وهو الاظهر (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج۱ ص٥٤۱) ظفیر

(۳) فتسن اوتجب لمرته تظهر فی الاثم بترکها مرة (ایضاً ص ٥۱۸ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٥٤) ظفیر

(٤) ببیند: ردالمحتار شامی باب الامامة ص ٥۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ٥٥۹ – ٥٦۰ . ظفیر

جواب: جائز است فقط [۱].

امامت عالم معذور: سوال: (۷۸۸) در پس عالم معذوریکه مقتدیها کراهت میکنند به موجودیت امام تندرست خواندن نماز صحیح است یانه؟

جواب: در دُرمختار است که: ولا طاهر بمعذور الخ ولا قادر علی الرکوع وسجود بعاجز عنهما [۲] الخ ازین عبارت معلوم شد که نماز غیر معذور در پس معذور صحیح نیست، وامامت کسیکه مقتدیان انرا بد میدانند مکروه است [۳] درمشکوة شریف آمده است: ثلاثة لا تقبل صلاتهم من تقدم وهم له کارهون، الحدیث. [۴]

امامت عالم سیاح: سوال: (۷۸۹) کدام علماء سیاحی که از وطن دیگر میآیند، عقیدهٔ آنها مکمل معلوم نه میباشد حتی بعض درمیان آنها مجرمان مشهور نیز میباشد وامامت میکنند وقتی امام مقرر درحضور آنها امامت کند درین حالت بی عزتی خود را می پندارند درحالیکه خطبه رانیز درست خوانده نه میتوانند امامت چنین سیاح مجهول درست است یانه؟

جواب: گفتار وفکر این سیاح غلط وباطل است وکسیکه خطبه را غلط میخواند واز مسائل نماز پوره خبر نداشته باشد واطمینان صحیح العقیده بودن وی نباشد امام ساختن وی مناسب نیست بلکه شخص عالم وتابعدار شریعت را امام سازید فقط.

امامت شخصیکه مخالف انگلش را کافر می پندارد: سوال: (۷۹۰) زید درمکتب دولتی کورس را نشان میدهد ومیگوید: کسیکه ماموریت من راحرام میپندارد من درعقیدهٔ خود اورا کافر میدانم درین صورت نماز درپس زید درست است یا حرام؟

جواب: ماموریت درمکتب انگلیسی اگر بکدام درجهٔ دربعض صورتها جائز هم است لاکن درقبیح بودن آن هیچ سختی نیست لهذا زیدکه حرام گوینده گان غلامی انگریزهاراکافر میپندارد سخت در غلطی است وی عاصی وفاسق است لهذا در پس اونماز مکروه است واو را امام کردن

---

(۱) این کار روا است به سبب آن هیچ عیب عائد نه میشود: وقیل فی ختان الکبیر اذا امکنه ان یختن نفسه فعل الخ والظاهر فی الکبر انه یختن (درمختار) ای یختنه غیره (درالمختار کتاب الحظر والاباحة باب الاستبراء ص ۳۳۷ ج۵ ، ط.س. ج٦ ص ۳۸۲) ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸ – ۵۷۹ . ظفیر

(۳) ولو ام قومًا وهم له کارهون ان الکراهة لفساد اولانهم احق بالامامة منه کره له ذالک تحریمًا لحدیث ابی داود ولا یقبل الله صلاة من تقدم قومًا وهم له کارهون (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۴) ...ب لا امة فصل ثانی ص ۱۰۰ . ظفیر

حرام است [۱] فقط.

امامت نادان ومبتدع: سوال: (۷۹۱) (۱) یک شخص با ملا جمال الدین بیعت نموده تنها یک پاره عم (۳۰) راخوانده وبگفتار جمال الدین نماز را دروقت ضیق میخواند حتی نماز جمعه را درین شب وروز به سه بجه میخواند ونماز خفتن را به یازده بجه ومیگوید که پیش ازنماز خفتن خواب کردن فرض است، وزن خود را طلاق کرده وبه سه صد روپیه آنرا فروخته.

سوال: (۷۹۲) (۲) حافظ مولا بخش به اردو، فارسی، ومسائل خوب خبر دارد واکثر ازخاطر کاروبار یک در وقت نماز ازوی قضاء میشود قصداً نماز را قضاء نه میکند، درین هردو درپس کدام یک نماز جائز است؟

جواب: (۱) شخصیکه مرید ملا جمال الدین است ودرنمازها تأخیر مینماید وقبل از نماز خفتن خواب رافرض میداند وکارهای دیگر خلاف شریعت رامیکند جاهل ومبتدع وفاسق است خواندن نماز درپس اومکروه است وامام کردن وی ناجائز وحرام است [۲] وشخص دوم که حافظ قران وازمسائل باخبر ونماز رابه پابندی ادا میکند اگر این شخص قضاء نمازهای فوت شده رابخواند در پس وی بدون کراهت درست است درمقابله بامرد اول ملا بخش را امام ساختن مناسب است [۳] فقط.

جواب: (۲) بر مولا بخش لازم است که اگر اتفاقا کدام وقت کدام نمازی ازوی ترک میشود حتما قضاء انرا بگرداند زیرا بالکل تارک قصدی یک وقت نماز نیز فاسق است [۴] ودر عقب اونماز مکروه است فقط.

امامت کسیکه درخانه شرابی سکونت میکند:سوال: (۷۹۳) امامیکه درخانهٔ شرابی سکونت میکند درپس وی نماز جائز است یانه؟

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفیر

(۳) والاحق بالامامة نصبا بل تقدیما الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفیر

(۴) اذا التاخیر بلاعذر کبیرة لا تزول بالقضاء بل بالتوبة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ص ۶۷۶ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۶۲). ظفیر

جواب: جائز است. [1] فقط

امامانیکه نمبر وار نماز میدهند ونمازهای وسطی رانه میخوانند: سوال: (۷۹٤) چهار برادر دریک مسجد نمبروار نماز میدهند به نمبر خود نماز میدهد ونماز بعدی راترک مینماید درپس اینها نماز جائز است یانه؟

جواب: مکروه است [۲] فقط.

امامت کسیکه به نام انگلیسها وایصال ثواب آنها قوآن شریف کل میخواند: سوال: (۷۹۵) زید امام مسجد جامع وواعظ است وی بخاطر جارج وقیصر هند قران کریم را تلاوت کرد وبه او بخشید ودرخطبه برای وی دعا کرد ووقتی درباره دعا برای سلطان المعظم به اوگفته شود فتوای علماء را میخواهد وبالای اهل خلافت تبرأ میکند وعوام را تحریک میکند که کمیتهٔ خلافت کدام سخن دینی نیست، نماز خواندن درپس امامیکه نان خانهٔ سازنده گان را میخورد جائز است یانه؟

جواب: چنین آدم فاسق است ولایق امام کردن نیست وباید از امامت ووعظ کردن دور ومنع شود، ترک موالات شرعی فرض است وهمدردی خلافت بالای مسلمانان درهر حال لازم وواجب است. کوتاهی کردن درین کار حرام وگناه است وامامیکه طعام خانهٔ سازنده گان (رقاصان) را میخورد وی نیز لایق امام شدن نیست [۳] فقط.

امامت مخالفت کنندهٔ فتوی: سوال: (۷۹٦) امام مسجد جامع به خلاف فتوای همه علماء کرام وخلاف رضائیت همه مسلمانها درمسجد جامع بخاطر خوش نمودن دشمنان اسلام روشنی کرد که به این کار بدنامی همه مسلمانان شهر شد.

(۲) قبل ازخطبه به منبر بالا شده دشنام فحش وگنده گفت.

---

(۱) تنها به سکونت درخته شرابی فسق لازم نه میشود فقهاء میویسد: وجاز تعمیر کنیسة وحمل خمر ذمی بنفسه اودابة باجر لاعصرها لقیام المعصیة بعینه وجاز اجارة بیت الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۲٤۵ ج ۵ ، ط.س. ج٦ ص ۳۹۱) ظفیر

(۲) تارک نماز عاصی وفاسق است: وتارکها عمداً مجانة ای تکاسلا فاسق (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۵۲) وفقهاء در رابطه به امامت فاسق صراحت کرده اند که: ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامت ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) ظفیر

(۳) درپیش روی همه نماز خوانان تنها بخاطر برائت خود بیانیهٔ قسمیه خواند وآن بالکل غلط ودروغ ثابت شد درپس چنین امام نماز جائز است یانه؟ دور کردن او ومقرر کردن امام دیگر ضروری است یانه؟

جواب: چنین شخص لایق امام شدن نیست بلکه لیاقت دور کردن رادارد نماز درپس وی مکروه است پس دور کردن او ومقرر کردن امام صالح وعالم برمسائل شریعت ضرور است [۱] لاکن اگروی ازحرکات خرابپ خود بازنه آید وتوبه کند وی به امامتش باقیمانده شود [۲] فقط.

امامت شخصیکه حمایت کنندهٔ شرک وبدعت باشد: سوال (۷۹۷) کدام قاضی شهرکه به طبیعت خود نماز میدهد وقمیص پیرهن (تنبان) خودرا از زانوهای خود بلندکرده وکوت را استعمال میکند وگده باشد وبرخلاف اسلام برای شرک وبدعت کردن خودش گفتار میکند، درپس وی نماز جائز است یاخیر؟

جواب: امام کردن چنین شخص حرام است ونماز درپس اومکروه تحریمی است. کذا فی رد المحتار [۳] فقط.

امامت کسیکه یک بازویش قطعه شده وکور باشد: **سوال**: (۷۹۸) شخصیکه یک بازوش نباشد وهم کور باشد امامتش جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس او میشود لاکن امام دیگر که بینا باشد وهردو پا ودستانش صحیح باشد وازمسائل نماز خبر ونیک باشد بهتر است. [۴] فقط

امامت کسیکه زنش تی تی میکند: **سوال**: (۷۹۹) زن زید پیش امام از سوراخهای خانهٔ خود سوی راه روان راه عام میبیند ودرباره منع کردن آن امام مذکور میگوید که کدام زن هست که دروقت دول وسرنا از دروازه خود سیل (دیدن) نه میکند؟ درپس چنین امام نماز همگی میشود یاخیر؟ ویا نماز مردمانیکه واقعه مذکور را بچشم خود دیده اند جائز خواهد بود یا مکروه؟

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب کمن لاذنب له (مشکوٰة باب التوبة والاستغفار ص ۳۰۶) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۴) ویکره تنزیها امامة عبد الخ واعمٰی (درمختار) قال قید کراهة امامة الاعمٰی فی المحیط وغیره بان لایکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولٰی الخ (ردالمحتار باب والامامة ص۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰، وکذا تکره خلف امرد ومفلوج (درمختار) وکذالک اعرج یقوم ببعض قدمه الخ وکذا اجزم الخ ومن له ید واحدة الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

جواب: نماز همهٔ گی درپس اومیشود لاکن باید درین کار امام احتیاط کند وزن خود را ازین کار ناروا بند کند واگر بعد ازمنع کردن زن قبول نکرد گناه بالای او است شوهر بري الذمه هست[۱] فقط.

امامت کسیکه چادر نماز میپوشد: **سوال**: (۸۰۰) با پوشیدن چادر نماز وکلاه دوکنجه وقمیص بلند امامت کردن درمسجد درست است یانه؟

جواب: اگر ستر عورت مکمل بود نماز میشود لاکن بهتر این است که بالباس شرعی ودستار نماز بدهد[۲] فقط.

اگر درمسجد منزل زیر پای امام خالی باشد: **سوال**: (۸۰۱) درزیر مسجد یک دوجای است وجای استاده شدن امام پر نیست بلکه خالی است درین کدام حرج است یانه؟

جواب: اگرجای امام ازطرف پائین خالی باشد درپرکردن این جای خالی کدام حرج نیست فقط.

امامت جذامی: **سوال**: (۸۰۲) امامی ازمسائل شرعی کماحقه خبر دارد امام ساختن وی روا است یا نه؟

جواب: نماز درپس وی وقتی میشود که خون وغیره اش جاری نباشد ووی درحکم معذور نه شده باشد ورواه آن امام ساختن وی خوب نیست وباید در رفتن به مسجد نیز احتیاط کرد: کذا حققه فی کتب الفقه قال فی الشامی: وکذا القصاب والسماک والمجذوم والابرص أولی بالالحاق ای بالقوم وغیره وقال سمنون لا أری الجمعة علیها واصبح بالحدیث[۳] فقط.

امامت زناکار وچلباز: **سوال**: (۸۰۳) زید دختر کاکای خود هنده را که بکسی دیگری عروسی شده تحریک (شیطانت) کرد وچند روزی آنرا نگهداری کرد پس یک سند رابنام شوهر هنده گرفت وطلاق نامه را نوشته وبافریب انگشت شوهر هنده را بالای آن زد درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟ درحالیکه مردم دیگر قابل امامت موجود است؟

---

(۱) بهمین خاطر برای زنها روا نیست که به غیرمحرم سیل کند وشوهر مراقب زن است، ارشاد نبوی است: والرجل راعٍ علی اهل بیته وهو مسئول عن رعیته (مشکوٰة کتاب الامارة ص ۳۲۰) والله اعلم. ظفیر

(۲) والراج ستر عورته الخ وهی للرجل ماتحت سرته الی ماتحت رکبته (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ۳۷٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۰٤) والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولو صلی فی ثوب واحد متوشحا به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصر جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزائد ولکن فیه ترک الاستحباب . (غنیة المستملی ص ۳۳۷) ظفیر

(۳) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فی المسجد ص ٦۱۹ ، ط.س. ج۱ ص ٦٦۱ . ظفیر

جواب: اگر کدام خیانت زید ثابت شود وبدون سبب کوشش جدائي میان هردو را کرده بود [۱] درحال موجود وی قابل امامت شدن نیست وپس اونماز مکروه است کدام شخص صالح وعالم را امام کند. فقط

امام نکاح خوان حرام: سحوال (۸۰٤) زید سه نکاح را که ممانعت آن از قرآن شریف است بسته نمود دو نکاح درداخل عدت ویک نکاح از خویشنی (خواهر همسر) خود را درحالیکه خواهر دوم اش درنکاح موجود بود بسته نمود درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: چنین شخص نادان لیاقت جور شدن امام بودن را ندارد وی راباید ازامامت دور کرد ونماز درپس او مکروه است زیرا وی فاسق هست وامامت فاسق مکروه است کذا فی الشامی: ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم [۲] فقط

امامت دروغ گوی وفریب دهنده: سوال: (۸۰۵) مولوی عبد الحق دریک جلسه اعلان نمودکه من ماموریت مکتب منطقه کهوته رارها کردم وبعد ازان استعفاء نیز داد، وملک لعل خان صاحب وی را بصفت مفتی امورشرعیه مقرر کردبه تنخواه ماهوار سی روپیه (۳۰) سه چهار روز بعد وی استعفاء خودرا پس گرفت حالا مسلمانها بهمراه وی کدام سلوک بکنند؟ ودر پس وی نماز بخوانند یانه؟

جواب: درین شک نیست که وی این بد را کرد که ماموریت مذکور را ترک کرد بعداً پس گرفت درمقتدا وامام ساختن چنین شخص توهین مسلمانها وهمه است وی را امام نسازید فقط.

تفصیل امامت کُور: سوال: (۸۰٦) مسئله یکه درباب الصلاة ص۱۱۲ شرح وقایه درباره ممانعت نماز درپس کور نوشته شده شرح میخواهد زیرا در اکثر مسجدها حفاظ قران امامهای کُور اند درپس آنها نماز جائز است یانه؟

جواب: در دُرمختار هست: ویکره تنزیها امامة عبد واعرابی وفاسق وأعمی إلا أن یکون الفاسق أعلم الفاسق [۳] الخ حاصل این است که نماز درپس کُور وغیره مکروه تنزیهی است یعني خلاف

---

(۱) قوله فاسق من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰، اربع من کن فیه کان منافقا خالصا ومن کانت فیه خصلته منهن کانت فیه خصلة من النفاق حتی یدعها اذا اؤتمن خان الحدیث (مشکوٰة باب الکبائر ص ۱۷) . ظفیر

(۲) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق) کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) ظفیر

=

اولی هست، وبهتر نیست لیکن اگر کُور از مسائل نماز باخبر ومحتاط بود باز کراهت هیچ نیست چنانچه رسول الله ﷺ یک صحابی ابن ام مکتوم را که کور بود بصفت امام مقرر کرده بود [1] فقط.

شخصی که دروقت را دریک مسجد وسه وقت را درمسجد دیگر امامت میکند: (۸۰۷) امامیکه سه وقت دریک مسجد نماز میدهد ودو وقت را در مسجد دیگر ایا جائز است یانه؟

جواب: درین کار هیچ سبب منع کردن نیست فقط.

امامت باکُلاه وبحث درآن. سوال: (۸۰۸) یک بزرگ (پیر) دریک کتاب الامامة العمامة والصلاة بالمروجة به بسیار قوت ثابت کرده که بهمراه کُلاه نماز نمیشود وهیچ یک از صحابه وتابعین وتبع تابعین بهمراه کُلاه نماز نخوانده وحضرت مولانا گنگوهی درفتاوی نوشته است که اگر جماعت نیز به همراه کُلاه خوانده شود مکروه نیست آیا واقعاً نماز همراه کُلاه خلاف سنت هست؟

جواب: امامت بهمراه دستار افضل واحسن ومستحب است لاکن بدون دستار وتنها بهمراه کُلاه مکروه نیست: کما فی شرح المنیة الکبیر: والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلٰثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحدٍ متوشحاً به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصرة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزاید [2] الخ، ازین عبارت روشن هست که بدون دستار تنها بهمراه کُلاه نماز خواندن وامامت کردن مکروه نیست اگر چه بهتر این هست که بهمراه دستار شود.

امامت کسیکه بدون طلاق دادن زن را ترک شده نگهداری میکند: (۸۰۹) شخصیکه زن خود را بدون طلاق رها میکند وسخن اورا نه میگرد حکم آن چیست؟ در پس چنین شخص نماز میشود یانه؟

جواب: نگاه کردن زن کالمعلقة (مانندآویزان) که نه وی راطلاق میدهدونه ازوی خبرگیری میگیرد

---

(۳) ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰) ظفیر

(۱) قید کراهة امامة الاعمٰی فی المحیط وغیره بان لایکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولی آهـ الخ لکن ورد فی الاعمی نص خاص وهو استخلافه ﷺ لابن ام مکتوم وعتبان رضی الله عنهما علی المدینة وکانا اعمیین لانه لم یبق من الرجال من هو اصلح منهما وهذا هو المناسب لاطلاقهم واقتصارهم علی استثناء الاعمی (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰) ظفیر

(۲) غنیة المستملی ص ۲۳۷ ظفیر

حرام وناروا است، قال الله تعالی: فلا تمیلوا کل المیل فتذورها کالمعلقة [۱] الایة، پس این شخص عاصی وظالم است وامامتش مکروه است یعنی خواندن نماز درپس وی مکروه است. [۲]

امامت شخصیکه رسول الله ﷺ را غیب دان میپندارد: سوال (۸۱۰) زید جناب سرور کائنات را غیب دان می پندارد وبه این آیت وحدیث شریف وغیره استدلال میکند که میفرماید: ویکون الرسول علیکم شهیدا، واوتیت علم الاولین والآخرین، درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟ واگر ازترس فتنه نماز درپس وی خواند اعاده اش واجب است یانه؟

جواب: درشرح فقه اکبر است: ثم اعلم ان الانبیآء علیہم السلام لم یعلم المغیبات من الاشیاء الا ما اعلمهم الله تعالی احیانًا وذکر الحنفیة تصریحًا بالتکفیر باعتقاد ان النبی ﷺ یعلم الغیب لمعارضة قوله تعالی: قل لایعلم من فی السموٰت والارض الغیب الا الله، کذافی المسایرة، ص۱۸۵شرح فقه الأکبر. پس معلوم شد که عقیده زید باطل وغلط هست واستدلالش درست نیست ودر مقابل نصوص صریحه، وقطعیه شنیده نمیشود ونماز درپس وی مناسب نیست ومناسب است که درین رابطه بسیار احتیاط شود واگر بکدام سبب در پس او نماز خوانده باشد آنرا اعاده کند. [۳] فقط

امامت کسیکه عروسی دختر خودرا نمیکند وبچه هایش ناروا است: سوال: (۸۱۱) زید دختر بالغ خود را درخانۂ نشانده به نکاح نه میدهد ودو پسر او به زنا پیدا شده پشت زید خواندن نماز جائز است یانه؟

جواب: اگر زید بدون عذر چنین کرده باشد گنهگار است پس وی نماز مکروه [۴] است.

امامت تنقیص کننده در تُول: سوال: (۸۱۲) کسیکه وزن را کم میکند ودروغ میگوید واسناد سودی را نیز مینوسد در پس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: چنین شخص لیاقت امام شدن را ندارد ودر حالت مذکور نماز درپس وی مکروه [۵]

---

(۱) سورة النساء رکوع ۱۹. ظفیر

(۲) ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعة رهی اعتقاد خلاف المعروف علی الرسول لا معاندة بل بنوع شبهة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۴) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

(۵) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) قوله فاسق معنٰی الفسق وهو الخروج عن الاستقامة رلعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی الخ بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر

است پس بر مردم محله ومسجد لازم هست که وی را دور کنند وکسیرا که لایق امامت باشد امام [1] بسازند. فقط

اقتداء امام زاني: سوال: (۸۱۳) امام مسجد دروقت زنا کردن گرفتار شد وی دراحکام شرعیه خلاف اجماع فتوای اجتهادی میدهد نماز خواندن درپس او یا عمل کردن به فتوای وی جائز است یانه؟

جواب: چنین شخصیکه فاسق است وخلاف اجماع وخلاف قول امامیکه وی مقلد او هست فتوی میدهد وبه مسائلِ غیر مفتی بها فتوی میدهد لایق امام ساختن نیست وی امام جور نه شود ومعزولش کنند [2] فقط.

امام ساختن کسیکه در مردهٔ هند واشتراک میکند چطور است: سوال: (۸۱٤) (۱) شخصیکه مرده هندو را مشائعت میکند درپس وی نماز جائز است یانه؟

(۲) اینکه مرد مذکور درجواب منع کردن ازین کار میگوید: این رسم از مدت دوامدار به همراه هندوها روان است که آنها درمرده های ما اشتراک میکنند وما درمرده های آنها اشتراک مینمایم این کار شرعاً جائز است یانه؟

جواب: (۱) نماز درپس وی صحیح است.

جواب: (۲) فقهاء عیادت مریضان وتعزیت کافران را اجازه داده اند [3] پس بدلیل ضرورت ویا به نیت خلاص کردن بدل رفتن به همراه مرده های آنها نیز جائز هست، بخصوص که این ضرورت بکدام دلیل دیگر نیز باشد فقط.

امامت تیمم کننده: سوال: (۸۱۵) امامت صاحب تیمم جائز است یانه؟

جواب: اگر شخصی بدلیل عذر یک تیمم راجواز میدهد تیمم نماید نماز درپس او درست است وامام شدن اوجائز است چنانچه در کتب فقه نوشته اندکه تیمم طهارت مطلقهٔ کامله است. [4]

---

(۱) نعم اخرج الحاکم فی مستدرکه مرفوعا ان سرکم ان یقبل الله صلوٰتکم فلیؤمکم خیارکم فانهم وفدکم فیما بینکم وبین ربکم اهـ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲) ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) قوله فاسق معنٰی الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی الخ بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفیر

(۳) وفی کتب الشافعیة ویعزی المسلم بالکافر اعظم الله اجرک وصبرک (ردالمحتار. باب صلٰوة الجنائز ص ۸٤۳ قبیل مطلب فی زیادة القبور ، ط.س. ج ۲ ص ۲٤۲) ظفیر

امامت نر ماده: سوال: (۸۱٦) اگر نر مادهٔ عالم باعمل ونهایت دیندار باشد ودیگران همه نادانان باشند پس نرماده امام جور کرده شود ویاکسی دیگر؟ هرگاه عالم باعمل باشد وباقی همه نادان اند امامت وی جائز است: کما قالوا فی ولد الزنا والامرد هٰذا (ای الکراهة) اذا وجد غیرهم والا فلا، درمختار (۱). قال الله تعالی: اِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ [۲] فقط.

امامت شخصیکه بنام زنش خط کسی دیگر برآید: سوال: (۸۱۷) زید وبکر برادران اند زید عروسی نموده هردو برادر درمسافری مامورین ودر وقت رخصتی درخانه زن زید زنده گی میکنند، زید دَرْیک کتاب یک خط را دید که بنام زن زید بود وبالای آن امضای بکر نیست، وقتی زید درین رابطه اززن خود پرسان کرد وی بقسم لا علمی آشکار نمود درین حالت برادر وزن زید شرعاً مجرمان اند یانه؟ واگر زید امام باشد درپس وی نماز صحیح است یانه؟

جواب: درین حالت بالای زن وبرادر زید کدام جرم ثابت نیست وامامت زید درست است وپس وی نماز صحیح است فقط.

امامتیکه از شاهدی راستین شانه خالی میکند: سوال: (۸۱۸) یک امام مسجد نکاح یک شخص را بسته کرد، پسانتر درمیان خویشاوندان خانم وشوهر اختلاف آمد ودعوه شروع شد وقتیکه ضرورت به شاهد شد امام صاحب پُت ومخفی شد وبه زن گفت که تو چنین بگو که نکاح من نه شده وبسبب عدم وجود قاضی وشاهد آن شخص دعوا را از دست داد برای این امام شرعا چه حکم است؟ وپس وی نماز جائز است یانه؟

جواب: چنین شخصیکه قصداً حق را مخفی میسازد فاسق هست، [۳] لیاقت امام کردن راندارد ونمازدرپس وی مکروه است. کذافی الشامی: وصرح فیه ان کراهةتقدیمه کراهة تحریم [۴] فقط.

امامت منکرین حدیث: سوال: (۸۱۹) درپس گروهیکه از حدیث منکر باشد در پس وی نماز درست است یانه؟

---

(٤) وصح اقتداء متوضئ لا ماء معه بمتیمم (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٥٠ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٨٨) ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٥٩ - ٥٦٠) ظفیر

(۲) سورة المائدة رکوع ٥. ظفیر

(۳) ومتی اخر شاهد الحسبة شهادته بلاعذر فسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الشهادة ص ٥۱٤ ج۱ ، ط.س. ج ٥ ص ٤٦۳) ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الامامة ص ٥۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٠ . ظفیر

جواب: گروه قادیانی که منکر حدیث است کافر است نماز درست است یانه؟

جواب: گروه قادیانی که منکر حدیث است کافر است نماز درپس این گروه درست نیست وگروه غیر مقلد که خود را اهل حدیث میگویند آنها نیز درحقیقت اهل حدیث نیستند در پس آنها نیز نماز مکروه است مقرر کردن امام عالم سنی حنفی ضرور است [۱] فقط. (امامت گروه منکرین حدیث نیز درست نیست علماء فتوای کافر شدن آنها رادادهاند).

امامیکه بالایش شبهٔ زنا باشد: **سوال**: (۸۲۰) یک شخص امام مسجد هست وی همراه خوشوی خود زنا کرده درحالیکه ازچهار سال به این سوبیوه هست، وحمل نیز برداشت، اگرچه شهادت زنا ثابت نیست لکن بسبب ستر درآنجا کسی دیگر داخل شده نمیتوانست زن وی نابالغ بود وشک پوره در سال این کار بد بالایش هست چنین شخص قابل امامت هست یانه؟

جواب: هرگاه دربارهٔ امام مذکور چنین شبه است امام ساختن وی مناسب نیست وبر وی نیز لازم است که امام نه شود: لقوله ﷺ: من أم قوما وهم له كارهون [۲] فقط.

كسيكه به غلطی نماز را به جنابت داد: **سوال**: (۸۲۱) زید محتلم به خطائي نماز خواند وبه خطائي خود پشیمان هست وتائب هست حالا زید قابل امامت باقیماند یانه؟

جواب: قضائی این نماز را بگرداند وبعد از توبه گناه وی معاف شده وی قابل امامت هست [۳] (ارشاد نبوی هست: التائب من الذنب كم لا ذنب له، مشكوة باب الاستغفار ص۳۰٦، ظفير).

بالای امامیکه عیبهای ذیل باشد امامتش درست است یانه: **سوال**: (۸۲۲) (۱) زید بخاطر سایه وچونه مسجد از دست مرد حرام رقاصه های مسلکی چنده میگیرد؟

سوال: (۹۲۳) (۲) زید مذکور بخاطر چند پول وطمع اشیاء ناچیز رقاصه ها را برای پُر کردن تاخچه وسطی وقت نماز صبح برای پُر کردن تاخچه داخلی محراب در داخل مسجد اجازه میدهد وبیکاره های آنها وهمچنان پاهای برهنه وبدون طهارت به پایمال نمودن فرش وصفه های نماز به منبر میرسند؟

---

(۱) وحاصله ان كان هوى لايكفر صاحبه تجوز الصلوة خلفه مع الكراهة والا فلا هكذا فى التبين والخلاصه وهو الصحيح هكذا فى البدائع (عالمگیری کشوری باب الامامة ص ۸۳ ج۱ ، ط. م. ج۱ ص ۸٤) ظفیر

(۲) الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ . ظفیر

(۳) كما يلزم اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب اوفاقد شرط اوركن الخ (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۵۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱) ظفیر

سوال: (۹۲٤) (۳) زید مذکور جوان هست ودر اطاق خصوصی وی اکثر زنان جوان مسلمان وبسیار از زنان جوان هندو برای دم وتعویذ میایند وعلاوه ازدیگر خواهشات زنانهٔ تشنه اولاد نیز میباشند ودر میان هندوها یک مسئله (گرفت) هست یعنی اگر شوهر کدام زن نامرد باشد وبه پیدا کردن اولاد قادر نباشد این زن بوسیله کدام شخص استقرار حمل کرده میتواند.

سوال: (۸۲۵) (٤) زید زن منکوحه شخص دیگر رابدون إجازه به بهانه خدمت درخانه خود انداخته وزن را اجازه نه میدهد که به نزد همسرش برود درین صورتها مقرر کردن زید بصفت امام مسجد ونماز درپس وی وبه او نکاح بسته کردن جائز است یانه؟

جواب: درین صورتها حرکات قسمی ثبت شده که به سبب آن امامت زید مکروه تحریمی [1] بالای خود زید لازم است که هرگاه مقتدیها بسبب کارهای قبیح وی به امامت وی خوش نیستند امام نه شود: کمافی الدر المختار: ولو ام قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه او لانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریمًا لحدیث ابی داؤد: ولا یقبل الله صلٰوة من تقدم قومًا وهم له کارهون [2] الخ وآشکار هست که زید به سبب این کارهای بد فاسق است، وپس فاسق نماز مکروه تحریمی است ودور کردن او واجب است چنانچه درشامی است که درامام ساختن فاسق تعظیم وی وتعظیم فاسق حرام است: واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانته شرعًا الی ان قال فهو کالمبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا قال ولذا لم تجز الصلٰوة خلفه اصلاً عند مالک وروایة عن احمد الخ [3] شامی ص۳۷٦ جلد اول. فقط (این صفحات دراصل کتابیکه حضرت مفتی صاحب کدام جا انداخته آن شامی مطبوعهٔ مجتبائی دهلی است ودرحاشیهٔ اش مطبوعهٔ مصری دار الخلافة العثمانیة است. ظفیر).

<u>**امامت کسیکه موهای بائین ازناف رانه میتراشد:**</u> سوال (۸۲۵) اگر شخصی بخاطر ناتوانی موهای زیر ناف را تراشیده نه میتواند درپس وی نماز میشود یانه؟

جواب: نمازش صحیح است ودرپس وی نماز میشود [4] فقط.

---

(۱) ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۳) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰ . ظفیر

(٤) اگر عذر معقول نباشد هرجمعه پاک کردن ضرور است وزیاد ازچهل روز ترک کردن آن مکروه تحریمی است: ویستحب حلق =

امامت مرد لنگ: سوال: (۸۲٦) اگر مرد لنگ عالم باشد ومرد دیگری از مسائل نماز خبرداشته باشد درین حالت امامت این عالم لنگ جائز است یانه؟ صاحب هدایه امام لنگ را مکروه گفته بهمراه آن که نبی ﷺ عبدالله بن ام مکتوم را امام ساخته بود، بسبب این نفرت مردم آنرا مکروه فرموده اند؟

جواب: لنگی که به بعض قدم (یعني به برخی وحصهٔ پای) استاد میشود امامتش مکروه تنزیهی نوشته شده که اگر غیر اعرج عالم که از مسائل نماز باخبر باشد موجود بود وی بهتر است درشامی آمده است: وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیره اولٰی [1] اگر کدام عالم مسائل دیگر موجود نه باشد وعالم لنگ موجود باشد پس همان بهتر است برای امامت چنانچه فقهاء درباره کُور نیز چنین نوشته کرده اند، شامي: قید کراهة امامة الاعمٰی فی المحیط وغیره بان لایکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولٰی [2] وهمچنان نفرت قوم وقتی موجب کراهت است که درامام کدام عیب شرعي یعنی فسق وغیره باشد، در دُرمختار آمده: ولوام قومًا وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه اولانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریمًا لحدیث ابی داود وان هو احق لا والکراهة علیهم [3] الخ. فقط

امامت کسیکه قائل حیات بعد الوفات اولیاء نیست: سوال: (۸۲۷) کدام شخصیکه عقیده داشته باشد که اولیاء کرام بعد ازوفات زنده نه میمانند وطلب کننده گان امداد از آنها را مشرک میگوید درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: کرامات وتصرفات أولیاء الله بعد ازمرگ نیز ثابت [4] هست وی را مشرک گفتن غلط است، البته این ضرور است که ماسوا الله از هیچکس کمک نه میخواهد بمثلیکه در: اِیَّاکَ نَعْبُدُ

= عاته وتنظیف بدنه بالاغتسال فی کل اسبوع مرة والافضل یوم الجمعة وجاز فی کل خمسة عشر وکره ترکه وراء الاربعین (درمختار) ای تحریما للقول المجتبی ولاعذر فیما وراء الاربعین ویستحق الوعید اهـ (رد المحتار. کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۵۸ ج ۵ ، ط.س. ج٦ ص ٤٠٦) ظفیر

(1) رد المحتار باب الامامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵٦۲ . ظفیر

(2) ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰ . ظفیر

(3) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ . ظفیر

(٤) وقیل ببقاء الکرامة بعد الموت لعدم الانعزال عن الولایة بالموت وقیل لا لظاهر نحو اذا مات ابن آدم انقطع عمله الخ ویجوز التوسل الی الله تعالی والاستغاثة بالانبیاء والصالحین بعد موتهم لان المعجزة والکرامة لا تنقطع بموتهم وعن الرملی ایضًا بعدم انقطاع الکرامة بالموت وعن امام الحرمین ولاینکر الکرامة ولوبعد الموت الا رافضی. (البریقه ج ۱ ص ۲۷۰) . ظفیر

وَاِيَّاکَ نَسْتَعِيْنُ [۱] مذکور است فقط.

امامت امامیکه مال مسجد را بالای خود مصرف میکند چطور هست: سوال: (۸۲۸) درزمانه طاعون مردم به امام مسجد کالا ورخت وپول نقد آوردند تا بالای مسجد مصرف کند مگر امام آنرا بالای مسجد مصرف نه کرد به اهداف خود مصرف کرد برای این امام چه حکم است ولایق امامت هست یانه؟

جواب: این خیانت اشکار است ضمانت به عهدهٔ وی هست واگر این امام توبه نکند، وضمانت را ادا نکند لایق امامت ساختن نیست [۲] فقط.

امامت ساعت ساز ودروغ گو: سوال: (۸۲۹) یک مولوی صاحب به یک حافظی که امام مسجد وساعت ساز هست ساعت خود را داد که درآن فنر نو وجدید را بیاندازد ویک روپیه قیمت آن رانیز به او داد حافظ مذکور همان فنر سابق را دران ترمیم کرد وفنر جدید نه انداخت به این سبب ساعت استاد شد بعداً به ساعت ساز دیگر یک روپیه داد وبه آن فنر انداخت این حافظ چه حکم دارد نماز درپس وی میشود یانه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است [۳] فقط.

امامت امامیکه بالایش تهمت بدون ثبوت بسته شود: سوال: (۸۳۰) بنام مهتمم صاحب اینجا کدام شخص خط روان کرد وبالاي پیش امام تهمت زده شده که همراه دختر منکوحهٔ اولی خود نکاح کرده ارسال کنندهٔ خط نام وآدرس خود را نوشته کرده است، بدون این مکتوب هیچ ثبوت وشاهد نیست، وامام مذکور ازین معامله صفا انکار میکند پس شرعاً با اعتبار کردن به چنین خط درپس امام مذکور خواندن نماز ست یانه؟

جواب: چنین مکتوب مجهول را اعتباری نیست وهرگاه امام مذکور از واقعهٔ مذکور انکار میکند تنها بر اساس این نوشتهٔ غیر ثابت امام صاحب موصوف به فعل مذکور متهم کرده نمیشود ووی را از امامت معزول کرده نمیتواند واو را ازخیرات ومبرآت محروم کرده نمیتواند قال تعالی: يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوْا كَثِيْراً مِنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ، الآية. [۴] فقط

---

(۱) سورة الفاتحة . ظفیر

(۲) ان کراهة تقديمه ای الفاسق کراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) ظفیر

(۳) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۴) سورة الحجرات ۲. ظفیر

امامت کسیکه شریعت را به صفت قبول نه میکند: سوال: (۸۳۱) شخصیکه ملا باشد وواعظ باشد بهمه آن جنجال های خود را به قانون شریعت فیصله نه میکند ووقتی عوام ازوی پرسانی کنند میگوید: که من حاضر به فیصله به شریعت هستم ودرهمین وقت میگوید که اگر شریعت راحکم بگردانم نقصان من است، حکم ایمان بنین شخص چیست؟ وهمراه اورابطه گرفتن وامداد گرفتن وی چطور است؟

جواب: الله تعالی: فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتّٰى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، [1] الآية، پس کدام شخص که به حکم شریعت راضی نباشد ودر دلش انرا قبول نه کند خبر مؤمن نه بودن آنرا جناب باری تعالی داده است ودرجای دیگر قبول نه میکند ودر مقابل آن فیصله محکمهٔ راکه خلاف شریعت است ناطق میداند فاسق وظالم است وخوف کفر وی است لهذا مرد مذکور لیاقت [2] امام وسر پرستی را ندارد واگر چنین شخص تائب نشود ارتباط واختلاط اوحرام است وقطع ارتباط بهمراه او واجب است، وکمک بهمراه یک عاصی وفاسق درمعصیت است، قال تعالی: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ.

امامت وسرپرستی کسیکه رواج رابه شریعت ترجیح میدهد: سوال: (۸۳۲) شخصیکه بهمراه عالم وأهل حدیث شدن از میراث پدر به خواهران خود سهم نه میدهد ومیگوید که: ما پابند رواج هستیم وبهمین خاطر ما اسهام شرعی را تقسیم نه میکنیم بلکه به اشارهٔ وی برادر نادانش درمحکمه شرح نموده که زنان ناقص العقل اند وبهمین سبب برای آنها هیچ سهم ومیراث نیست چنانچه الله تعالی فرموده: وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمْ، حتی با پرسش یک عالم که اگرتوبه این گمان بمیرید آیا این راه نجات است؟ جواب میدهد که مابه جهنم برویم خیروگر این کاررانه میکنیم امامت وسرپرستی مسجد چنین شخص ویاهمراه وی دوستی کردن چطور هست؟

جواب: سهم زن نصف سهم مرد ازنص قطعی ثابت است کما قال الله تعالی: يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ، [3] انکار کردن از سهم زن انکار کردن ازنص قطعی است که

---

(۱) سورة النساء. رکوع ۹. ظفیر

(۲) ان کراهة تقدیمه ن الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) ظفیر

(۳) سورة النساء، رکوع ۲. ظفیر

کفر است واستدلال کردن به آیت: وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ اَمْوَالَکُمْ، الآیة، سخت نادانی وگمراهی است ومقابلهٔ نص قطعی است بذریعهٔ گمان شخصی وباطل واین سخن وی که به جهنم برویم الخ کفر آشکار است، در شرح فقه اکبر آمده: ومن قال لمن یامر بالمعروف وینهی عن المنکر ماذا اعرف العلم او ما ذا اعرف الله انی وضعت نفسی للجحیم اوقال اعددت نفسی للجحیم الخ کفر ای لانه اهان الشریعة اوایس من الرحمة فکلاهما کفر. [1] شرح فقه اکبر، پس بهمراه مرد مذکور ارتباط داشتن وخویشی کردن همراهش وامام وسرپرست ساختن همه وهمه حرام وناجائز است فقط.

<u>نماز درپس کوتاه کنندهٔ ریش</u>: سوال: (۸۳۳) ریش زید بُریده شده یک یادو انگشت مانده چهار انگشت پوره نیست درپس او نماز روا است یانه؟

جواب: در درمختار امده است که کم کردن ریش ازچهار انگشت حرام است: واما قطعها وهی دونها فلم یجد احد [2] الخ هم چنان در درمختار است: ولذا یحرم علی رجل قطع لحیه، در پس مرد ذکر شده نماز مکروه است اگر چه به حکم: صلوا خلف کل بر وفاجر، در پس اونماز میشود لیکن امام ساختن چنین شخص مناسب نیست: لأن فی امامته تعظیمه وتعظیم الفاسق حرام شامی. [3] فقط

<u>امامت شخصیکه به همرای مرزائی ارتباط داشته باشد</u>: سوال: (۸۳۴) اگر شخصی مرزائي همرای امام در مسجد در اطاق بشیند ودرمیان نمازخوانان نفاق پُره وجنبه میاندازد وامام که به سخنان او عمل میکنبد وبه منع کردن نماز گذاران نیز منع نه شده چنین امام لایق امام بودن است یانه؟

جواب: به امام مذکور واضح گفته شود که اگر توهمرای مرزائي رابطه داشته باشد وآنرا حمایه کردی تو از امامت دور خواهد شد اگر او بازهم منع نه شد وی از اقامت دور کرده شود این مرزائي را درحجرهٔ مسجد نگهداری نه کنید فوراً کشیده [4] شود. فقط

---

(۱) شرح فقه اکبر قبیل فصل فی الکفرة صریحة وکنایة ص ۲۱۵ . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. کتاب الصوم. باب مایفسد الصوم مطلب فی الاخذ من اللحیة ص ۱۲۵ ج ۲ ، ط.س. ج ۲ ص ۴۱۸ . ظفیر

(۳) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

(۴) زیرا وی بسبب کارهای خودش فاسق است وامامت فاسق مکروه تحریمی است: وکراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار ⇐

امامت کَر: سوال: (۸۳۵) کسیکه کر باشد وبالکل نه میشود امامت وی چطور است؟

جواب: امامت او درست است. فقط

هرگاه بالای امام شبه شود: سوال: (۸۳٦) (۱) وقتی براي مسلمانان دربارهٔ امام شکوک وشبهات پیدا شود چنین امام دور شود ویا نگاه شود؟

امامت کسیکه بسبب اوپره وجنبه جور میشود: سوال: (۸۳۷) (۲) وقتیکه بسبب یک امام درمیان مسلمانها پره وجنبه وجنگ ها پیدا میشود باقیماندن وی درامامت بهتر است یانه؟

جواب: (۱) برای چنین شخص امامت کردن مناسب نیست دور شدن وی از امامت مناسب است، امامت وی مکروه است لحدیث: من أم قوما وهم له کارهون [1] الحدیث.

جواب: (۲) دور کردن چنین شخص از امامت بهتر است [2] زیرا که منشاء امامت محکم ساختن ریشهٔ اتفاق واتحاد ذات البینی است واین منشأ دروی گم میشود: ومن حکمها نظام الالفة وتعلم الجاهل من العالم. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥١٥ ج۱. ظفیر)

مقصد ازادنی حال: سوال: (۸۳۸) باید امام از مقتدی ادنی حالا نباشد، اگر امام ادنی حالا هست اقتداء صحیح نیست؟ ومقصد ازادنی حالا چیست؟

جواب: مقصد این است که مثلا امام نفل میخواند، ومقتدی فرض میخواند نماز فرض خوان درپس نفل خوان درست نیست، مقصد آن نیست که پرسنده نوشته است، درین صورت نماز هر دو درست است، از امام هم واز مقتدی هم مثلا اگر امام عالم نباشد، ومقتدی عالم باشد [3] یابه سر امام دستار نیست وبرسر مقتدی دستار هست به این قسم نماز همگی درست است. فقط

امامت حافظیکه پابند نماز است وشامیانه (مهمانخانهٔ) خود را به کرایه میدهد درست است یانه؟ سوال: (۸۳۹) زید حافظ وپابند پنج وقت نماز است یعني بهر صورت از باشنده گان آنجا بهتراست وری شامیانهٔ خودرا به هندوها ومسلمانها به کرایه میدهد، ودران موقع برای فعال کردن آن (روشن کردن) نیز میرود نماز در پس وی جائز است یانه؟

= باب الامامة ص ٥۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦۰) ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥۲۲ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ٥٥۹ . ظفیر

(۲) ولوام قوماً وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه اولانهم احق بالامامة منه کره الخ (ایضاً ص ٥۲۲ ج ۱ ، ط. س. ج۱ ص ٥٥۹) واگر کدام چیز دیگر نباشد همین سخن کافی است که بسبب وی درمیان مسلمانها اختلاف است که بسیار بد است. ظفیر

(۳) ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقًا (درمختار) ای وان کان غیره من الحاضرین من هو اعلم واقرء منه (رد المحتار باب الامامة ص ٥۲۲ ج ۱ ، ط. س. ج۱ ص ٥٥۹) ظفیر

جواب: برای بعض محافل ناروا مثلا به کرایه دادن شامیانه بخاطر ساز وبازی کردن، ودر آنجا رفتن وروشن کردن آن اعانت علی المعصیة هست که به موجب حکم خداوند ﷻ : وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللهَ [1] حرام است به این سبب نماز درپس وی مکروه است [2] اگر کدام شخص صالح دیگر موجود باشدی وی امام ساخته شود ورنه درپس این حافظ نماز بخوانند زیرا نماز درپس وی بهتر است از نماز تنها، درمختار [3] فقط.

امامت کسیکه اشتباه بول خورد داشته باشد: سوال: (۸۴۰) برای زید اکثر بدون فهمیدن قطره های شاشه (پیشاب) میآید مگر زید هروقت شکی میباشد که شاید قطره آمده باشد ووی بعد از استنجاء کردن به آب خود رابه کالا خشک میکند باز به کلوخ خود را خشک میکند باز وضوء کرده ٹنک میزند به این ترتیب ازوی قطره کم میاید، وهرگاه قطره کم آید باز تنها به کلوخ صفایش میکند وضوء میسازد ونماز میخواند بعد از قطره به آن صفائي نمیکند درین حالت نماززید میشود یانه؟ واو امام نیزهست امامت وی درست است ودرآینده درست خواهد بود یانه؟

جواب: درین حالت نماز وی میشود امامت وی نیز صحیح است، ودر اینده هم در امامت او هیچ حرج نیست [4] فقط.

امامت کسیکه حضرت محمد ﷺ را اولاد مشرک بگوید درست است یانه؟ سوال: (۸۴۱) یک شخص اشکارا میگوید که انحضرت ﷺ اولاد بت پرست، ومشرک ودرخانۀ مشرک تولد شده، درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: این موضوع دریک حدیث شریف آمده: حالِ پدر خود وپدر آنحضرت ﷺ پرسید؟ آنحضرت ﷺ به وی فرمود: ان ابی واباک فی النار [5] یعني پدر من وتو در دوزخ اند، ودر روایت این هم مروی است که حضور پاک ﷺ فرمود که من برای والدۀ خود طلب اجازۀ

---

(۱) سورة المائدة رکوع ۱. ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار باب الامامة، ط. س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

(۳) وفی النهر عن المحیط صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة (درمختار) افادان الصلوٰة خلفهما اولی من الانفراد (ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲) ظفیر

(۴) ثم اعلم ان الجمع بین الماء والحجر افضل ویلیه فی الفضل الاقتصار علی الماء ویلیه الاقتصار علی الحجر وتحصل السنه بالکل وان تفاوت الفضل (ردالمحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۱۳ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۳۳۷). ظفیر

(۵) رد المحتار باب نکاح الکافر مطلب فی الکلام علی ابوی النبی ﷺ ص ۵۳۰ ج۲). ظفیر

استغفار کردم الله تعالی اجازه نداد، واجازه زیارت قبرش راخواستم برایم داد. [۱] ظاهر این روایات همین است که والدین انحضرت ﷺ درحالت کفر وفات کرده اند، درین باره علماء چیز تفسیر وتحقیق نیز فرموده اند بحث کرده اند، وبعض روایات را چنین نقل کرده اند که دوباره زنده شدن وایمان آوردن والدین آنحضرت ﷺ را از آنها ثابت کرده اند، بهر حال بحث کردن درین موضوع را علماء منع کرده اند، پس سکوت درین موضوع اسلم است [۲] فقط.

امامت کسیکه به گرفتن اجوره مسئله شرعی را تعلیم میدهد: سوال: (۸٤۲) امام مسجد به تعلیم دادن مسئله شرعی اجوره میگیرد نماز درپس وی چه حکم دارد؟

جواب: نماز درپس او مکروه است، چنین شخص لائق امام ساختن نیست تا وقتیکه توبه نه کرده باشد [۳] فقط.

امامت مخالفت کنندهٔ بدعت: سوال: (۸٤۳) زید متبع سنت، وشخص صالح، امام یک قوم، وحافظ قرآن است، قوم دریک موقع بالای زید فشار آورد که دورهٔ قرآن مجید کند، ومرتکب رواجهای دیگر نیز شود هرگاه زید رنجدید جمیات ذیل را گفت که کسیکه سخن گشتاندن قران مجید را کشیده او را اینطور وآنطور یعنی برایش دشنام داد، مقتدیها نماز خواندن را درپس وی ترک کردند، خیر وخیرات را بالایش بند کردند شرعا حکم این چیست؟

جواب: این آشکار هست که غرض زید ازیاد کردن جملهٔ مذکور مذمت کردن ایجاد کنندهٔ رواج مذکور است ووی را بد رد گفتن است این رسم قرآن خوانی، واجوره گرفتن ودادن به آن بدون شک ناجائز وخلاف شریعت است، لهذا زید بسبب گفتار مذکور دربارهٔ رواج ذکر شده مرتکب کدام گناه فاسق ویا فاجر نشده، زیرا نه کردن رواجهای خلاف سنت عین پیروی از سنت است که موجب اجر وثواب هست، لهذا وی حالا نیز لایق امامت هست، اجتناب کردن مقتدیها ازنماز خواندن درپس وی مناسب نیست وتحقیر وتذلیل کردن وی حرام وناجائز هست

---

(۱) ردالمحتار باب نکاح الکافر مطلب فی الکلام علی ابوی النبی ﷺ ص ٥٣٠ ج۲ . ظفیر

(۲) الا ترٰی ان نبینا ﷺ فداکرمه الله تعالی بحیاة ابویه له حتی أمنا به الخ (ردالمحتار باب المرتد مطلب فی احیاء ابوی النبی ﷺ ص ٤٠٠ ج ۳ ، ط.س. ج ٤ ص ۲۳۱) از روایات ذکرشده فرق ثابت شد که گدام شخص کلمات مذکور را میگویند امامتش درست است اگر چه سکونش بهتر است در شرح فقه اکبر آمد که: ووالدا رسول الله ﷺ ماتا علی الکفر (ص۱۳۰). ظفیر

(۳) لان اخذ الاجرة علی بیان حکم الشرعی لایحل عندنا وانمایحل علی الکتابة لانها غیر واجبة علیه. والله اعلم (رد المحتار کتاب القاضی مطلب فی حکم الهدیة للمفتی ص ٤۳۲ ج٤ ، ط.س. ج ٥ ص ۳۷٤). ظفیر

ودور کردن وي از امامت به این سبب درست نیست ومنع کردن حقوق وی درست نیست [۱] فقط.

کسیکه میگوید: بدن آنحضرت ﷺ در شب معراج به بدن خدا پیوست شد: سوال: (٨٤٤) شخصی میگوید که دروقت معراج بدن انحضرت ﷺ وبدن خداوند تعالی بالکل یک شد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: گفتار این شخص غلط وخلاف عقیدهٔ اهل سنت واهل اسلام هست، لهذا درپس وی نماز خوانید [۲] فقط.

امامت کسیکه درعروسی اولا خود دُولک میزند: سوال: (٨٤٥) زید در خوشنودی ونکاح بسر پانزده بیست روز پیش دُو لک میزد ورواجهای دیگر را نیز انجام داد، وزید افیون نیز میخورد پس وی نماز جائز هست یانه؟

جواب: درین صورت زید فاسق است، درپس وی نماز مکروه است، واو تا وقتیکه توبه نکند لائق امامت نیست [۳] فقط.

امامت کسیکه جور کنندهٔ تصویر ومجسمه باشد: سوال: (٨٤٦) یک امام مسجد عکسها، ومجسمه ها وغیره را میسازد نماز درپس وی میشود یا نه؟

جواب: درپس چنین امام نماز مکروه است. [٤]

امامت خواب شونده درنما: سوال: (٨٤٧) یک امام مرض خواب دارد اکثر اوقات خواب میاشد حتی درحالت نماز نیز خواب میاشد به فتح دادن دیگر به هوش میاید تعویذ وچاشت نیز میکند وقرآن شریف نیز خوب نمیخواند ودروغ وغیره میگوید وغیره وغیره درپس چنین شخص نماز میشود یانه؟ وری قابل امام بودن هست یانه؟

---

(۱) ولوام وهم کارهون الکراهة لفساد فیه الح کره له ذلک الخ وان هوا حق لا والکراهة علیهم (الدر المحتار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٢ ج١ ، ط. س. ج١ ص ٥٥٩). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول لا بمعاندة بل بنوع شبهة (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج١ ، ط. س. ج١ ص ٥٥٩ – ٥٦٠). ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر الخ (رد المحتارباب الامامة ص ٥٢٣ ج١ ، ط. س. ج١ ص ٥٥٩). ظفیر

(٤) عن عبدالله بن مسعود" قال سمعت رسول الله ﷺ یقول : اشد الناس عذابا عند الله المصورون. متفق علیه، (مشکوٰة باب التصاویر ص ٣٨٥) ، ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار باب الامامة ط.س ج١ ص٥٥٩). ظفیر

جواب: به خوابیدن درنماز نماز فاسد نمیشود ودرنماز کدام خلل واقع نمیشود، البته اگر در قرآن چنان غلطی نماید که شکنندهٔ نماز باشد نمازش فاسد میشود واینجا خواب وبیداری یکسان است، همچنان چاشت وتعویض کردن به ایت های قرآن شریف درست است درآن کدام گناه نیست به این سبب درامامت وی کدام کراهت نیست ونماز درپس اودرست است، البته خوی دروغ وبسته کردن دروغ موجب فسق ومعصیت است، اگر توبه نکند نماز درشی وی مکروه است اگر چنین شخص توبه نکند لایق امام شدن نیست [۱] فقط.

امامت در ناپاکی: سوال: (۸۴۸) اگر کسی درحال ناپاک بودن امامت کرده باشد ووی شمارمقتدیها ونمازهارایاد نداشت بالای وی علاوه ازگشتاندن نمازقضاني خودش درباره، مقتدیها چه تدبیر کردن ضرور است؟

جواب: اگرهیچ چیز یادش نبود وتعین مقتدیها ونمازها نیست واضح است که اطلاع دادن برایش مشکل است درین صورت بالای مقتدیها هیچ مؤاخذه نیست چون برای آنها علم فاسد شدن نماز نشده وبالای آنها اعاده نیز واجب نیست کما فی الشامي: واما صلواتهم فانها وان لم تصح ایضا لکن لا یلزمهم اعادتها لعدم علمهم [۲] پس شخص مذکور نمازها را بگرداند وازین گناه استغفار بخواهد وتوبه بکند از گناهیکه به دادن نماز به ناپاکی از وی سرزده وبرای مقتدیها نیز استغفار خوب است فقط.

امامت شیعهٔ تبرائی: سوال: (۸۴۹) شخصی است که مذهب شیعه دارد وحدیث شریف وفقه را قبول ندارد واصحاب کبار را توهین میکند حتی دشنام میدهد انها در مجالس شیعه ها مرثیه میخواند درپس چنین شخص اقتداء کردن در تراویح ونمازهای پنجگانه جائز است یانه؟

جواب: درپس چنین شخص در تراویح وفرایض اقتداء نشود، لاکن کدام وقتیکه تو به نماید در آن وقت اقتداء درپس وی درست است، واگربار بار این حرکت ازوی اشکار شد وتجربه ثابت ساخت که عقیده وی همان است که بعد ازرمضان شریف میکند درین صورت هیچگاه امام کرده

---

(۱) وان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ج۱ ص ۵۵۹). ظفیر

(۲) رد المحتار. واذا ظهر حدث امامه وکذا کل مفسد فی رأی مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا کما یلزم الامام اخبار القوم اذا أمهم وهو محدث او جنب او فاقد شرط او رکن (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۵۳ ، ط.س. ج۱ ص۵۹۱) صلی جماعة الخ مع امام الخ فمن تیقن مخالفة امامه فی الجهة الخ لم تجز صلاته الخ ومن لم یعلم ذلک فصلاته صحیحة (ایضاً باب صفة الصلوٰة ج ۱ ص ۴۰۶ ، ط.س. ج۱ ص ۴۳۶) . ظفیر

نشود تا وقتیکه تثبیت توبه را شتین وی نشود [۱]۔

امامت گوینده سجده به غیر الله: سوال: (۸۵۰) عقیدهٔ زید این هست که سجده سهو بدون الله به چیز دیگر قبر باشد یا چیز دیگری حرام است شرک نیست اگر به معبود شمردن شود شرک خواهد بود، اگر شرک میبود به حضرت آدم وحضرت یوسف علیہما السلام سجده کرده نمیشد آیا درین باره مشرک شد یا نه؟ در پس کسیکه این عقیده داشته باشد نماز جائز است یانه؟

جواب: دردرمختار وشامی منقول است که غیر الله را تعظیماً وعبادةً سجده کردن حرام وکفر است پس معلوم شد که تعظیماً سجده کردن هم در عبادت داخل است وسجده تعظیم عین سجده عبادت است که بالاتفاق کفر است البته در سجدهٔ تحیه که بجاي سیام میباشد اختلاف است که هست یا نه لاکن در حرمت وگناه کبیره بودن آن اختلاف نیست وسجده حضرت آدم وحضرت یوسف علیہما السلام در شریعت ما منسوخ شده است پس نماز در پس زید مذکور صحیح نیست. در درمختار است: وهل یکفر ان علی وجه العبادة والتعظیم کفر وان علی وجه التحیة لا وصار اٰثمًا مرتکبًا للکبیرة. انتهٰی [۲] ملخصاً، وفی الشامی ذکر الصدر الشهید انه لایکفر بهٰذا السجود لانه یریدبه التحیة وقال شمس الائمة السرخسی ان کان لغیر الله تعالٰی علی وجه التعظیم کفر قال القهستانی وفی الظهیریة یکفر بالسجدة مطلقًا. شامی [۳] جلد۵. باز بعد ازین شامی این تحقیق رافرموده است: کدام سجده که ملائک برای آدم کرده بودند به این حدیث منسوخ شده (لو امرت احداً ان یسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها ([۴]) الخ. باز نوشته است: وکان جائزا فیما مضی کمافی قصة یوسف علیہ السلام قال ابومنصور الماتریدی: وفیه دلیل علی نسخ الکتاب

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول (در مختار) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لا یهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانته شرعا الخ بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) قال المرغینانی تلح لا تجوز الصلٰوة خلف الرافضی (عالمگیری کشوری باب الامامة ص ۸۳ ج ۱ ، ط. م. ج۱ ص ۸۴). ظفیر

(۲). الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة باب الاستبراء ص ۳۳۷ – ۳۳۸ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۸۳. ظفیر

(۳). ردالمحتار باب ایضاً ص ۳۳۸ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۸۳. ظفیر

(۴) اختلفوا فی سجدة الملائکة قیل کان لله تعالی والتوجه الی آدم للتشریف کاستقبال الکعبة وقیل بل لادم علی وجه التحیة والاکرام ثم نسخ بقوله ﷺ لو امرت احدا ان یسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها (رد المحتار کتاب الحظر والاباحة باب الاستبراء ص ۳۳۸ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۸۳ – ۳۸۴). ظفیر

بالسنة الخ شامی (۱) پس به این عبارت همه شبهات رفع شد فقط.

امامت طفلیکه پرورشش درخانه رقاصه شده باشد: سوال: (۸۵۱) پدر ومادر یک طفل فوت کرد وی درخانه رقاصه کلان شد وقرآن مجید رانیز خوانده وی امامت کرده میتواند یانه؟

جواب: همان بچه که درخانه رقاصه کلان شده بود اگرقران مجید راخوانده بوده است وازمسائل نماز خبردارد اما مت وی بدون کراهت، درست (۲) است.

اما مت کسیکه زن سود خور دارد: سوال: (۸۵۲) زن کسیکه شودخور باشد واوبه آن میفهمد وی امام شده میتواند یانه؟

جواب: اگرشوهر زن خود را ازین کار منع میکند در امامت شوهر کدام کراهت (۳) نیست.

امامت کهنه دوزیکه درطفولیت مسلمان شده درست است یانه: سوال: (۸۵۳) یک بچه از اصل موچی بود وعمرش پا وبالایک سال بود که یک سید اورا خرید وبه طریقه مسلمانی او را پرورش کرد حالا همان بچه بالغ هست وبه طریقه قائم ومستحکم است نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: این شخص امامت کرده میتواند ودر پس وی نماز (۴) صحیح است فقط.

امامت کسیکه مقتدیهای خودرا منافقین میگوید درست است یانه: سوال: (۸۵۴) پیش امامیکه به مسلمانان وبه مقتدیها خودمنافقین میگوید واین رانیز میگویدکه درین شب وروز به سبب منافقت دلهای همه مسلمانها کج شده برای آنها ضرورت سیده کردن صف نیست حکم این امام چیست.

جواب: این کار نادانی کلان این امام است وی سخت گنهگار است دور کردن چنین امام ضروراست نماز درپس وی مکروه (۵) است.

هرگاه در خفتن رمضان جماعت را یکی وتراویح رادیگری بدهد این جائز است یانه:

سوال: (۸۵۵) زید جماعت نماز فرض را داد وعمر در تراویح پیش شد ووتررا نیز داد این جائز

---

(۱) رد المحتار کتاب الحظر والاباحة والاستبراء وغیره ص ۳۳۸ ج ۵. ظفیر

(۲) رد المحتار کتاب الحظر والاباحة والاستبراء وغیره ص ۳۳۸ ج ۵. ظفیر

(۳) زیر ادران باز هیچ عیب نیست. ۱۲. ظفیر.

(۴) قال الله تعالی ولاتزر وازرة وزر اخری . (القرآن) . ظفیر

(۵) ویکره تقدیم العبد الخ وفاسق (هدایه باب الامامة ص ۱۱۰ ج۱). ظفیر

است یانه؟

جواب: به هرصورت جائزاست جماعت دهنده تراویح امامت وتررا نیز کرده میتواند بشرطیکه بالغ باشد زیرا که درپس نابالغ نه تراویح درست است ونه وتر درست است (۱).

در تکبیرات انتقالی جهر واجب است یاسنت: سوال: (۸۵۶) گفتن جهری تکبیرات انتقال بالای امام واجب است یاسنت؟ اگر امام سهواً نیم تکبیر را به جهر بگوید آیا سجده سهوا لازم خواهد شد؟

جواب: سنت است به ترک کردن آن سجده سهو لازم نمیشود (۲) فقط.

درپس بی ادبی کننده مسجد نماز جائز است یانه: سوال: (۸۵۷) یک شخص امام مسجد است بالای وی تهمت خیانت وغیره است شخصی به امام مذکور گفت که تومراعات نیظافت وغیره مسجد رابکن امام گفت که من اینجا شاشه میکنم لهذا درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: چنین شخص لایق امام ساختن نیست دورساختن اوضرور است وامام عالم صالح دیگر که صفتهای امامت دروی موجود باشد مقرر شود این سخن امام مذکور که من اینجا شاشه میکنم سخن کفراست زیرا درین توهین مسجداست (۳) لهذا اگر ازین توبه نکرده باشد نماز در پس وی جائز نیست (۴) کارهای باقیمانده که به خیانت ارتباط دارد بواسطه انهاوی فاسق شد به این سبب امامت وی مکروه (۵) است بهرحال دور کردن امام مذکور واجب است درحالت مذکور مؤذن ساختن وی نیز درست نیست فقط.

امامت زانی توبه کننده جائز است یا نه : سوال : (۸۵۸) یک شخص از مدت زمانی امام

---

(۱) ولایصح اقتداء رجل بامرأة وخنثی وصبی مطلقا ولولی جنازة ونفل علی الاصح (در مختار) والمختار انه لا یجوز فی الصلٰوة کلها (رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۹ وص ۵۴۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۶ – ۵۷۷). ظفیر

(۲) وسننها ترک السنة لا یوجب فسادا ولا سهوا بل اساءة لو عامدا الخ رفع الیدین للتحریمة الخ وجهر الامام بالتکبیر بقدر حاجة للاعلام بالدخول و الانتقال وکذا بالتسمیع والسلام (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلٰوة مطلب فی سنن الصلاة ص ۴۴۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۷۴ – ۴۷۵). ظفیر

(۳) وفی تتمة الفتاوی من استخف بالقرآن اوبالمسجد اوبنحوه ممایعظم فی الشرع کفر (شرح فقه اکبر ص ۲۰۵).

(۴) اگر کسی حکما کافر شود امامت او جائز نیست وقیده الخ بان لاتکون بدعته تکفره فان کانت تکفره فالصلاة خلفه لا تجوز (البحر الرائق باب الامامة ص ۳۷۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۳۴۹). ظفیر

(۵) ان کراهة تقدیمه (ای الفاسق) کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱). ظفیر

مسجد هست وهمراه اینکه (زن پسر) خودرا بطه ناجائز دارد و وی راهمراه خود گرفته به جای دیگر رفت زن را شوهرش اورد. وامام مذکور نیز امد حالا درباره امامت وی چه حکم است؟

جواب: اگر این شخص ازکارهای خراب سابقه خود توبه کرد واکثریت نماز خوانان به امامت وی خوش بودند. امام ساختن وی درست است وکدام کراهت درامامت وی نیست ([1]) فقط.

آیا امامت مرد ریش سفید مکروه است: سوال: (۸۵۹) شخصی ازچهل سال به این سوامامت میکند لاکن حالا ازسه چهارسال دردید (نظر) وی فرق امده اماپاکی وناپاکی را خودش دیده میتواند مردم اعتراض میکنند که نماز درپس چنین شخص مکروه است این صحیح است یانه؟

جواب: درصورت ذکرشده درپس امام مذکور نماز مکروه نیست بدون کراهت نماز صحیح است فقط.

نماز حنفی در پس شافعی جائز است یانه: سوال: (۸۶۰) اقتداء حنفی درپس شافعی المذهب صحیح است یانه؟ واگر شافعی المذهب مراعات حنفی را در نجاست وو ضوء وغیره نمیکند باز چه حکم است؟

جواب: نماز حنفی درپس شافعی المذهب صحیح است لاکن بالای این امام لازم است که درباره نجاست ووضوء وغیره رعایت حنفی رابکند اگروی چنین نمیکند برای حنفی نماز خواندن درپس او روا است اگر بصورت یقین ثابت شود که ازین امام کار ناقض وضوء وغیره به اعتقاد حنفی سرزده باز در پس اونماز حنفی نه میشود ([2]) فقط.

امامت کر شل وچغلی کننده جائز هست یانه: سوال: (۸۶۱) خواندن نماز درپس کر کور سخن چنین شل وکسیکه زنش ستر نمیکند جائز است یانه؟ ودرپس دروغگوی نماز جائز است یانه؟

جواب: درپس یکچشمه نماز مکروه نیست اگر کور ازنجاست خود داری نمیکرد وغیر محتاط بود واعلم قوم نبود نماز در پس وی مکروه است واگر اعلم وافضل بود مکروه نیست ونماز

([1]) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب کمن لاذنب له (مشکوٰة باب التوبه والاستغفار ص۲۰۶) ظفیر.

([2]) وکذا تکره خلف امرد الخ ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان یتقن المراعاة لم یکره اوعدمها لم یصحیا وان شک کره (الدر المختار) وبحث المحشی انه علم ان راعی فی الفروض والواجبات والسنن فلا کراهة وان علم ترکها فی الثلاثة لم یصح وان لم یدر شیئا کره الخ (ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲ – ۵٦۳). ظفیر

درپس شخص جذامی وشل وسخن چنین مکروه است وکسیکه زنش پرده نمیکند ووی اورامنع نمیکند وبه بی پرده گی وی خوش باشد نماز در پس وی مکروه است اگروی اهل خانه خودرا ازبی پرده گی منع میکند وآنرا بد میبیند نماز در پس وی بدون کراهت صحیح است ونماز در پس دروغگوی مکروه است (۱) فقط.

امامت زانی درست است یانه: سوال: (۸۶۲) یک شخص بهمراه زن بچه سکه خود زنا میکند وبه زن پسر خودبه خوشحالی اجازه زنابه همراه مود آن دیگر رامیدهد درپس وی نماز درست است یانه؟ بوسه کردن دختر بالغ خودش چطوراست؟

جواب: اگروی توبه نکرد نماز درپس وي مکروه است بوسه کردن دختر بالغ خود ازمحبت ودلسوزی درست است واز راه شوق حرام است وموجب حرمت مصاهرت است ودرصورت اول اجتناب ازان احوط است فقط.

امامت دارنده عقیده غلط چطور است: سوال: (۸۶۳) دربعض جاهارواج است که هرگاه عروسی (توی) سومش باشد وسخن رشته شود پدر ومادر دختر میگوید که نخست به گودی عروسی شود واین گودی درزیر چوکات روبروئی در وازه دفن شود این
کار رابخاطری میکند که نکاح سوم بدبخت میباشد اگرچنین نکند دختر خواهد مرداین عقیده چگونه وامامیکه چنین عقیده داشته درپس وی نماز جائز است یانه؟

جواب: این کار درست نیست داشتن چنین عقیده جائزنیست وکدام امامیکه این عقیده داشته نماز وی جائز نیست امام ساختن وی مناسب نیست نماز در پس وی مکروه است (۲) فقط.

امامت حافظ ناسنت درست است یانه: سوال: (۸۶۴) (۱) عمر حافظ قرآن تقریباً (۲۵) ساله است وی سنت نشده مردم به امامت وی اعتراض میکنند آیا برای وی ختنه (یعنی سنت) وامامت وی درست است یانه؟

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق واعمی ونحو الاعشی الا ان یکون غیر الفاسق اعلم القوم فهو اولی الخ وکذا تکره خلف امرد وسفیه ومفلوج وابرص شاع برصه وشارب الخمر وأکل الربوا ونمام (درمختار) قوله فاسق من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولو کان المراد من یرتکب الکبائر قوله غیر الفاسق تبع فی ذلک صاحب البحر حیث قید کراهة امامة الاعمی فی المحیط وغیره بان لا یکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولی اهـ قوله ومفلوج الخ وکذلک اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیره اولی وکذا اجذم (ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۳ ج۱ وص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعة (درمختار) ای محرمة (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

امامت بسر کننده دستار سبز ویا نارنجی درست است یانه: **سوال**: (۸٦۵) (۲) برای امامان بسته کردن دستار سبز ویانارنجی جائز است یانه؟

جواب: (۱) برای اوسنت کردنش ضرور است زیرا این از شعائر ([1]) اسلام است وامامت وی درست است.

جواب: (۲) ممانعت رنگ سبز ویا نارنجی شرعی نیست لهذا نماز درپس وی میشود البته دستار رنگ نارنجی خوب نیست ([2]) فقط.

کسیکه اما قانونی رابه زور دورکند وخودش دعوه امامتی راکند نماز درپس وی جائز است یانه: **سوال**: (۸٦٦) یک مولوی صاحب ازبیست سال به شنواندن قرآن کریم می آمد از سه سال آمدن رامنع کرده بود گویا مفقود الاثر بود مامردم ششماه قبل از رمضان یک مولوی صاحب ملازم ساخته بودیم درپسروع رمضان مولوی صاحب سابق آمده مولوی صاحب دوم را از جای نماز دور کرد واورالت کرد وحق وی راخودش گرفت وبه اوهیچ چیز نداد فیصله شرعی درین باره چیست؟

جواب: کدام کسیکه ازسه سال به این سونه امده بود وصاحب دیگر تعین شده بود برای وی جائز نبود که امام جدید راکه نماز خوانان ومردم محله تعین کرده بود از امامت منع کند وازجای نماز دورکند این کاروی حرام وناجائز هست ولت کردنش ظلم اشکار است (به این کار) وی فاسق شد وچیزی که برای امام دوم جمع میشود وی را دران هیچ حق نیست این ظلما آشکار امام سابق است که انرا حق خود میداند ([3]) فقط.

امامت واذان یک شخص چگونه است: **سوال**: (۸٦۷) اذان دادن واقامت کردن یک شخص مشروع است ویا مکروه؟

جواب: آنرا فقهاء افضل گفته اند چنانچه در درمختار هست: الافضل کون الامام هرالمؤذن الخ

([1]) وقيل في ختان الكبير اذا امكنه ان يختن نفسه فعل والا لم يفعل والا لا يمكنه النكاح او شراء الجارية والظاهر في الكبير انه يختن ويكفي قطع الاكثر الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الحظر والاباحة باب الاستبراء ص ۳۳۷ ج۵ ، ط.س. ج٦ ص ۳۸۲). ظفير

([2]) وكره لبس المعصفر والمزعفر الاحمر والاصفرللرجال مفاده انه لايكره لنساء ولاباس بسائر الالوان (درمختار) ففي جامع الفتاوٰى قال ابوحنيفة والشافعي ومالک يجوز لبس المعصفر وقا ل جماعة من العلماء مكروه بكراهة التنزيهية (رد المحتار كتاب الحظر والاباحة فصل في اللبس ص ۳۱٤ ج ۵ ، ط. س. ج٦ ص ۳۵۸). ظفير

([3]) والخيار الى القوم فان اختلفوا اعتبر اكثرهم الخ وامام الراتب اولى (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۸ – ۵۵۹). ظفير

([1]) فقط.

امامت شخصیکه تهدید قتل میدهد چگونه است: سوال: (۸٦۸) امام مسجد میگوید هرکه بخاطر نماز خواندن به این مسجد بیاید وی راخواهم کشت امامت چنین شخص جائز است یانه؟

جواب: چنین امام فاسق است دور کردن وی ضروراست ونماز درپس وی مکروه ([2]) است.

امامت شخصیکه یک انگشت بریده شده باشد چطور است: سوال: (۸٦۹) اینجا یک طالب العلم است وازعلم خوب خبردارد ویک انگشت (کلک) دست راستش نیست ومردم نیز ازوی خوش هستند امامت وی درست است یانه؟

جواب: امامت وی درست است ([3]) فقط.

امامت کسیکه برای ظالم دعاخیر میکند درست است یانه: سوال: (۸۷۰) کدام هندوکه بالای رعیت خود ظلم وستم میکند هرگاه وی مریض شود وکدام مسلمان بخاطر طمع دنیا برای وی دعاء خیر وختم جلالی میکند ودعاء شفاء میکند برای وی چه حکم است نماز در پس وی جائز است یانه؟

جواب: دعاء خیر برای ظالم وکمک کردن ظالم درظلم حرام وگناه کبیره است: وعن اوس بن شرحبیل انه سمع رسول الله ﷺ لا یقول: من مشی مع ظالم لیقویه وهویعلم انه ظالم فقدخرج من الاسلام رواه البهقی ([4]) پس شخصیکه قصداً وبه اراده خود برای ظالم دعاء خیر میخواهد ودرین ظلم وی راکمک میکند فاسق است نماز درپس وی مکروه است ([5]) الا ان یتوب فقط.

امامت معذور برای غیر معذور درست است یانه: سوال: (۸۷۱) امام یک مسجد مرض بواسیر داردهروقت ازوی آب بدبوی روان میباشد مقتدیهایش تندرست اند برخی ازآنها قرانکریم راصحیح میگوید واز مسائل نماز خوب خبردارد درپس چنین امام معذور نماز میشود یانه؟

([1]) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان ص ۳۷۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۰۱ . ظفیر

([2]) ان کراهة تقدیمه (ای الفاسق) کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲۳ ج۱ ط.س. ج۱ ص۵٦۰) ظفیر.

([3]) نبودن انگشت شرعا کدام عیبی نیست که بسبب ان در امامت کدام فساد یا کراهت پیداشود.-- ۱۲ ظفیر

([4]) مشکوٰة باب الظلم فصل ثالث ص ۴۳٦ . ظفیر

([5]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) وان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفیر

جواب: امام مذکورشرعاً معذور است ودر در مختار ودیگر کتابهای فقه تصریح است که نماز غیرمعذور درپس معذور نمیشود لهذا وی را امام نسازید (۱) ودرمیان مردمان تندرست کسیکه ازمسائل نماز خبر باشد وقرآن شریف راصحیح میگوید اورا امام سازند فقط.

امامیکه مرده جذامی رابیرون کند وامر سوختاندنش رابدهد امامت وی درست است یانه: **سوال**: (۸۷۲) به فتوای دادن یک قاضی در ریاست جسد یک جذامی مسلمان دوماه بعداز دفن شدن در رابطه به این حکم چیست؟ وحکم قاضیکه فتوای جوازرا داده وحواله درمختار وعالمگیری رامیدهد چیست؟ نماز درپس وی مناسب است ویابهمراه وی مقاطعه شود فقط؟

جواب: سوختاندن جسد مسلمان جائز نیست بالکل حرام است قاضیکه امر سوختاندن مسلمان جذامی را داده جاهل وفاسق است درهیچ کتاب سوختاندن مرده نوشته نشده این حواله راوی غلط داده چون مرد ذکر شده بدعتی هم است وفاسق هم به این سبب نماز درپس وی مکروه است امام ساختن وی حرام است زیرا درامام ساختن وی تعظیم است وتعظیم بدعتی وفاسق حرام است درحدیث شریف است که:

من وقر صاحب بدعة فقد اعان علی هدم الاسلام (۲) یعنی کسیکه تعظیم بدعتی وعزت وی را بکند وی در بر انداختن اسلام کمک کرد والعیاذ بالله تعالی بالای قاضی ذکر شده لازم است که توبه کند واگر توبه نکرد سلام وکلام بهمراهش ترک کردن مناسب است چنین شخص لیاقت قاضی شدن ومقتدا را ندارد فقط.

اما ساختن دزد چطور است: **سوال**: (۸۷۳) پیش امام شطرنجی مسجدرا دزد دیده بود وبعد از گذشتاندن جزاء باز امد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: امام ساختن چنین شخص فاسق مکروه است ونماز درپس وی مکروه تحریمی است ومعزول کردن وی ومقررکردن امام عالم قاری وصالح ضرور است (۳) فقط.

امامت کسیکه قادر به جماع نیست درست است یانه : **سوال** : (۸۷٤) مخنث امام شده

(۱) ولا یصلی الطاهر خلف من هو فی معنی المستحاضة (هدایه باب الامامة ص ۱۱۳ ج۱). ظفیر

(۲) مشکوٰة کتاب الاعتصام بالکتاب والسنة فصل ثالث ص ۳۱.

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) اخرج الحاکم فی مستدرکه ان سرکم ان یقبل الله صلاتکم فلیؤکم خیارکم فانهم وفدکم فیما بینکم وبینه ربکم اهـ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱) ظفیر.

نمیتواند لاکن اگر کدام شخص بسبب پیداشدن مرضها ازقابلیت جماع برآید امام شده میتواند درحالیکه همین شخص درمسجد صاحب فضل وکمال است؟

جواب: امامت عنین یعنی نامرد درست است حکم عنین مانند خنثی نیست، لهذا امامت معذور ذکر شده صحیح است ([1]) فقط.

کسیکه موی سفید را میکند امامت وی جائز است یانه: سوال: (۸۷۵) زید امام مسجد است وموی سفیدریش خود را میکند نماز درپس وی چه حکم دارد؟

جواب: این کار خوب نیست بلکه مکروه است ونماز درعقب وی صحیح است مگر چنین کردن مناسب نیست فقط.

امامت شخصیکه دست راستش به نرمی گوش نمیرسد جائز است یانه: سوال: (۸۷٦) دست راستم به نرمی گوش نمیرسد درچنین حالت امامت من درنمازهای پنجگانه جمعه وغیره جائزاست یانه؟

جواب: درین صورت امامت پرسنده درنماز های پنجگانه وجمعه وغیره بدون کراهت صحیح است وهیچ دلیل کراهت امامت نیست زیرا که فقهاء رحمهم الله تعالی نوشته ان که آ بهامین رادروقت تحریمه به نرمی گوشها بچسپاند این دراصل بخاطر بدست اوردن محاذات است چنانچه از روایات ثابت میشود پس اگر به سبب کدام عذر دستهایش به نرمی گوش چسپانده نمیشود ومحاذات آبهامین یعنی انگشتان کلان) بهمراه گوشها حاصل شود سنت اداخواهد شد در درمختار هست: ورفع یدیه ماسابا بهامیه شحمتی اذنیه هوالمراد بالمحاذاة لانها لاتیتیمن لابذلک الخ قوله: هوالمراد بالمحاذاة ای الواقعة فی کتب ظاهر الروایة وبعض روایات الاحادیث کمابسطه فی الحلیة ووفق بینها وبین روایات الرفع الی المنکبین بان الثانی اذاکانت الیدان فی الثیاب للبرد کما قاله الطحاوی اخذا من بعض الروایات وتبعه صاحب الهدایة وغیره واعتمد ابن الهمام التوفیق بانه عند محاذاة الیدین للمنکبین من الرسغ تحصل المحاذاة للاذنین بالابهامین وهوصریح روایة ابی داوده وشامی ([2]) جلد اول وصاحب هدایه تنها محاذات راگرفته یعنی دروقت

([1]) امامت خنثی که به این خاطر درست نیست که احتمال زن بودن وی میباشد والخنثی البالغ تصح امامته للانثی مطلقاً فقط لا لرجل ولالمثله لاحتما ل انوثته وذکورة المقتدی (ردالمحتار باب الامامة ص ۵٤۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۷۷) اوپه عنین کی ددی قسم هیڅ احتمال نه وی. والله اعلم. ظفیر

([2]) قال رسول الله ﷺ لاتنتفوا الشیب فانه ما من سلم یشیب شیبة فی الاسلام الا کان له نورا یوم القیامة رواه ابوداود (کتاب الترغیب =

تکبیر تحریمه ابهامین انگشت کلان رابه گوشها برابر نماید: ویرفع یدیه حتی یحاذی بابهامیه شحمتی اذنیه (۱) هدایه ودردلیل آن این حدیث راپیش کرده ولنا روایة وائل بن حجر (رض) والبراء (رض) وانس ان النبی ﷺ کان اذا کبر رفع یدیه حذاء اذنیه الخ (۲) هدایه. ازین ثابت شدکه بنزد احناف اصل این است که ابهامین رابه گوشها برابر کند پس اگر بسبب دوام عذر دست به نرمی گوشها نرسد محاذات حاصل وسنت اداء شود فقط.

امامت نگاه کننده زن بدون نکاح درست است یانه: سوال: (۸۷۷) زید وهنده نامحرم دریک حویلی مانند اقرباء زنده گی میکنند ودروقت پرسش از نکاح زید میگوید که ما درمیان خود ایجاب وقبول کرده ایم ویکجا شدن شان ثابت است چنین شخص قابل امامت است یانه؟

جواب: ایجاب وقبول اگر درحضور دو شاهد شود نکاح منعقد میشود زن ومرد خودشان در حضور دو شاهد ایجاب وقبول نماید وکدام شخص سوم بسته کننده-نکاح نباشد بازهم نکاح میشود پس اگر زید میگوید که ماخود ایجاب وقبول را درموجودیت دوشاهد کرده ایم نکاح آنها ثابت است ایشان زن وشوهر شمرده میشوند وتهمت نگهداری زن بی نکاح بالایش روا نیست ونماز درپس وی صحیح است شامی (۳) جلدثانی فقط.

امامت بچه جائز زن نومسلمان شده درست است: سوال: (۸۷۸) زید بهمراه زن نومسلمان شده هنده مطابق شریعت حقه نکاح کرد ازشکم زن مذکوره یک بچه تولدشد وی هرگاه بعد ازبلوغ از احکام شرعیه خوب خبرشودنماز داده میتواندیانه؟ اگرامامت وی جائزباشد کسیکه برایش ناجائز میگوید وی گنهگار است یانه؟

جواب: امامت وی بدون کراهت صحیح است کسیکه میگوید که در پس وی نماز جائز نیست وی برغلط است مسئله برایش معلوم نیست (۴) فقط.

= والترهيب لابن حجر ص ۱۹۶). ظفير

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة فصل تاليف الصلوٰة ص ۴۵۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۸۲ – ۴۸۳ . ظفير

(۲) هدايه باب صفة الصلوٰة ص ۹۴ ج۱. ظفير

(۳) وينعقد متلبسا بايجاب من احدهما وقبول الاخر الخ وشرط كل من العاقدين لفظ الاخر ليتحقق رضاهما وشرط حضور شاهدين حرين مكلفين سامعين قولهما معا على الاصح (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب النكاح ص۳۶۱ ج۲، ط.س. ج۳ ص ۹). ظفير

(۴) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض وقيل واجب وقيل سنة (درمختار) اى وان كان غيرمتبحر فى بقية العلوم وهواولى من المتبحر (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفير

امامت کسیکه تاشانه موی میماند جائز است یانه: سوال: (۸۷۹) موهای کسیکه تاشانه هاباشد امامت وی جائز است یانه؟ بکر میگوید که امامت چنین شخص جائز نیست؟

جواب: گفتار بکر غلط است امامت زید به این دلیل مکروه نیست زیرا احیاناً موهای مبارک آنحضرت ﷺ به شانه ها میرسید چنانچه امام نووی (رح) میفرماید: ووجه اختلاف الروایات فی قدر شعره اختلاف الاوقات فاذا غفل عن تقصیرها بلغت المنکب واذاقصرها کانت الی انصاف الاذنین ([1]) فقط.

امامت کسیکه از زخمش آب زرد میاید جائز است یانه: سوال: (۸۸۰) (۱) دریک بخشی ازمقعد یک شخص دانه است وازان اب وریم میاید وگاه بندهم میشود این شخص بگونه مستقل امام مسجد شده میتواند یانه؟

امامت کسیکه حال پدرش معلوم نباشد درست است یانه: سوال: (۸۸۱) کدام شخص که حال بدرپس معلوم نه بود که کی بود ایا وی مستقل امام مسجد شده میتواند یانه؟

جواب: (۱) درحالیکه ریم وآب وغیره ازوی جاری میشود درآن حالت نماز خواندن در پس وی صحیح نیست ودرحالتیکه بند باشد درآن وقت نماز درپس وی صحیح است ودرینجا قول امام معتبر است ([2]).

جواب: (۲) اگروی خودش لایق امام شدن هست مثلاً ازمسائل نماز خبر است قرائت راصحیح میگوید وازفسق وفجور اجتناب میکندوی امام سا خته میشود درشامی تصریح است که اگر ولد لزنا خودش صالح وعالم باشد امامت وی بدون کراهت صحیح است ([3]) فقط.

اقتداء شافعی المذهب: سوال: (۸۸۲) اقتداء شافعی المذهب درپس امام حنفی المذهب درست است یانه؟ شخص اقتداء شافعی المذهب رادرپس حنفی ناجائز میگوید وعبارات ذیل رادلیل عدم جوازحواله داده است ویک رساله رابه ذریعه پوسته روان کرده که بسبب آن درمیان شان تفرقه افتیده آن عبارت از این است: قال شیخنا ابن حجر الهیثمی تبعا لشیخه الزکریا

([1]) شرح نووی للمسلم باب صفة شعره ﷺ ص ۲۲۸ ج۲ . ظفیر

([2]) ولا یصلی الطاهر خلف من فی معنی المستحاضة (هدایه باب الامامة ص ۱۱۳ ج۱) . ظفیر

([3]) ولد الزنا هذا ان وجد غیرهم والا فلا کراهة (درمختار) ولو عدمت ای علة الکراهة بان کان الاعرابی فضل من الحضری، والعبد من الحر، وولد الزنا من ولد الرشدة والاعمی من البصیر فالحکم بالضد الخ ولعل وجهه ان تنفیر الجماعة بتقدیمه یزول اذا کان افضل من غیره بل التنفیر یکون فی تقدیم غیره (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ وص۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ – ۵۶۲). ظفیر

الانصاری وکذا لوکان الامام لایعتقد وجوب بعض الا رکان او الشروط وان اتی بها لانه بها النفلية وهو المبطل عندنا کما فی فتح المعین الخ؟

جواب: در مذهب حنفی درین باره تحقیق این است که اقتداء حنفی المذهب درپس شافعی المذهب جائز است ([۱]) ودرنزد شوافع نیزهمین معتبر معلوم میشود که نزد آنها نیز اقتداء شافعی در پس امام حنفی صحیح است کدام روایاتی راکه این شخص منکر روان کرده این گونه روایات در مذهب حنفی نیز است مگر آن معتبر نیست واین روایات نیز ازهمین قبیل معلوم میشود زیرا که عمل علماء حرمین خلاف آن هست درآن جا یکسان اقتداء شوافع درپس احناف بلا انکار میکنند بقیه روایات هرگونه که باشد اعتبار قول محققین (رض) را است پس به چنین روایات تردیداقتداء شافعی درپس امام حنفی مناسب نیست تفصیل مکمل به مطالعه کتابهای مذهب شافعی معلوم شده میتواند که بسیارش درینجا موجود نیست وفرصت مطالعه نیز نیست ([۲]) فقط.

اقتداء شوهر: سوال: (۸۸۳) یک زن به تنهائي نماز فرض را در پس شوهر خود خوانده میتواند یانه؟

جواب: اگرزن درپس شوهرخود اقتداء میکند نمازش صحیح است برابر استاده شدن به وی مناسب نیست پستر استاده شود اگرجدانیت می بست بازهمراهش یکجا استاد یاپستر هرگونه نماز صحیح است در درمختار است واما الواحدة فتتأخر وفیه اما اذاکان معهن واحد ممن ذکرای اخته وزوجته او امهن فی المسجد لایکره بحر ([۳]) فقط.

به همراه تنهالنگ ودسمال نماز درست است یانه: سوال: (۸۸٤) وقتی امام یک لنگ بزند ویک دستمال ازبدن خود تاوکند امامتش درست است یانه؟

جواب: درست است ([٤]) فقط.

([۱]) وکذا تکره خلف امرد (الی قوله) وزاد بن مالک ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان تیقن المراعاة لم یکره (در مختار) واما الاقتداء بالمخالف فی الفروع کالشافعی فیجوز مالم یعلم منه مایفسد الصلاة علی اعتقاد المقتدی علیه الاجماع انما اختلف فی الکراهة (رد المحتار مطلب فی الاقتداء بشافعی ص٥٢٦ ج ۱، ط. س. ج۱ ص ٥٦٢ – ٥٦٣).

([۲]) الدر المختار ص ۸۳ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ٥٦٦ . ظفیر

([۳]) والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولو صلی فی ثوب واحد متوشحا به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصرة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزائد ولکن فیه ترک الاستحباب (غنیة المستملی فصل الذی یکره فی الصلٰوة ص ۳۳۷). ظفیر غفرله

[٤]. ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه (ای الفاسق) کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة =

امامت جور کننده دندان ساخته گی: سوال: (۸۸۵) یک شخصی امام مسجد است دندان وی مصنوعی است بهمراه دندان های مصنوعی خواندن قرآن کریم وکردن امامت درست است یانه؟

جواب: درست است فقط زیرا ساختن دندان را فقهاء درست نوشته کرده اند گرچه ازنقره باشد حتی امام محمد رح شاندن دندان طلارا درست گفته اند: اذا جدع انفه اواذنه اوسقط سنه فاراد ان یتخذ سنا اخر فعند الامام یتخذ ذالک من الفضة فقط. وعند محمد رحمه الله من الذهب ایضاً ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی اللبس صفحه۳۱۸ جلد۵.

امامت چل باز درست است یانه: سوال: (۸۸۶) من شخصی راطلا دادم بابرایم غوری بسازد خلاصه این که وی طلا راماند وازمس برایم غوری داد واو امام است لهذا نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: این شخص فاسق است نماز درپس وی مکروه است دور کردن وی از امامت مناسب (۱) است ویا این که توبه کند فقط.

امامت کسیکه بخاطر دفع کردن ظلم دروغ بگوید چگونه است: سوال: (۸۸۷) خلاصه این که زید بالای عمر دعوای دروغ درمحکمه دائرکرد درحالیکه زید به کدام سبب مجبور شده بود عمر رابه چپلی زده بود مگر دعوابه عنوان وطریقه دیگر کرده بود وکیل عمر ازطرف عمر قطعاً انکار کرد زیرا به اقرار نمودن اندیشه جزاء دادن بود ایا درین صورت نماز درپس عمر جائز است یانه؟

جواب: در درمختار است که برای دفع کردن ظلم دروغ گفتن جائز است الکذب مباح لاحیاء حقه ودفع الظلم والمراد التعرض (۲) الخ لهذا درین صورت امامت عمر صحیح است ونماز درپس وی بدون کراهت صحیح است فقط.

زنها درخانه نزدیک به امام مسجد اقتداء کرده میتوانند: سوال: (۸۸۸) درخانه نزدیک مسجد زنها نماز جمعه وعیدها رابه تکبیر امام اداء کرده میتواند یانه؟

= ص ۵۲۳ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۷ ج ۵، ط. س ج۶ ص ۳۶۲. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۷ ج ۵، ط. س ج۶ ص ۳۶۲ ظفیر

جواب: اداء کرده میتوانند ([1]) فقط.

امام شدن کسیکه پاهایش قطعه شده باشد چگونه است: سوال: (۸۸۹) هرد وپای یک شخص تازانو قطع شده که به سبب ان رکوع وجلسه کماحقه اداء کرده نمیتواند قران شریف راصحیح میگوید وپابند نماز وروزه است امامت چنین شخص درست است یانه؟

جواب: نماز درپس وی صحیح است لاکن بهتر است که امام دیگر مقرر شود کسیکه دشت وپایش تندرست وسالم باشد وری عالم وصالح وبه صفات امامت متصف باشد درشامي آمده: وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیره اولی تاتار خانیه وکذا اجزم ([2]) الخ ازین معلوم شد که امامت قطع شده پاها دردرجه اول مکروه است اگر چه نماز درپس وی میشود لاکن بهتر این است که امام دیگر را مقرر کنند فقط.

نماز درپس شهادت دهنده راستین درست است یانه: سوال: (۸۹۰) شخصیکه به سبب کدام ضرورت شهادت راستین میدهد نماز درپس وی درست است یامکروه؟

جواب: شاهدی دادن راستین موجب ثواب است ودربعض مواقع ضرورت میشود لهذا نماز درپس وی بدون کراهت درست است فقط.

امامت فایده گیرنده به آیات قرانی: سوال: (۸۹۱) (۱) امامت چنان شخص درست است یانه؟ که به عمل آیات قرانی یعنی دم ودرود میکند واجوره میگیرد.

امامت توبه کننده ازعمل سفله (بیکاره): سوال: (۸۹۲) (۲) شخصی عمل سفله میکند باز توبه راستین بکند امامت وی درست است یانه؟

جواب: (۱) درست است.

(**جواب:** (۲) بعد ازتوبه امامت وی درست است ([3]) فقط.

([1]) والحائل لا يمنع الاقتداء إن لم يشتبه حال إمامه بسماع أو رؤية، ولو من باب مشبک يمنع الوصول في الاصح ولم يختلف المكان حقيقة كمسجد وبيت في الاصح ولو اقتدى من سطح داره المتصلة بالمسجد لم يجز لكن تعقبه في الشرنبلالية، ونقل عن البرهان وغيره أن الصحيح اعتبار الاشتباه فقط. (درمختار) اى ولاعبرة باختلاف المكان الخ والذى يصحح هذا الاختيار ما روينا ان رسول الله ﷺ كان يصلى في حجرة عائشه رضي الله عنها والناس يصلون بصلاته الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۸ رص ۵۵۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۶-۵۸۸). ظفير

([2]) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفير

([3]) اجوره گرفت به دم آیت قرآنی جائز است: لان المتقدمين المانعين للاستيجار مطلقا جوزوا الرقية بالاجرة ولو بالقرآن كما ذكر الطحاوى لانها ليست عبادة محضة بل من التداوى (ردالمحتار. كتاب الاجارة مطلب فى الاستيجار على الطاعات ص ۴۸ ج ۵ ، ط.س. ج۱ ص ط.س. ج۶ ص ۵۵). ظفير

امامت کسیکه جنازه خدمتگار را میکند جائز است یانه: سوال: (۸۹۳) شخصی جنازه خدمه رامیکند وقتی درخانه خدمتگار طفل تولد شود درگوش وی اذان میدهد آیاچنین شخص قابل امامت شده میتواند وبرای چنین شخص شریعت چگونه جزاء پشنهاد کرده اند؟

جواب: اگر این خدمتگاران مسلمان باشند نماز جنازه انها ضرور یست اذان دادن درگوش طفل انها مشروع است لهذا بالای این شخ اعتراضی نیست (۱) واگر این خدمتگار کافر باشد وکلمه اسلام رانمیگوید باز این کار ناجائز (۲) است بالای امام توبه کردن لازم است ازین کار وبعد ازتوبه امام باقیمانده نمیتواند فقط.

وقتی امام دراوقات مکروهه جماعت میدهد مقتدیها چه کنند: سوال: (۸۹٤) مربوط به درگاه یک مسجد است سجاده نشین آن درآخر وقت مکروهه نماز میخواند وامام ومؤذن نیزمطابق خواهش وی کار میکنند آیامردم محله حق دارند که نماز را دروقت اول بخوانند واورا دور کنند وامام دیگر تعّین کنند این کار درست است یانه؟

جواب: اولاً واضح بادکه خواندن نماز هروقت به نزد احناف سنت ومستحب نیست بلکه درنماز صبح اسفار مستحب است همچنان درنماز پیشین تابستان تاخیر سنت است.

وتاخیر کردن نماز خفتن تابخش سوم شب مستحب (۳) است واین هم واضح باد که وقت مکروهه درعصر است که وقت عصر رآ آنقدر تاخیر کند که درآفتاُب تغیر وزردی بیاید در سائر نماز های باقیمانده وقت کامل است وقت مکروهه درآن هانیست البته تاخیرکردن نماز خفتن به دلیل دیگر که تقلیل جماعت است مکروه (٤) است غرض اینکه تاخیر کردن هرنماز مکروه نیست حتی مؤخر کردن نماز عصر تاقبل غروب آفتاب وخواندن نماز خفتن بعد ازنصف شب مکروه است پس ازین جواب اشکار است که اگر سجاده وامام صاحب چنین نمیکنند که نماز عصر رانزدیک به غروب میخواند ونماز خفتن را بعد از نصف شب میخوانند تنها به سبب تاخیر

---

(۱) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب کمن لاذنب له (مشکوٰة باب الاستغفار فصل ثالث ص ۲۰٦) . ظفیر

(۲) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز ص ۸۱٤ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۲۱۰). ظفیر

(۳) ویستحب الاسفار بالفجر والابراد بالظهر فی الصیف وتقدیمه فی الشتاء وتاخیر العصر مالم تتغیر الشمس فی الصیف والشتاء ویستحب تعجیل المغرب وتاخیر العشاء الی ماقبل ثلث اللیل (هدایه مختصراً ص۷۸ ج۱).

(٤) وتاخیر عشاء (الی قوله) فان اخرها الی مازاد علی النصف کره لتقلیل الجماعة اما الیه فمباح واخر العصر الی اصفرار ذکاء (الدر المختار کتاب الصلاة ، ط.س. ج۱ ص ۳٦۸). ظفیر

کردن نماز صبح وپیشین خفتن عصر مخالفت وی کرده نشود امام پیشینه موقوف کرده شود البته حتی الوسع درنزد احناف کدام اوقاتیکه مستحب است رعایت ان کرده شود لاکن اگر یک نماز در اوقات مکروهه نمیشود بازمخالفت وجنگ کردن درست نیست فقط.

امامت پیستدار: سوال: (٨٩٥) کدام شخصیکه ازمسائل خبرسید باشد وپرهیزگار باشد لاکن درمیان انگشتان وی بالای دریاسه آنگشت داغ پیس (مرض برص) باشد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس امام ذکرشده بدون کراهت درست است به این اندازه داغهای پیس درامامت مذکور هیچ کدام کراهت نمایند کذافی الشامی ([1]) فقط.

امامت قادیانی درست نیست: سوال: (٨٩٦) نماز درپس گروه قادیانی جائز است یانه؟

جواب: درست نیست زیرا فتوی ([2]) به کفر آنها است فقط.

عالم اقتداء جاهل راکرده میتواند یانه: سوال: (٨٩٧) اگر یک جاهل نماز میداد ویک عالم یاعالم مسائل به قدر ضرورت آمد این عالم درپس وی اقتداء کند یانه؟ اگر اقتداء کرد درنمازش کدام نقص آمد یانه؟

جواب: اقتداء نماید درنماز کدام نقص نیست ([3]) فقط.

امامت کسیکه تنها به آب استنجا میکند چگونه است: سوال: (٨٩٨) اگرکسی عادتاً کلوخ استعمال نمیکند شاشه میکند حشفه رامیشوید بس به این طریق طهارت وی قابل اعتبار نیست وهمین شخص نماز میدهد حالا وقتی شخص محتاط آمد درپس وی اقتداء کند یانه اگر اقتداء نه میکند آیا خودش جدافرض بخواند ویا انتظار به فراغت وی استاد شود وقتیکه جماعت خلاص شود درانجا ودر آنوقت بخواند؟

جواب: اقتداء کند وهیچ وهم نکند ([4]) فقط.

([1]) وکذا تکره خلف امرد الخ وابرص شاع برصه (درمختار) والظاهر ان العلة النفرة ولذا قيد الابرص بالشيوع ليكون ظاهراً (ردالمحتار باب الامامت ص ٥٢٥ ج١ ، ٥٦٢). ظفير

([2]) وان انكر بعض ماعلم من الدين ضرورة كفر بها الخ فلايصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص٥٢٤ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٦١). ظفير

([3]) فاذا اخرج الحروف اخرجها على الصحة لايكره ان يكون امام (عالمگیری مصری ص٨١ ج١ ، ط. م. ج١ ص ٨٦).

([4]) اليقين لايزول بالشک (الاشباه والنظائر القاعدة الثالثة ص ٧٥) ثم اعلم ان الجمع بين الماء والحجر افضل ويليه في الفضل الاقتصار على الماء ويليه الاقتصار على الحجر وتحصل السنه بالكل وان تفاوت الفضل (رد المحتار فصل في الاستنجاء ص ٣١٣ ج١ ، ط. س. ج١ =

<u>اقتداء صاحب ترتیب درپس کسیکه نمازهایش فوت میشود</u>: سوال: (۸۹۹) اقتداء صاحب ترتیب درپس آن امام میشود که نمازش فوت میشود یانه؟

جواب: هرگاه امام صاحب ترتیب نیست نمازش صحیح است پس درپس وی نماز صاحب ترتیب نیز صحیح است زیرا که نماز مقتدی تابع نماز امام است صحة او فساداً [1] (به اعتبار صحت هم وباعتبار فساد نیز) فقط.

<u>اقتداء مسبوق</u>: سوال: (۹۰۰) یک شخص دونماز وقتی شریک شد که یک رکعت گذشته بود بعد از جماعت آدم ذکور نماز باقیمانده راپوره میکرد که درین وقت دومرد دیگر وضوء کرد ودرپس همین شخص نیت کرده استاد شد شخص سابق رکعت خودرا پوره کرده کدام دونفر که پسان آمده بود یک رکعت آنها باقی ماند بعدازین یک یادونفر وضوء کرده درپس وی استاد شدند همینگونه پنج دفعه شامل شد به این طریقه اقتداء درست شد یانه؟

جواب: ازشخصیکه یک یادو رکعت فوت شود وپسان بیاید درجماعت شامل شود وی رامسبوق گویند کدام وتمت که بعد ازگشتاندن سلام امام برای تکمیل نمودن نماز خود بخیزد اقتداء کردن کسی درپس وی درست نیست نماز این مقتدیها نمیشود همچنان تا آخر سلسله نماز مردمان نمیشود که میآمدند وشامل میشوند چنانچه در در مختار درباره حال مسبوق است: لایجوز اقتداء به ([2]) فقط.

<u>بسبب ترک واجب که شخصی اعاده واجب رامیکند اقتداء وی را کسی دیگر کرده نمیتواند</u>: سوال: (۹۰۱) به سبب ترک واجب اگر کدام شخص جدید درجماعت دوم شریک شود که به عهده اش فرضیت باقی است یامسبوق جماعت اول که قبل ازشریک شدن درجماعت اول ترکی واجب شده بود ونماز خودرا تکمیل کند ودرجماعت دوم شریک شود ویابعد ازشرکت درجماعت اول از امام ترک واجب شود وبعداً نماز راپوره کرد ودرجماعت دوم شامل شد درین هرسه صورت نماز چه کسی میشود وکدام درجه خواهد بود وازچه کسی نمیشود ویک شکل این است که مسبوق مشغول است نماز را تکمیل میکند وجماعت دوم

= ص ۳۳۸). ظفیر

([1]) فلا یلزم الترتیب اذا ضاق الوقت المستحب حقیقة الخ ونسیت الفائتة لانه عذر اوفاتت ستة اعتقادیة لدخولها فی حد التکرار المقتضی للحرج (در المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ص ٦٨ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٩٧). ظفیر

([2]) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی المسبوق واللاحق ص ٥٥٥ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٩٧. ظفیر

شروع شد شریک شدن وی به آنها مناسب است یانه؟

جواب: صحیح این است که دوباره نماز خواندن به سبب ترک واجب جبیره است برای نماز اول یعنی فرضیت پیش اداء شود وبس کدام شخص جدید که درجماعت دوم شریک میشود نماز فرض وی نمیشود این سخن رامحقق ابن همام اختیار کرده وهمین صحیح است پس برای مسبوق ضروراست که نماز خودراپوره کند درجماعت دوم شریک شود اگرنماز اول راشکست ودرجماعت دوم شریک شد نماز وی نمیشود در درمختار است والمختار انه جابر للاول لأن الفرض لایتکرر الخ فقط.

نماز فرض خوان درپس تراویح خوان درست نیست: سوال: (۹۰۲) (۱) زید دعوای دارد که وقتی نماز تراویح خوانده میشود وبکر پسان رسید نماز خفتن راتنها نخواند بلکه درپس امام بخواند در کدام حالت که امام است خود بکر نیت نماز فرض خفتن را کرده در جماعت شامل شود فرض بکر میشود؟

اقتداء نماز خوان پیشین درپس نماز خوان عصر شده نمیتواند: سوال: (۹۰۳) زید دعوی دارد که وقتی جماعت نماز عصر میشود وبکر که هنوز نماز پیشین روز را نخوانده پستر آمد وبهمراه امام به نیت نماز پیشین شامل شود نماز پیشین وی خواهد شد نماز عصر را بلسان بخواند.

جواب: (۱) دعوای زید غلط است در پس تراویح خوان فرض اداء نمیشود (۱) فقط.

جواب: (۲) این دعوای ز ید نیز مخلط است نماز دیگر خوان د رپس پیشین خوان نمیشود (۲).

امامت کسیکه مولود مروجه وقوالي وعرس را میکند درست است یانه اگر مجبوریت باشد باز چه کرده شود: سوال: (۹۰٤) کدام شخصیکه مولود رواجی را میکند ودر آنجا ساز وسرود میکند ودر عرس وغیره نیز شرکت میکند وقوالي را میشنود نماز در پس وی میشود یانه؟ اگر نمیشود ودر دور کردن وی فتنه بود درین صورت چه حکم است؟

جواب: نماز میشود لکن اگر در دور کردن او فتنه نبود وی از امامت دور کرده شود واگر فتنه بود درپس وی نماز بخواندن زیرا نماز خواندن در پس وی به جماعت بهتر است از نماز خواندن

---

(۱) لا یصح اقتداء رجل بامرأة الخ ولا مفترض بمتنفل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٤٢ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٧٩). ظفیر

(۲) مثل هذا (حاشیه۱). ظفیر

تنها کذافی الشامی ([1]) وغیرها فقط.

اگر درپس را فضي نماز خواند نمازش میشود یانه: سوال: (۹۰۵) ایا درپس رافضی یعنی شیعه کسیکه به اصحاب ثلاثه ابوبکر، عمر، عثمان ﷺ بدمیگوید وحضرت علی ﷺ راخوب میگوید نماز میشود؟ اگر کسی خوانده باز اعاده اش ضرور است یانه؟

جواب: درپس رافضي بد گوینده به شیخین نماز صحیح نیست درپس وی نماز نخوانید واگر خوانده باشد اعاده اش ([2]) ضرور است فقط.

امامت بچه عمر واگر وی درقرآن غلطي میکند چطور است: سوال: (۹۰۶) یکه بچه کم عمر بدون ریش وبروت به امامت یک مسجد تعین شده وی درحال قیام به بسیار بی اعتنائي به طرف آسمان میبیند واکثراً درتجوید ساخته خودش (نعوذ بالله منه) الله اکبر میگوید اکثر مسلمانان ناخبر امامت وی راجائز میشمارند ودرپس وی نماز میخوانند وکدام شخص که به دلیل مذکور اقتداء وی رامکروه میداند واز آن انکار میکند ودرخانه خود ویادر مسجد بعداز نماز جماعت نماز خواندن جداگانه راترجیح میدهد مردم اورا گنهگار جماعت میپندارد وبهمراهش ترک تکلم وغیره میکنند امامت امام مذکور این کارمقتدیها وانکار منکر جائز است ویاچطور؟ اقتداء کننده گانه برحق اند ویامرد مانیکه اقتداء نمیکنند؟

جواب: در درمختار است وکذاتکره خلف امرد وسفیه الخ ودر شامی است: الظاهر انها تنزیهیه الخ حاصل این است که نماز درپس امرد مکروه تنزیهی یعنی خلاف اولی است نماز میشود لکن اگر کدام غلطي ناقص نماز ازوی سرزند نماز نمیشود ([3]) مردمیکه درپس امرد (یعنی بچه بی ریش) مذکور نماز راجائز میدانند ومیخوانند نماز را انهابرحق اند نماز درپس وی صحیح است البته مدکردن بالای همزه اول الله مفسد صلوة است درپس چنین امام نماز نمیشود ([4]) لاکن اگروی این مدرا ترک میکند والله اکبر رابه طریقه صحیح میگوید یعنی بالحذف نماز صحیح

([1]) وفي النهر عن المحيط صلى خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة (درمختار) افاد ان الصلاة خلفهما اولى من الانفراد لكن لاينال كماينال خلف تقي (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص۵۶۲).

([2]) ومبتدع لايكفر بها الخ وان انكر بعض ماعلم من الدين ضرورة كفر بها كقوله ان الله تعالى جسم كالاجسام وانكاره صحبة الصديق فلايصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفير صديقي

([3]) ردالمحتار باب الامامت مطلب في امامة الامرد ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ . ظفير

([4]) اذا اراد الشروع في الصلوة كبر الخ بالحذف اذا مداحد الهمزتين مفسد وتعمده كفر (الدر المختار على هامش در المحتار فصل في تاليف الصلوة ص ج۱) ظفير

است پس اگر نسبت مذکرده به سوی این امام صحیح باشد باز که تارکین نماز درپس این امام مذکور برحق الد بالای آنها طعن شده نمیتواند واگرچنان نباشد باز اقتداء کننده گان درپس این امام برحق الد بسبب امرد بودن امام ترک نمودن جماعت درست نیست (۱) فقط.

اقتداء استاد درپس شخص نشته درست است یانه: **سوال:** (۹۰۷) یک شخص به این طریقه امامت نماز رامیکند که امام نشته میباشد ومقتدیها استاد میباشند؟

جواب: نماز شخص استاده درپس نشته درست است چنانچه در درمختار است وقائم بقاعد یرکع ویسجد لانه اخر صلوته کان قاعد اوهم قیام (۲) الخ پس اگر امام معذور باشد که استاد شده نمیتوانست برای وی جماعت دادن به نشست درست است ودرپس وی نماز استاد گذاران درست است وصحیح است.

نماز درپس غیرمقلد درست است یانه: **سوال:** (۹۰۸) شخصیکه غیرمقلد باشد مگربه اماما دین بدنمیگوید نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: اگرعقائدوی نیز موافق اهل السنة والجماعة باشد به سلف بدنمیگوید نماز درپس وی صحیح (۳) است.

امامت وشاهدی کسیکه مرده راغسل میدهد درست است یانه: **سوال:** (۹۰۹) شخصیکه پیشه شستن مرده هارا میکند نماز خواندن درپس وی وشاهدی وی شرعاً جائز است یانه اگر جائز باشد پس مطلب فتاوای خیریه که امامت مرده شوی را مکروه گفته وشاهدی اورا غیر معتبر نوشته چه خواهد بود؟

جواب: درجواز وعدم جواز گرفتن اجوره به دادن غسل فرده اختلاف است دردرمختار: والا فضل ان یغسل المیت مجانا فان ابتغی الغاسل الاجر جاز ان کان ثمه غیره الخ وفیه تفصیل ذکره الشامی (۴) وعبارة الفتح: ولایجوز الاستیجار علی غسل المیت ویجوز علی الحمل والدفن

---

(۱) هرگا به سبب فاسق ومبتدع حکم ترک نمودن جماعت نیست پس بسبب امام شدن امرد چطور درست است؟ صلی خلف فاسق اومبتدع نا ل فضل الجماعة (در مختار) افاد ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر الدین غفر له

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۵۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۸). ظفیر

(۳) واگر برای انها بدرد میگوید به این سبب وی فاسق گشتانده خواهد شد. سباب المسلم فسوق (الحدیث) اوفاسق امامت مکروه تحریمی دی: وان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ — ۵۶۰). ظفیر

(۴) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ض ۸۰۴ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۱۹۹. ظفیر

واجازه بعضهم فی الغسل ایضا الخ شامی پس مجوزین قائل جواز امامت بدون کراهت وقبول شهادت هستند وغیر مجوزین قائل کراهت امامت وعدم قبول شهادت هستند پس قول صاحب فتاوای خیریه یعنی قول به عدم جواز هست.

امامت کسیکه زن طلاق شده به طلاق مغلظ را بدون حلاله نگاه میکند درست است یانه: **سوال:** (۹۱۰) پیش امام مسجد زن خود راسه چهار بارطلاق داد وازخانه بیرون کرد باز بدون حلاله درخانه نهگداری کرد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: بدون حلاله نهگداری مطلقه ثلاثه وزن ساختن آن حرام است این شخص فاسق وزانی است نماز درپس وی مکروه (۱) است.

کسیکه اسپهای رختی تیار کند وازبه تماشا گذاشتن وی پیسه کمائی میکند امامت وی چگونه است: **سوال:** (۹۱۱) یک شخص اسپ های رختی رامیر قصاند وبروی خیز میزند وبه آن پیسه کمائی میکند نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است واین شخص فاسق ومبتدع (۲) است.

امامت تعزیه پرست چگونه است؟ **سوال:** (۹۱۲) امام مسجد شخصیت که بسیار تعزیه پرستی میکند ومردم را نیزبه ان ترغیب میدهد وکسیکه بالای ان نذر می اندازد آنرا درمصرف خود میآورد یک عکس را اورده ومیگوید که این عکسی امام حسین است وا زمردم پول وپیسه میگیرد وزیات آنرا بالای انها میکند نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: این شخص فاسق وبدعتی است امام ساختن وی حرام است ونماز درپس وی مکروه تحریمی است اگر چنین شخص امام باشد وتوبه نکند دور کردن وی از امامت ضرور (۳) است.

امامت حافظ نابینا درست است یانه: **سوال:** (۹۱۳) حافظ نابینا که قرآن شریف راصحیح تلاوت میکند واز مسائل شرعی خوب خبر دارد مگر علاوه ازختم تراویح مردم قریه از اقتداء به وی درنماز های پنجگانه جمعه وغیره انکار میکنند ومیگویند که نماز درپس نابینا درست نیست

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ اواعرابی الخ. اوفاسق الخ (درمختار) من الفاسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی واکل الربو اونحو ذالک (ردالمحتار باب الامامة. ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد واعرابی وفاسق واعمٰی ومبتدع (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ص ۵۲۳ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفیر

(۳) واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامر دینه الخ بل مشٰی فی شرح المنیه علٰی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰) . ظفیر

ایا نماز درپس این حافظ درست است یانه؟

جواب: درامامت حافظ نابینا نیکه ازمسائل شرعی خبر دار وصالح ومحتاط است هیچ کراهت نیست بدون کراهت نماز درپس وی صحیح است حتی درشامی تحقیق کرده که امامت چنین نابینا بهتراست ازبینا نکه اوصاف ذکرشده نداشته باشدواز امامت عبدالله ابن ام مکتوم نابینا ازاحادیث ثابت است که در وقت سفر خود رسول الله ﷺ وی را امام مردم مدینه تعین کرده بود وکفی به حجة ([1]).

امامت فائده گیرنده از زمین گروی چگونه است: سوال: (۹۱٤) قاضی امام مسجد زمین گروی راگرفته ومنافع انرا میخورد این منافع درسود داخل است یانه؟ واقتداء کردن درپس چنین شخص جائز است یانه؟

جواب: برای مرتهن گرفتن زمین گروی صحیح نیست زیرا درسود داخل است وامام ساختن چنین شخص ممنوع است اگرچه نماز درپس وی بهمراه کراهت صحیح است لاکن امام ساختن دائمی وی ضرور نیست. کذا فی الشامی ([2]).

در موجودیت شیخ سید کسی دیگری امام شده میتواند یا نه وامامت تاجر جائز است یانه: سوال: (۹۱۵) درموجودیت شیخ سید امام ساختن کهن سال چگونه است؟ ودوکاندار یکه شریف وپرهیزگار است امامت کرده میتواند یانه؟

جواب: نماز درپس همه گی میشود خصوصیت شیخ وسید نیست نماز شیخ وسید درپس غیر شخص وشیخ میشود برای امام لائق شدن به امامت ضرور است درین کدام قید نیست کدام شخص ازمسائل نماز باخبر وپرهیزگار باشدوی زیاد حق امامت را دارد سید باشد یادوکاندار وکسبه کار کهن سال باشد ویا ([3]) جوان باشد.

امامت کسیکه مریض قطره باشد جائز است یانه: سوال: (۹۱٦) امام مرض قطره (چکک)

([1]) فید کراهة امامة الاعمی فی المحیط وغیره بان لا یکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولی الخ لکن ورد فی الاعمی نص خاص هو استخلافه ﷺ لابن ام مکتوم وعتبان علی المدینة وکانا اعمیین لانه لم یبق من الرجال من هو اصلح منهما الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ٥٦). ظفیر

([2]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) المراد به ان یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی وآکل الربا ونحو ذالک (ردالمحتار ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٠). ظفیر

([3]) والاحق بالامامة تقدیماً بل نصباً الاعلم باحکام الصلوة فقط صحةً وفساداً (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

دارد بعض اوقات نیت رامیشکناند وضوء میکند استنجاء را صفا هرگاه شخص بهتر ازوی باشد حکم امامت وی چیست؟

جواب: اگروی معذور شرعی نباشد گاه گاه برایش قطره میآید درحالتیکه برایش قطره نمیآید نماز درپس وی درست (۱) است فقط.

امامت شکرانه خور درست است یانه: سوال: (۹۱۷) کدام شخصیکه چیزهای شکرانه را میخورد نماز درپس وی جائز است یانه؟ وقاضی ساخته شود یانه؟

جواب: چنان شخصیکه پابند شریعت نباشد ودربدعات مبتلا باشد واز شکرانه (چیزهای نذر) پرهیز نمیکند لائق امام ساختن نیست (۲) وقاضی نیز ساخته نشود.

نماز درعقب افیونی جائز است یانه: سوال: (۹۱۸) کدام شخصیکه غیرمتشرع پابند نماز وروزه نباشد وافیونی باشد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: نماز در پس چنین امام مکروه است زیرا وی فاسق است وامامت فاسق مکروه تحریمی (۳) است.

امامت قاتل وقیما رباز چطور است: سوال: (۹۱۹) یک شخص شخص دیگر رابقتل رساند ویا به ذریعه دیگری وی راکشت وعادی قمار هم بود از چندی شنیده میشود که قمار وغیره را ترک نموده امام ساختن چنین شخص وخواندن نماز درپس وی جائز است یا مکروه؟

جواب: این مسئله مسلمه است که (التائب من الذنب کمن لاذنب له) هرگاه مرتکب گناه کبیره توبه کرد وفسق ازوی مرتفع (یعنی دور) شود امامت وی بدون کراهت درست است.

امامت گیرنده قرضهای سودی ووفانه کننده به وعده درست است یانه: سوال: (۹۲۰) زیدقرضدار است وقرض به دوقسم است بهمراه سود وبدون سود هرگونه وعده میکند وبه یکی هم وفانمیکند درین صورت نماز درپس زید درست است یانه؟

---

(۱) ولاطاهر بمعذور هذا ان قارن الوضوء الحدث اوطرأ علیه بعده وصح لوتوضا علی الانقطاع. ایضاً ص ۵٤۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸). ظفیر

(۲) ولاطاهر بمعذور هذا ان قارن الوضوء الحدث اوطرأ علیه بعده وصح لوتوضا علی الانقطاع. ایضاً ص ۵٤۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸). ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد (الی قوله) ومبتدع ای صاحب بدعة (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة مطلب البدعة خمسة اقسام ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفیر

جواب: نماز درپس وی صحیح است لا کن اگر قرضه سودی میگیرد گنهگار است درین حالت نماز درپس وی مکروه ([۱]) است.

امامت متهم به زنا که کسی شاهد نباشد چگونه است: سوال: (۹۲۱) زید دریک مسجد امام است وعموم مردم مشهوره نموده اند که زید بهمراه هنده زنا کرده شهادت عین هیچ کس نمیدهد یکی از دیگر شنیده ها را میگوید درین صورت نماز خواندن درپس زید درست است یا نه؟ وکسانیکه تهمت کرده اند درباره آنها چه ارشاد است؟

جواب: بدو کدام ثبوت بستن چنین تهمت بالای زید حرام وناجائز است تهمت کنندگان گنهگاران وعاصیان هستند انها توبه کنند ([۲]) امامت زید درست است بدون اندیشه درپس وی نماز بخوانید.

نماز درپس تعزیه پرست مشرک درست است یانه: سوال: (۹۲۲) درپس مشرک تعزیه پرست وبیرغ پرست نماز درست است یانه؟ وذبح وی حلال است یانه ؟ هرگاه به گفتن بسم الله الله اکبر ذبح میکند؟

جواب: درحدیث شریف هست که: صلوا خلف کل بر وفاجر (الحدیث ([۳]) لهذا چون تعزیه پرست کلیة وحقیقة مشرک نیست به این خاطر اگر درپس وی نمازخوانده شود نمازمیشود اگر چه احتیاط درین است که نماز اعاده شود حتی الوسع درپس اینها نماز خوانده ([۴]) نشود همین حکم ذبیحه انها است که حلال است احتیاط درین است که به انها حلاله نشود.

امامت زانی ولوطی درست است یانه: سوال: (۹۲۳) شخصی امام است وزناهم میکند وهمراه بچه ها کار بدنیز میکند درباره وی چه حکم است؟ آیا امامت وی جائز است یانه؟

جواب: این شخص که زانی ولوطی باشد لائق امامت نیست فاسق وعاصی است اگر توبه کرد

([۱]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفیر.

([۲]) القذف هولغة الرمی وشرعا الرمی بالزنا وهو من الکبائر بالاجماع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب حد القذف ص ۲۳۰ ج۳ ، ط.س. ج ٤ ص ٤۳). ظفیر

([۳]) مشکوٰة باب الاستغفار والتوبة فصل ثالث. صفحه. ۲۰۹. ظفیر.

([۴]) ویکره امامة عبد الخ (الی قوله) ومبتدع ای صاحب بدعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفیر

فبها ورنه امام ساخته نشود زیرا نماز درپس وی مکروه (۱) است.

نماز درپس عنین درست است یانه ومیان نامرد پیدائشی وعارضی فرق هست یانه:

سوال: (۹۲۴) درپس عنین نماز درست است یاله ودرمیان نامرد مادرزادی وعارضی کدام فرق است یاله؟

جواب: نماز درپس نامرد ست بدون کراهت درست است پیدائشی باشد ویابه سبب کدام عارضی نامرد شده باشد.

چیزیکه امام میخواهد تلاوت خواهد کرد ویاموافق هدایت مقتدی وامامت صاحب سازو سرود مکروه است یانه: **سوال:** (۹۲۵) تابعداری مقتدی لازم است یا از امام وامام کدام قرائت راکه میخواهد خواهد خواند ویابه موافق فرما یش مقتدی.

خواهد خواند اگر امام سازو سرود میشنود وشهادت دروغ میدهد نماز درپس وی مکروه است یانه؟

جواب: درحدیث شریف است: (الامام ضامن) پس نماز متبوع امام است ومقتدیها تابع امام است وامام درقرائت لحاظ مقتدیها رابکند (۲) اگر امام سازو سرود میشنود وشاهدی به دروغ میدهد فاسق ودر پس وی نماز مکروه است اما نماز میشود چنانچه درحدیث شریف است: صلوا خلف کل بر وفاجر وفقهاء نوشته اند که دور کردن امام فاسق ضرور است (۳) زیرا که درنماز خواندن درپس امام صالح ثواب زیاد است.

اقتداء امام خلاف مسلک: **سوال:** (۹۲۶) زید درجماعت شریک شد این معلوم نبود که مذهب امام چیست؟ ودرنماز معلوم شد که مذهب امام خلاف زید است حالا زید نماز بخواند ویا بشکناند؟

جواب: اگرمذهب زید مثلاً حنفی است ومذهب امام ثابت شد که شافعی است یامالکی نماز زید

---

(۱) واما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه (الى قوله) بل مشى في شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفير

(۲) قال رسول الله ﷺ : اذا صلى احدكم للناس فليخفف فان فيهم الضعيف والسقيم والكبير واذا صلى لنفسه فليطول ماشاء (رد المحتار عن الصحيحين باب الامامة ص ۵۲۷ ج۱). ظفير

(۳) واما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه (الى قوله) بل مشى في شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفير

در پس وی صحیح است؟ ضرورت شکستاندن نیست بلکه شکستاندن درچنین حال ممنوع ([1]) است.

امامت حافظ محتاط نابینا درست است: سوال: (۹۲۷) زید نابینا ومحتاط وازمسائل نماز روزه نسبت به سائر قوم به گونه خوب خبردارد وحافظ قرآن است وقوم درشناخت مسائل دین ودرتلاوت کردن ازوی کمتراند درچنین صورت امام ساختن این نابینا افضل است یانه؟

جواب: درچنین حالت امام ساختن نابینا بهتر است کمافي الشافي عن البحر: قيد كراهة امامة الاعمى في المحيط وغيره بان لايكون افضل القوم فان كان افضلهم فهو اولى ([2]).

امامت آن شخص چگونه است که به زنها تلقین بی حیائی میکند: سوال: (۹۲۸) امامت زید که احوال ذیل را دارد چگونه است زنها راتحریک میکند وبسوی بیحیائي آنها را دعوت میکند وبه مسلمانها دشنام میدهد واهانت شریعت رامیکند چه حکم دارد؟

جواب: احتراز کردن ازصبحت وازنشتن بهمراه چنین مبتدعین واجب ولازم است امام ساختن وی ممنوع وناجائز است هرگزوی را امام نه سازید زیرا امام ساختن فاسق حرام ([3]) است.

امامت غلطی کننده غلطیکه مفسد صلاة است درست است یانه: سوال: (۹۲۹) شخصیکه درنماز چنان غلطی میکند که بذریعه آن نمازفاسد میشود درپس وی نماز صحیح است یانه؟ وامام ساختن وی چگونه است؟

جواب: اگر در نماز چنان غلطی کند که بذریعه آن نماز فاسد میشود نماز در پس وی صحیح نیست بهتر است چنان شخص امام ساخته شود که قرآن شریف راصحیح میخواند وازمسائل نماز خبر باشد وپابند شریعت باشد زیرا نماز درپس فاسق مکروه است ودرغلط خواندن قرآن شریف تفصیل ذیل است: اگرچنان غلطی کند که مفسد صلاة باشد وی امام نسازید نماز درپس وی صحیح نیست واگر چنان غلطی نمیکند که مفسد صلاة باشد نماز میشود اما بهتر نیست.

امامت تحویل دهنده پول دربانک: سوال: (۹۳۰) کدام شخصیکه دربانک پول داخل میکند امامت وی نیز درست است یانه؟

([1]) ان لیقن المراعاة لم یکره (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۳).

([2]) رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج۱ . ظفير

([3]) بل مشى في شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم لما ذكرنا (رد المحتار ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفير

جواب: امامت وی نیز مکروه ([1]) است اما درین زمانه که دزدی راهزنی عام است وبدون بانک ذریعه نگهداری پیسه نیست) سپردن به بانک به غرض حفاظت مال درست است وامامت وی نیز درست است. والله اعلم.

امامت بدون دستار: سوال (۹۳۱) مشهور است که امام بدون دستار نماز بدهد مکروه است این صحیح است یاغلط؟

جواب: نماز بدون دستار مکروه نمیشود لاکن بهمراه دستار بهتر وافضل است ثواب بهمراهش زیاد میشود ([2]).

امامت قادیانی درست است یانه: سوال: (۹۳۲) کدام مردم که مریدان مرزا قادیانی باشند ویاوی را خوب میشمارند امامت آنها جائز است یانه؟ واعاده نمازهای خوانده شده درپس آنها واجب است یاچطور؟

جواب: جائز نیست ([3]).

امامت ساختن کسیکه خلفاء ثلاثة راجاهل میگوید چگونه است: سوال: (۹۳۳) بکر میگوید که خلفاء ثلاثة جاهلان بودند آنها چه فیصله میکردند؟ والفاظ غیره میگوید امامت چنین شخص چگونه است؟

جواب: دارنده چنین عقیده وگوینده الفاظ نازیبا سخت عاصی وفاسق است ظالم وجاهل است قابل امامت نیست والتفصیل فی الکتب کدام رافضی که خلفاء ثلاثه رادشنام میدهد بنزد بعض فقهاء کافر است وفاسق بالاتفاق است نقل فی البزازیة عن الخلاصة ان الرافضی اذا کان یسب الشیخین ویلعنهما فهو کافر ردالمحتار باب المرتد صفحه ٤٠٥ جلد۳.

امامت اشتراک کننده درمیله ها درست است یانه: سوال: (۹۳٤) (۱) یک شخص درمیله ها وعرسهاشریک میشود قوالی ودول را میشنود ودرمسجد امامت هم میکند ایا درپس وی نماز

([1]) وکذا تکره خلف امرد، در المختار (الی قوله) وآکل الربا وتمامه فی (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٢٥ ج۱ ، ٥٦٢). ظفیر

([2]) والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحد متوشحًا به جمیع بدنه الخ جاز من غیر کراهة (غنیة المستملی ص ۳۳۷) . ظفیر

([3]) وان انکر بعض ماعلم من الدین ضرورة کفر بها فلا یصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٢٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦۱). ظفیر

درست است یانه؟

در پس تراشنده ریش تراویح درست است یانه: سوال: (۹۳۵) (۲) یک شخص ریش را میتراشد وپابند نماز وروزه نیست وتراویح میدهد آیا تراویح درپس وی درست است یانه؟

جواب: نماز درپس این شخص مکروه است وازتصریح شامی معلوم میشود که مکروه تحریمی است این رانیز-شامی تصریح کرده که دورکردن چنین شخص واجب (1) است.

جواب: (۲) این شخص فاسق است وامامت فاسق چنانچه درفرایض مکروه تحریمی است در تراویح نیز مکروه است.

امامت بی احترامی کننده مسجد وگواهی دهنده دروغ درست است یانه: سوال: (۹۳٦) یک شخص قاضی است واسپ خودرا دراحاطه مسجد میچراند ووقتاً فوقتاً اسپ وی درحوض مسجد آب مینوشد ودرصحن مسجد شاشه میکند وسرگین میکند بهمراه منع کردن این قاضی همراه مسلمانها ضد میکند ومنع نمیشود بهمراه خبرشدن دراستعمال مال حلال وحرام دریغ نمیور زد دردعواها گواهی بدروغ میدهد چنین شخص قابل قاضی شدن هست یانه؟ نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: این شخص فاسق است نماز درپس وی مکروه تحریمی است دور کردن این امام لازم است وری لائق قاضی ساختن نیست.

امامت کسیکه به عروسی (توی) کردن دختر خود اماده نباشد چطور است: سوال: (۹۳۷) یک شخص امام مسجد است وخترش بالغ وجوان است وی عروسی آنرا نمیکند ومیگوید که من وی را هرگز عروس نمیکنم اگر چه وی بهمراه شخصی بگریزد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: درمشکوة شریف از ابوسعید ﷺ وابن عباس ﷺ منقول است که رسول الله ﷺ فرموده (من ولد له ولدفلیحسن اسمه وادبه واذابلغ فلیزوجه فان بلغ ولم یزوجه فاصاب اثما فانما

---

(1) از بی حرمتی مسجد آنحضرت ﷺ به شدن منع فرموده. یک امام یکدفعه به سوی قبله تف کرده بود آنحضرت ﷺ حکم دور کردن وی از امامت را داد. عن السائب بن خلاد - وهو رجل من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أن رجلا أم قوما فبصق في القبلة ورسول الله صلى الله عليه وسلم ينظر فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم حين فرغ : " لا يصلي لكم " . فأراد بعد ذلك أن يصلي لهم فمنعوه وأخبروه بقول رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكر ذلك لرسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : نعم وحسبت أنه قال : " إنك آذيت الله ورسوله. رواه أبو داود (مشكوة باب المساجد فصل ثالث ص ۷۱) همچنان بالای گواهی دروغ بسیار ووعیدها آمده. ظفير الدين غفرله

اثمه علی ابیه ([1])، در روایات دیگر عمربن الخطاب ﷺ وانس ابن مالک ﷺ از رسول الله ﷺ روایت میکند که آنها فرموده اند درتوارت نوشته شده که دخترکسی دوازده ساله شد ونکاح وی رابسته نکرد ومرتکب گناه شد این گناه بالای پدرش ([2]) هست ازین احادیث ثابت شدکه هرگاه دختر بالغ شد وموقع مناسب نکاح بدست آید ضروری است که درتوی عرو سی کرون وی تأخیر نشود وچنین اراده کردن که هرگز نکاح آنرا نخواهم بست بدانست وخلاف حکم خدا ورسول ﷺ است لازم است ازین اراده باز آید ونکاح وی رابسته کند خصوصاً برای امام مسجد زیاد ضرورت توجه متابعت شریعت است وازین خیال بدتوبه کردن ضروری است نماز درپس وی صحیح است.

اگر خائن وبینماز امامت عیدها رامیکند چه حکم است: سوال: (۹۳۸) زیدپابند وعادی پنج وقت نماز نیست شاید کدام وقت بخواند؟ مگربه سبب حق مورو ثیت نیاکانه نماز عیدرا میدهد وتلاوت غلط نیز میکند ودیندار نیست درامانت خیانت میگند درپس چنین امام نماز خواندن چگونه است موقوف ساختن چنین امام بالای نماز گذاران واجب است یانه؟

جواب: درحدیث شریف است: صلو خلف کل بر وفاجر درپس هرنیک وبدنماز بخوانید عقیده اهل السنة والجماعة ومسلک امام ابوحنیفه (رح) است که نماز درپس فاسق وفاجر میشود البته نماز درپس فاسق مکروه است لاکن اگر درنخواندن نماز درپس وی فتنه بود درپس وی بخوانید فتنه پیدا نکنید قال الله تعالی: وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ([3]).

کسیکه کوشش خلاص شدن از فشار ناروارا میکند امامتش چگونه است: سوال: (۹۳۹) بالای امام مسجد دعوای دروغ درج کرده شده ومولوی صاحب امام مسجد بخاطر نجات دادن عزت خود این عرض راکرد که من ازاد کردن پول درج شده قاصر هستم درین صورت درپس مولو یصاحب نماز درست است یانه؟

جواب: درحدیث شریف است: صلوا خلف کل بر وفاجر نماز بخنوانید درپس هرنیک وبد پس نماز درپس این امام صحیح است اینقدر هست که نماز درپس گواهی دهنده دورغ مکروه است

([1]) مشکوٰة کتاب النکاح باب الولی فی النکاح ص ۲۷۱ . ظفیر

([2]) عن عمر بن الخطاب وأنس بن مالک ، عن رسول الله ﷺ یقول : فی التوراة مکتوب: من بلغت ابنته اثنی عشرة سنة فلم یزوجها فاصابت إثما فإثم ذلک علیه، رواهما البیهقی فی شعب الایمان (مشکوٰة باب الولی فی النکاح ص ۲۷۱)، ظفیر

([3]) سورة البقرة رکوع ۲٤. ظفیر

دروغ گفتن بخاطر نجات یافتن ازظلم درست است این شخص تاوقتیکه مظلوم است فاسق نباشد ونماز درپس وی مکروه نخواهد بود فقهاء مینویسند الكذب مباح لاحياء حقه ودفع الظلم عن نفسه الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الحظر والاباحة فصل فى البيع ۳۷۷ جلد ۵ ظفیر.

امامت بسته کننده نکاح زن غیر مطلقه جائز است یانه: سوال: (۹۴۰) یک شخص که علاوه از داشتن عهده قضاء امام نیز است بهمراه زن منکوحه که نه شوهر به وی طلاق داده ونه کدام ثبوت دیگر بود تنها بدلیل نوشتن پدر ومادر دختر دریک پرزه که نوشته بود: (دروقت ضرور می بینیم) به همراه شخص دیگر نکاح وی رابسته گرد آیاچنین که در معاملات مذهی چندان معلومات ندارد ویاقصداً چنین جرأت میکند وبدون کدام تشویق ویاثبوت گواهی از احکام شریعت چنین خلاف میکند آیاچنین شخص لائق امامت است؟

جواب: اگر درواقع امام مذکور نکاح منکوحه غیررا بدون طلاق شوهر به قصد بهمراه شخص دیگر شخص دیگر بست وی فاسق است مرتکب کبیره (۱) شد لهذا نماز درپس وی مکروه تحریمی است واین شخص لائق امامت نیست تاوقتیکه توبه نکند (۲).

حکم امامت رشوت خور ودروغگوی چیست: سوال: (۹۴۱) زید رشوت به درجه اخیر میگیرد وکذاب است بسیارن محافظ نماز های پنجگانه نیست بدون سبب انرا ترک میکند ودوباره بزرگان دین کلمات بی ادبی میگوید درباره امامت وی چه حکم است؟

جواب: قال فى رد المحتار واما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه بانه لايهتم بامردينه وبان فى تقديمه لامامة تعظيمه وقد وجب عليهم اهانته شرعا ولايخفي انه اذاكان اعلم من غيره لاتزول العلة فان لايؤمن ان يصلى بهم بغير طهارة فهو كالمبتدع تكره امامته لكل حال بل مشى فى شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم لماذكرنا وقال: لذا لم يجز الصلاة خلفه اصلاعند مالک رح) ورواية عن احمد رح) (۳) الخ جلد اول شامی صفحه ۳۷۶ باب الامامة (ثابت شد

(۱) وامانكاح منكوحة الغير ومعتدته الخ لم يقل احد بجوازه (ردالمحتار باب المهر ص ۴۸۲ ج۲) . ظفير

(۲) اما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه الخ. واجب عليهم اهانته شرعاً (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفير الدين

(۳) اما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه الخ. واجب عليهم اهانته شرعاً (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفير

که امامت وی مکروه تحریمی است.

درموجو دیت استاد امامت شاگرد درست است یانه: **سوال**: (۹٤۲) ویگر را امام بسازد زاین بچه بخاطر تعلیم دین برود وعلم حاصل کند وباز پس بیاید وآن امام ثانی گناه های کبیره بیشمار را کرده باشد مردم وی را دور کرد مگر کدام جا نرفت ونماز میداد حالا مردم میخواهند که به سبب استحقاق اول وفسق ثانی امام رامعزول نمایند وهمین بچه صاحب علم را امام خود بسازند اگر معزول بگوید که این بچه شاگرد من است که بجای من استاد میشود ونماز میدهد نمازوی جائز نخواهد بود این چطور است؟ اگر معزول ازین بچه عالم چیزی مسائل شرعیه را یاد کرد شاگردش میگردد یانه؟

جواب: قوم اختیار دارد که امام دوم رامعزول کنند وبچه امام سابق راکه حالا بالغ شده وعالم است امام بسازند درین کار بالای قوم کدام مواخذه نیست بلکه این کار برایش مستحسن است استحقاق این بچه اگرچه بخاطر پدرش نیست لاکن به سبب علم وی را امام ساخته (۱) میتوانند وآن قول معزول غلط است وازکسیکه مسائل شرعیه تعلیم کرده شود وی استاذ است.

امامت زانی وبدعتی جائز نیست: **سوال**: (۹٤۳) امام مسجد رفتن به عرس طواف کردن ازقبر وگفتن کلمات شرکیه راحلال میداند به این سبب نماز خوانان ازوی نا راض هستند آیا امام ساختن چنین شخص جائز است یانه؟ وا وزن غیر منکوحه مشرکه رانیز نگاه میکند؟

جواب: سخن بدون تحقیق اعتبار ندارد لاکن شریک شدن درعرس وغیره وطواف کردن ازقبرها وبوسه کردن آنها کار حرام وبدعت است خصوصا طواف کردن قبر کفر است زیرا که این عبادت مخصوص بیت الله است لهذا ناخشنودی نماز گذاران به جا وبموقع است درین حالت امام ساختن وی جائز نیست نماز درپس وی نخواهد (۲) شد.

امامت کسیکه بزها راذبح میکند: **سوال**: (۹٤٤) یک شخص امام مسجد واز مسائل نماز خبر است لاکن بزها وغیره راحلال (ذبح) میکند بعض مردم درباره امامت وی بسبب ذابح شدن

---

(۱) والاحق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلٰوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷) ظفير

(۲) ولا يمسح القبر ولايقبله فان ذالک من عادة النصارٰى الخ (عالمكيرى كتاب الكراهية الباب السادس ص ۳٦۲ ج۵ ، ط.م. ج۵ ص ۳۵۱) اما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه الخ بل مشى فى شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفير

اعتراض میکنند امامت چنین امام جائز است یانه؟

جواب: ذبح شدن وی مانع امام شدن وی نمیشود (۱) برای امامت مستحق زیاد علم باحکام الصلاة است کما فی کتب الفقه: هرگاه مرد ذکرشده ازمسائل نماز وروزه خبردارد امامت وی جائز است اگر علم زیاد ازوی نبود افضل وبهتر است وذبح شدن وی موجب کراهیت امامت نیست کدام اسباب کراهیت امامت راکه فقهاء نوشته اند ذابح شدن راکسی نوشته نکرده.

امامت تاجر عالم وحافظ جائز است یانه: سوال: (۹٤۵) آیا درپس عالم وحا فظیکه پیشه تجارت را میکند نماز خواهد شد؟

جواب: این عالم وحافظ تجارت وپیشه نماز داده میتواند ونماز درپس وی صحیح است ودرنماز های فرض وجمعه امام شده میتواند (۲).

نماز درپس فقیر درست است یانه: سوال: (۹٤٦) یک مرد باسواد نماز هم میخواند وازقوم فقیر است وجانور ها را حلال میکند ومال زکوة وسرسایه رامیخورد خدمت مسجدرا نیز میکند مردم اینجا برای نام مسلمان هستند اکثر رسمهای هندو هارا میکنن اگر درپس این شخص همان مردم نماز بخوانند جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس این شخص درست است نماز بدهد وهمین جاهلان را بفهماند که آهسته رواجهای کفار راترک کنند (۳).

امامت داماد شیعه ها: سوال: (۹٤۷) شخصیکه درشیعه ها عروسی کرده باشد نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: اگروی سنی باشد ومبتدع وفاسق نباشد نماز درپس وی میشود.

امامت مرتبه خوان وصاحب تعزیه چطور است: سوال: (۹٤۸) کسیکه درمحرم درپیش روی تعزیه می نشیند ومرتبه خوانی میکند نماز سنی ها درپس وی میشود یانه؟

جواب: نماز در پس وی مکروه است چنین فاسق ومبتدع امام ساخته نشود (٤).

---

(۱) زیرا ذبح جائز است خواه با اجوره باشد ویابدون اجوره لهذا این پیشه درست است ویجوز الاستیجار علی الذکاة لان المقصود منها قطع الاوداج دون اماتة الروح الخ (عالمگیری مصری کتاب لاجاره باب السادس متفرقات. صفحه. ٤۳۸- جلد- ٤) ظفیر.

(۲) تجارت پیشه جائز است ارشاد ربانی است: احل الله البیع وحرم الربواء (بقره . ۳۸. ظفیر)

(۳) والاحق بالامامة الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر =

۴۵کسیکه تنها به گفتار زن نکاح بسته کند امامت وی درست است یانه: سوال: (۹۴۹) اگر کدام شخص به این حلفیه زن که: من بیوه هستم بدون تحقیق کردن نکاح رابسته کند نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: درست است زیرا درین رابطه اعتبار کردن به قول زن جائز است ([۱]).

امامت قرض گیرنده باسو درست است یانه: سوال: (۹۵۰) شخصیکه امام باشد وبخاطر تجارت وکار وبار دیگر به سود پیسه میگیرد نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: گیرنده پول به سود موافق حدیث مستحق لعنت وفاسق است وامامت فاسق مکروه تحریمی است کما حققه فی الشامی ([۲]) باب الامامة جلد اول فقط.

نماز فاضل درپس مفضول درست است یانه: سوال: (۹۵۱) اگر میان دونفر مخالفت شخصی بود نماز مفضول درعقب فاضل میشود یانه؟

جواب: نماز صحیح است وضرورت به اعاده نیست.

حق امامت برای کیست: سوال: (۹۵۲) اگرکدام شخص حق خودرا بالای مسجد ثابت میکند ومیگوید که ازهفت سال به این سو درقبضه من هست پدر وبرادر من درین مسجد نماز میداد بعد ازآنها من نماز میدهم لهذا بدون من برای هیچ کس حق نیست آیا واقعاً این امام درین مسجد حق دارد نماز درپس این امام جائز است یانه؟

جواب: تعین نمودن امام دراختیار بانی وموسس است، یادر اختیار مردم محله یک امام هیچ حق وراثت را ندارد واگر آن بانی نباشد این دعوای وی غلط است که پدر وبرادر من درین مسجد گذشته بودند البته اگر مردم به محله به امامت وی راضی باشند ووی لائق امامت باشد امامت وی صحیح است ونماز درپس وی درست [۳] است.

([۴]) ویکره امامة عبد الخ ومبدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول لا یکفر بها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفیر.

([۱]) وحل نکاح من قالت طلقنی زوجی وانقضت عدتی ارکنت امة لفلان واعتقنی ان وقع فی قلبه صدقها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص۳۷۱ ج۵ ، ط.س. ج٦ ص ۴۲۰)، ظفیر

([۲]) وکذا تکره خلف امرد الخ وآکل الربوا ونمام ومراءٍ متصنع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲)، ظفیر

([۳]) ولایة الاذان والاقامة لبانی المسجد مطلقا وکذا الامامة لو عدلا (درمختار) وفی الاشباه اولاد البانی وعشیرته اولی من غیرهم اهـ وسیجئ فی الوقف ان القوم اذا عینوا مؤذنا واماما وکان اصلح مما نصبه البانی فهو اولی (رد المحتار ص ۳۷۲ ج۱ باب الاذان ، ط.س. ج۱ =

امامت فتنه انگیز درست است یانه: سوال: (۹۵۳) شخص مفسد که درمیان مسلمانها جنگ جور میکند ومسئله غلط نشان میدهد امام نساختنش جائز است یانه؟

جواب: چنین مفسد امام جور نشود (۱).

امام کسیکه نه مقلد ونه غیر مقلد باشد چطور است: سوال: (۹۵٤) زیدخود را حنفی میگوید دربعض اوقات بهمراه غیر ملقدها یکجا میشود ومعتقدها فاتحة خلف الامام وبسیار مسائل غیرمقلدها است مقصد اینکه نه مکمل حنفی است ونه غیرمقلد وازهشت ده سال به این سو درخانه وی یک بچه نوجوان سکونت دارد وزن وی ازین بچه جوان ستر نمي‌کند ومردم وی رابهمراه زن متهم میسازند امام ساختن چنین شخص جائز است یانه؟

جواب: این شخص لائق امام ساختن نیست وی امام تعین نشود (۲) فقط.

امامت دروغگو درست است یانه: سوال: (۹۵۵) کسی خودرا ملا میگوید ومیگوید که من حاجی هستم بعد از تحقیق ثابت شدکه وی حج نکرده چون بنام مسجدچنده وصول مینماید میخورد ازین کارها بالای وی توبه نیز کشیده شده بودن بازهم منع نه شد ومردم رامیگوید که نماز جمعه را درپس من بخوانید آیا درپس چنین دروغ گو نماز صحیح است یانه؟

جواب: چنان شخصیکه درکارهای دین آشکارا دروغ میگوید وبه دروغ بنام مسجد چنده جمع میکند وخودش میخورد فاسق کذاب است پنج وقت نماز ونماز جمعه درپس وی مکروه است یعنی نماز میشود مگر عمداً امام ساختن چنین شخص روانیست (۳) فقط.

امامت بی خبر ازمسائل وبی دین چگونه است: سوال: (۹۵٦) شخصی درمسجد ما امام است لاکن کدام شخص دیندار نیست ونه ازمسائل وضوء، نماز امامت معلومات کامل دارد ونه قرآن شریف را صحیح میخواند ودر نماز میان امیر وغریب فرق مینماید یعنی درانتظار امیران تاوقت میکند وغریبها راحقیر میشمارد ودکان تمباکوهم داردازهمین سبب کالایش خراب میباشد

= ص ٤۰۰). ظفیر

(۱) زیرا وی فاسق شد وامامت فاسق مکروه است ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰) ظفیر.

(۲) زیرا وی فاسق شد وامامت فاسق مکروه است ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) لعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی وآکل الربوا اونحو ذالک (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفیر

(۳) (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفیر

امام ساختن چنین شخصن درست است یانه؟

جواب: درحدیث شریف است صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث ([۱]) یعنی درپس هرنیک وبدنماز بخوانید ازتصریحات فقهاء واضح میشود که درپس هرنیک وبدنماز میشود لاکن بهترین شخص برای امامت آن است که ازمسائل نماز خبر داشته باشد وقرآن شریف راصحیح میخواند ازمنهیات شرع منع باشد ومتقی وپرهیزگار ([۲]) باشد پس حتی الوسع چنین امام رابگیرید وتاوقتیکه چنین اقام پیدا نشود درپس همین امام موجوده نماز بخواند ۱۱٤زیراکه نمازدرپس وی نیزمیشیود وکدام افعال واقوال که خلاف شرع ازوی صادرپسده بالایش از آنها توبه بکشید فقط.

امامت امامیکه جا هلانه جواب: میدهد چطور است: سوال: (۹۵۷) وقتیکه ماصبح زیدرا گفتیم که امشب چرا دروازه هارا باز نکردی درغصه جواب داد که نماز خواندن به مسجد منحصر نیست درخانه میخواندی وقتی به زید آن حدیث را شنواندیم که درآن ارشاد است که رسول الله ﷺ فرموده: که اگر فکر امت خودرا نمیداشتم من امر میکردم خانه های کسانی راکه بهمراه تندرستی درخانه نماز میخوانند ودرمسجد نماز نمیخوانند آتش بزنید زید گفت که چنین احادیث بسیار است من آنرا نمیشنوم نماز درپس چنین شخص درست است یانه؟

جواب: زید جاهلانه است چنین شخص لائق امام ساختن نیست اگرتو به نکرد درپس وی نماز نخوانید ([۳]).

امامت خود غرض چطور است: سوال: (۹۵۸) زید بهمراه کسیکه کارش حاصل میشود تواضع میکند وبهمراه کسیکه کارش ازوی نمیشود یعنی فائده گرفته نمیشود) حسدم میکند خواندن نماز درپس چنین شخص چگونه است؟

جواب: چنین شخص لائق امام ساختن نیست ([٤]).

امامت زانی درست است یانه: سوال: (۹۵۹) امام مسجدزن منکوحه یک شخص راگریختاند

([۱]) غنیة المستملی ص ۳۵۱ . ظفیر

([۲]) والاحق بالامامة تقدیما بل نصبا الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة س ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

([۳]) التائب من الذنب کمن لاذنب له (مشکوٰة باب التوبة ص ۲۰٦) . ظفیر

([٤]) امام را لازم است که متقی پرهیز گار باشد والاحق با لامامة تقدیما الخ ردالمحتار باب الامامة- صفحه- ۵۱۸- جلد- ۱-)

وبهمراهش زنا کرد وولد زنا نیز ازوی تولد شد بهمین اساس مردم وی رابسیار بد ومکروه میپندارند برای چنین شخص امامت کردن جائز است یانه؟

جواب: در درمختار است: ولوام قوما وهم له کارهون ان الکراه لفسا درفیه اولاً نهم احق منه بالامامة کره ذلک تحریما لحدیث ابی داود: لایقبل الله صلوة من تقدم قوما وهم له کارهون الخ ازین عبارت واضع شد که درصورت مسئوله امام شدن زانی بدکار مکروه تحریمی است وروی راهیچ حق در امامت نیست.

امامت کسیکه دختر خود رابه شیعه عروسی کرد چطور است: سوال: (۹۶۰) زید حنفی قصداً دختر خود رابه شیعه توی کرد ودرمجلسهای شیعه ها شریک میشود حکم امامت وی چگونه است؟

جواب: این کاروی بداست وشامل شدن درمجالس روافض شیوه رفض است امام کردن چنین شخص مناسب نیست (۱).

درپس قائل به فاتحه خلف الامام نماز میشود یانه: سوال: (۹۶۱) کدام شخصیکه قائل به خواندن فاتحه خلف الامام باشد نماز خواندن احناف درپس وی شرعا ممنوع است اکثر علماء احناف وصوفیان کرام که قائل قرائت خلف الامام بودند اقتداء آنها نیز جائز بود یانه؟

جواب: شوافع نیز درپس امام فاتحه میگویند وآنرا ضروری میپندارند اقتداء آنها راهیچ حنفی منع نمیکند جنگ همه بالای نکردن تقلید است چون گروه غیرمقلد یاچنین بگو که گروه خطاب کننده مشرک به مقلدین امامان به اعتبار عقائد ازطریق اهل السنة والجماعة برطرف به نظر میاید وطعن گفتن به همه سلف صالح خصوصا به امام همام ابوحنیفه که یقیناً دربشارت وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِیْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِیْنَ اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ الایة داخل است وظیفه دینی خودگشتانده به این سبب علماء احناف احوط میدانند که غیر مقلد امام ساخته نشود کاش این شخص شافعی المذهب میشد وقرائت خلف الامام میکرد وبا مجتهد جور شدن در خطاء (۲)

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) فاسق من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی وآکل الربا ونحو ذلک الخ وفی المعراج قال اصحابنا لا ینبغی ان یقتدی بالفاسق الخ اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانة شرعاً الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) زاد ابن ملک ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان تیقن المراعاة لم یکره (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة =

نمیأفتید وهیچ اعتراض واحتراز نمیبود فقط.

امامت بد عتی تعزیه دار درست است یانه: سوال: (۹٦۲) یک شخص بدعتی وتعزیه دارهست وهمین شخص گوشت ان بزی راکه بالای قبر بطور نذرانه هموار شده باشد بدون تکلفا میخورد چنین شخص را امام مسجد بسازیم یانه؟ ونماز درپس وی میشودیانه؟

جواب: امام ساختن چنین بدعتی وتعزیه پرست درست نیست زیرا نماز خواندن درپس وی مکروه تحریمی است ودر شامی هست که درامام ساختن فاسق تعظیم وی است وتعظیم فاسق حرام است ظاهر است که بدعتی فاسق است ([1]) فقط.

امامت کسیکه تنهابه آب استنجاء میکند چطور است: سوال: (۹٦۳) اگر یک شخص به کلوخ خودرا خشک نمیکند تنهابه آب استنجاء میکند درامامت وی چه حکم است؟

جواب: امامت وی صحیح است درکتابهای فقه است که تنها به آب ویابه کلوخ استنجاء کردن سنت استنجاء حاصل میشود لاکن افضل وبهتر این است که به کلوخ وآب هردو استنجاء کنید درشامی هست ثم اعلم ان الجمع بین الماء والحجر افضل ویلیه فی الفضل الاقتصار علی الماء ویلیه الاقصار علی الحجر وتحصیل السّنة بالکل الخ ([2]) فقط.

امامت قطه باز جائز است یانه: سوال: (۹٦٤) اگر امام مسجد بهمراه قطه بازان نشته باشد ویاطریقه بازی را برای آنها نشان میدهد حکم چیست؟ وامامت وی چطور است؟

جواب: در درمختار است (وکره تحریما اللعب بالنرد وکذا الشطرنج الخ ([3]) پس هرگاه بازی شطرنج حرام شد تعلیم دادن ونشان دادن وی ظاهر است که حرام هست نشتن به همراه این بازیگران ودیدن به اونیز حرام است پس امامت وی مکروه ([4]) است.

امامت فحش گوو ونقال درست است یا نه: سوال: (۹٦۵) زید هر وقت فحش وبحث بیجا

= ص۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲) ظفیر.

([1]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع ای صاحب بدعة (درمختار) واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامر دینه الخ وقد وجب اهانته شرعا الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ - ۵٦۰). ظفیر

([2]) ردالمحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۱۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۳۸ . ظفیر

([3]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳٤۷ ج۵ ، ط.س. ج۱ ص ۳۹٤. ظفیر

([4]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰) ظفیر.

میکند حتی گاه گاه درداخل مسجد الفاظ فحش استعمال میکند دشنام وغیبت نیز میکند وساز نیتهای نماز گذاران رامیکند که بواسطه آن خنده نماز خوانان میآید وبعض وقت درنماز خنده میکند آیا این شخص قابل امامت است یانه؟

جواب: نماز درپس وی اداء میشود لقوله ﷺ (صلوا خلف کل بر وفاجر) لاکن برای امامت شخصی اولی والیق است که بهمراه اعلم واقرابودن صالح ومتقی باشد زیرا اگر چه نماز درفاسق صحیح است مگر مکروه تحریمی است در شامی هست: که امام ساختن فاسق ممنوع است زیرا در امام ساختن وی تعظیم او است وتعظیم فاسق ممنوع است ([1]) فقط.

حکم امامت بدعتی چیست: سوال: (۹٦٦) شخصیکه بالکل نادان باشد بدون چند سورة قرآن شریف چیزی راخوانده نمیتواند وقبر پرستی راخوب میپندارد ورسول الله ﷺ را عالم الغیب حافظ وناظر میگوید حتی علی الاعلان میگوید که میان الله ورسول هیچ فرق نیست در رقص وغیره شامل میشود امام ساختن وی جائز است ویاچه حکم است؟

جواب: چنین شخص لائق امام ساختن نیست امام کردن وی حرام است دور کردن وی از امامت لازم است بالای همه مسلمانان لازم است که اتفاق کنند واورا از امامت دورکنند ([2]) وشخص عالم ومتقی دیگر را امام سازند فقط.

امامت ریش تراش جائز است یانه: سوال: (۹٦۷) مسلما نها نیکه ریش ها را میتراشند ویا ازیک قبضه کم میکنند نماز
درپس آنها جائز است یانه؟

جواب: مسلمانهالیکه ریش هارا میتراشند واز یک مشت کم میکنند فاسقان اند نماز درپس انها مکروه ([3]) است.

([1]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبدع ای صاحب بدعة (درمختار) واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بأنه لایهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانة شرعًا ولا یخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فانه لایؤمن ان یصلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبتدع تکره امامته بکل حال، بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا قا ل ولذا لم تجز الصلاة خلفه اصلا عند مالک وروایة عن احمد (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفیر

([2]) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبدع ای صاحب بدعة (درمختار) واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه باله لایهتم لامر دینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانة شرعًا ولا یخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فانه لایؤمن ان یصلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبتدع تکره امامته بکل حال، بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا قا ل ولذا لم تجز الصلاة خلفه اصلا عند مالک وروایة عن احمد (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفیر =

امامت اختیار کننده تهذیب هندو: سوال: (۹۶۸) اگر کدام مسلمان مزدوری هندوهارا چنان میکند که هندوها را در عبارت به مرتبه بت میرساند وقواره خودرا مانند قواره هندوها جور میکند بخاطر اینکه هندوها وی را از مزدوری دور نکنند نماز در پس چنین شخص جائز است یانه؟

جواب: مسلمانیکه چنین کار میکند فاسق هست وگنهگار شدید است وخوب پنداشته گان این کار نیز فاسق است ولائق امام ساختن نیستند (۱) فقط.

امامت تعزیه دار واستعمال کننده رنگ سیاه: سوال: (۹۶۹) نماز درپس تعزیه دار واستعمال کننده رنگ سیاه چه حکم دارد؟

جواب: تعزیه دار فاسق هست نماز درپس وی نمیشود ورنگ سیاه رابعض فقهاء جائز فرموده اند وبرخی مکروه وهمین قول صحیح (۲) است لهذا امام ساختن استعمال کننده رنگ سیاه خوب نیست اگر چه نماز میشود.

درخانه کسیکه رواجهای غلط میشود وآنها منع نمیکنند وامامت آنها: سوال: (۹۷۰) درخانه های بسیار مردم د رعروسی وشادی زنهای خانه تبل میزنند بیت میخوانند وزنهای خانه دیگر به خانه اش میآید ویکجا بیت میخوانند مردها آنها را ازین کارمنع نمیکنند نماز خواندن درپس آنها چطور است؟ بسیار مردم پروگرام گل شکره (یک قسم گل) دوازده هم وفات (مولود) وتاریخ سیزدهم هشتم هزده هم رابد بخت میشمارند درین تاریخهای شادی وعروسی نمیکنند حکم نماز درپس چنین مردم چه هست؟

جواب: مرد مانیکه زنهای خود را ازکارهای مذکور منع نمیکنند آنها گنهگار هستند امام ساختند خوب نیست اگرچه نماز میشود مرد مانیکه تاریخهای ذکرشده را بد بخت میشمارند ودرین تار یخها نکاح وغیره نمیکنند این سخن بی اصل هست همه روزها وتاریخها مبارک است ودارنده چنین عقیده لائق به امام ساختن نیست (۳) فقط.

---

(۲) ولا باس بنتف الشيب واخذ اطراف اللحية والسنة فيها القبضه الخ ولذا قال يحرم على الرجل قطع لحيته (الدر المختار على هامش رد المحتار، كتاب الحظر والاباحة ص ۳۵۹ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۴۰۷). ظفير

(۱) ويكره امامة عبد الخ ومبتدع اى صاحب بدعة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفير الدين

(۲) ويستحب للرجل خضاب شعره ولحيته ولو في غير حرب فى الاصح والاصح انه ﷺ والصلوة لم يفعله ويكره بالسواد وقيل لا (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الحظر والاباحة باب في البيع ص ۳۷۲ ج ۵ ، ط. س. ج ۶ ص ۴۶۲). ظفير

(۳) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) وكراهة تقديمه كراهة تحريم (الدر المختار ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س =

امامت بدکار وفاسق مکروه تحریمی است: **سوال**: (۹۷۱) کسیکه ولد الزنا وفاسق باشد وبهمراه بچه هابه کار ناروا گرفتار باشد بدعتی جاهل باشد وحاصل مسجد راخودش خورده باشد وغیره حکم امامت چنین شخص چیست؟

جواب: این شخصیکه چنین افعال دارد که درسوال ذکرشد فاسق است لائق امام ساختن نیست نماز درپس فاسق مکروه تحریمی است ودرشامی نقل کرده که درامام ساختن فاسق تعظیم وی است وتعظیم فاسق حرام است حتی واجب الاهانة است لهذا فاسق امام ساخته نشود بخصوص امام دائمی هیچ گاه چنین شخص مقرر نشود (۱) فقط.

امامت مجبوراً ادا کننده سود بخاطر خلاصی قرض بدر درست است یانه: **سوال**: (۹۷۲) پدرم چیزی زمین رابه نزد هندو (بنریا) گروکرده بود پدرم وفات شد ونزدم پول خلاص کردن آن زمین نیست مجبور هستم بخاطر مجبوریت سود میدهم بالای من کدام مواخذ است یانه؟ ودرپس من نماز درست است یانه؟

جواب: چون تومجبور هستی بالای تومواخذ نیست نماز درپس توبدون کراهت صحیح است (۲) فقط.

امامت کوسه بیست دوساله مکروه است یانه: **سوال**: (۹۷۳) ایک شخص عاقل وبالغ صاحب عمر بیست ودوسال وازمسائل وغیره خوب خبردارد لاکن تاحال ریش وبروتش نه برآمده امامت وی درست است یانه؟ یک شخص میگوید که اذان واقامت وی نیز درست نیست وی درجمله زنهاشمار است دراحادیث صحاح سته مذکور است که اگرتابسیار عمرریش وبروت وی نبراید قابل امت شده نمیتواند یابرای آن کدام اندازه مقدر است؟ بینوا توجروا؟

جواب: گفتار این شخص غلط است در پس مرد بی ریش وبی بروت هرگاه عمروی بیست وبیست دوسال باشد واز مسائل نماز نیز خبر باشد نماز بدون کراهت درست است (شامی جلد اول ص ۳۷۸ درباب الامامة سئل العلامة الشیخ عبدالرحمٰن بن عیسی المرشدی عن شخص بلغ من السن عشرین سنة وتجاوز حدالا نبات ولم ینبت عذاره الی ان قال فهل حکمه فی الامامة کا

= ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰)

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) وکراهة تحریم (ردالمحتار صفحه. ۲۲۳. بابُ الامامة) ظفیر.

(۲) الضرورات تبیح المحظورات (الاشباه والنظائر ص ....). ظفیر

الرجال الکاملین ام لا به اجاب سئل العلامة الشیخ احمد بن یونس الخ عن مثل هذه المسئلة فاجاب بالجواز من غیرکراهة وناهیک به قدوة ([1]) فقط.

امامة کسیکه ازمسائل خبر نباشد درست است یانه: سوال: (۹۷٤)

اگر امام چنان شخص باشدکه از احکام نماز پوره خبر نباشد حتی مفسدات نماز رانیز نمیداند در موجودیت وی کسی دیگر نماز بدهد این گفتار امام مسجد برای مقتدی ها که بدون اجازه من نماز نمیشود چه حکم دارد نماز درپس چنین شخص درست است یانه؟

جواب: این قول وی غلط است: که اجازه من نبود نماز نه شد برای امامت نماز اعلم بمسائل الصلاة زیاد افضل وحقدار است لاکن نماز درپس غیرعالم هم صحیح است،
بشرطیکه ازوی کدام کار ناقض نماز سرنزده باشد ([2]) فقط.

بهمراه کسیکه ملوث باشد اقتداء وی درست است یانه: سوال: (۹۷۵) اگر امام چنان شخص باشد که از احکام نماز پوره خبر نباشد حتی مفسدات نماز رانیز نمیداند درموجودیت وی کسی دیگر نماز بدهد این گفتار امام مسجد برای مقتدیها که بدون اجازه من نمیشود چه حکم دارد نماز درپس چنین شخص درست است یانه؟

جواب: این قول وی غلط است که اجازه من نبود نماز نه شد برای امامت نماز اعلم بمسائل الصلاة زیاد افضل وحقدار است نماز درپس غیرعالم هم صحیح است بشرطیکه ازوی کدام کارناقض نماز سرنزده باشد ([3]) فقط.

بهمراه کسیکه ملوث باشد اقتداء وی درست است یانه: سوال: (۹۷۵) کریم وگلود وبچه بودند کریم بهمراه گلو اغلام (بچه بازی) نمود نماز کریم درپس گلو کسیکه امام مسجد است جائز است یانه؟

جواب: نماز کریم درپشت گلو صحیح است.

نماز دستار دارها در پس اما بی دستار صحیح است یا نه: سوال: (۹۷٦) اگر همه یابعض

(۱) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲ . ظفیر

(۲) واعلم أن صاحب البيت ومثله إمام المسجد الراتب أولى بالامامة من غيره مطلقا إلا أن يكون معه سلطان أو قاض فيقدم عليه لعموم ولايتهما، وصرح الحدادي بتقديم الوالي على الراتب (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹). ظفیر

(۳) والاحق بالامامة تقديما بل نصباً الاعلم باحكام الصلوٰة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الخ (ايضاً ص ۵۲۰) ظفیر

مقتدیها بعمامه وامام بدون عمامه یابالعکس نماز گذارند در آن کدام نقص افتد بینو الاحادیث الصحیحة تؤجروا بالنعماء العظیمة؟

جواب: درآن نماز هیچ نقص نیست در هردو صورت لحدیث کلکم یجد ثوبین وفی شرح المنیة والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلاثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحد متوشحاً به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی القصرة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزاید ولکن فیه ترک الاستحباب الخ صفحه ۳۳۷. فقط والله اعلم

امامت خائن وفاسق درست است یا نه: سوال: (۹۷۷) امامت شخصیکه یقین ولدالزنا بودنش کامل باشد فاسق وفاجر وجاهل وبدعتی نیز باشد ودرمحکمه نیز خائن ثابت شده باشد امامت وی جائز است یانه؟

جواب: امامت چنان ولد الزناء که حالش بگونه است که درسوال درج است مکروه است وچون علاوه ازولد الزنا شدن فاسق نیز است امامت وی مکروه تحریمی است وچنین امام لائق معزول کردن است چنانچه علامه شامی تحریر نموده است واما الفاسق فقدعللوا کراهة تقدیمه بانهم لا یهتم لامردینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقدوجب علیهم اهانته شرعاً الخ ([1]) صفحه ۴۱۴ مصری جلداول شامی وفی الدر المختار وولدالزنا الخ قوله وولد الزنا اذالیس له اب یربیه ویودبه ویعلمه فیغلب علیه الجهل بحرا ولنفرة الناس عنه شامی ([2]) صفحه ۴۱۵ جلد ۱ فقط.

کدام نمازی راکه درامامت بدعتی خواند آیا اعاده آن ضروری است: سوال: (۹۷۸) حضرت اقدس مولنا اشرف علی صاحب نوشته اند که نماز درپس بدعتی میشود وضرورت اعاده نیست مگر حضرت مولنٰا رشیداحمد صاحب نور الله مرقده تحریر فرموده اند که مکروه تحریمی وواجب اعاده است پس درصورت آمدن اختلاف کرام طرز عمل بکار گرفته شود؟

جواب: در درمختار است: والنهر عن المحیط: صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة الخ ودرشامی است: قوله : نال فضل الجماعة افاد ان الصلاة خلفهما اولی من الا نفراد لاکن لاینال کما ینال خلف تقی ورع ([3]) الخ ازین عبارت واضح میشود که نماز درپس بدعتی میشود حتی

---

(۱) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ جلد ۱. ۱۲ ظفیر.

(۲) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲. ظفیر

(۳) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲. ظفیر

بهتر است از نماز تنها باقی چون درمیان بدعتی وبدعتی فرق است بعض بدعتها به حد کفر وشرک رسیده میباشد اگر درپس چنین بدعتی نماز خواندید اعاده وی ضرور است وهمین صورت تطبیق شده میتوالد ویاکسیکه حکم اعاده را داده آن احتیاط خواهد بود ویا اختلاف روایات ودربدعت فی العقیدة نیز درجات تفاوت دارد تاوقتیکه معلوم نشده باشد که عقیده وی به حد کفر رسیده است تا آن وقت حکم فساد نماز درپس وی داده نمیشود کذا فی الدر المختار (۱) فقط.

امامت کسیکه نماز جمعه را درهندوستن جائز نمیداند درست است یانه: سوال: (۹۷۹) یکه شخص امام مسجد است وعقیده دارد که بسبب اینکه شرط بادشاه ونائب آن مفقود است درهندوستان جمعه نمیشود وهمه نماز گذاران عقیده دارند که جمعه میشود پس نماز چنین نماز گذاران درپس چنین امام میشود یانه؟

جواب: صحیح این است که درشهرهای هندوستان جمع صحیح است فقهاء نوشته کرده اند که شرط بادشاه مسلمان ساقط هست (۲) پس عقیده امام مذکور غلط است وبه داشتن چنین عقیده وی کدام فرقی درجمعه نمیاید زیرا این عقیده وی غلط است لهذا نماز این مقتدیها که قائل فرضیت نماز جمعه اند درپس امام مذکور صحیح است فقط.

بعد از توبه کردن از دروغ امامت درست است یانه: سوال: (۹۸۰) زید به مردم دروغ میگفت وچل ونیرنگ میکرد حالا توبه کرده است ومردم وی را امام ساخته است آیا نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: درحدیث شریف است: (التائب من الذنب کمن لا ذنب له (۳) بعد ازتوبه کردن نماز در پس وی بدون کراهت درست است.

امامت آواز خوان حرفوی درست است یانه: سوال: (۹۸۱) اقتداء درپس مطرب (یعنی سازنده) درست است یانه؟ یعنی اگر مرثیه خوان (مدحه خوان) امامت میکند شرعاً جائز است یانه؟

---

(۱) وان انکر بعض ماعلم من الدین ضرورة کفر بها الخ فلا یصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦١). ظفیر

(۲) فلو الولاة کفار ایجوز للمسلمین اقامة الجمعة (رد المحتار باب الجمعه ص ٧٥٤ ج۱). ظفیر

(۳) مشکوٰة باب التوبه والاستغفار ص ۲۰٦ فصل ثالث . ظفیر

جواب: اگر وی ازپیشه حرام (غناء ومزامیرها) توبه کرده باشد نماز درپس وی بدون کراهت درست است ورنه مکروه است ([1]).

امامت توبه کننده از رقص وسرود درست است یا نه: سوال: (۹۸۲) یک امام مسجد است اکثر به رقصی سرود میرود اگر چنین شخص توبه کند خواندن نماز درپس وی از کراهت خالی خواهد بود یانه؟

جواب: امام مذکور فاسق هست نماز درپس فاسق مکروه است اگر توبه کند کراهت دور خواهدشد: لان التائب من الذنب کمن لاذنب له ([2]) فقط.

امامت تلاوت کننده غلط درست است یانه: سوال: (۹۸۳) زید امام مسجد است وی حافظ نیست حرکات رآ انقدر دراز میکند که الف وواو نیز به طریقه خوب ظاهر میشود وهرگا بجای آن اناشود معنی بدل خواهد شد وبطور صفابجای یضربون یدربون میگوید یکد فعه تطلع راتضلی خواند ومیان، ث، وص، وس، بسیار کم فرق میکند وکوشش درست کردن آنها رانمیکند در نماز خواندن درپس چنین شخص کدام کراهت هست یانه؟

جواب: در نماز خواندن درپس چنین تلاوت کنند دیگر تعین شود ([3])

امامت اجوره گیرنده جائز است یانه: سوال: (۹۸٤) کدام شخصیکه تنها به زیاد شدن وکم شدن تنخواه نماز میدهد امامت وی چطور است؟

جواب: به جواز گرفتن اجوره به امام فتوی است بهمین خاطر بالای وی هیچ اعتراض ([4]) نیست. فقط

امامت غیر مقلد جائز است یانه: سوال: (۹۸۵) اگر غیر مقلد امام شود درین حالت صاحب مذهب حنیفه اقتداء نماز کند روا باشد یانه؟

جواب: فقهاء تصریح فرموده اند که اگر مخالف مذهب امام شود پس اگر مراعات خلاف کند

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) ولعل المراد به ای بالفاسق من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی وأکل الربا ونحو ذالک (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفیر

(۲) مشکوٰة باب التوبه والاستغفار فصل ثالث ص ۲۰٦ . ظفیر

(۳) ولاغیر الالثغ به ای بالالثغ علی الاصح الخ فلایلزم الامثله ولاتصح صلاته اذا امکنه الاقتداء بمن یحسنه (درمختار باب الامامة ط.س. ج۱ ص ۵۸۱ – ۵۸۲). ظفیر

(٤) ویفتی بصحتها (ای الاجارة) لتعلیم القرآن والفقه والامامة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاجارة الفاسدة ص ٤٦ ج۵ ، ط.س. ج٦ ص ۵۵). ظفیر

نماز خلف اوصحیح است واگر مراعات خلاف نکند پس اگر مرتکب مفسد ([1]) صلاة شود نماز خلف او درست نیست واگر مرتکب مفسد نشود مکروه است قال فی الدر المختار وکذا تکره خلف امر اسفیه الی ان قال: وتفصیله فی الشامی بهر حال احتیاط درترک اقتداء است خصوصاً وقتیکه امام غیر مقلد باشد که از ارتکاب مفسدات ومکروهات امن نیست فقط.

امامت ونماز خانه سمائی انگریزها درست است یانه: **سوال:** (۹۸۶) خانه سامان انگریزها کسیکه نان پخته میکند وپختن وخوردن گوشت خنزیر درآن میباشد وشراب راتقسیم میکنند هرگاه این مردم چنین کار را میکند آیا نماز وغیره اینها قبول میشود یانه؟

سوال: (۲) اگر کدام شخص درآنها قابل نماز دادن باشد نماز وی جائز است یانه؟

جواب: (۱) چون این مردم دراسلام داخلند نماز روزه اینها قبول هست وازگناه توبه کنند.

جواب: (۲) امام ساختن چنین شخص مکروه است نماز درپس وی بهمراه کراهت درست است ([2]) فقط.

امامت گوینده کافر به بزرگان دین درست است یانه: **سوال:** (۹۸۷) شخصیکه به حضرات بزرگان دین کافر میگوید وکسیکه برایشان کافر نمیگوید وی رانیز کافر میگوید نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: درحدیث شریف هست: من عادی لی ولیافقد آذنته بالحرب ([3]) اوکما قال ﷺ یعنی کسیکه به همراه دوست وولی من دشمنی کرد برای وی اطلاع جنگ خودرا میدهم یعنی مقابله وی بهمراه من است پس آشکار است که مقابله کدام مردود به همران خداوند (ج) باشد جای وی کجا است بدون جهنم وقال ﷺ سباب السلم فسوق وقتاله کفر ([4]) الحدیث) پس نماز در پس چنان مردود که علماء ربانی واولیاء الله راتوهین میکند وآنها را کافر میگوید درست نیست ([5]) فقط.

---

(۱) وزاد ابن ملک ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان تیقن المراعاة لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۳) مشکوٰة باب ذکر الله عز وجل ص ۱۹۷ . ظفیر

(۴)مشکوٰة باب حفظ اللسان والغیبة والشتم ص ۴۱۱ . ظفیر

(۵) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل قال فی شرح المنیة کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

امامت حقیر ورسوا درست است یانه: سوال: (۹۸۸) زید دربه درنان میخواهد وبه مزدوری مرده هارا میشوید وزنش به بی پرده گی میگردد چنین شخص امامت کرده میتواند یانه؟

جواب: نماز درپس وی میشود لاکن امامت چنین شخص درموجودیت اشخاص صالح بهتر نیست (۱) فقط.

امامت متهم: سوال: (۹۸۹) یک شخص حافظ قران هست مکر بالای وی چند تهمت بسته میشود که درخانه وی زن بی نکاح غیرمذهب است لاکن حافظ صاحب نکاح خودرا بهمراه وی آشکار میسازد ومسلمان ساختن وی رانیز اظهار میدارد مگر ثبوت کامل آن نیست امامت وی صحیح است یا نه؟

جواب: چون بالای مسلمان گمان خوب لازم است وبدگمانی مناسب نیست قال الله تعالی: انَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ (۲) اثم لهذا هرگاه این امام صاحب دعوای مسلمان ساختن ونکاح کردن این زن رامیکند اعتبار کردن به آن ضروری است وتهمت گناه بالایش زده نشود واعتبار امامت وی صحیح است فقط.

امامت گیرنده سود به حیله وبهانه درست است یانه: سوال: (۹۹۰) مسمی احسان علی القاضی وپیش امام موضع مرشد آباد هست وپنج شش سال میشود که مسمی احسان علی باتمسک به اسناد تحریری به این طریقة گرفتن سود را شروع کرد که اسناد رابه نام پسر ونواسه خود نوشت واز بعض بعض سودرا نیز بدست آورد وقتی ازوی سوال شد جواب داد که من این کار وانمیکنم بلکه بچه هایم این کار را میکنند این حیله برای نام است احسان علی قابل امام شدن هست یانه؟

جواب: مسمی احسان علی درین صورت لائق امام ساختن نیست اگروی تائب نشود دور کرده شود وامام صالح دیگر تعین کرده شود (۳) فقط.

امامت تطبیق کننده قانون: سوال: (۹۹۱) حکیم محمد فخر عالم متبع شریعت وپابنده روزه ونماز هست ملا وحافظ نیز هست برای مدتی کار زراعت وتیکه داری رانیز کرد که به سبب آن

---

(۱) ولو أم قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه اولانهم احق بالامامة منه کره له ذالک تحریما لحدیث ابی داود الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر.

(۲) سورة الحجرات: ۲ . ظفیر

(۳) وکذا تکره خلف امرد الخ وآکل الربا (درمختار باب الامامة ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲) ظفیر.

قرضدار شد نخست چیزی - ائداد را فروخت وقرضدار اداء کردن چون به این زمین ادا کردن ناممکن پنداشته شد ازترس مخالفین خود جائداد خود را درمحکمه پیش کرد وانساموئت شد پس درباره امامت حکیم محمد فخر عالم چه حکم است؟

جواب: امامت حکیم محمد فخر عالم درست است وحقیقت انساموئت برای من معلوم نیست اگر این کار متضمن معصیت نباشد وحقوق حقداران تلف نشده باشد به این سبب کدام کراهت درامامت وی نیست فقط.

امامت کسیکه ریش اش نه باشد: **سوال**: (۹۹۲) عمر کسیکه بیست وسه سال باشد حالا ریش وبروت وی برآمدن شروع کرده اند امامت وی جائز هست یانه؟

جواب: نماز درپس وی صحیح هست کذا فی الشامی (۱) وغیره فقط.

به نارضائیت بدون دلیل یک شخص بالای امامت کدام اثر نمیآید: **سوال**: (۹۹۳) بهمراه ملایک شخص جنگ کرده بود واین معلوم نیست که تجاوز ازچه کسی بود حالاهمان امام درمسجد محله امام شده است وهمه مردم منطقه به امامت وی خوش هستند تنها شخصیکه بهمراهش جنگ شده ناخوش است شنیده ام که نماز درپس این امام نمیشود؟

جواب: اگر درسبب نارضائیت این شخص کدام قصور امام نباشد ودر امام کدام نقص شرعی نباشد لهذا نارضائیت این شخص اعتبار ندارد نماز درپس این امام بدون کراهت صحیح است (۲) فقط.

امامت جرمانه کننده ناروا: **سوال**: (۹۹٤) یک مسلمان زن غیر مسلمه موچی را مسلمان ساخت وبهمراهش نکاح کرد به این کار یک شخص که نامش قاضی وزیرشاه است وی را زبرادری جدا کرد وچلم واب را بالایش بندکرد ونکاح آنرا ناجائز میداند ووزیر شاه پنج روپیه چادر وپنج روپیه حوض را نیزگرفت از امامت چنین شخص شرعاً چه حکم است؟

نماز درپس وی میشود یانه؟

جواب: این معامله وزیر شاه که همراه این مسلمان وزن نو مسلمان کرده وی را از برادری جدا

---

(۱) سُئِلَ الْعَلَّامَةُ الخ عَنْ شَخْصٍ بَلَغَ مِنَ السِّنِّ عِشْرِينَ سَنَةً وَتَجَاوَزَ حَدَّ الْإِنْبَاتِ وَلَمْ يَنْبُتْ عِذَارُهُ . فَهَلْ يَخْرُجُ بِذَلِكَ عَنْ حَدِّ الْأَمْرَدِيَّةِ . وخصوصاً قد نبت له شعرات فی ذقنه تؤذن بانه لیس من مستدیری اللحی فهل حکمه فی الامامة کالرجال الکاملین ام لا الخ فاجاب بالجواز (ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٥ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٢). ظفیر

(۲) فان اختلفوا اعتبروا اکثرهم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٢ ج۱ . ط.س. ج۱ ص ٥٥٨ – ٥٥٩). ظفیر

کرد خلاف شریعت هست وحرام وناجائز است ومسلمان شدن این مسلمه جدید ونکاح کردن همراهش شرعاً ودرست وصحیح است ناجائز تعین قاضی به آن غلط است وجهالت شدید است گرفتن چادر وحوض حرام وباطل است (۱) چنین شخص قابل امامت نیست نماز درپس وی مکروه است ودور کردن وی از امامت ضرور است (۲) فقط.

امامت زن: سوال: (۹۹۵) یک شخص امام مسجد دختر یک دهقان را گریختاند وبهمراه وی نکاح کرد وزن اولی خود خودرا به قتل رساند چند وقت پس امام مذکور یک دختر عروسی نه شده را گریختاند وبجای دیگر برد پسان وارثان آن دختر را ازوی جدا کردند ودرجای دیگر نکاح کرد حالا بعضی مسلمانها این عقیده را امام خود ساخته درچنین صورت امام ساختن وی مناسب است یانه؟

جواب: هرگاه امام ذکرشده ازکار های وگناهای خود توبه نکرده باشد امام ساختن وی مکروه تحریمی است ونماز درپس وی مکروه (۳) است اگروی توبه کرده باشد گناه وی معاف است وامامت وی درست است بحکم: التائب من الذنب کمن (۴) لاذنب له فقط.

امامت خورنده دعوت زنهای رقاصه درست است یانه: سوال: (۹۹٦) کسیکه دعوت زنهای رقاصه حرفوی را میخورد امام ساختن وی چگونه است؟

جواب: مکروه هست (۵) فقط.

امامت باغبان درست است: سوال (۹۹۷) یک شخص پر هیز گار صاحب علم وامام مسجد هست، چندروز باغبانی نیز کرده وی از امامت دور شده میتواند یانه؟

جواب: به سبب باغبانی دورشده نمیتواند فقط.

---

(۱) لا باخذ المال في المذهب بحر وفيه عن البزازية وقيل يجوز معناه ان يمسكه مدة لينزجر ثم يعيده له الخ وفي المجتبى انه كان في ابتداء الاسلام ثم نسخ (در مختار) والحاصل ان المذهب عدم التعزير باخذ المال (رد المحتار باب التعزير مطلب في التعزير باخذ المال ص ٢٤٦ ج٣ ، ط.س. ج ٤ ص ٦١). ظفير

(٢) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشى في شرح المنية ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٣ ج ١ ، ط.س. ج١ ص ٥٥٩ – ٥٦٠). ظفير

(٣)ويكره امامة عبد الخ من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من يرتكب الكبائر كشارب الخمر والزاني الخ (ردالمحتار باب الجماعة ص ٥٢٣ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٥٩ – ٥٦٠). ظفير

(٤) مشكوٰة باب الاستغفار والتوبه ص ٢٠٦ . ظفير

(٥) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار باب الامامة ، ط.س. ج١ ص ٥٥٩ – ٥٦٠). ظفير

امامت صاحب بواسیر عارضی: سوال: (۹۹۸) برای بنده مرض بواسیرهست که بالای مخرج هروقت رطوبت میباشد چون مخرج ازنظر غائب میباشد بدین سبب معلوم نیست که (نم) میراید یانه درین صورت معذور شمرده میشود یانه وامامتش درست خواهد بود یانه؟

جواب: دردرمختار هست: ثم المراد بالخروج من السبيلين مجرد الظهور ([1]) ازین معلوم میشود که وجود رطوبت بالای مخرج برای معذور بودن کافی هست زیرا موجودیت رطوبت بالای مخرج ناقص هست درینجا ضرورت به سیلان نیست شرط سیلان درغیر سبیلین هست وعند الحنيفة شخص معذور امام طاهر شده نمیتواند (ولا طاهر بمعذور ([2]) فقط.

امامت فقیر چوپان جانوران: سوال: (۹۹۹) شخصی ازقوم فقیر هست ودرمسجد سکونت دارد وامامت میکند وجانور را میچراند وزن وی دایه گی میکند واین شخص سرسایه نیز میگیرد درین حالت امامت وی جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس این شخص میشود به چراندن جانور ویابه سبب دایه شدن زن اودر امامت اوهیچ کراهت نیست دادن سرسایه وپوستهای قربانی درعوض امامت وگرفتن آن برای وی درست نیست واگر به سبب غربت واحتیاج وی برایش داده میشود بدون درنظر داشت امامت گنجائش دارد فقط.

از امامیکه دل صفاء نباشد نماز درپس وی جائز است یانه: سوال: (۱۰۰۰) زید درپیش روی جماعت مسلمانها اقرار کرد که دل من به امام مسجد صفاء نیست درچنین حالت نماز زید درپس این امام میشود یانه؟

جواب: نماز زید درپس این امام صحیح است فقط.

اقتداء غیر مقلد درست است یانه: سوال: (۱۰۰۱) درمنطقه مایک ملادهقان است ونماز هم میدهد لاکن صاحب این عقیده هست که مولود شریف کردن وزیارت کردن بزرگان دین وروز یازدهم را ونذر ونیاز را بدعت میگوید ومردم رابه گفتن آمین بالجهر وکردن رفع الدین را ترغیب میدهد ونماز عیدها رابه دوازده تکبیر میدهد درپس چنین شخص نماز اهل السنة والجماعة میشود یا نه؟

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب نواقض الوضوء ص ۱۲۴ ج ۱ ، ط.س. ج۱ ص ۱۳۵. ظفیر
(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸ . ظفیر

جواب: منعقد ساختن میلاد شریف ویازدهم وغیره رسمهای مروجه را کردن بدعت است پرهیز کردن ازین کارها ضرور است ورفع الیدین وگفتن دوازده تکبیر درعید ها مذهب امام شافعی است احناف رفع الیدین راسنت نمیگویند ودرمذهب انها بدون تکبیر تحریمه درهیچ وقت دیگر رفع الدین نیست وتکبیرات زوائد درهر رکعت سه سه هست در درمختار هست وهی صلاث تکبیرات فی کل رکعة ولو زاد تابعه الی ستة عشر لانه ماثور (۱) الخ پس برای احناف رفع الیدین کردن مناسب نیست وتکبیرات زوائد درعیدها سه (۳) دفع کردن مناسب هست ورواجهاي دیگر مانند محفل میلاد وغیره راترک کردن ضرور است حقیقت اصلی این هست که این مولوی صاحب دهقان غالباً غیر مقلد هست که ترغیب رفع الیدینً میدهد قبول کردن این سخن وی مناسب نیست وامام ساختن وی نیز مناسب نیست (۲).

امام ساختن مشتبه وبدنام چطور هست: سوال: (۱۰۰۲) امامیکه تنها سکونت میکندواکثر بهمراهش درتنهائی بچه های بی ریش یافت شوده است ودرباره وی درمنطقه شهرت بداخلاقی نیز باشد نماز درپس وی بدون کراهت درست است یانه درموجودیت شخص نیک دیگر که عفیف (یعنی پاک دامن) باشد ماندن این شخص به نماز دادن مناسب است یانه؟

جواب: درچنین حالت نماز دادن این امام مکروه هست زیرا کراهت مقتدیها از امامت وی بسبب خرابی امام هست لهذا نماز دادن چنین امام مناسب بیست وشخص دیگر که عفیف وصالح هست امام شدن وی مناسب است: قال فی الدر المختار: ولو ام قوماً وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه اولاً نهم احق بالامامة کره له ذلک تحریماً لحدیث ابی داود: لایقبل الله صلاة من تقدم قوماً وهم له کارهون (۳) الخ.

امام بیست جائز است یانه: سوال: (۱۰۰۳) زید یک شخص باسواد حنفی محتاط باخبر از دینیات وامام مسجد است بعض احباب به این سبب نماز را درپس وی ترک کرده اند که دربدن وی چند دانه برص است که علاج اش رامیکند وحاضرین موجود قریه را درنماز خواندن درپس وی هیچ نفرت وکراهت نیست نماز درپس چنین شخص جائز است یا مکروه اگر مکروه باشد

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ص ۷۷۹ ج۱ ، ط س. ج۲ ص ۱۷۲ – ۱۷۳ . ظفیر

(۲) تکره خلف امرد الخ ومخالف کشافعی لکن لی وتر البحر ان تیقن المراعاة لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ – ۵۶۳). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س ج۱ ص ۵۵۹ . ظفیر

کراهت تنزیهی هست یاتحریمی وسبب کراهت چیست؟

جواب: نماز درپس این امام بدون کراهت درست است زیرا نماز درپس پیست را درانحالت فقهاء مکروه تنزیهی نوشته اند که برص ان ظاهر وباهر باشد یعنی علائم برص زیاد باشد علائمی که به سبب آنها تنفر مقتدیها باشد وهرگاه نه برص چنان آشکار باشد ونه مقتدیها تنفر داشته باشند باز هیچ کراهت در امامت وی نیست دردرمختار هست وکذا تکره خلف امرد وسفیه ومفلوج والبرص شاع برصه الخ قال فی الشامی قوله: وکذا تکره خلف امرد الخ الظاهر انها تنزیهیة (۱) الخ.

معذور وامامت وی چه حکم دارد: **سوال**: (۱۰۰۴) اگر کدام شخص در امراض گوناگون مبتلا باشد وازحکیم وداکتر علاج کردن کدام فائده نکرد بعداز آن این شخص بخاطر بیرون کردن ماده فاسد بدن به مشوره حکیم دردست وباداغ زد ودر آن از درخت نیم یک مرهم جور کرد وماند وبواسطه آن زخم پیداشد وهمیش از آن رطوبت پیدامیشد که به سبب آن در اکثر مرضها تخفیف میشود این شخص شرعاً معذور هست یانه؟ ونماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: معذور شرعی آنست که برا یش در همه وقت نماز چنان موقع پیداشود که بدون این عذروی وضوء کند ونماز اداء کند پس بالای.کبیکه این حالت آمده باشد وی معذور هست باز تاوقتیکه وی درین عذر مبتلا باشد که هیچ وقت نماز ازین عذر خالی نباشد وی معذور خواهد بود دردرمختار هست ان استوعب عذره تمام وقت الصلاة المفروضة بان لایسجدی جمیع وقتها زمناً یتوضاء ویصلی فیه خالیا عن الحدیث الخ وهذا شرط العذر فی حق الابتداء وفی حق البقاء کفی وجوده فی جزء من الوقت (۲) ولومرة الخ پس اگر به شخص مذکور این نوبت آمده باشد که هروقت زخم وی جاری باشد ودرتمام وقت نماز برایش اینقدر موقع پیدانشود که به وضوء کند وبدون این عذر نماز بخواند وی معذور شد حالاتا وقتیکه این زخم وی جاری باشد یعنی دو وقت نماز برخی ازوقت ازوی مواد جاری میباشد وی عذور خواهد بود ومعذور امام غیرمعذورها شده نمیتواند (۳).

---

(۱) رد المحتار باب الامامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفیر

(۳) وطاهر بمعذور (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة. صفحه. ۵٤۱. جلد. ۱. ظفیر.

امامت غیر مقلد که تقلید ائمه اربعه را کفر وشرک میگوید چه گونه است: سوال: (۱۰۰۵) زید غیرمقلد تقلید ائمه اربعه را کفر ومشرک میگوید این گفتار زید صحیح است یا غلط؟ ونماز درپس وی صحیح است یانه؟

جواب: گفتار این غیر مقلد غلط هست گمراهی وخطا نش اشکار هست نماز درپس چنین غیر مقلد صحیح نیست (۱).

امامت شخص گمانی چگونه است: سوال: (۱۰۰۶) شخص آنقدر وهمی است که همراه کسی مصافحه نمیکند وقتی کدام مسلمان برایش چیزی میدهد به دست خود نمگیرد وبرای وی میگوید که در زمین بمان بازاز زمین بلند میکند بیعت کردن ازچنین شخص وامام ساختن وی چگونه است؟

امامت تغیر دهنده قومیت: سوال: (۱۰۰۷) (۲) امام یک مسجد ذات خود را تغیر داده امامت وبیعت چنین شخص درست است یانه؟

امامت بسته کننده گلهار چهره ها: سوال: (۱۰۰۸) (۳) درخانه یکشخصی بچه شد وبالای دیوارهای خود گلهارا بسته کرد حکم امامت وبیعت وی چیست؟

جواب: (۱) چنین شخص گمانی که درری هیچ فکر اتباع شریعت نیست لایق بیعت کردن وپیر ومقتدا ساختن نیست وامام ساختن وی نیز مناسب نیست اگروی نماز داد اگر کدام کار ناقص نماز ازوی صا درنشده باشد نماز شد (۲).

جواب: (۲) چنین شخص لائق امام ساختن وپیرساختن (۳) نیست.

جواب: (۳) چنین شخص نیز لائق امامت وبیعت نیست (۴) فقط.

---

(۱) چنین شخص فاسق هست وامامت فاسق مکروه تحریمی است ارشاد نبوی هست که سباب المسلم فسوق وقتاله کفر (مشکوٰة) اما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه لايهتم لامرينه وبان في تقديمه للامامة تعظيمه وقدوجب عليهم اهانته شرعاً الخ بل مشى في شرح المنيه على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم ويكره امامة عبدالخ ومبدع الخ ولايكفر بها حتى الخوارج الخ وان انكر بعض ماعلم الدين ضرور كفر بها الخ فلايصح الاقتداء به اصلاً (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة صفحه- ۵۲۳- وصفحه ۵۲۴- جلد- ۱- ظفير.

(۲) والاحق با لامامة الخ الاعلم باحكام الصلاة فقط صحة وفساد بشرط اجتنابه للفواحش الظاهر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة صفحه- ۵۱۸ جلد- اول) ظفير.

(۳) ويكره امامة عبد الخ وفاسق (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹). ظفير

(۴) ويكره امامة عبد الخ ومبدع الخ ولا يكفر بها حتى الخوارج الخ وان انكر بعض ما علم من الدين بالضرورة كفر بها الخ فلا يصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۳ – ۵۲۴ ، ط. س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰) ظفير.

امامت ساختن رافضی چگونه هست: سوال: (۱۰۰۹)
یک شخص امام مسجد وکور هست پدر ومادر وی شیعه خالص اند برای شکم خود خود را اهل سنة آشکار میکند ونماز میدهد امامت یاجنازه ونکاح وغیره چنین شخص جائز است یانه؟

جواب: اگروی درحقیت صاحب مذهب اهل السنه والجماعة باشد ورافضی نباشد نماز درپس وی صحیح هست ونکاح خوانی وی صحیح هست واین سخن حتماً تحقیق شود که وی رافضی که نیست؟ اگر رافضی باشد نماز درپس وی د رست (۱) نیست فقط.

امامت فراموش کننده قران وتارک جماعت چگونه هست: سوال: (۱۰۱۰) یک شخص قران شریف را حفظ کردیک دوسال درمسجد نیز شنواند حالا که آمد فراموشش کرده وپابند جماعت نیز نیست امام ساختن وی چگونه هست؟ شخص دیگری که عالم وپابند جماعت هست وقران شریف را به گونه که ناظره خوان میخواند همان گونه میخواند حکم امامت وی چیست؟

جواب: بعد ازیاد کردن قران شریف فراموش کردن آن گناه کبیره هست واصرار کردن به ترک جماعت نیز معصیت کبیره هست نماز درپس چنین شخص مکروه است.
(حضرت عبدالله بن مسعود فرموده اند: ولوانکم صیلتم فی بیوتکم کمایصلی هذا المتخلف فی بیته لترکتم سنة نبیکم ولوترکتم سنة نبیکم لضللتم فتح القدیر صفحه ۳۰۱ جلد ۱ ظفیر) وامامت شخص دیگر که پابند شریعت هست وقران کریم راصحیح میخواند بهتر هست (۲) فقط.

امامت شخص دروغگوچه حکم دارد: سوال: (۱۰۱۱) کسیکه پنجاه روپیه بگیرد ونکاح زن حامله رابسته کند ودرمحکمه بدروغ قسم بخورد نماز درپس وتم چه حکم دارد؟

جواب: چنین شخص فاسق هست ونماز در پس وی مکروه هست نماز میشود مگر کراهت هست (۳) فقط.

امامت پیره دار بیزق هوث پاک جائز هست یانه: سوال: (۱۰۱۲) در گجرات وبمبی بعض

---

(۱) والاحق بالامامة تقدیما الخ الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

(۲)والاحق بالامامة تقدیما بل نصبا الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

(۳) یکره امامة عبد الخ وفاسق ومبدع ای صاحب بدعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار بابُ الامامة ج۱ ص ۵۲۳ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ ـــ ۵۶۰) ظفیر.

مردم این را ذریعه بدست آوردن پیسه گشتانده اند که بالای پنج ده چوب دراز بانس پنجه های آهن رانصب کرده اند ورخت های گونا گون رنگه را به آن بسته کرده اند ودرخانه مانده اند ومیگویند که این نشانها (بیرقهای) حضرت غوث پاک است وقتیکه در زمان مرض وبائی مردم بالای فقیرها ومسکینها نان راهموار میکنند این نشان هارا میطلبند ودر زیر آن بز را حلال (ذبح) میکنند غرض اینکه بسیار تعظیم وتکریم این نشانها میشود وکسیکه این نشانها رانگهدار میکند وی راخلیفه میگویند درباره چنین شخص چه حکم هست؟ وی از دائره اسلام بیرون هست یانه؟ نماز خواندن درپس وی ودست دادن به وی ورفت وآمد بهمرا هش چگونه است؟

جواب: درین ش نیست که این رواجهای جاهلیت هست وکارهای شرک وبدعت هست وعملی کننده این کارهارا مبتدع وفاسق گویند درکافر گفتن احتیاط کرده شود ونماز درپس انها نخوانید وسلام ومصافحه رابهمراه چنین بدعتیها ترک کنید وروابط تان را بهمراه انها قطع کنید واگر غرض حلال کننده بزد در زیراین نشانها نزدیک شدن به صاحب این بیرقها باشد ترس کفر هست واین ذبیحه حرام هست. فقط

امام ساختن اختیار کننده حیثیت مالکانه ناجائز بالای ملکیت مسجد چگو نه هست:

سوال: (۱۰۱۳) دو دکان وابسته به یک مسجد هست امام بالای انها تصرف مالکانه میخواهد ومسلمانان (یعنی مقتدیها) میخواهند که کرایه دکانها درترمیم وکارهای ضروری مسجدمانند فرش وغیره خرج شود وامام صاحب به این کار درهیچ صورت راضی نمیشود اگر امام به شله گی (اصرار) خود قائم بماند وی را درامامت قائم بمانیم ویا امام دیگر منتخب کنیم؟

جواب: بدون شک مصرف کردن کرایه دوکانها درترمیم وضروریات مسجد لازم است وضرورت رضائیت وا جازه امام مذکور نیست واگر امام مذکور به قول وفعل خود اصرار میرور زد از امامت دور کرده شود وامام صالح دیگر مقررکرده شود (۱) فقط.

امامت گیرنده پول بالای توی (عروسی) دختر خود جائز هست یانه:

سوال: (۱۰۱٤) شخصی درعروسی (توی) دختر خود از پدر ومادر بچه دوصد روپیه گرفت اگرچنین شخص امامت میکند جائز است یانه؟ حالاتو به میکند مگر روپیه هارا بس نمیدهد بدون دادن روپیه تنها

(۱) ویکره امامة عبد وفاسق (درمختار) بل مشى فى شرح المنية كراهة تقديمه كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفير

به توبه کردن وی لائق امامت شده میتواند یانه؟

جواب: در درمختار گرفتن چیزی پول از پدر ومادر شوهر ویا از خود دا ماد برای پدر ومادرعروس را رشوت وحرام نوشته ([1]) اند پس مسترد کردن این روپیه واجب هست وتوبه همین هست که پیسه رامسترد کند واگر پیسه رامسترد نکرد فاسق باقی خواهد بود وامامت فاسق مکروه هست وفاسق لائق امامت ساختن نیست اگرچه درپس وی ودرپس معاونین وی نماز میشود لقوله ﷺ (صلوا خلف کل بر وفاجر) الحدیث مکروه میشود کذا فی الدر المختار والشامی ([2]) فقط.

کسیکه دعوت کننده رسمها ورواجها را میخورد حکم امامت وی چست: سوال: (۱۰۱۵) زید که عالم سند یافته هست ودرجای ما امام مسجد جامع نیز هست درچنان محفل عروسی اشتراک کرد که در آن اتشبازی وارمونیه انگریزی وغیره ممنوعات شرعیه بود ونان وغیره راخورد شریعت مبارک درنماز خواندن درپس چنین شخص چه حکم میکند وتوبه کردن بالا وی ضرور هست یانه؟

جواب: درین باره دردرمختار این تفصیل را کرده اند اگر قبل ورفتن وشریک شدن درچنین عروسی وولیمه خبر نداشت که درآنجا چنین کارهای ناروا هست اگروی شخص مقتدا بود برای وی درآن جاماندن وشریک شدن مناسب نیست واگر مقتدانه بود دردل بد بشمارد ونان وغیره رابخورد واگرپیش ازرفتن برایش بابت شود هرگز شریک نشود ([3]) پس درصورت مسئول بالای امام مذکور توبه کردن لازم است بعد ازتوبه کردن نماز درپس وی بدون کراهت صحیح است جاء فی الحدیث: (التائب من الذنب کمن لاذنب له الخ) فقط.

امامت استعمال کننده افیون به طور علاج: سوال: (۱۰۱۶) عمر به سبب کوتاه نفسی افیون میخورد بهمین سبب گاهی درنماز تکان میخورد وی قابل امامت هست یانه ونماز در پس

---

(۱) ومن السحت ما یاخذ الصهر من الختن بسبب بنته بطیب نفسه حتی لوکان بطلبه یرجع الختن به مجتبی (ردالمحتار حظر واباحت ص ۴۷۴ ج۵ ، ط.س. ج۶ ص ۴۲۴)، ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ . ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۳) ولودعی الی دعوة فالواجب ان یجیبه الخ اذا لم یکن هناک معصیة ولا بدعة الخ والامتناع اسلم فی زماننا، الا اذا علم یقینا بانه لیس فیها بدعة ولا معصیة الخ لا یجب دعوة الفاسق المعلن (عالمگیری کتاب الکراهیة الباب الثانی عشر ص ۳۰۵ ج۵ ، ط.م. ج۱ ص ۳۴۳). ظفیر

وی میشود یانه؟

جواب: نماز که درپس وی میشود به شرطیکه کدام کار ناقض نماز ازوی سرنزندن لاکن اگر کدام شخص دیگر اولی بالامامة موجود باشد ام ساختن همین شخص دیگر مناسب است فقط.

درووقت شدن شهوت امام شدن چطور هست: سوال: (۱۰۱۷) من مجرد هستم دربرخی روزها زور شهوت میباشد ودرنماز نیز خیالات میآیند وقطره های مذی ازمن میچکد درچنین حالت خواندن نماز وامام شدن جائز هست یانه؟ وچون توقع به نکاح شدنم درکدام جانیست بهمین سبب اراده دارم که چنان دوا بخورم که بواسطه آن ماده شهوتم خاتمه یابد این جائز هست یا نه؟

جواب: درحدیث شریف این مضمون آمده که کدام شخص سامان وطاقت نکاح را دارد وی نکاح کند وکسیکه اسباب نکاح را ندارد وبکدام جانکاحش نمیشود وی روزه بگیرد زیرا روزه گرفتن برای وی وجاء یعنی بند کننده شهوت ([1]) است وآنحضرت (ﷺ) از نامرد شدن منع فرموده اند وآنرا حرام گفته اند چنین ازاده کردن هرگز مناسب ([2]) نیست اگر شمابه این حدیث عمل کنید امید است که الله تعالی ازغیب وسائل نکاح را نیز وافرسازد میدهد یزدان مراد متقی قال الله تعالی: وَمَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا. الأية ([3]).

ترجمه: وکسیکه از الله بترسد الله برایش کشایش میفرماید ونماز درحالت چکیدن قطره مذی نمیشود،

امام ساختن چنین شخص مناسب نیست ([4]) البته وقتیکه به گرفتن روزه شهوت کم شود ومذی نمیآید درآن وقت امام شود فقط.

---

(۱) مشکوٰة باب التوبة والاستغفار فصل ثالث . ظفير

(۲) عن عبدالله بن مسعود قال : قال رسول الله ﷺ: يا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج ومن لم يستطع فعليه بالصوم فإنه له وجاء . متفق عليه (مشكوٰة كتاب النكاح فصل اول ص ۲۶۷). ظفير

(۳) عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قلت يا رسول الله إني رجل شاب وأنا أخاف على نفسي العنت ولا أجد ما أتزوج به النساء كأنه يستأذنه في الاختصاء قال: فسكت عني ثم قلت مثل ذلک فسكت عني ثم قلت مثل ذلک فسكت عني ثم قلت مثل ذلک فقال النبي ﷺ: يا أبا هريرة جف القلم بما أنت لاق فاختص على ذلک أو ذر. رواه البخاری (مشكوٰة باب الايمان بالقدر ص ۲۰). ظفير

(۴) بابر امدن مذی وضوء دفعه دوم برای نماز فرض هست وهرگاه وضوء باقی نماند نماز چطور جائز خواهد بود؟ لاعند مذی (ای لا يفرض الغسل عند خروج مذی) او ودی بل الوضوء منه ای بل يجب الوضوء منه (وكورى ردالمحتار مبحث الغسل ص ۱۵۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۱۶۵) داودس دنواقض به سلسله کی صراحت دی: المعانی الناقضة للوضوء كل مايخرج من السبيلين الخ (هدايه فصل نواقض وضوء ص ۳۳ ج۱). ظفير

امامت کسیکه از بجلک ها ازار راپائین میدارد: سوال: (۱۰۱۸) اگر ازار امام ازبجلک هاپائین باشد نماز وی چگونه است؟

جواب: اگر قصداً پائین میدارد نماز درپس وی مکروه هست ([1]) فقط.

امامت خورنده جهینگار چطور هست: سوال: (۱۰۱۹) اینجا یک شخص امام است واستاد من هم هست وی جهن ِگا میخورد (جهنگا یک قسم کرم دریابی است که مردم آنرا ماهی میپندارند وهندوها آنرا میخورند) (مترجم بحواله نسیم اللغات صفحه ۳۶۳) اگر درباره آن بهمراهش بحث میکنیم بسبب استاد بودن شرمم میآید نارضائیت وی را نمیخواهم درپاس این شخص نماز میشود یانه؟

جواب: واضح باد که درمسئله دین ازکسی شرم کردن مناسب نیست وفکر نارضائیت وخفه شدن وی مناسب نیست وکسیکه مرتکب کار حرام است فاسق هست نماز درپس وی مکروه تحریمی هست باقیماند اینکه شما درسوال این را واضح نکردید که مقصد شما ازجهنگاماهی است ویاجهنگا نیکه درخانه ها میباشد آنکه درحشرات الارض وخبائث هست خوردن آن خوحرام هست ([2]) وکدام جهنگا دریابی هست کدامی را که ماهی جهنگا میگویند اگر آن از اقسام ماهی باشد باز درست ([3]) است واگر از اقسام ماهی نباشد باز حرام است تحقیق کردن این سخن ضرور هست فقط.

امامت جوان مسلمان جدیدکه ختنه نشده باشد چطوراست: سوال: (۱۰۲۰) کدام شخصیکه درعمر جوانی اسلام آورده باشد ومسلمان شده باشد ختنه (یعنی سنت) کردن برای وی لازم است یانه وپیش از ختنه کردن نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: ختنه کردن مسلم جدید موافق سنت نبویه علی صاحبها الصلاة والتحیة لازم هست زیرا ختنه کردن از شعائر اسلام هست وهرگاه خودش ختنه کرده نمیتواند به سبب ضرورت ختنه

---

(۱) قال رسول الله ﷺ ما اسفل من الکعبین من الازار فی النار رواه البخاری (مشکوٰة کتاب اللباس ص ۳۷۳) کله چی داناجالز سو نرجی خوک ددی مرتکب سی همه فاسق سو ار دفاسق امامت مکروه دی. ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار باب الامامة ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) ولا یحل ذوناب الخ ولا الحشرات هی صغار دواب الارض (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الذبائح ص ۲۲۵ ج۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۰۴). ظفیر

(۳) وحل الجراد الخ وانواع السمک بلا ذکاة (ایضاً ص ۲۲۸ ج ۵ ، ط.س. ج۶ ص ۳۰۷) ظفیر

کردن بواسطه ختان درست هست وبه سبب ضرورت دیدن ختان به جاي ختنه درست هست: کمافی الدر المختار کتاب الحظر والاباحة ینظر الطیب الی موضیع مرضها بقدر الضرورة اذا لضرورات تقدر بقدرها وکذا نظر قابلة وختان الخ قوله وختان کذاجزم فی الهدایه والحانیة وغیر هما (۱) الخ شامی وتاوقتی ختنه کردن نیز درپس وی نماز صحیح هست فقط.

امامت کسیکه پابند نماز وروزه نباشد وظلم میکند درست هست یانه: سوال: (۱۰۲۱) شخصیکه قطعاً پابند نماز وروزه نباشد بسیار دروغ میگوید وعادت ظلم وتجاوز را دارد زانی باشد وبزرگان دین را بد میگوید بهمراه همه این کارهای بدخود را اولی وانمود میکند نماز خواندن در پس وی جائز هست یانه؟

جواب: ارشاد حق تعالی هست: انْ اَولِیَآوُهُ الاَّ الْمُتَّقُونَ (۲) وفرموده اند اَلَآ اِنَّ اَوْلِیَآءَ اللهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۶۲) الَّذِینَ آمَنُوا وَکَانُوا یَتَّقُونَ (۳) ازین آیت ها

معلوم میشود که ولی الله آن شخص هست که متقی باشد شخص بدعملی ولی نیست ودعوای وی دروغ هست کدام شخصیکه نافرمان حق باشد وی دشمن الله هست ومریدشدن وی درست نیست وامام ساختن وی مکروه هست (۴) فقط.

امامت تجلیل کننده (دها) وشیر پرست: سوال: (۱۰۲۲) امامت شیر پرست واداء کننده رواجها چگونه هست علاوه از آن وی درقرائت نیز اکثر غلطی میکند؟

جواب: قال في الدر المختار: ویکره تنزیها امامة عبد الخ واعرابی وفاسق الخ ومبتدع ای صاحب بدعة لایکفر بها الخ وان کفربها فلایصح الاقتداء به اصلاً الخ وفی الشامی: واما الفاسق فقدعللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامردینه ولان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقدوجب علیهم اهانته شرعا ولایخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فانه لایؤمن ان یصلی بهم بغیر طهارة فهو کاالمبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا الخ صفحه ۳۷۶ شامی (۵).

(۱) ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی النظر والمس ص ۳۲۵ ۳۲۶- ج۵ ، ط.س. ج۶ ص ۳۷۰ . ظفیر

(۲) سورة الانفال رکوع ٤. ظفیر

(۳) سورة یونس رکوع ۷. ظفیر

(٤) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفیر

(۵) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ . ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰ . ظفیر

جلداول ازین عبارت واضح شد که نماز درپس فاسق ومبتدع مکروه تحریمی هست وروی لائق امام ساختن نیست ومرد ذکرشده مبتدع هم هست وفاسق هم است وعلاوه از آن قران شریف رانیز غلط میخواند لهذاوی به هیچصورت لائق امام ساختن نیست فقط.

دراز کردن رکوع وسجده چطور هست: سوال: (۱۹۲۳) پیش امام صاحب وقتی برای نماز صبح رامیدهد دررکوع وسجد آنقدر دیر میکند که مقتدیها پنجاه ثصت (۵۰ یا ۶۰) دفعه تسبیح میگویند وقتی به وی شکایت دیرکردن شود وی میگوید که این قدر دیرکردن درنماز باعث بسیار اجر وثواب هست درمیان ما اکثر مردم دنیادار وصاحب گار وبارهستند وبعضی مریضها وضعیف اند درین صورت چه حکم هست؟

جواب: دردر مختار هست: ویکره تحریما تطویل الصلاة علی القوم زائد اعلی قدر السنة فی قراءة واذا کار رضی القوم اولا لاطلاق الامر التخفیف وهومافی الصحیحین اذا صلی احدکم للناس فلیخفف فان فیهم الضعیف والسقیم والکبیر واذا صلی لنفسه فلیطول ماشاء (۱) الخ شامی. ازین ثابت شد که این اندازه دراز کردن رکوع وسجده مکروه تحریمی است واین کاروی ناجائز هست واین دلیل نادانی وی هست چنین شخص امام ساخته نشود زیرا دریک حدیث چنین شخص رافتان فرموده اند (یعنی فتنه افگن) پس بالای امام مراعات مقتدیها ضرور یست ودرقرائت ورکوع وسجده تخفیف لازم هست فقط.

در امامت لنگ که کدام خرابی نیست: سوال: (۱۵۲٤) یک عالم باعمل به (پا) لنگ هست امارفت وآمد کرده میتواند به این خاطر که امام یک مسجد هست مردم میگویند که نماز درپس وی درست نیست درین صورت چه حکم هست؟

جواب: نماز درپس لنگ میشود لاکن اگر امام دیگر تعین شود بهتر است کما فی الشامی وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیره اولی الخ (۲) فقط.

امامت پیروی کننده تنها یک امام جائز هست یانه: سوال: (۱۰۲۵) مرد میکه تنها تابع یک امام هستند وازمتابعت سه امام باقیمانده انکار میکنند نماز درپس وی جائز هست یانه؟

جواب: مقلدین تنها ازیک امام پیروی میکنند وبالای انها تقلید کردن تنها یک امام لازم هست

---

(۱) رد المحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۷ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦٤ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲ . ظفیر

مثلاً مرد میکه مقلد امام ابوحنیفه سابق الائمه رحمهم الله هستند آنها تنها متابعت امام ابوحنیفه را خواهندکرد وپیروی امام شافعی وغیره رحمهم الله را نخواهند کرد (۱) فقط.

امامت بسته کننده نکاح غیر مطلقه: سوال: (۱۰۲٦) یک زن ازخانه همسرخود بیرون شد وتادیر زمانی بهمراه شخص بیگانه روابط ناجائز داشت باز زیدمردوزن همراه عمر روابط ناروا برقرار کرد وحامله شد عمر خواست بهمراه زن نکاح کند ومولوی صاحب ازشوهر زن طالب طلاق شد چون وی طلاق نداد بدون طلاق نکاح زن رابسته کرد بالای مولوی نکاح خوان وشریکان وی چه حکم هست؟ اقتداء چنین مولوی درست هست یانه؟

جواب: بدون طلاق دادن شوهر اول نکاح این زن نکاح بهمراه عمر ناجائز وباطل هست ومردمیکه فتوا دهنده گان جواز هسند ومعاونین این نکاح هستند انها فاسق وعاصیان هستند توبه کنند واعلان کنند که این نکاح نشده وجدائی بیاورند بدون توبه چنین مولوی لائق اقتداء نیست (۲) فقط درقرانکریم درکدام جاکه ذکرمحرمات هست: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ الأية درآنجا زنان عروسی شده رانیز شمار کرده اند. وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ظفیر.

امامت قران خوانهای مختلف یکی برای دیگر: سوال: (۱۰۲۷) مردم بی سواد ولایت بهار بجای ذال، راء، ضاد، جیم، میگوید یعنی ذاکر راجا کر وزور را جور وضماد را جماد وظاهررا جاهر میگویند وهمچنان بجای ثاء، شین، صاد، بمین، وبجای خاء، کاء وبجای عین الف وبجای غین، گاف میکویند ودرنماز الفاظ قرآن شریف رانیز همین گونه اداء میکنند وعوام باسواد ذال، ضاد، ظاء، رابه زاء ادامیکنند، وثاء وصادرابه سین وعین را به الف به مثلیکه اردوگفته میشود وبه همین قسم درنماز قران شریف رانیز میخوانند وفتحه وضمه وکسره را انقدر کش میکندکه به الف ویاواو نزدیک شود پس نماز مردم باسواد درپس مردم بی سواد درست خواهد بود یانه؟ علی هذا مرد میکه ازتجوید خبردارند حروف رازمخارج واعراب رابه گونه صحیح ادامیکند نماز آنها درپس دوقسم فوق درست خواهد بود یانه؟ درجائیکه امام قسم دوم باشد وازمسائل نماز وروزه خبرداشته باشد ودرپس قسم سوم به سبب اختلاف مذهب به همان گونه که درمیان اهل

---

(۱) وان الحکم الملفق باطل بالاجماع (درمختار) والتلفیق باطل لصحته منتفیة اهـ (ردالمحتار مقدمه مطلب فی حکم التقلید الخ ص ... ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۷٤). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰). ظفیر

حدیث وغیرمقلدین اختلاف هست یانماز خواندن اهل بدعت وعدم بدعت راجائز نمیشمارد پس جمع وجماعت شخص سوم درپس این امام جائز هست یانه وکدام شخصیکه حروف را ازمخارج اداء نمیکند برای وی درمقابله به کسیکه این حروف را ا داکرده میتواند این راگفته میتوا نیم یا نه؟ که قران راصحیح نمیخواند؟

جواب: دردر مختارهست: ولاغیرالالثغ علی الاصح کمافی البحر عن المجتبی وحرر الحلبی وابن الشحنه انه بعد بذل جهده دائما حتما کالامی لایؤم الامثله ولاتصح صلاته اذا امکنه الاقتداء بمن یحسنه اوترک جهده او وجد قدر الفرض مما لالثغ فیه هذا هوالصحیح المختار فی حکم الالثغ وکذا من لایقدر علی التلفظ بحرف من الحروف اولایقدر علی اخراج الفاء الابتکرار (۱) الخ قال فی الشامی فی شرح قوله وکذا من لایقدر الخ وذالک کالرحمن الرحیم والشیتان الرجیم والاٰمین وایاک نأبدوا وایاک نستئین السرات انأمت فکل ذلک حکمه مامرمن بذل الجهد دائماً والا فلاتصح الصلاة (۲) به الخ شامی وفیه قوله فلایؤم الامثله یحتمل ان یراد المثلیة فی مطلق اللثغ فیصح اقتداء من یبدل الراء المهملة غیناً وهذا هوا الظاهر کاختلاف العذر فلیراجع (۳) وفی الدر المختار ایضاً ولاحافظ اية من القران بغیرحافظ لها وهوالا می ولا امی باخرس الخ قوله بغر حافظ شمل من یحفظها او اکثر منها لکن بلحن مفسد للمغنی لما فی البحر الامی عندنا من لایحسن القراءة المفروضة الخ قوله ولا امی باخرس اما اقتداء اخرس باخرس اوامی بامی (۴) فصحیح پس ازین تحقیقات روشن شد که غلط خواننده های قسم اول ودوم امیان هستند ونماز امی درپس امی صحیح هست لاکن کدام تحقیقی را که شامی در (فلایؤم الامثله) نقل کرده درآن این را اشکار کرده که نماز یک قسم درپس قسم دیگر صحیح نمیباشد واما اطلاق صحت نماز امی درپس مقتضی صحت است کدام مردم که قران شریف راصحیح همراه قاعده عمومی تجوید میخوانند آشکار هست که نمازها انها درپس دوقسم اول صحیح نخواهد بود ودرمراتب ادا کردن حروف ازمخارج مجود درجه اعلی هست بخاطر یکه هرحرف را ازمخرج خود بیرون میکند ومردمان دیگر اگر چه قران شریف را صحیح میخوانند لاکن ازین درجه قاصر اند وصحیح

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ٥٤٤ ، ط.س. ج۱ ص ٥٨١ – ٥٨٢ . ظفیر
(۲) رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ٥٤٥ ، ط.س. ج۱ ص ٥٨٢ . ظفیر
(۳) رد المحتار باب الامامة مطلب فی الالثغ ج ۱ ص ٥٤٤ - ٥٤٥ ، ط.س. ج۱ ص ٥٨٢ . ظفیر
(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج ۱ ص ٥٤٢ ، ط.س. ج۱ ص ٥٧٩ . ظفیر

خوانده گان این درجه کم راگفته نمیتوانیم کهانها قران شریف راغلط میخوانند البته صاحب تجوید برایش جید نگوید ونه این راگفته میتوانیم که این مردم خوانده گان درست مانندان تغیر دهنده گان حروف اند کسان یکه ظاء وضاد وازاء یاذال میگویند وطاء راتاء میگویند کمال تجوید که همانا اداء کردن حروف بصورت کامل از مخارج آنست از محسنات هست (یعنی کارهای بهتر هست) فقط.

امامت گوینده آمین بالجهر: **سوال**: (۱۰۲۸) نماز حنیفها درپس گوینده گان آمین بالجهر درست هست یانه؟

جواب: درینجا تفصیل هست عموماً گفته نمیتوانیم که صحیح نیست ونه اینکه صحیح است خلاصه اینکه حتی الواسع غیرمقلدین امام کرده نشوند زیرا که به سبب فساد بعض عقائد غیر مقلدین احتمال فساد نماز هست واگر اتفاقاً درپس آنها نماز خواند به حکم صلیوا خلف کل بر وفاجر الحدیث نماز شد فقط.

امامت صاحب رفع الیدین: **سوال**: (۱۰۲۹) اگر حنفی در پس آن امام نماز خواند که آمین بالجهر میگوید ورفع الیدین میکند نمازش صحیح شدیانه؟

جواب: نماز شد بشرطیکه کدام کار شکننده نماز از وی اشکار نشده باشد (۱) فقط.

امامت بالجهر درست هست یانه: **سوال**: (۱۰۳۰) مسلمانهای حنفی از امام پرسان کردند که ایا ماحنیفها نیز آمین بالجهر گفته میتوانیم یانه؟ امام صاحب فرموده که آری گفته میتوانید ایا ماگفته میتوانیم؟

جواب: این امام درست نیست بلکه آهسته گفتن آمین ضرور هست چنانچه از آیت: ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً. (۲)

واز حدیث اخفاء آمین ثابت (۱) هست وتاویل آمین بالجهر کرده شده که یابه غرض تعلیم است کماثبت عنه ﷺ الجهر بالقراءة فی بعض الصلوات التی یقرأ فیها سراً ویامحمول هست برابتداء فقط.

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان تیقن المراعاة لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی الاقتداء بشافعی ونحوه ص ۵۲۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۳). ظفیر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۷. ظفیر

امام ساختن امامیکه از تبلیغ حق ممانعت میکند چطور است: سوال: (۱۰۳۱) یک واعظ به موجب قرآن وحدیث وعظ میکند شخص دیگر به امام مسجد میگوید که چنین واعظ نکن زیرا توهمه مسائل را شکار میگوئی به این کار برای ما هیچ چیز حاصل نمیشود چیزی حقوق ملاها را منع میکند واعظ را ازمردمان دیگر منع میکند مسائل بهشتی زیور را قبول ندارد درپس چنین شخص نماز خواندن جائز هست یانه؟

جواب: بالای وعظ کننده بیان کردن مسائل شریعت وافق کتابهای فقه ضرور است به سبب بدرد گفتن وشنودن وگفتن کسی بندشدن ازبیان مسائل حقه ضروریه مفتی بها روانیست وکدام شخصیکه به خاطر غرض دنیاوی واعظ حقانی مسائل حقه ضروریه مفتی بهارا ازبیان کردن بند میکند درخطاء هست عاصی است امام ساختن وی مکروه است ونماز درپس وی مکروه میشود چنین امام مخالف شریعت قابل دور کردن (۲) هست وکتاب بهشتی زیور تضیف شده عالم معتبر هست مسائل وی که مفتی بها هست درمعتبر بودن آن هیچ شک نیست وهیچ عالم حقانی به صورت عموم درمسائل وی اعتراض کرده نمیتواند باقی کدام مسئله که در آن سهواً خلاف راجح یا غیر مفتی بها نوشته شده است تصحیح انرا خود مولف علام مشغول هست میکند فقط.

امامت ظالم: سوال: (۱۰۳۲) زید وعمر ازیک فامیل اند درمیان هردو دشمنی دنیوی زیاد شده هست عمرناتوان هست وزید پرہ وجنبه دارد به این خاطر چیزی که میخواهد میکند یک روز در مسجد عمر نماز میخواند وزید به همراهی رفقاء خود دروازه را محاصره کرد وقتی سه عمر فارغ شد وبه فرش آمد زید به دشنام گفتن به عمر شروع کرد عمر ازد یوار خیزکرد وگریخت (فرار) زید درپس وی رفیقها (اندیوال) خود را دواند واورا گرفت ولت وکوب شروع شد زید ریش عمررا کند ازهمان روز عمر ازترس به این مسجد به نماز نمیرود ودرخانه نماز میخواندویاکدام وقت به کدام مسجد دیگر میرود ونماز بخواند نماز عمر درپس زید درست هست یانه؟ وامامت زید چگونه هست؟

جواب: ظلم وستم زید آشکارهست به این سبب وی فاسق هست لائق امام ساختن نیست بهمراه

---

(۱) عن وائل بن حجر رضی الله عنه قا ل صلی بنا رسول الله ﷺ فلما قرأ غیر المغضوب علیهم ولا الضالین قا ل أمین واخفٰی بها صوته رواه احمد. (آثار السنن، باب ترک الجهر بالتامین جلد اول ص ۹۶). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ — ۵۶۰). ظفیر

همه این کارها نماز عمر درپس زید صحیح هست لاکن درپس امام فاسق نماز همه مقتدیها مکروه میشود ونماز عمر نیز مکروه خواهد[۱] بود برای عمر بخاطر همچن ترس نه آمدن به مسجد وترک نمودن جماعت این مسجد درست هست لاکن حتی الوسع شریک شدن در جماعت مسجد دیگر ضرور هست واین عذر ترک کردن مطلق جماعیت شده نمیتواند البته اگر در بیرون رفتن نیز ترس زدن ودشنام خوردن وغیره باشد واندیشه فساد باشد برای عمر نماز خواندن درخانه درست هست فقط.

درموجو دیت خواننده صحیح امامت خواننده غلط: **سوال:** (۱۰۳۳) امام یک مسجد قرآن شریف راغلط میخواند نماز درپس وی درست هست یانه؟ وحافظ دیگر موجود هست امامت امام غلط خوان درست هست یا قاری؟ امام غلط خوان بواسطه اَلَمْ تَرَ کَیْفَ: تراویح میدهد وحافظ درهمین مسجد درجای دیگر خواندن قرآن شریف راشروع کرد دریک وقت کدام یک از هردو جماعت صحیح شد کدام شخصیکه در تراویح ازشنیدن قرآن انکار میکند چطور است؟

جواب: برای امامت مطابق تفسیر فقهاء بهتر اعلم واقراء وعیره ([۲]) هست وکدام شخصیکه درنماز چنان غلطی کند که شکننده نماز باشد نماز صحیح نخواهد بود واگر آن غلطی ناقص نماز نباشد نماز صحیح است لاکن این ضرور است که غلط خوان امام ساخته نشود زیرا که ممکن هست ازوی کدام غلطی شکننده نماز واقع شود ([۳]) وتراویح دادن به الم ترکیف درست هست درین مسجد به موجودیت جماعت اول جماعت دوم درست نیست ([۴]) وتخفیف قرائت به خاطر مراعات مقتدیها مامور به است بناء علیه اگر درمیان مقتدیها قوت شنیدن همه قران

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ ولفاسق (درمختار) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ — ۵۶۰) ظفیر.

(۲) والاحق بالامامة تقدیما بل نصب الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحة وفساد الخ ثم الاحسن تلاوة وتجویدا للقرآءة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

(۳) ولاغیر الالثغ به ای بالالثغ علی الاصح الخ فلایوم الا مثله ولا تصح صلاته اذا امکنه الاقتداء بمن یحسنه (در مختار) وفی الظهیریة وامامة الالثغ لغیره تجوز وقیل لا الخ وظاهره اعتماد هم الصحة الخ ینبغی له ان لایؤم غیره (رد المحتار باب الامامت ص ..... ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۱ — ۵۸۲). ظفیر

(۴) ولوصلی التراویح مرتین فی مسجد واحد یکره کذا فی فتاوٰی قاضیخان (عالمگیری مصری باب التراویح ص ۱۰۹ ج۱، ط. م. ج۱ ص ۱۱۶). ظفیر

شریف نباشد تراویح رابه الم ترکیف بکند وبالای خوانده گان تراویح به الم ترکیف طعن کرده نشود ([1]) فقط.

امامت زنا کار که توبه کرده باشد: سوال: (۱۰۳٤) شخصی زن نکاح شده یک شخص دیگر را گریختاند وتا دوسال بدون نکاح نگاهش کرد باز شوهرش مرد بعد ازعدت آن شخص این زن را نکاح کرد وتوبه کرد امامت واذان وی جائز هست یانه؟ وبالای کسیکه این شبه باشد که وی زانی است وشاهدان بالایش نباشد امامت وی جائز هست یانه؟

جواب: اگر این زن بعد از وفات شوهر عدت راپوره کرد یعنی چهار ماه وده روز را وبعد از آن این شخص همراهش نکاح کرد ونکاح صحیح شد واین شخص به سبب گریختاندن زن شخص دیگر فاسق شد زنا ثابت باشد یانه باشد فاسق شدن وی مسلم شد حالا اگر وی ازصدق دل توبه کند ودراینده از چنین کارها منع شود وپشیمان شود امامتش صحیح هست؟ ونماز درپس وی بدون کراهت درست واذان کردن وی جائز هست ([2]) فقط.

بسبب شبه اعاده جماعت وشریک شدن در آن: سوال: (۱۰۳۵) در نماز به امام شبه پیداشد که کدام فرض یاواجب ترک شد امام دوباره نماز داد کدام مقتدیها یکه پسان شامل شده اند نماز آنها شده است یانه؟ ویا اینکه به امام محض شبه شود وفرض وواجب ترک نشده باشد وبسبب شبه نماز راشکستاند کدام مقتدیها یکسه پسان شامل شدند نماز آنها شدیانه؟

جواب: اگر به سبب شبه نماز گشتانده شدنماز شامل شده گان دیگر نشد بالای آنها بار دیگر خواندن نماز لازم ([3]) است.

تاخیر نمودن درقومه رکعت دوم: سوال: (۱۰۳٦) امام حنفی درقومه رکعت دوم نماز صبح آنقدر تاخیر میکند که مقتدیهای شافعی تقریباً دعاء قنوتر اخلاص میکنند آیا این عمل جائز هست وباعث خرابی نماز مقتدیهای حنفی نخواهد شد اگر باشد نماز خواندن درپس چنین شخص را

---

(۱) واختار بعضهم فی کل رکعة وبعضهم سورة الفیل ای البداءة منها ثم یعیدها وهٰذا احسن (رد المحتار مبحث التراویح ، ط.س. ج۲ ص ٤۷). ظفیر الدین

(۲) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب کمن لاذنب له ، (مشکوٰة باب الاستغفار والتوبه ص ۲۰٦). ظفیر

(۳) ولها واجبات لاتفسد بترکها وتعاد وجوبا الخ والمختار انه جابر للاول لان الفرض لایتکرر (درمختار) قوله المختار انه ای الفعل الثانی جابر للاول بمنزلة الجبر بسجود السهو وبالاول یخرج عن العهدة وان کان علی وجه الکراهة علی الاصح کذا فی شرح الاکمل علی اصول البزدوی (رد المحتار باب صفة الصلٰوة ص ٤۲٤ – ٤۲٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٥٦ – ٤٥۸ ، مطلب واجبات الصلٰوة) . ظفیر

ترک کند یانه؟

جواب: برای امام مراعات مقتدی شافعی مستحب است تاوقتیکه موافق مذهب خود ارتکاب کدام کارمکروه نشود ودرصورت مذکوره برای امام درقومه آنقدر تاخیر کردن که آنقدر تاخیر سجده من القومه لازم شود که موجب سجده سهوشود درست نیست لهذا چنین کار امام بسبب رعایت مقتدیها درست نیست نماز مقتدیهای حنفی صحیح هست البته دربعض صورتها احتمال نقصان نماز هست لهذا بهتر این است که اگر امام این کار راترک نکند حنفیهابه وی اقتداء نکنند در درمختار هست که:

لاکن یندب للخروج من الخلاف لاسیما للامام لاکن بشرط عدم لزوم ارتکاب مکروه مذهبه (۱) الخ فقط.

امامت بدعتی ومتکبر: **سوال**: (۱۰۳۷) زید به سبب تکبر وحماقت خود را باکدامن وصوفی درجه اول وعابد وزاهد میپندارد وبه میله ها میرود وشنیدن سازرا حلال میگوید وتان خانه سود خور را میخورد واین رانیز میگوید که برای من بذریعه خواب ویابه مراقبه معلوم میشود که فلان شخص منافق هست خیرات سوم دهم وغیره را درست میگوید وگرفتن پوستهای قربانی را درحق امامت خود جائز میگوید وزکات سرسایه وغیره را میگیرد درحالیکه خودش صاحب نصاب هست امامت چنین شخص چطور است؟ واگر کسی در پس اونماز نخواند گنهکار نخواهد بود؟

جواب: امامت چنین شخص مکروه هست زیرا که وی مبتدع وجاهل است نماز بهمراه کراهیت میشود اگر درپس وی نماز نمیخوانید هیچ گناه نیست بلکه بهتر این هست که درپس وی نماز نخوانید (۲) فقط.

پابند بودن امام به شریعت لازم هست: **سوال**: (۱۰۳۸) صا حبا نیکه امت مسجد را میکنند آنها پابند شریعت باشند یا از رواج؟

جواب: برای آنها موافقت به شریعت لازم هست کدام رسم ورواجیکه خلاف شریعت باشد بابندی آن حرام هغهست اگر امام پابندی رواج خلاف شریعت رامیکند وشریعت راترک میکند

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار نواقض الوضوء ص ۱۳۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۱۴۷ . ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ — ۵۶۰). ظفیر

وی لائق امامت نیست دور کردن وی ضرور است (۱) فقط.

امامت مستور الحال: سوال: (۱۰۳۹) زید که شخص مشتبه الحال هست که درباره وی به هیچ کس معلومات نیست که وی در اصل باشنده کدام جاهست وچه ذات وی هست؟ وچقدر علمش هست ومرد کدام سلوک هست بهمراه آن وقتی ازخود وی پرسان شود مثلاً اینکه تو درکدام جاتحصیل کرده ئی؟ درجواب آن وی مدرسه اسلامیه دیوبندرانام میگیرد لاکن بواسطه تحقیقات این سخن غلط ودروغ وثابت شده پس اگر چنین شخص برای نماز های عید وجمعه وغیره تعین شود آیا این جائز هست؟

جواب: اگر این شخص درظاهر صالح ونماز گذار وازمسائل خبر باشد اگر چه درهر جاتعلیم کرده باشد نماز درپس وی درست هست ودرحدیث شریف هست صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث یعنی درپس هرنیک وبدنماز بخوانید مطلب این هست که نماز درپس اوهمراه کراهیت میشود اگر چه اولی بالامات عالم پرهیزگار وغیره هست غرض اینکه درنماز خواندن درپس وی هیچ حرج نیست (۲) فقط.

اقتداء مسبوق درست نیست: سوال: (۱۰۴۰) یک شخص در رکعت دوم یاسوم جماعت شریک شد بعد ازخلاص شدن جماعت همین مسبوق نماز باقیمانده راتکمیل میکرد که بسان مردم دیگر آمدند ودرحالت لاعلمی درپس مسبوق نیت بسته کرد واین را گفت که تکبیررا بلند بگوماهم به همراهت شریک شدیم به همین طریقه نماز را پوره کرد نماز آنهاشد یانه؟

جواب: اقتداء دیگران درپس وی صحیح نیست نماز مقتدیها نشد کمافی الدرالمختار لایجوز الاقتداء به الخ المسبوق صفحه ۴۰۱ جلداول (۳) فقط.

لنگی که استاد شده نمیتواند اقتداء وی چگونه هست: سوال: (۱۰۴۱) یک شخص لنگ هست استاد شده نمیتواند به نشته نماز میخواند اگروی امام شود نماز مقتدیها که ازوی بهتر اند واستاده نماز میخواند خواهد شد یانه؟

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) الاحق بالامامة تقدیماً بل نصباً الاعلم باحکام الصلوة فقط صحةً وفساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهره وحفظه قدر فرض الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۰ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق ص ۵۵۸ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۹. ظفیر

جواب: نماز استاده درپس نشته دوست هست (۱) لاکن ازچنین لنگ امام دیگر بهتر است کسیکه لنگ (۲) نباشد.

وقتی درپهلوی صحیح خوان که غلط خوان بیاید ونمازرا شروع کند چه هست: سوال: (۱۰۴۲) یک شخص ناخوان کسیکه الفاظ قرآن شریف را بطور صحیح ادا کرده نمیتواند نماز فرض را ادا میکند اگر یک صحیح خوانند دیگر درهمین جا جدا زوی نماز را شروع کند نماز درپس هردو درست هست یانه؟ کسیکه قرانکریم را صحیح خوانده نمیتواند درپس وی نماز خواند صحیح میشود یانه؟

جواب: حکم چنین شخصی مانند امی هست که وی امام صحیح خوان شده نمیتواند در موجودیت صحیح خوان نماز وی صحیح نمیشود وحرر الحلبی وابن الشحنة انه بعد بذل جهده دائماً حتماً کالامی فلا یوم الا مثله ولا تصح صلاته اذا امکنه الاقتداء بمن یحسنه الخ هذا هو الصحیح المختار فی حکم الا لثغ وکذا من لایقدر علی التلفظ بحرف من الحروف اولا یقدر علی اخراج الفاء الا بتکرار الخ درمختار (۳) فقط.

امامت تلف کننده حق مسجد: سوال: (۱۰۴۳) شخصیکه امامت وخدمت دیگر میکند اماحق تلفی مسجدرا میکند وخودش میخورد وی قابل امامت هست یانه؟

جواب: کسیکه بدون استحقاق دست آورد مسجد را درمصرف خود میاورد وی فاسق هست امامت وی مکروه است (۴) فقط.

امامت بد قواره (بد شکل) چیچک روی وزکوة خور: سوال: (۱۰۴۴) یک شخص کوچه کرد هست لست دوکانداران را نیز مینویسد زکوة میگیرد درنماز یکپا رابلند میدارد چیچکی روی وبد شکل هست مقتدیها در پس وی نماز نمیخواند درین صورت نماز در پس این شخص جائز است یانه؟

جواب: در سخنان ذکر شده هیچ سخن چنان ذکر نشده که مطلقا موجب عدم جواز امامت ویا

---

(۱) وصح اقتداء متوضی لا ماء معه بمتیمم الخ وقائم بقاعدبرکع ویسجد لانه ﷺ أخر صلاته قاعدا وهم قیام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۵۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۸). ظفیر

(۲) وکذالک اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیر اولی (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی الالثغ ص ۵۴۴ — ۵۴۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۲ . ظفیر

(۴) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ — ۵۶۰). ظفیر

کراهت امامت باشد البته اگر باوجود صاحب نصاب بودن زکوة میگیرد این بد هست اگروی لنگی باشد که بالای بعض قدم استاد میشود امامت وی رامکروه نوشته اند واگر کدام کار دیگر فسق درین امام باشد ویاوی مبتدع باشد امامت وی مکروه (۱) هست باقی نماز وی بهر صورت میشود لقوله ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث الخ فقط.

دریس بندی نماز میشود یانه: سوال: (۱۰۴۵) اگر کدام مسلمان حنفی اسیر (بندی) باشد درپس بند نماز جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس اسیر حنفی درست هست بندی شدن مانع از امامت نیست فقط.

دریس نابینای شاهدی دهنده به دروغ نماز میشود یانه: سوال: (۱۰۴۶) یک نابینا بخاطر جمع دنیا به دورغ شاهدی میدهد وبین طهارت ونجاست فرق نمیکند نماز خواندن درپس چنین نابینا جائز است یانه؟

جواب: هرگاه این نابینا محطاط نباشد وبسبب مرتکب شدن کبائر فاسق شد امامت وی مکروه است (۲) فقط.

خواندن نماز درپس اولاد ولد الزنا درست هست یانه: سوال: (۱۰۴۷) شخص حرامی بود نکاح وی مطابق فرمان قران وحدیث صورت گرفت واز نطفه وی که کدام اولاد شد درپس آنها نماز درست باشد یانه؟

جواب: اگر اولاد وی صالح وعالم باشد نماز درپس آنها بدون کراهت درست هست بلکه افضل وبهتر هست و در پس خود والد الحرام نیز بدون کراهت درست هست بشرطیکه خودش صالح باشد: قال الله تعالی: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَی ثُمَّ اِلَی رَبِّکُمْ. الأية (۳) فقط.

اقتداء عنین جائز هست یانه: سوال: (۱۰۴۸) نماز غیر عنین درپس عنین (یعنی نامرد) درست هست یانه؟

جواب: نماز غیر عنین درپس عنین درست هست زیرا فقهاء درکدام جا امامت عنین را ناجائز ومکروه ننوشته اند وامامت کدام مردمی را که ناجائز ومکروه نوشته اند عنین را درانهانه شمرده

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق الخ ومبتدع (درمختار) وکذالک اعرج یقوم ببعض قومه فالاقتداء بغیره اولی (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ص۵۲۳ ج۱). ظفیر

(۳) سورة بنی اسرائیل رکوع ۲. ظفیر

اند ببنید درمختار وهدایه وغیره را فقط.

امامت شاگر دیکه مخالفت استاذ خود را میکند درست است یانه: سوال: (۱۰۴۹) زید امام یک مسجد هست ویک آغالالا (شوهر خواهرش) هست که زید ازوی دوچهار سبق عربی خوانده درمیان زید وآغالالایش درباره کارهای خانه گی جنگ بمیان آمد اغا لالایش میگو ید که من استاد تویم تومقابله من را کردی نماز درپس توجائز نیست زیرا که هرگاه درمیان استاد وشاگر مخالفت باشد درپس شاگرد نماز نمیشود این صحیح است یانه؟

جواب: این سخن غلط هست که اگر درمیان استاد وشاگر اختلاف باشد درپس شاگرد نماز جائز نباشد البته بدون سبب مخالفت وعداوت وتوهین کردن معصیت هست ودرشامی هست: وقال الزند ولیسی حق العالم علی الجاهل وحق الاستاذ علی التلمیذ واحد علی السوء الخ وحق الزوج علی الزوجة اکثر من هذا ([1]) الخ حاصل آن این هست که حق عالم بالای جاهل وحق استاد بالای شاگرد یکسان هست وحق شوهر بالای زنش ازین زیاد هست فقط.

نماز درپس قائل علم غیب ومعتقد احمد رضا درست هست یانه: سوال: (۱۰۵۰) کدام شخص که قائل علم غیب به غیرالله باشد وبه احمد رضا عقیده دارد ویامرید وی باشد نماز درپس وی جائز هست یانه؟

جواب: این شخص مبتدع هست نماز درپس وی مکروه تحریمی هست کمافی الشامی (واما الفاسق فقدعللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامردینه وبانه فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقدوجب علیهم اهانته شرعاً ولایخفی انه اذاکان اعلم من غره لاتزول العلة الخ فهوکا المبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح النیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا ([2]) الخ صفحه ۳۷۶ شامی جلداول) لاکن اگر درنخواندن نماز درپس وی اندیشه فتنه باشد ویاجماعت فوت میشد درپس وی نماز بخوانند چنانچه در درمختار هست: هذا ان وجد غیرهم والا فلاکراهة (بحر) وفی النهر عن المحیط صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة الخ ودر شامی هست قوله نال فضل الجماعة افاد ان الصلاة خلفهما اولی ([3]) من الانفراد الخ فقط.

---

(۱) رد المحتار مسائل شتی ص ۶۶۰ ج۵ تحت قوله وهم اولو الامر علی الاصح ، ط.س. ج۶ ص ۷۵۶ . ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۳ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

(۳) رد المحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۵ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفیر

عقیده متعلق به روح نبوت وامامت وی: **سوال**: (۱۰۵۱) امام یک مسجد میگوید که روح پرفتوح فخر عالم ﷺ در روضهٔ انور ویا درمقام نزدیک به خداوند ﷻ هست لاکن وی به خانه کدام مسلمان ویادر وقت ذکر میلاد مبارک حاضر نمیشود ودر رابطه به عموم مسلمانان نیزوی میگوید که ارواح انها درمقام علیین درج ومقام آنها عالم برزخ هست وآنها به امدن به خانه ها چه کار دارند؟ ودردلیل این آیت راپیش میکند: اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ الله الخ وطلب کردن استمداد ازقبور اولیاء را ناجائز میگوید ومیگوید که الله تعالی میفر ماید که اهل قبور توان شنیدن را ندارند وما انت بمسمع من فی القبور وقتیکه درجوابش گفته شود که یک شخص درخدمت حضرت عائشة (رض) عرض نمود که انحضرت (ﷺ) سماع الموتی را فرموده) امام صاحب این جواب میدهد که حضرت عائشه (رضی الله عنها) به آن شخص فرمود که توبالای رسول الله (ﷺ) دروغ میگوئی واین حدیث از بخاری هست کدام امامیکه چنین عقیده داشته باشد نماز درپس وی جائزه هست یانه؟

جواب: عقیده امام مذکور درباره روح مبارک انحضرت (ﷺ) وارواح مومنین واستمداد از قبرها نیز دوست نیست بدون شکل بی بی عائشه ازسماع الموتی انکار کرده است وتاویل ما انتم باسمع منهم رابه ما انتم باعلم منهم فرموده اند وازهمین آیت ها اِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ اِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ استدلال فرموده اند وهمین مذهب مشهور (۱) امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) هست غرض اینکه نماز درپس امام مذکور صحیح هست کدام کراهت وغیره در آن نیست فقط.

امامت ممانعت کننده به عقیده غلط: **سوال**: (۱۰۵۲) امام صاحب میگوید که کدام شخص که چنین عقیده دارد که من تنها به کردن محفل میلاد بخشیده خواهم شد ونماز وزکاة وغیره را اداء نخواهم کرد این عقیده باطل هست بلکه الله ﷻ ترک کننده فرائض را دردوزخ میاندازد این سخن درست هست یانه؟ نماز درپس صاحب چنین عقیده درست هست؟

جواب: این قول امام مذکور صحیح است ترک نمودن فرائض نماز وزکاة وروزه وامید داشتن

---

(۱) قال ابن همام فی شرح الهدایة اعلم ان اکثر مشائخ الحنفیة علی ان المیت لا یسمع علی ما صرحوا به فی کتاب الایمان الخ مردود من عائشة رضی الله عنها قالت کیف یقول رسول الله ﷺ ذلک والله تعالی یقول وما انت بمسمع من فی القبور انک لا تسمع الموتی الخ (مرقاة شرح مشکوة باب فی حکم الاساری ص ۲٤٦ ج۲) . ظفیر

مغفرت وبخشش به منعقد ساختن مجلس میلاد خیال باقی وعقیده فاسد هست باقیماند بطور یقین گفتن که مغفرت وی نخواهد شد صحیح نیست چنانچه الله تعالی فرموده اند: إِنَّ اللهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (۱) بدون کفر وشرک مغفرت هم گناه ها میشود اگر الله تعالی بخواهد آری (بلی) قاعده این هست که تارک فرائض ومرتکب کبائربه قدر گناه ها دردوزخ انداخته میشود ودر آخرت نجات خواهد یافت لاکن اگر الله کسی رامغفت میبخشد بخشیده میتواند وخلاف وعید شده میتواند هکذا فی الکتب المعتبرة فقط.

امامت لا مذهب: سوال: (۱۰۵۳) یک شخص بهمراه ذکرشدن مذهب برایش (مجموعه مولود) تصنیف مولنا اشرف علی صاحب (رح) را نشان دادیم که آیت ها واحادیث در آن موجود هست شخص مذکور درباره کتاب ذکر شده چند دفعه این الفاظ راگفت من بالای این کتاب شاش میکنم اشکارا این الفاظ راگفت نماز درپس چنین شخص درست هست یانه؟ واین شخص گنهگار است یاکافر وکسیکه هندوها ومسلمانها را یکسان میپندارد درباره وی چه حکم هست؟

جواب: این شخص فاسق وعاصی هست ولولا احتمال التاویل لحکم بکفره نماز درپس چنین لامذهب درست نیست وشخصی که هندوها ومسلمانها را یک برابر میپندارد نیز گنهگار است واگر کفر واسلام را یکبرابر میپندارد کافر هست غرض اینکه از صبحت چنین شخص خود داری ضرور هست (۲) فقط.

درپس قائل فاتحه خلف الامام نماز میشود یانه: سوال: (۱۰۵٤) محمود عامل فاتحه خلف الامام هست وهمیش فاعل رفع الیدین وآمین بالجهر است ایابه عمل چنین شخص در نماز اهل جماعت کدام حرج میشود ویانه؟

(۱۰۵٤ (۲) هرگاه عامل فاتحه خلف الامام ورفع الیدین وامین بالجهر خودش جماعت میدهد آیا درنماز اهل جماعت ازنظر قران وحدیث کدام حرج میشود یانه؟

جواب: (۱) تنها به این عمل در نماز اهل جماعت هیچ حرج وضرور نمیشود لاکن چون درین

---

(۱) سورة النساء، رکوع ۷. ظفیر

(۲) وان انکر بعض ماعلم من الدین ضرورة کفر بها الخ فلایصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۱ – ۵٦۲). ظفیر

زمانه عاملین این کار اکثراً مرد مانی اند که مقلد امامان دین تیمم نیستند وتنها موافق خواهشات خود به معنای احادیث خودرا میفهمانند وبه آن عمل میکنند بهمین خاطر در اکثر احکام نمبر مخالفت میاید به این سبب حرج وضرر (۱) میشود فقط.

جواب: (۲) امامت چنین شخص فی نفسه جائز هست لاکن بخاطر بعض دلائل خارجی برایش ناجائز گفته (۲) میشود فقط.

امام کردن غیر مقلد چطور هست؟ سوال: (۱۰۵۵) محمود درموجودیت حدیث نبوی عامل به مسائل اجتهادی نیست لاکن درعدم موجودیت حدیث قائل مسائل اجتهادی است پس امامت چنین شخص جائز هست یانه.

جواب: امامت چنین شخص فی نفسه جائز هست مگر چون بعض افعال مردمیکه تقلید ائمه اربعه را نمیکنند وبگمان خود خود آنها دعوا داران عمل کردن به حدیث اند چنان است که مفسد نماز میگردد مثلا آنها وضوء رابه کلوخ خشک نمیکنند ودرین زمانه آمدن قطر عموماً یقینی شده است بهمین سبب ازا رهای این مردم اکثر ناپاک میباشد به این سبب از امامت آنها احتراز شود.

درصورت فاسق شدن امام جماعت جداکرده شود یانه: سوال: (۱۰۵۶) درکدام شهریکه تنه یک مسجد باشد وامام آن فاسق باشد پس هردم حنفی جماعت خودرا جداقائم کنند ویا در پس وی نماز بخوانند؟ شرعاً چه حکم است؟

جواب: از تفریق کردن جماعت بهتر این است که درپس وی نماز خوانده شود چنانچه دردر مختار از نهر نقل کرده: وفی النهر عن المحیط صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة (۳) وجماعت دیگر کردن بدهست فقط.

امامت شخصیکه درمیان زنها غیر محرم مینشیند: سوال: (۱۰۵۷) کدام شخصیکه امام باشد ودرمیان زنهای غیرمی نشیند نماز خواندن درپس وی چگونه است؟

---

(۱) رکذاتکره خلف امرد الخ ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان یتقن المراعاة لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی الاقتداء بشافعی ونحوه ص ۵۲۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۲) (ایضا). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱. علامه شامی لیکلی دی: افاد ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد لکن لا ینال کماینال خلف تقی ورع لحدیث من صلّی خلف عالم تقی کانما صلّی خلف نبی (ردالمحتار ایضاً ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

جواب: نماز درپس چنان امام که درمیان زنان غیر محرم مینشیند یعنی فاسق هست مکروه (۱) هست در رابطه به غیرمحرم نوشته اند: فان خاف الشهوة او شک امتنع نظره الی وجهها فحل النظر مقید بعدم الشهوة وهذافی زمانهم واما في زماننا فمنع من الشبابة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی النظر والمس ۳۶۲ جلده ظفیر).

امامت باغبان وسیاه رنگ وغیره: سوال: (۱۰۵۸) کدام امام که تنخوا دار باشد جولا باغبان یاسقاو یانانبای باشد نماز درپس چنین مردم جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس امام تنخوا درا بدون کراهت درست هست ونماز درپس جولا دلاک وسقاو وباغبان وغیره که از هرقوم باشد که صالح ومتقی باشد واز مسائل نماز خبرداشته باشد بدون کراهت جائز هست بلکه آنها ازسید وشیخ که فاسق باشد بهتر هست کما قال تعالیٰ: اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ اَتْقَاکُمْ. الأية (۲) فقط.

امامت شخص دروغگو: سوال: (۱۰۵۹) زید قاضی شهر بود ونماز جمعه ها وعیدها را میداد دردرون شهر درنزدیک مکان زیدیک قبرستان بود وپیوسته به آن کرد (زمین) یک هندو احاطه کردن آنرا میخواست زید چون عضو گمرک هست اجازه تعمیر را داد این هندو بعد ازحاصل شدن اجازه آن قبرستان کند وخواست همراه زمین ها شاملش کند وزید بهمراه آن که از قبرستان خبرداشت اجازه تعمیررا دادسخن به محکمه رسید درآنجا زید شهادت بدروغ این سخن را داد که درین جا قبرستان نیست غرض اینکه بالکل ازقبرستان انکار کرد وبهمین سبب همان قبرستان بدست هندو رسید درین صورت امام کردن زید ونکاح بستن به وی درست است یانه؟

جواب: درین صورت زید فاسق شد امام ساختن وی ونکاح خوانی وی ومقتدا پنداشتن وی درست نیست ونماز درپس وی مکروه تحریمی هست (۳) فقط.

امامت کسیکه دست راستش خشک باشد وهمه کارهار به دست چپ میکند: سوال: (۱۰۶۰) اگر کسی شخصی رایدیمنی (دست راستش) خشک شده بالکل بی کار باشد وکلوخ

---

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) سورة الحجرات . ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

واستنجاء مضمضه واستنشاق وضوء واکل شرب وغیره افعال حمیده وقبیحه رابه یدیسرا (دست چپش) مینماید وطبائع ناظرین ازومتنفر میباشد این چنین شخص قابل امامت هست یانه؟

جواب: امامت چنین شخص مکروه تنزیهی یعنی خلاف اولی است اگر مقتدیان ازوتنفر کنند فی الشامی: وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغیر اولی وکذا الجزم ومحبوب وحاقق ومن له ید واحدة الخ والظاهران العلة النفرة الخ (۱).

امام شدن گوینده کلمات بد چطور هست: سوال: (۱۰۶۱) اگر کدام مسلمان حافظ قران پابند روزه ونماز درپیش روی چند مسلمان به اواز بلند نام بگیرد وبگوید که اگر خدای تعالی به سبب فلان مولوی مردود برایم جنت میدهد من هرگز قبول نخواهم کرد بلکه درعوض این خبیث خواستار جهنم ستم ومولوی موصوف که لفظ مردود برایش گفته شده چنان به همه صفتها موصوف شده که نصف مردم دنیا انرا خوش دارد وبهمراه آن اعتقاد هم دارند این شخص مرتکب کدام گناه شد ونماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: معصیت شدن وی ظاهر هست درچنین کلمات ترس کفر هست بدون توبه کردن از نماز خواندن درپس وی احتراز کرده شود اگروی ملا باشد مصداق این حدیث گردد: ان من شرالشر شرار العماء (۲) که ازهمه بدتر شریر علماء هستند) کسی را که حضرت محمد (ﷺ) بدترفرموده برای وی بد ترگفتن بیجا نیست فقط.

نماز غیر معذورین درپس معذ ور درست نیست: سوال: (۱۰۶۲) برای زید عوارض باداست ونماز خودرا مکمل کرده نمیتواند وقتیَ سنت را به وضوء بخواند فرض وغیره راکرده نمیتواند اگر کدام شخص دیگر لائق آن نباشد که امامت کند زید امام شده میتواند یانه؟

جواب: اگروی بدرجه معذور رسیده باشد امامت وی برای غیر معذورها صحیح نیست اولاً تعریف معذور این هست که درتمام وقت نماز برایش آنقدر وقت پیدا نشود که وضوء کند ونماز فرض رابدون این حدث ادا کرده بتواند پس اگروی چنین شده باشد نماز غیر معذورین درپس وی نمیشود فقط. (۳)

---

(۱) مشکوٰة کتاب العلم ص ۳۷ فصل ثالث. ظفیر

(۲) ولاطاهر بمعذور (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸). ظفیر

(۳) ولاطاهر بمعذور (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸). ظفیر

امامت وکیل اصطلاحی درست است یانه: سوال: (۱۰۶۳) یک شخص مولوی پابند نماز وروزه است مگر پیشه وی وکالت هست پیروی هرنوع دعوای راست ودروغ رامیکند علاوه از آن در قرائت حروف را ادا کرده نمیتواند حتی دربعض جاها مراعات حرف استاده وافتیده نه میشود بجای صاد سین وبجای ضاء دال اداء میکند چنین شخص لائق امامت هست یانه؟

جواب: شخص مذکور لائق امامت نیست زیرا که برای امامت اولاً واقف شدن ازمسائل نماز وخواندن قرآن شریف صحیح ضرور است ثانیا صالح ومتقی شدن امام بهتر است پس این شخص که مرتکب افعال خلاف شرع است تائید باطل رامیکند وقرآن شریف راصحیح نمیخواند لائق امام ساختن (۱) نیست.

امامت پیر فاسق جائز است یانه: سوال: (۱۰٦٤) یک پیر امام مسجد هست روزی یک مقتدی ازوی پرسید که امروز بکدام کار رفته بودی جواب داد که امروز ختم قران یک خوگ بود درآنجا ختم قرآن خواندم وآن خوگ دیگر خوگان را جمع کرد واونیز ختم قرآن خواندن وصاحبا آن ختم عین خوگ هست وصاحبان ختم بغیر من خوگان اند این چنین پیر چه حکم دارد؟ ونماز خلف وی جائز هست یاچه؟

جواب: این چنین پیریاوه گولائق مقتدا بودن وامام شدن نیست نماز خلف چنین کس مکروه است وحسب تصریح فقهاء آن کراهت تحریمی است لان فی جعله اماماً تعظیمه وتعظیم الفاسق حرام پس باید که آن امام رامعزول کنند وکسی دیگر صالح واقف مسائل نماز را امام مقرر کنند (۲) فقط.

امامت کسیکه درمیلاد شریک نمیشود: سوال: (۱۰٦۵) چند روز میشود یک نفر ازفرقه وهابیه درمسجد حنفیه اهل السنة والجماعة امام هست اتفاقاً حسناً که درین مسجد دوعالم واعظ شریف آوردند ودر وعظ حمد وثناء حضرت محمد (ﷺ) رابیان کردند امام مسجد خواندن نماز را در پس آنها ترک کرد در همان شب یک شخص درجای خود بالای مولوی صاحبان

---

(۱) والا حق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلٰوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة وحفظه قدر فرض وقيل واجب وقيل سنة ثم الاحسن تلاوةً وتجويدا للقرآة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۷). ظفير الدين غفرله

(۲) واما الفاسق فقد عللوا كراهة تقديمه بانه لايهتم لامر دينه وبان في تقديمه للامامة تعظيمه وقد وجب اهانته شرعًا الخ بل مشٰى في شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم لما ذكرنا (رد المحتار باب الامامة ص۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۰). ظفير

مهمان مجلس مولود شریف رامنعقد کرد امام مسجد درآن شامل نشد وپدر امام مذکور فاتحه خواندن بالای رابد میپنداشت درین صورت نماز درپس چنین امام جائز است یانه؟

جواب: این درست است که درین شب وروز درمجلس میلاد شریف بسیار سخنان ناجائز شامل است مثلا بیان شدن روایات موضوع وضعیف ویاخاص بودن قیام دروقت ذکر ولادت انحضرت (ﷺ) که ثابت نیست وهمین گونه بسیار کارهای ناجائز دران است بهمین سبب شرکت در آن جائز نیست کدامی که از فتوای حضرت مولنٰا گنگوهی قدس سره وحضرت مولنا احمدعلی سهار نپوری ظاهر است فتوائیکه چاپ وشائع شده آنرا حتما ببینید وفاتحه به نان نیز بدون دلیل است درهیچ جاثبوت آن نیست اگر به این سببها امام مسجد یاپدروی از فاتحه خوانی وشرکت درمجلس میلاد اجتناب کرده باشد پس این کار موجب.طعن نیست فقط.

امامت عرس کننده وبیننده سینما: سوال: (۱۰۶۶) کدام عالم که به سینماء وعرس وغیره میرود نماز درپس وی میشود یانه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه ([1]) است فقط.

امامت گیرنده قرض سودی وارتباط دارنده به شیعه ها: سوال: (۱۰۶۷) شخص قرض سودی میگیرد وکدام معامله که درمیان سنیها وشیعه ها میباشد بهر شکل باشد به شیعه ها کمک میکند ومخالفت سنیها را میکند امام ساختن چنین شخص ونماز خواندن درپس وی چطور است؟

جواب: چنین شخص لائق امام نیست ونماز درپس وی مکروه ([2]) است.

امامت قولاً وعملاً مظاهره کننده خلاف ریش: سوال: (۱۰۶۸) یک مولوی صاحب امام وخطیب مسجد است محدیث وطبیب است وریش راوریش راکوتاه میدارد ودر اثبات مدعا میگوید که داشتن ریش ازیک حدیث صحیح واجب العمل ثابت نیست وکوتاه کردن اضافه از قبضه حرام چه میکنید که مکروه تحریمی هم نیست وگاه وگاه درجوش وجذبه میگوید که من سردار دوستهای ریش تراش هستم تراشیدن ریش ویاکوتاه کردن آن حرام است یامکروه قبضه ازکدام حدیث ثابت است یانه؟ وامامت چنین شخص درست است یانه؟

---

(۱) وکره امامة العبد والاعرابی والفاسق والمتبدع (کنز) والفاسق لامر دینه (البحر الرٰائق باب الامامة ص ۳۶۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۴۸). ظفیر.

(۲) ویکره تقدیم العدة الخ والفاسق لانه لایهتم لامردینه (هدایه باب الامامة ص ..... ج۱). ظفیر

جواب: درحدیث صحیح امر دراز کردن ونگهداشت ریش است چنانچه درحدیث مسلم است (عشر من الفطرة: قص الشارب، واعفاء اللحیة (۱) الحدیث ازین حدیث حرمت کوتاه کردن ریش ثابت شد فقهاء تراشیدن ریش وکم ازقبضه کوتاه کردن را حرام نوشته کرده اند کما فی الدرالمختار ولذا یحرم علی الرجل قطع اللحیة الخ والسنة فیها القبضة (۲) الخ پس ازین ثابت شد که کوتاه کردن ریش کم از قبض یاترا شیدن آن حرام است واین گفتار این شخص که ماندن ریش ازهیچ حدیث صحیح ثابت نیست وتراشیدن وکوتاه کردن کم ازقبضه حرام یامکروه نیست بالکل غلط است وامامت این شخص مکروه تحریمی است زیرا وی فاسق هست وامامت فاسق مکروه تحریمی است کذا فی الشامی (۳) فقط.

هر گاه امام به وقت معین نرسید چه کرده شود: سوال: (۱۰۶۹) درکدام جاکه امام مقرر است ووقت نماز نیز تعین شده اگر امام بکدام سبب بر وقت نیاید چه کرده شود؟

جواب: درچنین حالت تاکدام اندازه که مناسب است ومقتدیهای حاضر وقت داشته باشد انتظار امام کرده شود هرگاه برای حاضرین تکلف باشد انتظار نه کردن هم درست است وگنجایش انتظار تاوقتی هست که وقت مکروه نشود (٤) فقط.

غیر مقلد چگونه است وامامت آنها جائز هست یانه: سوال: (۱۰۷۰) مردمیکه آمین بالجهر میگویند ورفع الیدین میکنند ودست ها رابالای سینه میبندند ودر امامان تقلید کسی را نمیکنند اینها چگونه هستند؟

جواب: برای عامی تقلید یک امام ضرور است ورنه به چلاندن رای خود وبسبب راعداری خواهشات اکثراً گمراه میشود چنانچه احوال غیرمقلدین زمانه موجود دیده میشود علماء بزرگ بزرگ نیز ازتقلید مجتهدین مثنی نشله اند ائمه حدیث ائمه فقه راببینیدکه همه وهمه مقلدین گذشته اند ماميبينيم که غیر مقلدین به زبان دعوای عمل بالحدیث والقران رامیکنند لاکن چنان

---

(۱) قال رسول الله ﷺ اوفروا اللحی (مشکوة باب الترجل ص ۳۸۰). ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ج۵ ص۳۵۹، ط.س. ج۱ ص۴۰۷.

(۳) واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰). ظفیر

(٤) ویجلس بینهما بقدر مایحضر الملازمون مراعیا الوقت الندب الا فی المغرب الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان ص ح۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۸۹). ظفیر

متبع میباشند که پروای مخالفت اجماع رانیز (۱) نمیکنند محرمات شرعیه رابرای خود حلال میازند در (۲) عقائدسختهای خلاف اسلاف میکشند بعض متعه (۳) را جائز میداند بعض نکاح بهمراه زیا ازچهار زن (٤) را دریک وقت جائز میگویند بعض مطلقه ثلاثه راکلمه (٥) واحدة دانسته نکاح ورجعت بدون حلاله رابه آن جائز میدانند بدرد گفتن به سلف صالح شعار آنها است چنین مردم در اهل السنة والجماعت داخل نیستند ونماز درپس آنها مکروه تحریمی است البته غیر مقلدین که اختلاف انها تنها درمسائل فرعی باشد آنها دراهل السنة والجماعة داخل اند ونماز درپس آنهابه شرط مراعاة فی مواقع الاختلاف درست وصحیح است والله تعالی اعلم.

امامت زیر پاکننده حق بطریق ناروا درست است یانه: سوال: (۱۰۷۱) زید امام یک مسجد است وجبراً میخواهد حق همسایه خودرا بگیرد ودروازه حویلی خودرا پیش وپس میکند وصحن خودرا زیاد میخواهد وبرای اثبات قبض دروغ قسم میخورد ایا این قسم درست است یانه؟ ونماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: از صورة سوال ثابت شد که زید به دروغ قسم خورده وحق بکررا قبضه کرده ومبتدع نیز هست امامت چنین شخص مکروه تحریمی است کما فی الشامی فهوکا المبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا (٦) فقط والله تعالی اعلم.

کسیکه مسلمان جدیدرا به شرکت درنماز عیدنمیگذارد چطور است امامت وی جائز است یانه: سوال: (۱۰۷۲) علماء دین چه میفر مایند در اقتداء ونسبت کفر واسلام چنان شخص که مسلمان جدید وغریب سند یافته راپست ورذیل میپندارد ودر روزعید ازجماعت مسلمانان وی را بیرون میکند ودرین این جمع به نماز نمیماندش حتی درهمه مسجدها به نماز نمیماندش؟

---

(۱) ببینید عرف الجاری صف ۳ اجماع چیزی نیست وهدیة المهدی ص ۸۲ ج۱ وص۸۳ ، وبدور الاهلة اودلیل الطالب وروضه ندیه وغیرها من کتب اهل الحدیث.

(۲) اجماع چیزی نیست وهدیة المهدی ص ۸۲ ج۱ وص۸۳ ، وبدور الاهلة اودلیل الطالب وروضه ندیه وغیرها من کتب اهل الحدیث.

(۳) بخاطر این مطالعه کردن جزء اول هدایه المهدی لازم است ۱۲.

(٤) ببینید: مقاصد الامامه اورساله عقائد فاسده مصنفه اهل حدیث واخبار اشاعة السنة وغیرها وهدیة المهدی ص ۱۱۲ ج۱) . ظفیر

(٥) ببینید: ظفر اللاضی بما یجب فی القضاء علی القاضی ص ۱٤۱ مؤلفه نواب صدیق حسن خانصاحب نقلا عن وبل الغمام للشوکانی.

(٦) ببینید عرف الجادی ص ۱۲۳ وغیرها. کتب اهل حدیث.

سوال: (۲) مرد میکه تعصبا بخاطر خراب کردن رونق عیدگاه شاهی. درمسجد گورستان نماز میخوانند در رابطه به اقتداء چنین حضرات چه حکم است؟ واگر دریک شهر دردوجای نماز عید خوانده میشود یکی درمسجد قبرستان که پیش امام آن صاحب قبلا ذکر شده است ودیگرها درعیدگاه میشود که امام صاحب آن دائم السکر وبدون طلاق وعدت درحالت حمل به طمع اجوره (مزدوری) عادی ومجوزه بسته کردن نکاح زن باشخص دیگر باشد درچنین موقع بخاطر اسباب فوق الذکر ودیگربه غرض رفع فساد ودیگر به این گمان که هیچ آفت نرسد گوشه تنهائي رابهمراه جماعت خود درجای سوم شهر نماز میخوانند این نماز جائز است یانه واین نماز وی او این خطبه نماز سوم درباره ریاست رئس بد وضرری است ویامحمود ونیک بخت وبرای منحوس ومضر گوینده به این نماز درشریعت چه حکم است؟

جواب: (۱) تحقیر وتذیل کردن وکشیدن هرمسلمان ازمسجد خواه قدیم الاسلام باشد یاجدید الاسلام حرام ونارواست مرتکب چنین کارهای فاسق است نماز درپس وی مکروه است.

جواب: (۲) ترک کردن عیدگاه وخواندن نماز عید درمسجد قبرستان (گورستان) مکروه است ودرمیان خود ازنفاق وشقاق واختلاف پرهیز کردن لازم است ازکار یکه سبب اختلاف درمیان مسلمانها میشود خود داری کردن لازم است درحدیث شریف است صلوا خلف کل بیر وفاجر نماز درپس فاسق اگر چه مکروه است از انداختن تفرقه این خواب است که درپس فاسق نماز بخوانید زیرا فتنه وفساد درسخت بودن زیاد است (۱) قال الله تعالی: وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۲) فقط.

امامت قبضه کننده حقهای دیگران جائز است یانه: سوال: (۱۰۷۳) درین باره علماء دین چه میفر مایند که یک شخص جاهل مطلق است زمین شخص نزدیک خود رابه زور روپیه ها چوب ومردها قبضه کرده هروقت آماده جنگ ومرگ است بدمعاشیها کرده جزا یافته حکومت انگلسی است دربندیخانه ها زنده را گذشتانده در زمین دیگر حویلی جوره کرده حالا آن مردم که وفات کردند اولاد های آنها به همین طریقه هستند یعنی همه زور خود را نشان میدهند وزبر

---

(۱) وفی النهر عن المحیط صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة اهـ (در مختار) افاد ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد لکن لا ینال کما ینال خلف تقی ورع اهـ ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ردالمحتار.

(۲) بقره. ۲٤ ، ظفیر . وفی العالمکیریة ص ۱٤۰ ج۱ الی الجبانة فی صلوة العید سنة وان کان یسعهم المسجد الجامع علی هذا عامة المشائخ. جمیل الرحمن

دستی نیز میکنند درهمین مردم زنا نیز میشود بنام سردار حافظ مشهور است مگر درحقیقت حافظ نیست ومیگوید که پابند شریعت هستم اما بالای کدام زمینیکه والد وغیره وی جاجوره کرده بود بهمان گونه قابض هست وبظلم کمربسته نماز درپس وی ازنگاه شریعت جائز است یانه؟ وحکم شرعی آن چیست؟

جواب: کدام شخص که بناحق زمین کسی راقبضه میکند وبالای آن خانه جوره کرده وقابض است شرعاً گنهگار وفاسق است امامت وی مکروه است کسی صالح مسلمان که ازمسائل نماز خبر باشد امام ساخته شود فقط والله تعالی اعلم (ویکره الی قوله: وفاسق الخ (درمختار) المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی واکل الربا ونحو ذلک کذا فی البرجندی اسمٰعیل وفی المعراج قال اصحابنا لاینبغی ان یقتدی بالفاسق الافی الجمعة لانه فی غیرها یجد اماما غیره اه (رد المختار صفحه ۵۲۳ جلد ۱. ان کراهة تقدیم کراهة تحریم لما ذکرنا اه (شرح المنیة).

کسیکه ارکان نماز را نمیشناسد لائق امامت هست یانه: سوال: (۱۰۷٤) (۱) یک شخص حافظ قرآن است وکسب تجارت میکند لاکن ارکان نماز را نمیشناسد چنین شخص لائق امام میشود یانه.

شرائط امام شدن چیست: سوال: (۱۰۷۵) برای امام موجودیت کدام کدام کارها ضرور است به کا رهائیکه وی لائق امام شدن میشود؟

جواب: (۱-۲) بهتر این است که امام مسائل نماز رابشناسد قران شریف راصحیح وعمده بخواند صالح وپرهیزگار باشد اگر بهمراه این کارها حافظ قران هم باشد بسیار خوب است لکن این سخن مقدم است که مسائل نماز را بداند بخاطر اینکه درنماز چنان غلطی نکند که نماز فاسد ومکروه می شود فقط والاحق بالامامة الاعلم باحکام الصلاة ثم الاحسن تلاوة للقراءة ثم الاورع ثم الاسن ثم الاحسن خلقاً ثم الاحسن وجهاً ثم الاشرف نسباً الخ (تنویر الابصار صفحه ۵۲.

امامت نگهدار زن طلاق شده جائز است یانه: سوال: (۱۰۷٦) یک شخص امام مسجد است وبه زن خود طلاق داد مگر تاحال درخانه نگاهش میکند وبعد ازطلاق ازوی پسرهم تولد شد مقتدیها میگویند که نماز مادر پس وی میشود گناه طلاق دادن به امام شد مگر یک روز یک شخص از جماعت جداشده گفت که نماز من درپس وی نمیشود امام صاحب گفت که وی کافر است پرسان این سخن را میکنیم که در پس این امام نماز میشود یا نه؟ وی که برایش کافر

گفت حکم ان چیست؟

جواب: اگر این امام همسرخودرا طلاق رجعی داده باشد رجوع کردن بدون نکاح جائز است واگر طلاق بائن یاطلاق مغلظ داده باشد نگهداری این زن بدون تجدید نکاح یا (حلاله) درست نیست واگر امام چنین کرده باشد نماز درپس وی مکروه خواهد بود زیرا وی فاسق است قابل دور کردن است کافر گفتن امام به یک مقتدی گناه کبیره است توبه کردن بروی لازم است فقط والله اعلم. کتبه عزیز الرحمن. ویکره الی قوله: وخلف فاسق الخ فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم ذکرنا الخ (رد المحتار) صفحه ۵۲٤) جلد ۱ مهدی عن ابی ذرقال قال رسول الله ﷺ لایرمی رجلاً بالفسق ولایکفر الا ارتدت علیه ان لم یکن صاحبه کذلک رواه البخاری (مشکوة باب حفظ اللسان) جمیل).

<u>به سبب مصلحت اجتماعی امام ساختن خارجی درست است یانه</u>: سوال: (۱۰۷۷) چه میفرمایند علماء دین درین مسئله که درمسلمانان اینجا به سبب حمله کفا ونصاری همه فرقه های اسلامی مانند خوارج شیعه شوافع واحناف به این سخن اتفاق آمده که ماهمه یکجا به اشتراک هم درپس یک شخص که سلطان واز خوارج است نماز عیدها واداء خواهیم کرد به همین گونه علماء شوافع وشیعه فتوی داده اند امضاها کرده اند ونماز خواندن درپس این سلطان را منظور کرده اند چون درینجا عالم حنفی نیست بدین سبب ازعلماء احناف برسان میکنیم که احناف درآن شریک باشند یانه؟

جواب: خوارج اهل بدعت اند واقتداء کردن درنماز درپس مبتدع مکروه تحریمی است در درمختار است که فهو (الفاسق) کا المبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم.

شامی صفحه ۵۲۳ جلد۱) لاکن دردو حالت جائز است یکی اینکه امام دیگر که امامتش شروع و(غیرمکروه) باشد پیدا نشود واین هم درحکم پیدانشدن است که درمقرر کردن امام دیگر فتنه باشد قال فی الدر المختار: هذا ان وجد غیرهم والا فلاکراهة در مختار (۵۲۵ جلد۱) حالت دیگر این است که آن امام شرعاً واجب الاطاعة باشد مثلاً سلطان مسلمین نافذ الامر باشد وی حتماً مردم راحکم کند که درپس من نماز بخوانید فوَجَبَ طاعة اولی الامر (مسلم) درحالت کراهت نیز ازخواندنِ نماز تنها درپس آنها بهتر است قال فی الدر المختار فان امکن الصلاة

خلف غیرهم فهو افضل والا فالاقتداء اولی من الانفراد شامی (۵۲۳ جلد۱) اشرف علی) بیشک درصورت حکم نمودن سلطان ضرور است چنانچه مفاد نصوص ذکرشده است فقط والله اعلم.

بعد از توبه کردن امامت گنهگار چگونه است: سوال: (۱۵۷۸) یک شخص بسیار گنهگار است لاکن وی توبه میکند امامت وی درست است یانه؟

جواب: درچنین حالت وی که وی توبه کند امامت وی درست است وخوارک خانه وی درست است فقط لقوله ﷺ التائب من الذنب کمن لاذنب له رواه ابن ماجه مشکوٰة صف ٦ ۲۰) جمیل الرحمن) واخرجه لفسق وخیانة فبعد مرة تاب الی الله واقام بینة انه صار اهلا کذلک فانه یعیده عالمگیری مصری جلد ۲ صفحه ۲۳٦).

امامت جذامی وسود خور: سوال: (۱۰۷۹) امامت جذامی وسود خور جائز است یانه؟

جواب: امامت جذامی وسود خور مکروه است اگر نماز بدهد فرض اداء خواهد شد. کذا فی کتب ([1]) الفقه فقط. اصغر حسین عفی عنه الجواب صحیح. عزیز الرحمٰن عفی عنه.

امامت کسیکه گاوهای دزدی را ذبح میکند چطور است: سوال: (۱۰۸۰) زن یک شخص بدون پرده درهرجا میگرد د وخودش نیز حیوانات دزدی را ذبح میکند علاوه از آن امامت هم میکند امامت چنین شخص شرعاً چه حکم دارد؟

جواب: امامت چنین شخص مکروه تحریمی است ([2]) فقط. کتبه رشید احمد عفی عنه، الجواب صحیح عزیز الرحمن عفی عنه مفتی مدرسه عربیه دیوبند).

امامت کسیکه پاکی وناپاکی اش مشتبه است: سوال: (۱۰۸۱) در یک مسجد لاوارث که درآن هیچ گونه آمدن نیست یک شخص که بیست ودوسال عمر دارد نماز میدهد به وی عارضه شدید جریان است وقطره نیز ازوی میآید درنماز وبیرون ازنماز وحافظ نیز نیست واندکی قران به یادش است پاکی وناپاکی وی درست نیست مسائل نیز خوب بیادش نیست وقتیکه وی به سفر میرود نماز گذاران کم میشود ومردم امامت وی را ترک نمیکنند بعض مردم به امامت وی خوش نیستند مگر گمان این است که نماز گذار باز به این مسجد نخواهند امد زیرکه آنها

---

(۱) وکذا تکره خلف امرد وسفیه ومفلوج وابرص شاع برصه وشارب الخمر وأکل الربوا. شامی ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲. جمیل الرحمٰن غفر له

(۲) قال فی الدر المختار وتکره امامة عبد وفاسق. وقال فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا ص ۵۲۳ ج۱. احمد علی سعید، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹.

این رامیگویندکه اگر بجای او امام دیگر مقرر شود مایان درینجا بالکل نماز نخواهیم خواند فقط والسلام خیر ختام.

جواب: چنین شخص را که پاکی وناپاکی وی اشتباهی باشد واز مسائل نیز واقف باشد امام ساختن مناسب نیست وبرای خودش نیز امام شدن مناسب نیست بلکه وقتیکه گمان آمدن قطره وغیره درنماز غالب باشد اصلاً وبالکل جائز نیست وکدام مردمیکه عذاب را به عهده خود میگیرد وبه امام ساختن وی اصرار میور زند سخنان آنهارا هیچ اعتباری نیست زیرا گفتار آنها خلاف حکم شریعت است واگر به امام شدن چنین شخص بسیار بودن نماز گذار ونادادن نماز کمبود نماز گذار میآید به این کار کدام حکم شرعی تطبیق نمیشود ووی مستحق امامت شده نمیتواند زیرا این ناخبری مردمان است هکذا یفهم من کتبا الشریعة المحمدیة ﷺ (۱) علی صاحبها والله تعالی اعلم کتبه الفقر اصغر حسین عنه الجواب صحیح بنده عزیز الرحمن عفی عنه)

امامت ولد الزنا: سوال: (۱۰۸۲) یک شخص که مادر پس بدون نکاح باشد وپدرش عقیده دارد که کنیز بدون نکاح مباح است باز پسانتر بهمراه آن نکاح کند ودرآنجا بدون وی کدام صاحب علم دیگر نباشد که امامت کرده بتواند امامت چنین شخص که سعادتمند وبه هرگونه لائق باشد درست است یانه؟

جواب: امام ساختن شخص ذکر شده بهتر است چون وی درقوم اعلم وافضل باشد هیچ خرابی درامامت وی نیست قال فی الدر الختار باب الإمامة والاحق بالامامة الاعلم باحکام الصلاة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الخ قال الشامی قوله بشرط اجتنابه الخ کذافی الدرایة عن المجتبی وعبارة الکافی وغیره الاعلم بالسنة اولا لا ان یطعن علیه فی دینه (۲) الخ فقط رشید احمد الجواب صحیح قال فی الشامی عن البحر وغیره: ولوعدمت ای علة الکراهة بان کان الاعرابی عن الحضـــری والعبد من الحر ولد الزنا من ولد الرشـــدة والاعمی من الی البصیر (۳)

---

(۱) والاحق بالامامة تقدیماً بل نصباً الاعلم باحکام الصلٰوة فقط صحةً وفساداً بشرط اجتنابه الفواحش الظاهرة الخ درمختار علی هامش الشامی ص ۵۲۰ ج۱ ویؤیده تعلیل کراهة امامة الفاسق قا ل فی الجوهرة ص ۵۸۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰، لانه لایهتم بامر دینه والاعمٰی لانه لایجتنب النجاسة وما فی الدر المختار فی بیان کراهة امامة المخالف ان تیقن المراعاة لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره ص ۵۲۶ علی الشامی ، جمیل الرحمٰن ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ .

(۲) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۰ . ظفیر

فالحکم بالضد الخ.

تعریف فاسق وفاجر وامامتش: سوال: (۱۰۸۳) (۱) فاسق وفاجر کی راگویند‌ه نماز درپس چنین شخص میشود یانه؟

هرگاه بدون امام معین شده دیگر امام شود ونماز را شروع کند وامام بیاید وی چه کند: سوال: (۱۰۸٤) (۲) اگر امام محله به سبب کدام عذر درمسجد نباشد ونماز گذاران کسی دیگر را امام سازند ونماز را شروع کند باز امام بیاید وی درجماعت شریک شود یانه؟ ونماز این مردم خواهد شد یانه؟

نماز درپس هرمسلمان جائز است: سوال: (۱۰۸۵) (۳) آیا نماز درپس هرمسلمان میشود

در امامت اعتبار به ذات است یابه علم: سوال: (۱۰۸٦) (٤) برای امامت لحاظ ذات است یا ازعلم؟

جواب: (۱) فاسق کسی راگویند که تارک او امر شریعت باشد ومرتکب منهیات باشد خواه ازبعض ویا از اکثر ویا ازهمه ومراد ازفاجر نیز همین است وامامت چنین شخص مکروه تحریمی است نماز درپس وی میشود اما مکروه میشود (۱) فقط

جواب: (۲) درصورت مسئوله نماز همه مقتدیها درپس امام دیگر درست شد برای ذکرشده شریک شدن درجماعت ضرور است

جواب: (۳) نماز درپس هرشخص درست است اگر چه اعلم ومتقی شدن ضرور وبهتر است

جواب: (٤) مقدم درامامت لحاظ علم است موجودیت علم از ضروریات است فقط رشید احمد- الاجوبة صحیحة.

امامت شخص فیشنی ویک چشمه درست است یانه: سوال: (۱۰۸۷) (۱) امام ازچشم کور است درهر روز سه جوره کالا راتبدیل میکند این روش وی چگونه است؟ ونماز درپس وی جائز است یانه؟

امامت دیوانه: سوال: (۱۰۸۸) (۲) شخصی که گاه گاه دیوانه میشود امامتش درست است یا

---

(۱) کره امامة الفاسق والفسق لغة خروج عن الاستقامة وهو معنی قولهم خروج الشیئ عن الشیئ علی وجه الفساد وشرعاً خروج عن طاعة الله تعالی بارتکاب کبیرة قال القهستانی ای او اصرار علی صغیرة (فتجب اهانته شرعاً فلایعظم بتقدیمه للامامة تبع فیه الزیلعی ومفاده کون الکراهة فی الفاسق تحریمیة. طحطاوی علی مراقی الفلاح، قال فی الدرالمختار والاحق بالامامة تقدیما بل نصباً الاعلم باحکام الصلوٰة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة ص ۵۲۰ ، ط. س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰ . ظفیر

نه؟

جواب: (۱) لازم است که پیش امام عالم صالح وپرهیز گار باشد درامام موجود از روی مسئوال کدام سخن ثابت نشدکه درپس وی نماز ناجائز باشد یک چشمه شدن امام سبب کراهت امامت نیست علی هذا روش وی نیز مطلقا موجب عدم جواز امامت نیست.

جواب: (۲) جنون ودیوانه گی اگر چنان باشد که هیچ وقت هوش بسرش نمیآید ودرهمین حالت نماز میدهد نماز درپس وی درست نیست واگر دروقت نماز دادن درهوش خود باشد نماز درپس وی صحیح است کما فی الدر المختار وکذا لایصح الاقتداء بمجنون مطبق اومنقطع فی غیرحالة وافاقته الخ قال الشامی: اما فی حالة الافاقة فیصح کمافی البحرعن الخلاصة شامی جلد اول صفحه ٦٠٤).

امامت کل درست است یانه: سوال: (۱۰۸۹) نماز درپس کل درست است یانه وکدام حدیث درکراهت نماز درپس کل (کچل) است یانه؟

جواب: نماز درپس کل (کچل) جائز است وقتی که وی خوب باشد وبسرش زخم نباشد نماز درپس وی بدون کراهت درست است هیچ حدیث مکروه بودن نماز درپس کل نیست فقط.

زن امام شده میتواند یانه: سوال: (۱۰۹۵) (۱) درنمازهای پنجگانه وتراویح زن امام زنها شده میتواند یانه؟

یک امام دردوجا امام شده میتواند یانه: سوال: (۱۰۹۱) (۲) یک امام دردوجا خطبه ونماز جمعه رداده میتواند یانه؟

جواب: (۱) اگراما م زنها زن باشد هرنماز مکروه است وفی العالمیگیریة صفحه ۸۰ جلد ۱ ویکره امامة المراءة للنساء فی الصلوات کلها من الفرائض والنوافل الخ جمیل الرحمن)

جواب: (۲) درجای دیگر به دفعه دوم نماز داده نمیتواند فقط. دستخط

(فی الدر المختار باب الامامة لایصح الاقتداء الی قوله ولامفترض بمتنفل الخ وفی الشامی صفحه ٦٠٨ فی باب الجمعه الخطبه والصلوة کشی واحد لکونهما شرطا ومشروطا الخ جمیل الرحمن.

امامت ولد الزنا غیر صالح: سوال: (۱۰۹۲) امامت ولد الزناء غیر صالح وغیرعالم جائز است یانه؟

جواب: امامت چنین ولد الزناء اگر چه جائز خواهد بود مگر ازکراهت خالی نخواهد بود هذا ان

واحد غیرهم والا فلا کراهة الخ درمختار علی الشامی صفحه ۵۲۵ وهمین قول مفتی به است.

در پس شیعه نماز میشود یانه: سوال: (۱۰۹۲) نماز اهل السنة درپس شیعه میشود یانه؟

نام اهل السنة والجماعة ازکدام وقت گذاشته شده: سوال: (۱۰۹٤) (۲) نام این فرقه ازچه وقت اهل السنت والجماعة گذاشته شده ووجه تسمیه اش چیست؟

کسیکه نه شیعه ونه اهل السنة باشد امامت وی چطور است: سوال: (۱۰۹۵) (۳) شخصی که نه شیعه باشد ونه اهل السنة نماز اهل السنة درپس وی جائز است یانه؟

کسیکه تعزیه مرثیه میکند آیاوی اهل سنت است: سوال: (۱۰۹٦) (٤) کسیکه تعزیه میشنود ویا از خانه کسیکه تعزیه میبراید ویادرخانه کسیکه تعزیه باشد ویاکسیکه درخانه اش مصیبت میشود (عزا داری) وی دراهل السنت داخل اندیانه؟ یا اهل شیعه اند.

ساخت وباخت بهمراهش درست است یانه: سوال: (۱۰۹۷) (۵) بالای اهل السنة والجماعة پرهیز کردن ازشیعه لازم است ویا بهمرا هش رفت وآمد برقرار دارد؟

جواب: (۱) نماز سنی درپس شیعه نمیشود زیرا بعض عقائد آنهاچنان میباشد که موجب کفر است لهذا درین صورت صحیح نشدن نماز سخن یقینی است واگر شیعه غالی نباشد ازهم احتیاط لازم است زیرا عقیده چیزی مخفی (پت) است وهیچ یک شیعه ازبد زدگفتن شیخین که عندالبعض کفر است وقذف عائشه که بالاتفاق کفر است خالی نمیباشد قال الشامی: ینبغی تقیید الکفر بالانکار لخلافه بما اذالم یکن عن شبهة الخ باب الامامة.

جواب: (۲) این گروه رابه این خاطر اهل السنة والجماعة میگویند که این گروه اهل حق متبع سنت رسول الله است وطریقه صحابه را محکم گرفته است قال النبی ﷺ ان الله تعالی بغرس فی هذا الدین غرساً یستعملهم فی طاعة لایالون من خذلهم ومن لایضرهم حتی یاتی امر الله ﷻ اوکماقال رواه ابن ماجه عن ابی هریرة رضی الله عنه.

جواب: (۳) از اقتداء چنین شخص خودداری کردن ضروری است هرکسی را که پروای حفاظت دین خود نیست فاسق است قال النبی ﷺ الامام ضامن والمؤذن مؤتمن رواه الترمذی.

جواب: (٤) این همه کارهارا که کدام شخص میکند شعار روافض است قال النبی ﷺ من تشبه بقوم فهو منهم کدام شخص که گفتن وشنیدن مرثیه راجائز میداند وبیرون کردن تعزیه را خوب میپندارد ودر آن شریک میشود سنی نیست بدعتی است وشریک وهمفکر روافض است

فقط والله تعالی اعلم.

جواب: (٥) بهمراه روافض رفت وآمد کردن روانیست. قال الله تعالی: فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ.

تاو دادن دستمال را عمامه گفته خواهدشد یانه: **سوال:** (۱۰۹۸) (۱) عمامه (یعنی دستار) که هفت یایازده گز میباشد درین شب وروز اما مها که کدام دستمال وغیره را دروقت امامت دورمیدهند این را چطور عمامه خواهیم گفت؟

زن کدام اما که ساری بسته میکند امامت وی جائز است یانه: **سوال:** (۱۰۹۹) (۲) زن امام ساری بسته میکند ولباسیکه زنان هندوها استعمال میکند نماز درپس چنین امام چطور میشود؟

جواب: (۱) شارع ﷺ تحدید هفت ویا یازده گزرا نکرده است ودرعرف که چیزی راعمامه میگویند بالای آن اطلاق عمامه کرده خواهد شد.

جواب: (۲) به این کار درامامت پیش امام هیچ کراهت نیست فقط والله اعلم.

امامت طلب کننده امداد ازغوث الاعظم درست است یانه: **سوال:** (۱۱۰۰) شخصیکه اشعار آتی رامیخواند امام ساختن وی چطور است؟ امداد کن، امدادکن، از درد وغم آزاد کن دردین ودنیا شاد کن یا غوث الاعظم دستگیر الخ؟

جواب: امام ساختن چنین شخص مناسب نیست بلکه متقی ومتبع سنت را امام ساختن ضرور است فقط قال الله تعالی: إِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوْهُمْ وقال تعالی: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ. جميل الرحمٰن دراشعار استمداد از غیر الله است که حرام است ومرتکب حرام فاسق مبتدع است وامامت وی مکروه تحریمی است.

امامت کسیکه بسبب فسق وی مرد ناراض باشند چه حکم دارد: **سوال:** (۱۱۰۱) از پیش امامیکه اکثر مردم به سبب فساد وچغل خوری وحسد ومغرور وغیبتی شدن ناراض باشند وبسبب آن بعض تارکین جمعه وبعضی تارکین مسجد شدند امام ساختن وی برای همیش جائز است یانه؟

جواب: چنان شخصیکه به سبب فسق ومعصیت مردم ازوی ناراض باشند برای دائم امام کرده نشود ونماز درپس وی مکروه است چنین شخص واجب العزل است وی معزول کرده شود فقط: والله تعالی اعلم. کتبه عزیز الرحمٰن مفتی مدرسه دارالعلوم دیوبند (رجل ام قوماً وهم له

کارهون ان کانت الکراهة لفساد فیه اولانهم احق بالامامة یکره له ذلک فتاوی عالمگیریة صفحه ۸۳ جلد ۱ بیان الامامة جمیل الرحمن.

<u>امامت تارک جماعت جائز است یانه</u>: سوال: (۱۱۰۲) خینه مهندی جائز است یانه؟ وامامت تاری جماعت جائز است یانه؟

جواب: خضاب (خینه) مهندی جائز است وبدون عذر ترک جماعت معصیت است امامت تارک جماعت مکروه است (وفصل فی المحیط بین الخضاب بالسواد الی قوله ومذهبنا ان الصبغ بالحناء والوسمة حسن کمافی الخانیة شامی ۳۳۹ جلد ۱ الجماعة سنة الی قوله وقیل: واجبة وعلیه العامة (درمختار) فی الاجناس لاتقبل شهادته اذا ترکها استخفافا اومجانة شامی ۵۷۹ جلد ۱ باب الامامة ویکره امامة الفاسق الخ (کبری).

<u>امامت نکاح کننده منکوحه مرد بیگانه درست است یانه</u>: سوال: (۱۱۰۳) یک مردزن غیر مطلقه شوهر دار رانکاح کرده این نکاح شد یانه؟ وکدام اولادیکه ازوی تولدشده وی چه حکم دارد؟ وامامتش جائز است یانه؟

جواب: نکاح کردن بهمراه زن غیر مطلقه حرام وباطل است اولادش ولد الزنا وامامتش مکروه است لقوله تعالی: حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ اُمَّهَاتُکُمْ الی قوله عزوجل: وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ الایة وفی الکبیری للحبی صفحه ۴۷۹: قدموا فاسقاً یأثمون بناء علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم جمیل الرحمن.

<u>امامت کسیکه دروی این اوصاف باشد چیست</u>: سوال: (۱۱۰۴) کدام شخصیکه غیر مقلد باشد کسیکه خودرا درین شب وروز اهل حدیث میگوید وحافظ کلا الله نباشد بلکه کلام پاک راغلط میگوید واکثراً به سبب مصروفیت درکار وبار دنیای پابندی اوقات نمازرا کرده نمیتواند نماز درپس چنین شخص میشود یانه؟ وامام ساختن چنین شخص درست است یانه؟ بخصوص وقتیکه شخص دیگر که حافظ کلام الله وظاهر از همه این سخنها صاف به نظر میخورد نیز موجود باشد کدام یک امام مقرر شود؟ ودیگر اینکه اگر امام سابقه به سبب ناخبری مقتدیها ام القوم باشد زیرا که وی همیش خودرا حنفی المذهب آشکار میکرد واز همه این کارها پرهیز میکرد مگر حالا از چند روز به این طرف بگمان احکام امامت خودرا غیر مقلد تبارز داد وبالای امامان دیگر سب وشتم راشروع کرد وافعال فوق الذکر ازوی صادر شد که بسبب آن درجمیعت

اسلامی تفرقه وفساد شروع شد وباوجود کراهت اکثر مقتدیان قوم مصروف امامت خود است تا اینکه نمبر دعوا درمحکمه عالیه رسمی آمد بهمراه آن این راهم میگوید که بدون اجازه من نکدام شخص مقرر شده میتواند ونه کدام شخص حتی همه یا اکثر نماز گذاران نیزمن را دور کرده نمیتوانند آیا در آینده اختیار مقرر نمودن امام درقبضه امام اول رفت؟

جواب: درامامت این غیر مقلد یک چند خرابی است که موجب کراهت امامت است لهذا دور کردن وی ومقرر کردن امام دیگر لازم است وامام سابق غیر مقلد را در امامت هیچ حقی نیست عزل وی لازم است قال فی الدر المختار ولوامٌ قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه اولانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریما لحدیث ابی داود: لایقبل الله صلوة من تقدم قوما وهم له کارهون ([1]) وفی الشامی باب الامامة ایضا (الدر المتخار علی هامش رد المحتار رباب الامامة صفحه ۵۲۲- جلد ۱- ظفیر) غرض اینکه شخص ذکر شده به سبب محرمات وعدم تقلید وبدرد گفتن به امامان دین که شعار غیر مقلدین است فاسق است ([2]) ومبتدع وامامت این هردو مکروه است وازحدیث ماسبقه ابوداود معلوم شد که کدام شخص که با وجود کراهت مقتدیها وبد پنداشتن آنها امام باشدوبه آن اصرار میورزد وجبرا امام شدن میخواهد اگر کراهت کردن مقتدیها بسبب خرابی وفساد امام باشند امام کردن چنین شخص مکروه تحریمی است واز عبارت شامی ثابت شد که دورکردن فاسق ضرور است: قال فی الشامی وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانته شرعاً ([3]) الخ شامی صفحه ۵۸۵ باب الامامة کتبه عزیز الرحمٰن.

<u>**نماز حنفی درپس شافعی جائز است یانه:**</u> **سوال:** (۱۱۰۵) اکثر امامان اینجاب بسم الله را بهمراه قرائت به آواز بلند میخوانند ورفع الیدین میکنند بعض نماز گذاران آمین بالجهر میگویند درپس چنین مردم نماز میشود یعنی ازحنفی؟ ودر پس الحمد را نیز میگویید؟

جواب: درمذهب امام شافعی خواندن بسم الله بهمراه فاتحه وسوره به جهر است بهمین خاطر آنها چنین خواهند کرد بنزد حنفیها نیست همچنان رفع الیدین وقراءة فاتحه خلف الامام مذهب

---

(۱) رد المحتار علی هامش رد المختار باب الامامة صفحه. ۵۲۲. جلد. ۱. ظفیر.

(۲) قال رسول الله ﷺ سباب المسلم فسوق وقتاله کفر. رواه مسلم، (مشکوٰة باب حفظ اللسان). ظفیر

(۳) ومن أم باجرة ومخالف کشافعی لکن فی وتر البحر ان تیقن المراعات لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره (درمختار) اما الاقتداء بالمخالف فی الفروع کالشافعی فیجوز ما لم یعلم منه ما یفسد الصلوٰة علی اعتقاد المقتدی علیه الاجماع الخ (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۶۲۶ . ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ – ۵۶۳). ظفیر

امام شافعی است این مردم که چنین میکنند شافعی المذهب خواهند بودن بالای آنها لازم است که به جهر نگویند تادرنماز نماز گذاران دیگر خلل نه آید بسبب ناخبری آنها چنین میکنند فقط.
(اگر مراعات مسائل ضروری را میکنند پس بدون کراهت اقتدایش جائز است ([1]) ظفیر.

امامت نافرمان ما در وپدر: سوال: (۱۱۰۶) کدام شخصی که نافرمان مادر وپدر خود باشد نماز درپس وی درست است یانه؟ ودرفائده دستش (مز دوری دست خود) چیزی به پدر ومادرش میرسد یانه؟ واگر مادر وپدر فقیران باشند اولاد مقدم است یا مادر وپدر؟

جواب: امامت وی مکروه است ([2]) بسبب فاسق شدن وبسته کردن نکاح وذبیحه (یعنی حلاله) وی درست است زیراوی مسلمان است واگر پدر وی محتاج باشنده نفقه وخرج آنها بالای بچه واجب است، به اهل وعیال خودهم بدهد وبه پدر ومادر خود نیز بدهد نفقه همه بالای وی لازم است وتجب علی موسر (الی قوله) النفقه لاصوله الفقراء ولوقادرین علی الکسب ([3]) الخ (رد المحتار) والله تعالی اعلم.

نماز مقلد درپس غیر مقلد: سوال: (۱۱۰۷) نماز مقتدی مقلد درپس غیرمقلد میشود یانه؟

جواب: اگر امام غیر مقلد مراعات این سخن رامیکند که آن کارهای را درنماز نه میکند که بسبب آن نماز حنفی فاسد یامکروه میشود متعصب نباشد اقتداء وی درست است درکتابهای فقه حنفی این تفصیل درج است در درمختار است: ان تیقن المراعاة لم یکره الخ (درمختار صفحه ۵۶۶). فقط

امامت گواهی دهنده به دروغ: سوال: (۱۱۰۸) نماز درپس شاهدی دهنده به دروغ درست است یا مکروه ونماز میشود یانه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است وقتیکه توبه کرد باز درست است بدون کراهت نماز درپس وی درهرحال میشود لاکن بدون توبه کردن مکروه ([4]).

امامت ولد الزنا ونابالغ: سوال: (۱۱۰۹) امامة ولد الزنا هل هی جائزة ام لا؟

سوال: (۲) وامامة صبی لم یبلغ الحلم فی الفرائض والنوافل جائز ام لا؟

---

(۱) ویکره تقدیم الفاسق ایضاً لتساهله فی الامور الدینیة (غنیة المستملی ص ۳۵۱). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار. باب النفقة ص ۹۳۱ – ۹۳۳ ج۲، ط.س. ج ۳ ص ۶۲۱. ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد واعرابی وفاسق مختصراً (درمختار، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹). ظفیر

(۴) ویکره امامة عبد واعرابی وفاسق مختصراً (درمختار، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹) ظفیر

جواب: (۱) ان کان صالحا عالماً ورعاً تجوز امامته بل هو اولی من غیره واذا لم یکن موصوفا بالاوصاف المذکورة لاتجوز کذا حققه فی الشامی وغره (۱).

جواب: (۲) لاتجوز امامة الصبی الذی لم یبلغ الحلم مطلقا لافی الفرائض ولافی النوافل التراویح وغیره علی الصحیح من المذهب (۲) فقط.

امامت لنگ: **سوال:** (۱۱۱۰) امامت لنگ وقدبخش چه حکم دارد؟ مکروه است یاچطور؟

جواب: اگر چنان لنگ باشد که پوره استاد شده نمیتواند امامت وی رامکروه تنزیهی (یعنی خلاف اولی نوشته اند ودر امامت قصیر یعنی قدپخش (کوتاه قد) کدام کراهت نیست وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالاقتداء بغره اولی الخ (۳) شامی.

امامت آدم صاحب سوزک: **سوال:** (۱۱۱۱) یک ادم را مرض سوزاک است داغ برایش بدون وقفه میآید نماز درپس چنین امام میشود یانه؟

جواب: اگر این شخص به اندازه عذر رسیده باشد ومعذور شده باشد که هروقت برایش داغ میآید وهیچ وقت نماز ازان خالی نباشد نماز غیرمعذورها درپس وی نمیشود وی امام ساخته نشود (۴) فقط.

امامت کسیکه در روزشکی روزه نمیگیرد: **سوال:** (۱۱۱۲) دریک جابه تاریخ یک کم سی (۲۹) اه اشکار نشد مردم (۵) احتیاطً روزه گرفتند دروقت چاشت خود پیش امام روزه را شکستاند وروزه مردم رانیز شکستاند درشام ماه کلان بود همه یقین کردند که ماه به یک کم سی (۲۹) بر آمد است همچنان در اطراف دیگربه تاریخ یک کم سی (۲۹) ماه دیده شد قضاء این روزه است یانه وافطار کننده روزه گنهگار شد یانه؟ برای امام چه حکم است؟ امامت وی درست است یانه؟

---

(۱) بینبد شامی ص ۵۲۵ ج۱ وفی غنیة المستملی ویکره تقدیم ولد الزنا بناء علی ان الغالب فیه الجهل (الی قوله) حتی لوتحقق فیه عدم الجهل لایکره تقدیمه (ص ۳۵۱) . ظفیر

(۲) ولایصح اقتداء رجل بامرأة الخ وصبی مطلقًا ولو فی جنازة ونفل علی الاصح (درمختار) انه لایجوز فی الصلٰوة کلها (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۹ ۰ ۵۴۰- ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۶). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲ . ظفیر

(۴) وکذا لا یصح الاقتداء بمجنون مطبق (الی قوله) ولاطاهر بمعذور (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۷). ظفیر

(۵) ولایصام یوم الشک (الی قوله) وینظر غیرهم بعد الزوا ل به یفتی (درمختار کتاب الصوم، ط.س. ج۱ ص ۳۸۱). ظفیر

جواب: درین صورت بالای این امام وبالای افطار کننده گان دیگر هیچ گناه نه شد امامت وی درست است قضاء این روزه لازم خواهد شد.

امامت بچه باز بعد ازتوبه: سوال: (۱۱۱۳) عبد الغنی نام دربچه بازی مشهور بود حالاوی ازصدق دل توبه کرده است نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: بعدازتوبه بدون تردد وبدون کراهت درپس عبدالغنی نماز درست است کدام شبه کردن ضرور ([1]) نیست.

امامت غیر مقلد: سوال: (۱۱۱٤) (۱) نماز درپس غیر مقلدین درست است یانه؟

امامت قادیانی: سوال: (۱۱۱۵) (۲) نماز درپس قا دیانیها چطور است؟

جواب: نماز درپس غیر مقلدین متعصبین مناسب نیست ([2]).

جواب: (۲) نماز خواندن درپس قادیانها روانیست ([3]).

امامت نابالغ درتراویح: سوال: (۱۱۱٦) بچه نابالغ درتراویح امام شده میتواند یانه؟ ودرپس نابالغ تراویح درست است یانه؟

جواب: مذهبی مفتی به احناف (رح) این است که تراویح درپس نابالغ درست نیست ([4]).

امامت کسیکه بالایش تهمت غلط بسته شود درست است: سوال: (۱۱۱۷) (۱) یک شخص شریف که بسیار خوب قرآن شریف میخواند خلاصه اینکه همه مردم شهروی را قابل امامت میدانند تنها یک شخص بالایش این اتهام رامیبندد که وی عمل بیکار رامیخواند ودوهندو را شاهد ساخته است که بیشک وی او را درکاره میخواند واین امام از آن بالکل انکار میکند

---

(۱) التائب من الذنب كمن لاذنب له (مشكوٰة ص ۲۰٦) ظفير.

(۲) در درمختار است که: وكذا تكره خلف امرد (الى قوله) وزاد ابن الملک ومخالف. درشامی درسلسه اقتداء مخالف مذکور است: وخالفهم العلامة الشيخ ابراهيم البيرى بناء على كراهة الاقتداء بهم لعدم مراعاتهم فى الواجبات والسنن (شامى ص ۵۲۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦٤) ظفير، وان انكر بعض ما علم من الدين الضرورة كفر بها (الى قوله) فلا يصح الاقتداء به اصلا (شامى ص ۵۲٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۱). ظفير

(۳) در در مختار است که: وكذا تكره خلف امرد (الى قوله) وزاد ابن الملک ومخالف. درشامی درسلسله اقتداء مخالف مذکور است: وخالفهم العلامة الشيخ ابراهيم البيرى بناء على كراهة الاقتداء بهم لعدم مراعاتهم فى الواجبات والسنن (شامى ص ۵۲۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦٤) ظفير، وان انكر بعض ما علم من الدين الضرورة كفر بها (الى قوله) فلا يصح الاقتداء به اصلا (شامى ص ۵۲٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۱). ظفير

(٤) فلا يصح اقتداء رجل بامرأة وصبى مطلقا ولوفى جنازة ونفل على الاصح (درمختار) وفى رد المحتار قا ل فى الهداية وفى التراويح والسنن المطلقة جوزه مشائخ بلخ ولم يجوز مشائخنا (الى قوله) والمختار انه لا يجوز فى الصلٰوة كلها ص ۵٤۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷٦) ظفير.

حالا بفرمآئیدکه جزاء شخصیکه بالای چنین امام نیک که تمام مردم شهر اوراخوب میدانند تهمت میبندد چیست؟

امامت کسیکه درپایش باشد چگونه است: سوال: (۱۱۱۸) (۲) درپای یک شخص کجی است وامام مسجد است لاکن قران شریف راخوب میخواند درپس چنین امام نماز خواندن درست است یانه؟

امامت صاحب داغ سفید درزیر ناف درست است یانه: سوال: (۱۱۱۹) (۳) اگر در زیرناف یک شخص داغهای سفید باشد نماز خواندن درپس وی چگونه است؟

جواب: (۱) هرگاه ثبوت این اتها میکه بالای امام بسته شده نباشد امامت وی بدون کراهت صحیح است. تهمت کننده بدروغ عاصی وفاسق است توبه کند.

جواب: (۳) درشامی است: وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالا قتداء بغره اولی تاتار خانیه ([1]) ازین روایت معلوم شد که درخواندن نماز درپس لنگ هیچ حرج نیست.

جواب: (۳) درپس وی نماز بدون کراهت درست است زیرا که فقهاء امامت ابرص راکه مکروه نوشته اند مشروط به این که برص وی ظاهر باشد واین داغها ظاهر نیست وکذا یکره خلف امرد وسفیه ومفلوج وابرص شاع برصه ([2]) الخ.

به سبب ترک واجب که اعاده کدام نمازها میشود کسیکه درجماعت اول شریک نبود نماز خوانده میتواند یانه؟ سوال: (۱۱۲۰) به ترک نمودن واجب نماز میشود یانه؟ اگر اعاده آنرا میکند کدام شخصیکه درنماز اول شریک نبود اقتداء کند یانه اگر اقتداء کند نماز درست است یانه؟

جواب: این نماز ناقص اداء شده اعاده آن واجب است اگر اقتداء وی برای مفترض (فرض کننده درست نیست نماز آن مقتدیها که قبلاً نماز نه خوانده بود صحیح ([3]) نخواهد بود.

وقتی به امام مریض شبه قطره باشد وی چه کند: سوال: (۱۱۲۱) شخصی از مجبوریت امامت میکند زیرا در آنجا کدام شخص دیگر نیست که امامت بکند، هرگاه برای این شخص در

---

(۱) ردالمحتار باب الامامة بعد مطلب فی امامة الامرد ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الامامة بعد مطلب فی امامة الامرد ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۳) ولها واجبات لاتفسد بترکها وتعاد وجوبا الخ والمختار انه جابر للاول لان الفرض لایتکرر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ص ٤۲٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۷۰). ظفیر

نماز قطره (چکک) بباید امامت راپوره کند یانماز را اعاده کند وامام* مرض قطره دارد؟

جواب: تاوقتیکه یقین بیرون شدن قطره نباشد نماز را پوره کند وسنت ونفل همه را بخواند (۱).

امامت ظالم وخائن درست است یانه: **سوال:** (۱۱۲۲) زید از عمریک حویلی رابه یازده صد روپیه خرید وبخاطر مصلحت از فروشنده این اقرار را گرفت که قیمت آن دوازده صد نوشته شود وهمینطور شد مگر بعد ازنوشتن هرگاه روپیه بدست وی آمد ومشتری فسخه کردن روپیه اضافه را خواست معاهده رافسخ کرد واز ادا کردن روپیه اضافه که به سبب آن فروشنده مذکور درهمه شهر بدنام شد وبد دیانت وغدار مشهور شد انکار کرد علاوه از آن شب وروز در تجا وزات وغیره معاهدات مخالف شرع منهمک میباشد آیا چنین شخص مستحق امامت مسجد ویامدیریت مدارس اسلامی که منصب بلند است هست یانه؟ بهمراه آن اگروی به یک چنین منصب براقرار گذشته شود بدگمانی مردم پیدامیشود ودراعانت این مدرسه نقصان واقع میشود؟

جواب: باز پس گرفتن پول اضافه از قیمت معین ظلم صریح وخیانت است وخائن وظالم قابل امام ساختن ومهتمم ساختن نیست هکذا فی کتب الفقه واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامردینه وبان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانته شرعا الخ ردالمحتار المعروف بالشامی (۲) وایضا فی کتاب الوقف منه جلد۳ عن الاسعاف ولایولی الا آمین قادر بنفسه اوبنائبة لأن الولایة مقیدة بشرط النظر ولیس من النظر تونیة الخائن لانه یخل بالمقصود (۳).

نماز درپس یک چشمه درست است یانه: **سوال:** (۱۱۲۳) زید حافظ قرآن ویک چشمه است نماز درپس وی درست است یانه؟ اگر کدام شخص درعلم ازوی زیاد باشد آیا برای وی نیز یک چشمه جماعت داده میتواند؟

جواب: حافظ یک چشمه مانند بینای دوچشمه است درپس وی نماز صاحب علم اضافه ازوی ویاصاحب علم ماندوی بدون کراهت درست است سبب مکروه بودن امامت نابینارا فقها این نوشته اند که سبب نبودن چشمها برای وی خود داری نمودن از نجاست مشکل است (والاعمی لانه لا یتوقی النجاسة هدایه باب الامامة صفحه ۱۱۰ جلد۱) کارمرد یک چشمه به واسطه یک

(۱) الیقین لایزول بالشک (الاشباه والنظائر القاعدة الثالثه ص ۷۵) . ظفیر

(۲) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ (رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۳ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الوقف. مطلب فی شروط المتولی. ص ۵۲۳ ج۳ ، ط.س. ج۴ ص ۳۸۰ . ظفیر .

چشم چنان روان میباشد که مانند کار بینا روان میباشد (ظفیر)

امامت کسیکه به مزدوری کا غذات سودی را مینوسید چگونه است: سوال: (۱۱۲٤) یک شخص به همراه سود خور میباشد ودر مقابل اجوره کاغذات سودی را مینوسید آیا نماز درپس چنین شخص درست است؟

جواب: سودخور ونویسنده فاسی اند ودرپس فاسق نماز مکروه است به این خاطر خواندن نماز در پس وی مکروه (۱) است که انحضرت (ﷺ) بالای نویسنده کاغذات سودی نیز لعنت فرموده واو را دران گر وشمار نموده است عن جابر قال لعن رسول الله (ﷺ) اکل الربوا او موکله وکاتبه وشاهدیه وقال هم سواء رواه مسلم مشکوة باب الربوا. صفحه ۲٤٤).

نماز فرض گذار درپس نفل گذار نه میشود: سوال: (۱۱۲۵) اگر یک امام دردوجا نماز میدهد یعنی دردو شهر درست است یانه؟

جواب: هرگاه این امام درجای دوم نماز داد نماز نه شد زیرا اگر نماز اول موافق قاعده شریعت شده باشد کدام نمازی راکه وی دوباره خواند آن نفل است ودرپس نفل خوان فرض وواجب درست نیست پس کدام مردمیکه در دفعه دوم درپس وی نماز خواندند نماز آنها (۲) نه شد.

اگر امام نیت اقتداء هیچ کس را هم نه کند نماز مقتدی میشود: سوال: (۱۱۲٦) زید دریکجا امام است وبکر دربان همینجا است ودرمیان زید وبکر اختلاف است بکر درپس زید نماز میخواند لاکن بسبب عداوت زیدنیت اقتداء وی رانمیکند درین صورت نماز بکر میشود یانه؟

جواب: نماز بکر صحیح است زیرا که اگر امام نیت امامت مقتدیهارا بکند یانه کند بهرحال نماز مقتدیها (۳) میشود.

هرگاه ماهر فن تجوید نباشد امامت وی درست است یانه: سوال: (۱۱۲۷) اگر امام قران شریف راکه صحیح میخواندن درفن تجوید مکمل ماهر نباشد نماز درپس وی میشود یانه؟

جواب: درنماز کدام نقصان نمیاید.

---

(۱) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ (رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۳ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲). ظفیر

(۲) ولا مفترض بمتنفل (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵٤۲ ج۱ ، ط.س ج۱ ص ۵۷۹). ظفیر

(۳) ولایشترط لصحة الاقتداء نیة امامة المقتدی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص ۳۹٤ ج۱) ظفیر

نماز حنفی درپس غیر مقلد میشود یانه: سوال: (۱۱۲۸) نماز حنیفها درپس غیر مقلد جائز است یانه؟

جواب: درین جا چیزی تفصیل است که درینجا گنجائش نوشتن آن نیست ونه ضرورتش است زیرا کتابها ورسائل درین رابطه موجود است کوتاه اینکه درنماز خواندن درپس غیر مقلدها احتیاط لازم است.

امامت ولد الزناء دیندار درست است یانه: سوال: (۱۱۲۹) اقتداء وامامت شخص ولد الزناء (که ازارگان اسلام مکمل واقف باشد وپرهیزگا ربا عمل باشد) شرعاً جائز است یانه؟

جواب: امامت بدون کراهت درست است (۱).

امامت امامیکه در روزهای عید به همراه سرودوباجه میرود وسود خور نیز هست چگونه است: سوال: (۱۱۳۰) قاضی صاحب وقتیکه برای امامت نماز عید میرود وازخانه خود میبراید دولک چی به زدن دول پیش پیش قاضی صاحب به عیدگاه میرود همچنان بعداز نماز به خانه میآید (میرود) این عمل ثواب است یاگناه وقاضی جهراً وآشکا راً سود میگیرد وقرآن شریف را نیز غلط میخواند؟

جواب: این کار قاضی که دول میزند درست نیست ونماز درپس سود خور مکروه تحریمی است (۲) فقط

امامت کسیکه به پدر دشنام میدهد درست است یانه: سوال: (۱۱۳۱) شخصی پدر خودرا دربد دهد وهمیشه دشنام دهد غرض بسیار سیاست میکند ودروغ میگوید موافق کتاب چه حکم دارد؟ واین شخص را اقتداء جائز است یانه؟

جواب: ایذاء دادن پدر گناه کبیره است ومعصیت سخت است اگر توبه نکند واز پدر معافی نخواهد نماز درپس وی مکروه است که اوفاسق است: قال الله تعالى: فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۳).

---

(۱) ویکره تنزیها امامة عبد الخ واعرابی الخ وولد الزنا (در مختار) لکن ما فی البحر صرح به فی الاختیار حیث قال ولو عدمت علة الکراهة بان کان الاعرابی افضل من الحضری والعبد من الحر ولد الزنا من الرشدة والاعمٰی من البصیر فالحکم بالضد (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰). ظفیر

(۲) وکذا تکره خلف امرد الخ وشارب الخمر وآکل الربا ونمام ومراء ومتصنع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۳) سورة بنی اسرائیل: رکوع ۳. ظفیر

امامت مسافر یکه سه رکعت خوانده باشد اقتداء وی درست است یانه: سوال: (۱۱۳۲) امام مسافر سه رکعت خواند در رکعت چهارم مقتدی شامل شدوی سه رکعت باقیمانده را به کدام طریقه خواهدخواند؟

جواب: چون امام مسافر است برایش مناسب بود که دو رکعت میخواند اگر وی چهار رکعت سهواً بخواند دو رکعت اخیروی نفل شد لذا اقتداء وی برای مفترض دررکعت چهارم درست نیست (۱) ونماز نشد فقط.

امامت شنونده ساز وسرود: سوال: (۱۱۳۳) اذ اذهب الامام الی مجلس الفجرة وسمع المزا میر والرف والرقص وغرها من انواع اللهو واللعب هل یجوز الصلٰوة خلفه ام لا؟

جواب: تجوز مع الکراهة اما الجواز فلقوله ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث واما الکراهة فلان فی تقدیم الفاسق تعظیم وقد وجب علیهم تحقره کذا فی الشامی (۲) فقط.

امامت سوالگران حرفوی: سوال: (۱۱۳٤) فقیرانیکه حرف خیر خواستن را دارند خواندن نماز درپس آنها جائز است یانه؟

جواب: سوالگر فقیر حرفوی اکثراً مرتکب کار حرام میشود زیرا سوال کردن برای انها درست نیست بسیار از آنهاغنی ومالدار میباشند وبسیاری از آنها قوی وتندرست میباشند که کارمحنت کرده میتوانند وخوار که همراهش موجود میباشد درین صورت چون فقیر خالش آن باشد که ذکر شد شرعا فاسق شد ونماز درپس فاسق مکروه میشود (۳) فقط.

امامت تعلیم دهنده قصدی مسئله غلط: سوال: (۱۱۳۵) (۱) اگر امام به امید پوست قربانی مسئله راغلط میگوید حکمش چیست؟

امامت امام تنخوادار: سوال: (۱۱۳٦) (۲) امامانیکه به گرفتن تنخوا نماز میدهند واگر تنخوا برایش حاصل نشود امامت نمیکند نماز درپس آنها جائز است یانه؟

جواب: (۱) درعوض امامت دادن قیمت پوست قربانی درست نیست اگر امام مسئله را غلط نشان میدهد گناه بالایش است نماز در پس وی مکروه است: ویکره امامة عبد واعرابی وفاسق)

---

(۱) وکذا لایصح علی تداء بمجنون الخ ولامفترض بمتنفل وبمفترض آخر لان اتحاد الصلاتین شرط عندنا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵٤۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۸). ظفیر

(۲) بیند ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲). ظفیر

(۳) ویکره امامة عبد واعرابی وفاسق الخ مختصراً (درمختار) ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰ . ظفیر

ومختار مختصر صفحه ۵۲۳ جلد۱) ظفیر.

جواب: (۲) نماز آنها میشود مگر برای آنها گرفتن این درفشار امامت درست نیست.

امامت دیوث: سوال: (۱۱۳۷) زن زید به سبب زنا حامله شد ویک پسرش تولد شد طلاق دادن به چنین زن ضرور است یانه؟ زید میگوید که اگر الله ﷻ مرابه جهنم میاندازد هم من به وی طلاق نخواهم داددیوث گفتن به چنین شخص جائز است یانه؟ وباید دیوث گوینده کدام جرم است یانه وزن بهمان گونه درحرام کاری مبتلا است نماز درپس این شخص میشود یانه؟ اگر امام درجای بلند باشد ومقتدیها درجای پائین باشند نماز صحیح خواهد بود یانه؟

جواب: طلاق دادن ضروری وواجب نیست وکذا فی الدر المختار چنین گفتن برایش مناسب نیست این گفتار حرام است نه گنهگار است ونماز درپس وی صحیح است لاکن اگروی به کارزن خودراضی است نماز درپس وی مکروه (۱) است واگر بسیار بلند باشد مکروه است ورنه درست است (۲) فقط.

امامت زانی: سوال: (۱۱۳۸) یک شخص نکاح دختر نابالغ خودرا درحضور دوشاهد بهمراه شخص دیگر بسته کردن پسرکاکای دختر وی رابه رفتن به پیش شوهر وی نماند وبهمراه خود نگاهش میکند برای این شخص چه حکم است؟ ویک ملا میگوید که امامت این شخص جائز است کسیکه زن دوم را درخانه خودنگاه داشته ومیگوید که فرعون ملعون به جنت خواهد رفت وقبل از این آدم یک کم دوه آدم گذشته است وجماعت در شهرهای عیسائیان جائز است وسیاه کردن زن مباح است درباره این شخص چه حکم است؟

جواب: این شخص کسیکه این زن رانگهداشته وبه رفتن به پیش شوهرش نمیماند ظالم وفاسق است وامامت وی مکروه است کذا فی الشامی وغیره من الکتب الفقهیه واین ملاتکه عقائد خلاف عقائد اهل السنة والجماعة راظاهر میسازد ضال ومضل است وبه اقوال او اعتباری نیست اعتقاد داشتن به وی حرام است قال ﷺ یکون فی اخر الزمان دجالون کذابون یاتونکم من الاحادیث بمالم تسمعوا انتم ولا ابائکم فایاکم وایاهم لایضلونکم ولایفتنونکم رواه (۳) مسلم وفی حدیث

---

(۱) ویکره امامة عبد واعرابی وفاسق الخ مختصرا (الدر المختار باب الامامة ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ — ۵۶۰).

(۲) والفراد الامام علی انه کان للنهی وقدر الارتفاع بذارع ولاباس بما دونه (درمختار) قوله للنهی وهوما اخرجه الحاکم انه ﷺ نهی ان یقوم الامام فوق ویبقی الناس خلفه (ردالمحتار ص ۶۰۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۴۶). ظفیر

(۳) مشکوٰة باب الاعتصام بالسنة فصل اول ص ۲۸ . ظفیر

البخاری ومسلم حتی اذالم یبق عالم اتخذ الناس روساء جهالاً فسئلوا فافتوا بغیر علم فضلو او اضلو فقط والله تعالی اعلم.

بسبب امام فاسق جماعت دوم: سوال: (۱۱۳۹) درمسجد یک فاسق نماز میدهد در آن مسجد خواندن جماعت دوم جائز است یانه؟

جواب: قال فی الدر المختار: صلی خلف فاسق اومبتدع نال فضل الجماعة قال الشامی: قوله نال فضل الجماعة: افاد ان الصلوة خلفهما اولی من الانفراد (۱) درین مسجد جماعت دوم در امت نیست نماز خواندن درپس همین امام لازم است زیرا که نماز خواندن درپس وی بهتر است انرا تنها خواندن جماعت دوم درمسجد محله روانیست فقط.

نماز درپس امام تنخوادار رواست یانه: سوال: (۱۱٤۰) (۱) تنخوا گرفتن بالای امامت جائز است یانه؟ وکدام امام که تنها تنخوا میگیرد نماز درپس وی درست است یامکروه (۲) است؟

درمیان امام معین ومقتدی عالم کدام مستحق امامت است: سوال: (۱۱٤۱) (۲) دریک مسجد امام معین است ویک عالم نیز موجود است خواندن نماز درپس کی مناسب است؟ ونماز عالم درپس امام مقرر شده صحیح است یانه؟

جواب: (۱) گرفتن تنخوا به امامت درست است چنانچه درکتابهای فقه مصرح (۳) است پس درنماز خواندن درپس تنخوا دار هیچ کراهت نیست وهیچ تردد کردن مناسب نیست.

جواب: (۲) نماز خواندن درپس امام معین بهتر است ونماز عالم درپس امام معین صحیح است دردرمختار است امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقا ای وان کان غیره من الحاضرین من هو اعلم واقراء منه (شامی صفحه ۵۲۲- جلد- ۱-

هرگاه جای نماز نجس باشد در نماز خواندن بالای آن این تفصیل است که اگر جای سجده وقدمها پاک باشد نماز صحیح است ورنه نیست ودرجای دستها وزانوها خلاف است که نماز فاسد میشود یانه؟ پس اگربدون این جا کدام جای دیگر جای نمار نجس باشد نماز میشود ودرین

---

(۱) مشکوٰة کتاب العلم فصل اول ص ۳۳ . ظفیر

(۲) ببیند ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۲ . ظفیر

(۳) ولا لاجل الطاعات (الی قوله) ویفتی الیوم بصحتها تعلیم القرآن والفقه والامامة والاذان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی الاستیجار علی الطاعات. ط.س. ج٦ ص ۵۵). ظفیر

صورت هیچ اعتراض نیست در درمختار باب الشروط است که:
وطهارة مكانه ای مواضع قدميه اواحد اهما ان رفع الاخرى وموضع سجوده اتفاقا فی الاصح لاموضع يديه وركبتيه على الظاهر الخ ودرشامی است: وفی البحر واختار ابوالليث ان صلوته تفسد وصحيحه فی العيون (۱) فقط.

شخصی تنها نماز میخواند ودیگری مقتدی وی گشت واستاد شد:

سوال: (۱۱٤۲) شخصی تنها درمسجد نماز میخواند شخص دیگر درمیان آمده نیت بسته کرده ومقتدی شد وشخص اول به امامت نماز فرض واداء کرد درین صورت امامت وی واقتداء آن دیگر درست شد یانه؟

جواب: درین صورت نماز شد وامامت اقتداء جائز شد (۲).

نماز فرض خوان درپس نفل خوان: **سوال:** (۱۱٤۳) اگر امام نفل میخواند ومقتدی فرض اگر درپس وی فرض رابخوا ند فرض مقتدی ادا خواهد شد یانه؟

جواب: درین صورت فرض مقتدی نمیشود دردر مختار است واتحاد مکانها و (۳) صلو تهما فقط.

امامت کسیکه درنماز حرکت میکند: **سوال:** (۱۱٤٤) (۱) امامیکه درنماز شور میخورد وحرکت میکند آیا نماز درپس وی جائز است؟ اگر درعادت وی داخل باشد درین صورت چه حکم است؟

امامت غسال وسوالگر: **سوال:** (۱۱٤٥) (۲) کسیکه مرده شوی ویک چشمه لنگ وسوالگر باشد قاضی ویا امام مقرر کردن چنین شخص چگونه است؟ ودختر خود را بهمراه شادی (توی) شدن ازرفتن به نزد شوهرش منع میکند وآن دختر اوا ره میباشد وآواره بودن دختر به اشاره وی باشد امام ساختن وی درست است یانه؟

جواب: (۱) کسیکه درنماز حرکت میکند درپس وی نماز نخوانید.

---

(۱) رد المحتار باب شروط الصلوٰة ص ۳۷٤ ج۱). ظفیر

(۲) ای من صلی مع واحدة اقامة عن يمينه (غنية المستملی ص ٤٨٥) ويقف الواحد ولوصبياً محاذيا ای مساويا ليمين امامه على المذهب الخ (الدر المختار على هامش رد المحتار ص ٥٣٠ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٦). ظ

(۳) الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥١٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٧٤. ولا مفترض بمتنفل وبمفترض فرضا أخر لان اتحاد الصلاتين شرط عندنا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٤٢ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٧٩). ظفير

جواب: (۲) شستن مرده هاگناه نیست نماز درپس وی صحیح است امامت یک چشمه درست است وامامت لنگ خلاف اولی است ونماز درپس سوالگر مکروه است. وشخصیکه دختر خودرا به شوهرش روان نمیکند وبدون سبب حصارش میکند وبه آواره گشتن دختر راضی وخوش حال میباشد وی فاسق وبدکار است امامتش مکروه است فقط والله تعالی اعلم ۸۳۰ رجب سنه ۳۲ هجری.

امامت ولد الزنا: سوال: (۱۱٤٦) حکم امامت حرامی چیست؟ خصوصا درچنان حالتیکه درمسجد ده نماز خوان است ودر آنها یکی حرامی است وهمان حرامی عالم واز مسائل باخبر است (۹) نوباقیمانده جاهلانه اند درین صورت جاهل از شریعت نماز بدهد یا حرامی؟ مشهور است که نماز درپس حرامی درست نیست؟

جواب: نماز درپس حرامی درست است وسخنیکه درمردم مشهور است غلط است ودرصورت مسئوله امام ساختن وی بدون کراهت درست وجائز است زیرا ازهمه زیاد ازمسائل نماز خبردارد وفقهاء دلیل کراهت را این نوشته فرموده اند که کسی پدر شفقت کننده حرامی نمیباشد لهذا وی جاهل میباشد ثابت شد که اگر جاهل نباشد بدون کراهت جائز است حتی درین صورت ازهمه حقدار نیز است امام ساختن وی مناسب است کمافی الدر المختار: الاحق بالامامة اعلمهم باحکام الصلوة نصبا واماما وقال فی الهدایة یکره تقدیم الفاسق وولد الزناء لانه لیس له آبٌ لیس فقه فیغلب علیها الجهل وفی الشامی ولوعدمت ای علة الکراهة بان کان الاعرابی افضل من الحضری والعبد من الحر وولد الزناء من ولد الرشدة والاعمی من البصیر فا الحکم بالضد (۱).

این گفتار چطور است که من به شما نماز شما را میدهم: سوال: (۱۱۳۷) امام مسجد یک روز نماز شام رانه خواند مردم ازوی پرسید جواب داد که من نماز خودرنه میخوانم به شما نماز شمارا میدهم این لفظ در کفر داخل است یانه؟ ونماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: (۱) این درحکم کفر نیست نماز درپس چنین امام اگر چه درست است لاکن مکروه تحریمی است واجب است که وی رامعزول کنید وکدام شخص دیگر را امام سازید زیرا به سبب این کلمه حکم فاسق به وی داده خواهدشد.

جواب: (۲) درنظرکسی که نقص باشد اما ازنجاسات دور میشود نماز درپس وی بدون کراهت

---

(۱) ردالمحتار، باب الامامة ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵٦۰ . ظفیر

درست است واگر از نجاست دور شده نمیتواند مکروه است در درمختار است ویکره امامة العبد ونحوه الاعمی در مختار (۱) فقط.

امامت ریش ترش: سوال: (۱۱۴۸) (۱) دریک شهر مدرسه انگلسی است که در آن علاوه ازتعلیم درس دینیات نیز تعلیم داده میشود لاکن به قانون رسمی (سرکاری) عمل میشود مثلاً درین شب وروز وقت مدرسه ازده (۱۰) بجه روز تاسه (۳) بجه روز است ودرمیان به ساعت یک بجه رخصتی بیست (۲۰) دقیقه میباشد. ودرین وقت آنها جمع میشوند وبه جماعت نماز اداء میکنند اگر به کدام سبب بالای طلبه ها ناوقت شود قطع نظر ازنقصان ازجانب مکتب ازوی جواب خواسته میشود به این سبب اگر ناوقت میشود وامام موجود نباشد پس کدام طالب العلم که ریش میتراشد لاکن حافظ قران وپابند روزه ونماز است ودرمیان طلبه های دیگر بلندی دارد امام ساختن وی جائز است یانه؟ اگر جائز نباشد برای بچه ها خواندن نماز تنها ورفتن به مدرسه مناسب است یانه؟

درموجودیت امام معین امامت شخص دیگر بدون اجازه وی: سوال: (۱۱۴۹) (۲) اگر کدام گروه ازمسلمان به یک مسجد برود دروقت معین ویاپسان درموجو دیت ویاعدم موجودیت امام به سبب کدام ضرورت دوگروه خود ازهمه کلان سال را امام بسازد وبه جماعت نماز را ادا کند آیا امام مسجد یاکسی دیگر راحق هست که آنها رامنع کند ویا این حق برایش نیست؟

جواب: (۱) اگر این امام مسجد ونماز گذارنه آمده باشند برای بچه ها مناسب نیست که درمسجد جماعت کنند البته اگر بیرون ازمسجد کدام جاباشد درآنجا جدا جماعت کنند ودوگروه خود کسیکه لائق امامت باشد اورا امام سازند نماز درپس ریش تراش مکروه میشود وثواب نیز کم است قال فی الجوهره ص۸۵ فان تقدموا جاز لقوله ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر. جمیل الرحمٰن)

جواب: (۲) بدون امام معین مسجد برای شخص دیگر درموجودیت وعدم موجودیت امام مسجد مناسب نیست که بدون اجازه امام مسجد امام شود وجماعت بدهد اگر به جماعت امام معین ونماز گذاران وقت باشد این مردم خودشان جماعت را بیرون ازمسجد درکدام جای مانند دالان

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامت ص ۵۲۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ – ۵۶۰ . ظفیر

حویلی یاجنگل بخوانند واگر درمسجد جماعت بخوانند نیز خواهد شدن برای آنها چنین جماعت خواندن مناسب نیست انتظار جماعت ونماز گذاران رابکنند ورنه جدا جماعت کنند غرض اینکه بدون امام مقرر ومردم محله برای مردم محله دیگر مناسب نیست که پیش ازجماعت مردم محله جماعت کنند واگر کردند مردم محله باز جماعت کرده میتوانند وثواب جماعت اول به همین ها حاصل میشود آن جماعتی که اول شده اعتبار آن نخواهد بود هکذا فی کتب الفقه فقط دلیله قول الدر المختار: ویکره تکرار الجماعة باذان واقامة فی مسجد محلة الخ قال الشامی تحت قوله باذان واقامة الخ یکره تکرار الجماعة فی مسجد محلة باذان واقامة الا اذا صلی بهما فیه غیر اهله او اهله لاکن بمخالفة الاذان (الی ان قال) والمراد بمسجد المحلة ماله امام وجماعة معلومون الخ شامی. صفحه ۵۱۶. جلد. ۱.

پس از اذان درجماعت تاخیر شود یافوراً خوانده شود: سوال: (۱۱۵۰) بعد از اذان جماعت فوراً استاد شود ویا انتظار کرده شود؟

جواب: درتاخیر کردن جماعت ولحاظ وسعت وقلت وقت کرده شود ومراعات نماز گذاران کرده شود چطور که مصلحت وموقع باشد همان طور کرده شود برای این درشریعت کدام دقائق تعین نیست که این قدر دقیقه بعد از اذان جماعت کردن مناسب است بعضی وقتها وسیع است در آن موافق آن عمل شود وبعضی وقتها تنگ است در آن موافق آن عمل شود ([1]) فقط.

هرگاه بهمراه زن کسی دیگری یک شخص نکاح کند امامت وی چطور است: سوال: (۱۱۵۱) امام یک مسجد بهمراه یک زنی نکاح کرده که منکوحه بیگانه است راو برایش طلاق نداده امامت وی درست است یانه؟ بینوا تو جروا؟

جواب: امامت چنین شخص به سبب فاسق شدن مکروه تحریمی است. فقط (کتبه رشید احمد الجواب صحیح (عزیز الرحمن عفی عنه) ودلیله ماقال فی الدر المختار وکره امامة عبد وفاسق وقال فی الدرالمختار قال فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم درمختار ص۵۲۳ جلد۱ ودرعالمگیری است لایجوز للرجل ان یتزوج زوجة غیره وکذلک المعتدة ص۲۸۰ ج۱.

---

(۱) ویفصل بین الأذان والإقامة بمقدار رکعتین أو أربع یقرأ فی کل رکعة نحواً من عشر آیات. کذا فی الزاهدی والوصل بین الأذان والإقامة مکروه بالاتفاق، ثم قال: وأما إذا کان فی المغرب فالمستحب ان یفصل بینهما بسکتة یسکت قائماً مقدار ما یتمکن من قراءة ثلاث آیات قصار. فتاوی عالمگیریه ص ۵۳ ج۱ مطبوعه مصر، ط. م. ج۱ ص ۵۷. جمیل الرحمن

در رابطه به امامت عالم ولد الزنا فیصله بفرمائید: سوال: (۱۱۵۲) گفتار است که امامت ولد الزناء صالح وعالم جائز واولی وصحیح است بکر میگوید که مکروه است بهمراه هردو دلائل موجود است کدام یک قول صحیح است؟

جواب: سخن زیدحق است یعنی اگر ولد الزنا صالح وعالم باشد نماز درپس وی نماز بدون کراهت جائز است کما فی الشامی: ولوعدمت ای علة کراهته بان الاعرابی افضل من الحضری والعبد من الحر وولد الزنا من ولد الرشدة والاعمی من البصیر فالحکم بالضد شامی جلداول صفحه ۵۲۳ کتبه عزیز الرحمٰن عفی عنه مفتی مدرسه عربیه دیوبند (مهر).

دارنده صفات ذیل قابل تولیت است یانه: سوال: (۱۱۵۳) (۱) زید مؤمن کامل ونهایت متبع شریعت محمدیه علی صاحبها الصلوة والسلام است فارغ التحصیل مدرسه عالیه عربیه دیوبند است وبه نظر علماء مشهور مانند حضرت تهانوی مولناعبدالرحیم صاحب رای پوری وغیره علمیت وصلاحیت وی قابل افتاء واعتماد است واز حضرت الحاج امداد الله صاحب رحمة الله علیه غایبانه بیعت نموده وپس از وفات حضرت ممدوح (رح) ازحضرت مولنا گنگوهی تجدید بیعت کرد وبعد ازوفات وی رح ازحضرت شاه عبدالرحیم صاحب رای پوری) تجدید بیعت کرد ودرزید مذکور جذبه تبلیغ اسلام هدایت خلق الله واصلاح کامل احوال مومنان عوام است ومطابق به همین عامل است زید مذکور طبیب نیز است ومذهباً ومعاشاً درمسجد جامع کلان کیرانه امامت میکند امامت عیدها نیز به وی حواله است مطابق ضرورت درشهر وقریه ها جواب اعتراض ها ویورش های مخالفین اسلام را میدهد درسال چهار پنج دفعه بعد ازیافتن رخصتی برای شش روز بخاطر ضروریات خود وحاجات اشخاص دیگر به خارج نیز میرود وازخدمت های سپرده شده به وی بعد از اجازه زبانی (شفاهی) یاتحریری غیر حاضري میکند درباره چنین شخص سخنان ذیل قابل دریافت است:

(۱) پس از اجازه زبانی یاتحریری زید مذکور غیرحاضری نماید به این سبب زید مذکور را که امام مسجدکیرانه است تنبیه کنندگان خلاف شان وفحش وآماده کننده گان مردم فحش به بدگوئی ومعطل نه گننده گان امامت به زمانه معتدبه که به سبب آن تفریقه بین المسلمین پیدانشود شرعا قابل تولیت وقف است یانه؟ ومسلمان کامل است یانه؟

درکسیکه سخنان ذیل باشد وی امام شده میتواند یانه: سوال: (۱۱۵۴) (۲) اگر کدام

کسی باخبر مذهبی یابی خبر بهمراه زید بسبب غرض شخصی وعداوت وغیره درمیان مردم بهم یابسیار زبانی یاتحریری این اعتراض رابکنند که زید حق تنخواه ! روزهای غیرحاضری را ندارد درحانیکه وی بعد ازگرفتن اجازه غیر حاضر شده است هدف معترض در این اعتراض این است که عوام از زید دلسرد شوند وگمان کنند که زید باوجود امام شدن روزی خودرا حرام میسازد پس اگر زید به سبک داشتن خودنه بلکه به توهین پنداشتن کل اهل اسلام واسلام این جواب را بدهد به تورابه این چه ارتباط است که من روزی صلی حاصل مینایم یاناجائز وحرام من خودم این کار راخوب میشناسم باز به ادب این را بگوید که توبه حرر وحرام روز خود ببین کماقال تعالٰی: وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ، به اساس این جواب زید قابل امامت باقیماند یانه؟ ودر ایمان واسلام وی کدامی نقص آمد یانه؟

تصفیه این جنگ چیست: سوال: (۱۱۵۵) (۳) درکدام جائیکه زید مذکور امام واعظ ومفتی است درآنجا درسنه ۱۹۱۱ بطور منظم یک تنظیم (گور کشه) (بند کردن گوشت) قائم شده است که اثر کوشش وی ازهندوها تجاوز کرده وبه بعض مسلمانها نیز رسیده که آنهابه حیثیت عهده (وظیفه) دار شدن وکوشش بقاء ودوام آن را وبر آورده شدن مقاصد را میکنند وقباحت خوردن گوشت ومضمر شدن آنرا برای صحت بیان میکند وچون قوم هندو خوردن گوشت را مذهباً معیوب وتنظیم بند نکردن گوشت راعقیده مذهبی میپندارد بهمین خاطر باشرکت دو (۲ و۳) مسلمان به سبب ممتاز وباحیثت شدن وی ضرر شدید محوس میشود وبه این حرکت درمیان خود مسلمانان نمبر مناظره ها ومباحث آمده به گمان دور کردن این تفرقه رای بعض اهل دانش ودردمند به این شد که بحضرت تهانوی مد ظله استفتاء نوشته شود وجواب خواسته شود بخاطر اینکه فیصله شرعی وناطق پنداشته شود واز خوبی وبدی این تنظیم باخبر شود فتوی خلاف این حرکت صادر وفرموده شد چون علماء حقانی درین فتوی این راتصریح کرده بودند که شرکت کننده درتنظیم بند کردن گوشت نزدیک به کفر است وبالای آنها توبه کردن ازین عمل به سرعت فرض است بهمین خاطر زید مذکور درجمعة الوداع رمضان دردوران وعظ وبه خواهش بعض حضرات دردمند وواقع بین وبا اعتبار به غرض اگاهی مسلمانان بی خبر توای حضرت تهانوی را شنواند واین اعلان را نمود که این رای شخصی من نیست بلکه فتوای عالم معتمد حضرت مولنا اشرف علی تهانوی است بعضی مردم که فهم یاد آوری این رابه معاونان

واعضاء محترم تنظیم بند کردن گوشت کردند آنها بسیار پریشان شدند وازمولوی عبدالله تونکی درجواب فتوای سابقه پس ازتغیر وتبدیل کردن عبارت استفتاء یک فتوای خواستند ودرباره زید مذکور وشان حضرت تهانوی الفاظ نازیبا گفت وخود رابه حق ثابت کرد وبالای این مردم تهمت کفر رابست ازمولنا عبدالله صاحب تونکی سوال کردن به این انداز وحاصل نمودن جواب پرسان درباره مستفتی ومردمان هم خیال آنها است که این ها چگونه مردم اند؟ وزید مذکور وحضرت تهانوی چگونه اند؟ وپس ازین جار وجنجال درابطه به امامت زید شرعا چه حکم است؟ وبرای مخالیفین علاوه از اهل فتنه شدن حکم شرعی چیست؟

جواب: زید که متصف به صفات مذکوره است بدون شک وشبه شرعا باخصوصیت مستحق امامت است وامامت وی باعث فضلیت ومطابق ارشاد حضرت محمدﷺ است وانحراف نمودن از امامت چنین شخص وظاهر نمودن ناخوشنودی ودرپس ضرر رساندن به وی درحالیکه وی به کارهای ذکرشده متصف است کار دینداران نیست کماورد فی الهدایه: (من صلی خلف عالم تقی فکانما صلی خلف نبی) نماز درپس امام عالم بسیار نزدیک است به قبولیت لقوله علیه السلام: ان سرکم ان تقبل صلوتکم فلیؤ مکم علماء فانهم وفدکم فیما بینکم وبین ربکم رواه الطبرانی واخرج الحاکم والبیهقی ونحوه) وامامت وی خیر کثیر است قال فی شرح المنیة ومن کراهة تقدیم الفاسق علی مایأتی ان العالم اولی بالتقدیم اذاکان یجتنب الفواحش وان کان غیره اورع منه ذکره فی المحیط وقال فی شرعاً الاسلام (فی فصل فی فضیلة (الصلوة مع الجماعة) ویوم الناس اعلمهم بالسنة امام مذکور (زید) هرگاه بعد از اطلاع میرود این کار راغیر حاضری تعبیر کردن سخت جهالت است وعلاوه از آن به وی علی الاعلان گفتار خلاف شان وفحش کار مردم دیندار کامل نیست مردمیکه چنین حرکت میکنند آنها خلاف واقعیت اند وبدگفتن بدون سبب برای عالم وگستاخی کردن درشان وی براستی فسق است وفسق سر پرست (متولی) موجب عزل است وان الناظر اذا فسق استحق العزل. شامی صفحه ۲۲۳ جلد ۳) درکتابهای فقه درباره شخصیکه عالم رابد رد میگوید ودشنام (دو) میدهد وعیدهای شدید آمده. قال فی شرح الفقه الاکبر لملاعلی قاری: من ابغض عالماً من غیرسبب ظاهر خیف علیه الکفر قلت الظاهر انه یکفر لانه اذا ابغض العالم من غیرسبب دنیوی اواخروی فیکون بغضه لعلم الشریعة الخ شرح فقه اکبر فصل فی العلم والعلماء صفحه ۲۱۳) وبه سبب ضرورت خارج رفتن وبجای چند روز غیر

حاضر بودن درانجام وظیفه امامت موجب ندادن تنخواه نیست قال فی الشامی عن القنیة: امام یترک الامامة لزیارة اقربائه فی الرساتیق اسبوعاً اولنحوه اولمصیبة اولاستراحة لاباس به ومثله عفو فی العادة والشرع شامی صفحه ٥٦٤ جلد۳. غرض اینکه ازین عبارت به وجه خوب واضح است که اگر بدون اجازه هم برای چند روز امام به کدام جا برود درست است وتنخواه مدت غیر حاضری حلال است به این شرط که این غیر حاضری بدون عذر شرعی درهمه سال برای یک هفته باشد کماقال فی الشامی: وهذا مبنی علی القول بان خروجه اقل من خمسة عشر یوما بلاعذر شعرعی لایسقط معلومه وقد ذکر فی الاشباه فی قاعدة العادة محکمة عبارت القنیة هذه وحملها علی انه یسامح اسبوعاً فی کل شهر الی ان قال ان الظاهران المراد فی کل سنة شامی صفحه ٥٦٤ جلد ۳ غرض اینکه ازعباراتیکه ازکتابهای مستند فقه گرفته شده است این سخن به قسم خوب ظاهر شد که شریعت درین مسئله وسعت فرموده پس بالای امرشرعی موسع بدنام کردن ومتهم کردن کسی درست نیست لهذا اگر امام درکل سال یک هفته بدون عذر شرعی وبدون اجازه متولی وغیره نیز غیر حاضر شود معاف است وگرفتن تنخواه غیرحاضری این مدت نیز درست است واگر به سبب کدام عذر شرعی غیرحاضر شود ویا رخصت بگیرد به مثلیکه درسوال ذکر است تعین یک هفته نیز نیست (رخصتی زیاد نیز گرفته میتواند عارف)

(۲) برای زید چنین جواب دادن مناسب نبود جواب یکه از آن بی پروائی ازحاصل کردن روزی حلال وظاهرا عدم رغبت ثابت میشود زیرا حاصل کردن روزی حلال خوراک حلال وخود داری ازحرام به نص قطعی مامور به است قال الله تعالیٰ: ض يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. الایة سوره مؤمنون پاره ۱۸ رکوع ٤- قال المفسرون اراد بالطیبات الحلال (خازن جلد ٥) پس جواب اعتراض مذکور چنین دادن مناسب نه بود که تورا به این چه ارتباط است الخ رابطه هرمسلمان به امر با المعروف ضرور هست وحال نیت به حق تعالی شانه معلوم است پس جواب دادن اعتراض مذکور این مناسب بود که من روزی حلال میخورم وتنخواه حلال میگیرم چنین تنخواه گرفتن شرعاً حرام نیست اهتمام کردن درحاصل نمودن روزه حلال برای من وشما وهمه لازم است زید به سبب این جواب کافر یافاسق نه شد که مستحق معزول کردن از امامت شود وامامت وی جائز باقی نماند.

(۳) اشتراک درگور کشا (تنظیم بند کردن گاو) که از بعض مسلمانها صادر شده آنها قابل خبر

هستند وچیزی راکه درین رابطه حضرت مولنا اشرف علی صاحب سلمه تحریر فرموده اند حق وعین ایمان است واین تحریر فرمودن حضرت مولنا سلمه (که حالت وی به کفرنزدیک است) مبنی به مزید احتیاط است احتیاطیکه معمول جاری علماء ربانین هست: کماقال فی شرح الفقه الاکبر: وقدذکروا ان المسئلة المتعلقة بالکفر اذا کان لها تسع وتسعون احتمالاً للکفر واحتمال واحد فالاولی للمفتی والقاضی ان یعمل بالاحتمال الثانی لان الخطاء فی البقاء الف کافر اهون من الخطا فی افناء مسلم واحد شرح فقه الاکبر لملاعلی قاری مجتبی صفحة ۱۹۹ ودر رابطه به توبه که حضرت مولنا سلمه تحریر فرموده (که به چالاکی بزودی) توبه کردن بالایش فرض است مطابق کتابهای فقه وشریعت محمدیه علی صاحبها الف الف سلام وتحیه است کما قال فی الدر المختار: (عن شرح الوهبانیه) (مایکون کفرا اتفاقا یبطل العمل والنکاح واولاده اولاد الزنا ومافیه خلاف) یومر بالاستغفار والتوبة وتجدید النکاح درمختار علی الشامی صفحه ٤١٤ جلد۳) لاکن افسوس به حضراتیکه ازین فیصله ناطق بالحق منحرف شدند ودرپس آن حضرات بدرد گفتن را شروع کردند اما تاوان کی را کردند عاقبت خودرا خراب کردند کما ورد فی الحدیث الشریف: من قال لاخیه یاکافر فقدباء بها احدهما (رواه البخاری ومسلم) ودرباره بدرد گفتن به علماء کدام عبارتی که از شرح فقه اکبر تحریر کرده شد قابل دقت است بخصوص درپس تکفیر کردن چنین عالماء حقانی برباد کردن دین وایمان خود است که از آن افسوس به حال این مردم است وترس خرابی خاتمه است ازین گمان رجوع کند ورنه مصداق خسرالدنیا والاٰخره خواهد شد کما ورد فی الحدیث القدسی: من عادی لی ولیا فقد اذنته بالحرب والله لایحب الفساد وفی البحر الرائق: ویکفر بقوله المسلم یاکافر؟ عندالبعض ردالمختار للفتوی انه یکفران اعتقده کافراً الا ان اراد شتمه انتهی صفحه ۱۳۳ جلده وکدام مردم که تکفیر اهل حق رامیکنند همان تکفیر بالای انها باز میگردد (قال فی شرح الفقه الاکبر: ومن قال یاکافر فسکت المخاطب کان الفقیه ابوبکر البلخی یقول یکفر هذ القاذف ای الشاتم شرح فقه اکبر مجتبائی صفحه ۲۳۲ وشرکت درتنظیم بندکردن گاو (گور کشا) درحقیقت اعانت کفر است وفکر بربادی وتحقیر اسلام است قال الله تعالی: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللهَ. الاية سورة المائده پاره ٦ رکوع ٥. اشتراک نمودن در آن ومذمت خوردن وثابت کردن ضرر آن خطرناک وبی باکی شدید است قال فی شرح الفقه الاکبر (ولو شبه نفسه با الیهود والنصاری ای صورة اوسوة

علی طریق المزاح والهزل ای ولوعلی هذا لمنوال کفر (شرح فقه اکبر مجتبائی صفحه ۲۲۸) وفیه ایضاً عن الخلاصة) من قالي: احسنت لماهوقبیح شرعاً اوجودت کفر شرح فقه اکبر صفحه ۲۲۳) قال الله تبارک وتعالي:

وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ. الأية. وقال الله تعالي: وَمَنْ يُضْلِلِ اللهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ. وبیشک حضرت مولنا اشرف علی صاحب سلمه درعلماء ربآنی است نمونه اسلاف است الله پرست حق گواست هرقدر که ستایش وی شود کم است ودر آیه: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ الايه. داخل است ومصداق آن است محبت کننده گان به وی انشاء الله به کامیابی رسنده گانند وحالت بغض کننده گان خطر ناک است قال الشیخ ولی الله الدهلوی رحمه الله تعالی فی القول الجمیل (فی علامات العالم الربانی) ومنهامو اسات الفقراء فطالب العلم بقدر الامکان فان لم یقدرو کان له اخوان موافقون حرضهم وحثهم علی المواسات فاذا وجدت هذه الصفات مجتمعة فی شخص واحد فلاتشکن انه وارث الانبیاء والمرسلین وانه الذی یدعی فی الملکوت عظیما وانه الذی یدعونه خلق الله حتی الحیتان فی جوف الماء کما ورد فی الحدیث فلازمه لایفوتنک فانه الکبریت کبریت الاحمر (شفاء العلیل ترجمه قول الجمیل صفحه ۱۰۴) باقیماند این سخن که عالم تکفیر این حضرات را کرده این سخن قابل توجه نیست واعلم ان من انتصب منصب الهدایة والدعوة الی الله ما اخل فی شی من هذه الامور فان فیه ثلمة حتی یسد ها الخ بهرحال امام مذکور یقینا قابل امامت است وصفات وحالات وی که درسوال ذکرشده آن موافق عقائد اهل السنة والجماعة است وپیروی شریعت است اگر در واقع درین شخص این صفات هست درعالم ربانی شدن وی چه شبه است؟ ومتابعت واقتداء وی ضروری است فقط والله تعالی اعلم وعلمه اتم.

<u>نماز درپس قیته باز (تاش) جائز است یانه</u>: سوال: (۱۱۵۶) یک شخص بدون برد وباخت یاقیته بازی میکند نماز درپس وی جائز است یانه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است زیرا که قیته کردن بدون برد وباخت نیز ممنوع ومکروه است ازچنین لهو ولعب احتراز بالای مسلمانان لازم است فقط والله تعالی اعلم مفتی مدرسه وکره تحریما اللعب بالنردو کذا لشطرنج واباحه الشافعی وابو یوسف وفی روایة وهذا اذالم یقامر ولم یداوم ولم یخل لواجب والا فحرام با الاجماع اه (درمختار) حالت قیته مانند شطرنج است، دلیله

قال في الدر المختار: وکره کل لهو لقوله ﷺ کل لهو المسلم حرام الا ثلاثة: ملا عابته اهله وتادیه لفرسه ومناصلة بقوسه وقال فی الدر المختار: کل لعب عبث فالثلاثه بمعنی واحد کما فی شرح التاویلات شدن هوا نماز داد حکم آن چیست؟

سوال: (۱۱۵۷) یک شخص مریض خارج شدن هوا است بسیار دفعه درناخبری نیز ازوی هواخارج میشود درچنین حالت وی تاسه ماه امامت نمود واز آن قبل نیزگاه گاه نیز نماز میداد بسان هرگاه مکمل ثابت شد که معذور است نماز دادن را ترک نمود دوچنین صورت برای امام ومقتدیها چه حکم است؟ اگر یبه گفته امام انها نمازهای خودرانه گردانند بالای آنها چه حکم است؟ ونمازها یکه وی گاه گاه داده است حکم آنهاچیست؟

جواب: اگر این ثابت ویقین نه باشد که کدام نماز ها راوی داده است که درآن هوابیرون شده یعنی یقین خارج شدن هوا درآن هانیست وبه یادش نیست نماز همه شد کمافی الدر المختار: وصح لوتوضا علی الانقطاع وصلی کذلک فقط والله تعالی اعلم واذا اظهر حدث امامه وکذا کل مفسد فی رای مقتد بطلت فیلزم اعاتها کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهومحدث اوجنب او فاقد شرط اورکن وهل علیهم اعادها ان عدلا نعم والا ندبت وقیل لا لفسقه باعترافه اه (درمختار)

نماز دریس غیر مقلد درست است یانه: سوال: (۱۱۵۸) ماقولکم رحمکم الله فی هذه المسئلة: اقتداء الحنفی خلف غیرالمقلدین جائز ام لا؟ بینوا توجروا؟

جواب: حامداً ومصلیاً اقول التفصیل عندی ان غیر المقلیدین هم اصناف شتی فمنهم من یخلف مع المقلدین فی الفروع الاجتهادیة فقط فحکمهم فی جواز الاقتداء بهم للحنیفة کا الشافعیة حیث یجوز بشرط المراعات فی الخلافیات الصلوتیة وفاقًا وعندعدم المراعاة خلافاً وبالاولی افتی الجمهور فان امرالصلاة ممایتبغی ان یحتاط فیه ومنهم من یخلف فی الاجماعیات عند اهل السنة کتزویج نکاح مافوق الاربع وتجویز المتعة وتجویز سب السلف وامثال ذلک رحکمهم کاهل البدعة حیث یکره الاقتداء بهم تحریما عند الاختیار وتریها عند الاضطرار وحیث یشبه الحال فالاولی ان یقتدی بهم دفعا للفتنة ثم یعید اخذا بالاحوط ولوکانت الفتنه فی الاقتداء فلایقتدی صونا للمسلمین عن التخلیط فی الدین والله تعالی اعلم وعنده علم الیقین والحق المبین والکاتب حضرت مولانا مولوی اشرف علی صاحب ثانی یوم من ذی الحجه سنه ۱۳۲۹ هجری من الهجرة المقدسة علی صاحبها الف الف سلام وتحیة.

فصل رابع : فصل چهارم
صف، اقتداء، ومقام امام ومقتدی

هرگاه درصف اول جای نباشد شخص تنها چه کند: سوال: (۱۱۵۹) یک صف مقتدیها درپس امام است ودر آن جای مقتدی دیگر اصلاً نیست حالا کدام شخص بیاید وی درکجا استاد شود؟ درصف دوم جد اویا ازصف اول کسی رابگیرد وبهمراه وی استاد شود اگر ازصف اول میگرد ازکجا؟ از اول صف ویا از اخیر؟ اگر از اخیر میگیرد درنماز کدام نقصان میآید ویانه؟ اگر درصف جا پیدانشد انتظار کنند که کسی دیگری بیاید اگر نه آمد پس ازصف چنان انسان راکش کند که به مسئله میفهمد. اگر چنین شخص به نظرنه آمد جدابه تنهائی وپستر ازصف استاد (۱) شود (انتظر حتی یجی اخر فیقفان خلفه وان لم یجی حتی رکع الامام یختار اعلم الناس بهذه المسئلة فجذبه ویقفان خلفه ولو لم یجد عالما یقف خلف الصف بحذاء الامام للضرورة كذا فی (۲) الشامی.

اگر درصف بالغ ونابالغ یکجا شود حرج نیست: سوال: (۱۱۶۰) اگر یک بچه نابالغ به طرف راست ویاچپ جماعت بیاید ودونماز شریک شود ویا آمد بهمراه مردم بالغ باشد درصف استاد شود ثم الصبیان ظاهره تعدد هم فلو واحداً دخل الصف. (۳)

الصاق کعبین در رکوع وسجود: سوال: (۱۱۶۱) الصاق کعبین در رکوع وسجود سنت است یاچه؟ آیا الصاق قدمین خود مراد است یا الصاق کعب به کعب غیر مراد است؟

جواب: فی الدر المختار: ویسن أن یلصق کعبیه قال فی الشامی: قال السید ابو السعود وکذا فی السجود (۴) ایضا الخ پس ظاهر این است که کعبین خودرا باهم ملعق کند وممکن است مراد محاذات کعبین باشد واز ارجاع ضمیر درکعبیه بسوی مصلی احتمال ثالث ساقط شد یعنی ضم کعب خود به کعب غیر مراد نخواهد شد فقط.

---

(۱) وکذا القیام منفردا، وإن لم یجد فرجة، بل یجذب أحدا من الصف. ذکره ابن الکما ل ، لکن قالوا: فی زماننا: ترکه أولی، (درمختار) والاصح ما روی هشام عن محمد انه ینتظر الی الرکوع فان جاء رجل والا جذب الیه رجلا اودخل فی الصف ثم قال فی القنیة والقیام وحده اولی فی زماننا لغلبة الجهل علی العوام (رد المحتار باب ما یفسد الصلوٰة، ومایکره فیها ص ۶۰۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۶۴۶). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الامامة مطلب کراهة قیام الامام فی غیر المحراب ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص۵۶۸. ظفیر

(۳) الدر المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص۵۳۴ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱. ظفیر

(۴) ردالمحتار. باب صفة الصلوٰة بعد الفصل ص ۴۶۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۹۳ . ظفیر

قبلاً درپهلوی امام صرف یک شخص باشد باز دیگر مرد بیایند چه خواهند کرد: سوال: (۱۱۶۲) درجانب راست امام یک مقتدی هست پسان چند نفر دیگر آمدند ودر پس امام درفاصله مسجد صف جور کردند نماز صحیح شد یانه؟

جواب: وقتی بهمراه امام درجانب راست یک شخص بود باز دیگر آن آمدند بالای امام ویامقتدی ترک دادن جای خود نخواهد بود واگر چنین نه شد وبعضی مقتدیها به فاصله صف استاده شدند نماز بهمراه کراهت جائز است شامی جلداول ولوقام واحد بجنب الامام وخلفه صف کره اجماعاً (۱) فقط.

مقتدیها چگونه استاد خواهند شد: سوال: (۱۱۶۳) درنما زمقتدیها شانه به شانه وبجلک به بجلک یکجا کرده استاد شوند ویا چطور؟

جواب: یکجا استادن ودرمیان جای خالی نه ماندن سنت است ومقصد از چسپاندن قدم به قدم این است که به یک اندازه وبرابر پاباشد پستر نباشد (۲) فقط.

یکسان بودن درصف چطور خواهد بود: سوال: (۱۱۶٤) درنماز جماعت بجلک ها یکسان میباشد یا چطور؟

جواب: بودن بجلک دربرابر بجلک ضروری است وبودن شانه موازی به شانه ضروری است به این کار صف سیده (مُستَقِیم) خواهد شد دردر مختار است: ویسووا مناکبهم (۳) فقط.

صفهای درمیانی راخالی گذاشتن ودرعقب استادن چگونه است: سوال: (۱۱۶۵) اگر بهمراه جماعت نماز خوانده می شد ویک چند شخص یک یا دوصف را درمیان ترک نموده پسان تر استاد شدند نماز آنها میشود یانه؟

جواب: نماز آنهاشد مگر این خلاف سنت است صف هارا پیوسته نگهداشتن ضروری است ودرمیان جای خالی ماندن روانیست (٤) فقط.

---

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸ . ظفیر

(۲) ویصف ای یصفهم الامام بان یامرهم بذالک ، قا ل الشمنی وینبغی ان یامرهم بان یتراصوا ویسدوا الخلل ویسووا مناکبهم (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸ . ظفیر

(۳) ویصف ای یصفهم الامام بان یامرهم بذالک ، قا ل الشمنی وینبغی ان یامرهم بان یتراصوا ویسدوا الخلل ویسووا مناکبهم (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸ . ظفیر

(٤) وصلی علی رفوف المسجد ان وجد فی صفه مکانا کره کقیامه فی صف خلف صف فیه فرجة (در مختار) هل الکراهة فیه تنزیهیة او تحریمة ویرشد الی الثانی قوله ﷺ ومن قطعه قطعه الله (رد المحتار باب الامامة مطلب فی الصف ص ۵۳۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۰). ظ

درعقب پرده اقتدا کردن درست است یانه: **سوال:** (۱۱۶۶) در درون مسجد جماعت میشود برده ها آویزان است نماز کسانیکه بیرون از پرده ها برای نماز استاد میشود یانه؟

جواب: نماز آنها نیز صحیح است (۱) فقط.

نابالغ تنها درکجا استاد شود: **سوال:** (۱۱۶۷) اگر بچه نابالغ تنها باشد ستر ازصفهای مردان جدا استاد شود ویا درصف مردها شریک شود؟

جواب: بچه تنها بهمراه مردها درصف شریک شود کذا فی الشامی (۲).

هرگاه صف بالغان پوره نباشد وبستر صف نابالغ پوره شود شخص پسان آمده کدام جا شامل شود: **سوال:** (۱۱۶۸) جماعت مردها درپس امام کم است ودر عقب آن جماعت بچه های نابالغ بسیار است هرگاه مسبوق بالغ میخواهد درصف اول استاد شود به گروپ بچه ها چطور بگوید؟

جواب: اگر درپیس روی بچه ها برود ویاصف راپاره کرده درصف بالغها یکجا شده میتواند برود ودر صف بالغها شریک شود واگر ممکن نباشد ودر صف بچه ها استاد میشود باز هم صحیح است (۳).

به ماندن دستمال درصف مستحق جای میگردد یانه: **سوال:** (۱۱۶۹) اینجا یک مسجد است که درآن چند صاحبان زید، بکر، عمر وغیره این روش راجاری کرده اند که پیش از جماعت هرشخص دستمال وغیره خودرا درصف اول میماند وبرای وضوء وغیره برود وخود را به این کار حقدار اینجا میپندارد مثلاً: خالد بعداز اذان وقبل ازجماعت از خانه ویاحجره خود آماده باوضوء بیاید وبه شوق صف اول حاضر شود این صاحبان برایش یک گونه مانع میشوند اگروی لباس وغیره کسی رابه جانب راست یاچپ کش میکند وسنت میخواند وی راغیر مستحق وتجاوز کننده میگوید آیا زید وعمر وغیره به کار ذکرشده مستحق صف اول است ویا خالد که

---

(۱) والحائل لا یمنع الاقتداء ان لم یشتبه حا ل امامه بسماع اوروٴیة ولو من باب مشبک یمنع الاصول (الدر المختار) قوله بسماع ای من الامام اوالمکبر قوله اوروٴیة ینبغی ان تکون الروٴیة کالسماع لافرق فیها بین ان یری انتقالات الامام اواحد المقتدیین (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۸ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۶). ظفیر

(۲) لم لصبیان ظاهره تعددهم فلو واحد دخل الصف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱). ظفیر الدین غفرله

(۳) فلوشرعوا وفی الصف الاول فرجة له خرق الصفوف (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۹). ظفیر

اماده آمده وبرای صف اول حاضر شده؟

جواب: درباب الوتر والنوافل درمختار است: قال فی القنیة: له فی المسجد موضع معین یواظب علیه وقد شغله غیره قال الاوزاعی له ان یزعجه ولیس له ذلک عندنا اه لان المسجد لیس ملکاً لاحد بحر عن النهایة قلت وینبغی تقییده بما اذا لم یقم عنه علی نیة العود بلامهلة کما لوقام للوضوء مثلاً ولاسیما اذا وضع فیه ثوبه لتحقق سبق یده (۱) الخ ازین عبارت معلوم شد که شخص پیش آمده که دستمال مانده وبرای وضوء رفته به نیت پس آمدن چون قبضه اوپیش شده شخص پسان امده دیگر جای وی رانگیرد فقط.

درصف تنگی (ضیقی) پیدا کردن چطور است: سوال: (۱۱۷۰) وقتی درهمین مسجد جماعت استاد میشود بعض مردم بهمراه آن که درصف اول جا نمیباشد خواهی نخواهی درصف اول داخل میشود واین اشکار است که هرگاه درصف جای (۲۵) بیست وپنج نفر باشد ودر آن به زور زور بیست وهفت نفر بیاید به سبب این زیادت صف بالکل کج شود ونماز گذارش پیش شود علاوه از آن برای نماز گذاران بسیار تکلیف وتنگی میباشد آیا برای این صاحبان زائد با داخل شدن درصف اول ثواب صف اول حاصل میشود یانه؟

جواب: قال فی الدر المختار وینبغی ان یامرهم بان یتراصوا ویسد الخلل ویسووا مناکبهم (۲) الخ حاصل آن واین است که امام به مقتدیها حکم کند که خوب پیوست استاد شوند ودرمیان دونماز گذار فاصله گذارید وشانه های خودرا یکسان کنید پس اگر درصف اول گنجایش باشد باز به موجب حکم ذکرشد استادن درصف اول وبند کردن فاصله درمیانی مستحب ومسنون است واگر جای نباشد تکلیف دادن برای نماز گذاران صف اول روانیست (۳) فقط.

هرگاه بچه ها ازیک اضافه باشند درعقب استاده شوند: سوال: (۱۱۷۱) دونفر جوان وچهار پنج بچه هستند درجماعت استاد شوند بچه ها درصف ویادرعقب استاد شود؟

جواب: درین صورت بچه ها درپشت سر استاد شوند (۴) فقط.

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها مطلب فیمن سبقت یده الی مباح ص ٦۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٦۲ . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸. ظفیر

(۳) قال فی المعراج الافضل ان یقف فی الصف الاخر اذا خاف ایذاء احد. قال ﷺ من ترک الصف الاول مخافة ان یؤذی مسلما اضعف له اجر الصف الاول وبه اخذ ابوحنیفة ومحمد (ردالمحتار باب الامامة ص۵۳۲ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵٦۹). ظفیر

(۴) یصف الخ الرجل الخ ثم الصبیان ظاهره تعددهم (درمختار) وکذا لوکان المقتدی رجلا وصبیا یصفهما خلفه (رد المحتار باب الامامة =

استاد کردن بچه بی ریش درصف چطور است: **سوال:** (۱۱۷۲) زید بهمراه یک بچه نابالغ بی ریش محبت دارد ووی این بچه را بهمراه انکه بچه های نابالغ دیگر هستند بهمراه خود استاد میکند حکم این چیست؟

جواب: بایکجا استاده کردن بچه وبی ریش وخوش چهره بهمراه خود درصف بعض فقهاء حکم فساد نماز را فرموده اند اگر چه اصح عدم:فساد صلوة است ونظر بالشهوة به سری وی را حرام نوشته اند یکجا استاده کردن چنین بچه بهمراه خود درنماز مناسب نیست (۱) واصل مسئله این است که اگر بچه ها زیاد بودند صف آنها درپشت سرمردها لازم است واگر تنها یک بچه درجماعت باشد استاد شدن وی حالت درجماعت مردان درست (۲) است لاکن صورتی که درسوال درج است درین صورت به هیچ وجه وهیچ حالت استاد کردن این بچه بهمراه خود درست نیست فقط.

بودن نابالغ درصف اول وبالغ درپشت سراین درست است یانه: **سوال:** (۱۱۷۳) اگر کدام مرد بهمراه خود بچه نابالغ را درصف اول استاد کند ومردان بالغ دیگر درپشت این بچه درصف دوم استاد شوند درنماز این مردم کراهت خواهد بود یانه؟ وتحریمی خواهد بود یاتنزیهی؟ ونماز همه صف خواهد شد ویا از یک خاص؟

جواب: طریقه سنت این است که صف بچه ها درپس بالغان باشد لاکن در درمختار است که اگر درابتداء جماعت تنها یک بچه نابالغ باشد وی درصف مردها شامل کرده شود عبارت در مختار این است ثم الصبیان ظاهره تعدد هم فلو واحد ادخل الصف (۳) ودرشامی گفته است که صاحب بحر درین باره از حدیث انس (رضی الله عنه) فصففت انا والیتیم وراوه الحدیث (۴) استدلال

= جلد اول ص ۵۳٤ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱). ظفیر

(۱) ومحاذات الامرد الصبیح المشتهی لایفسدها علی المذهب، لضعف لما فی جامع المحبوبی ودرر البحار من الفساد لانه فی المرأة غیر معلول بالشهوة بل بترک فرض المقام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۹ ج۱) ولایجوز النظر الیه بشهوة کوجه امرد فانه یحرم النظر الی وجهها ووجه الامرد اذا شک فی الشهوة (ایضاً باب شروط الصلوة مطلب فی النظر الی وجه الامرد ص ۳۷۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۰۷). ظفیر

(۲) یصف الخ الرجال ثم الصبیان ظاهره تعدد هم فلو واحد دخل الصف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱). ظفیر

(۳) یصف الخ الرجال ثم الصبیان ظاهره تعدد هم فلو واحد دخل الصف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳٤ ج۱ ، ط س. ج۱ ص ۵۷۱). ظفیر

(٤) یصف الخ الرجال ثم الصبیان ظاهره تعدد هم فلو واحد دخل الصف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۳٤ ج۱، =

نموده پس ازین حدیث وروایت درمختار معلوم شد که اگر درجماعت یک بچه نابالغ باشد وی درصف بالغان شامل کرده شود واگر بچه های نابالغ بسیار باشند آنها درپشت سر بالغان استاد کرده شوند بهرحال این ثابت شد که اگر بچه نابالغ درصف مردها استاد شود ودر دوطرف وی بالغان استاد شدند درنماز این بالغان کدام فساد وکراهت نه آمد فقط.

جماعت زن وشوهر درست است یانه: سوال: (۱۱۷٤) جماعت زن وشوهر درست است یانه؟

جواب: جماعت زن وشوهر به گونه که هردو یکسان استاد باشند چنانچه حکم یک مقتدی شدن است درست نیست درین صورت نماز یکی نیز نخواهد شد ([1]) فقط (لاکن اگر قدمهای زن پستر باشد نماز درست است) ظفیر.

هرگاه امام بالای مصلی باشد ومقتدیها بالای فرش باشند این درست است یانه: سوال: (۱۱۷۵) که امام بالای مصلی (جای نماز) استاد میشود نماز میدهد ومقتدیها بالای فرش همینطور باشند جائز است یانه؟

جواب: جائز است فقط.

اگر امام بالای تخت باشد ومقتدیان بالای فرش باشند حکم چیست: سوال: (۱۱۷٦) درگرمی وباران دوامدار ازترس گژدم امام برای نماز خفتن وصبح بالای فرش مسجد تخت بیاندازد ونماز بدهد ومقتدیها همین طور بالای فرش میباشند این جائز است یانه؟

جواب: اگر این تخت به اندازه یک گز بلند باشد مکروه است ورنه جائز است کمافی الدر المختار وانفراد الامام علی الدکان للنهی وقدر الارتفاع بذراع ولاباس بمادونه وقیل مایقع به الامتیاز وهوالاوجه ([2]) الخ بهر حال چنین نه کردن بهتر است فقط.

استادن مقتدی دردر چیست: سوال: (۱۱۷۷) دریک جامع مسجد چند فاصله میان درستون است دروقت جماعت درهر دروازه مقتدیها استاد میشوند غرض اینکه مقتدیها یکه درمابین ستون

= ط.س. ج۱ ص ۵۷۱). ظفیر

(۱) وقال المرأة اذا صلت مع زوجها فی البیت ان کان قدمها بحذاء قدم الزوج لا تجوز صلاتهما بالجماعة وان قدماها خلف قدم الزوج الا انها طویلة تقع راس المرأة فی السجود قبل رأس الزوج جازت صلاتهما لان العبرة للقدم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۲) ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ص ٦۰٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٤٦ . ظفیر

استاد میشوند ونماز جمعه وجماعت وا اداء میکنند آنها مستحق هما نقدر ثواب هستند که گویا مانند کسیکه درصف اول است ونماز میخواند ویا از ثواب جماعت محروم شد نماز جماعتش که بهمراه کراهت اداء نشد؟ ایا درشدن نماز احتمال هست؟ اگر بسبب حرارت آفتاب بیرون ازستونها درصحن به اطمنان دل نماز اداء شده نمیتواند وبه همین سبب به استاد شدن درمابین ستونها مسجد نماز اداء کرده شود درین صورت حکم چیست؟

جواب: قال الشافعی والاصح ماروی عن ابی حنیفة انه قال: اکره ان یقوم بین السارتین ازین روایت صفا معلوم شد که برای امام استاده شدن درمیان دوستون اجتناب کردن است پس معلوم شد که دون ضرورت استاد شدن درمیان ستونها مکروه است امام نماز میشود وثواب جماعت نیز برایش حاصل میشود واگر دریک دروازه مردان بسیار استاد شده میتواند که صف ریزه گک ازان ها جور شود وضرورت آن باشد درین کراهت نیزبه ظاهر نخواهد بود فقط والله تعالی اعلم. کتبه عزیز الرحمن (والاصطفاف بین الاسطوانتین غیر مکروه لانه صف فی حق کل فریق الخ مبسوط صفحه ۳٦ جلد ۱ جمیل الرحمٰن.

اگر بسبب منبر درصف فاصله باقی بماند چه کرده شود: سوال: (۱۱۷۸) درمسجد درصف اول منبر حائل میباشد به این سبب درصف اول به اندازه منبر دودست جا خالی میباشد این جدائی باعث کراهت است یانه؟ واگر همه صف پستر شود سجده بعض مردم بالای این منبر میشود آیا این صحیح است؟

جواب: این فصل ضروری باعث کراهت نیست واگر جای سجده به مقدار نیم ذراع بلند باشد این هم درست است وبسبب ضرورت دربلندی زیاد ازین نیز حرج نیست **ولوکان موضع سجوده** ارفع من مواضع القدمین بمقدار لبنتین منصوبتین جاز وان کان اکثر لا الاّ لزحمة الخ در مختار، فقط.

اگر مقتدی خودش جانماز هموار میکند حکم چیست: سوال: (۱۱۷۹) تکبیر نماز صبح گفته شد یک شخص برای خود درصف تنها جای نماز را هموار کرد که ازسطرنجی بود حالانکه امام وهمه نماز گذاران بالای منزل نماز میخواندند به همین سبب وی را یک شخص منع گرد درجواب وی او گفت که این جائز است ومصلی رابلند کرده وجدا هموار کرد (جدا نماز خواند هرگاه مصلی را جدا هموار کرد ونماز خواند آیا توهین امام خو نشد؟

جواب: درین هیچ حرج نیست وکدام ضرورت هم نیست، بعض فقهاء احتیاطًا چنین نوشته اند که درجدا نگهداشتن جای نماز خود کدام حرج نیست ودرین کار هیچ توهین برای امام نیست واین غلطی وناوافقیت منع کننده است که بالای وی اعتراض کرد ووی را ازجماعت محروم کرد در درمختار است: حمل السجادة فی زما ننا اولی احتیاطاً الخ پس بالای چنین کار یکه بعض علماء آنرا جائز نوشته اند اعتراض وانکار کردن مناسب نیست اگر چه به آن کدام ضرورت وی هم نیست زیرا که منزلهای مسجد (طبقه ها) پاک است آنرا پاک شمردن ضرور است و بودرا به برابر عموم نماز گذاران بندا شتن لازم است فقط ([1]).

<u>پستر از صف جدا استادن ونماز خواندن چطور است</u>: سوال: (۱۱۸۰) جدا استاده شدن ازصف ونماز خواندن درست است یانه؟ ونماز شد یانه؟

جواب: نماز شد اما بدون عذر جدا استادن مکروه ([2]) است.

<u>بخاطر پرکردن صف خالی بالای سر گذشتن چطور است</u>: سوال: (۱۱۸۱) یک شخص درصف جای را خالی گذاشت وپشت سر نشست وشخص دیگر بالای سروی گذشت ودرجای خالی نشست کدام حرج خونیست؟

جواب: کدام شخص که جای خالی رادید وبالای شخص دیگر گذشت ودرجای خالی نشست بالای وی هیچ گناه نیست وکسیکه به همراه انکه درپیش جاخالی بود وپشت سرنشستن را اختیار کرد وی کار خلاف کرد ([3]) فقط.

<u>برای مقتدی کمی بعد تراز امام استاد شدن چطور است</u>: سوال: (۱۱۸۲) زید امام عید است وقتیکه زید نماز عیدرا میدهد درجانب راست زید یک بلست بعدتر وعمر درجانب چپ زید یک یک بلست بعد تر وبقیه نماز گذاران به طریقه خوب استاد میشوند نماز میشوند یانه؟

جواب: درین صورت نماز میشود مگر این هیئت خلاف سنت است ومکروه است در درمختار است فلوتوسط الثین کره تنزیهاً باز پیشتر مینوسید: ولوقام واحد بجنب الامام وخلفه صف کره اجماعاً ([4]).

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب صفة الصلاة فصل تالیف الصلاة، ج۱ ص۴۷۰، ط.س. ج۱ ص ۵۰۸. ظ

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. ظفیر

(۳) وکذا یکره للمقتدی ان یقوم خلف الصفوف وحده اذا وجد فرجة فی الصفوف (عالمگیری کشوری ص ۱۰۶ ج۱، ط.م. ج۱ ص ۱۰۷). ظفیر

=

نابسامانی در راست وچپ امام درصف توازن ودر جهر وسر تکبیرهای انتقالات: سوال: (۱۱۸۳) یک امام به طرف چپ مقتدیهای زیاد میدارد ودرطرف راست کم ودرنماز دادن حالت این هست که گاهی تکبیرهای انتقالات را بگونه ادا میکند که همه مسجد را مانده که هم محله شور میخورد وگاهی چنان به اهسته گی ونزاکت سلام میگرداند که مقتدیها به آن نیز خبر نشود درچنین حالت شرعا چه حکم است؟.

جواب: درمیان استاد شدن امام ضرور است وهردو طرف یکسان کردن مقتدیها ضرور است استاد کردن مقتدیهای زیاد به طرف چپ خلاف سنت است طریقه سنت این است که کدام وقت جماعت استاد میشود درهردو طرف یکسان مقتدی باشند (۱) باز چون کسی پسان بیاید وشریک شود برای آنها نیز لحاظ این روش لازم است که حتی الوسع که درهر دوطرف یکسان درجماعت شریک شوند وجهر اضافه ازحد واخفاء اضافه ازحد هردو کار امام خلاف سنت است (۲) فقط.

فاصله میان امام ومقتدی: سوال: (۱۱۸٤) ازجای سجده مقتدی تاجای استاده شدن امام چقدر فاصله ضرور است؟

جواب: درمیان فاصله بگذارد وکدام تحدید نیست (۳) فقط.

درعیدها به همراه یکسان وکمی بعد تر استاد شدن چطور است: سوال: (۱۱۸۵) یک شخص در نماز عیدها قصدا بهمراه امام وبه قدری پستر استاد میشود ونماز میخواند درنماز وی

---

(٤) ولو وجد فرجة في الاول لا الثاني له خرق الثاني لتقصيرهم، وفي الحديث من سد فرجة غفرله (درمختار) وَفِي الْقُنْيَةِ قَامَ فِي آخِرِ صَفٍّ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ الصُّفُوفِ مَوَاضِعُ خَالِيَةٌ فَلِلدَّاخِلِ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ لِيَصِلَ الصُّفُوفَ لِأَنَّهُ أَسْقَطَ حُرْمَةَ نَفْسِهِ فَلَا يَأْثَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيْهِ ، دَلَّ عَلَيْهِ مَا فِي الْفِرْدَوْسِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " { مَنْ نَظَرَ إلَى فُرْجَةٍ فِي صَفٍّ فَلْيَسُدَّهَا بِنَفْسِهِ ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَمَرَّ مَارٌّ فَلْيَتَخَطَّ عَلَى رَقَبَتِهِ فَإِنَّهُ لَا حُرْمَةَ لَهُ } " أَيْ فَلْيَتَخَطَّ الْمَارُّ عَلَى رَقَبَةِ مَنْ لَمْ يَسُدَّ الْفُرْجَةَ. اهـ (رد المحتار باب الامامة ص ٥٣٣ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٧٠) ظفير.

(۱) وينبغي للامام ان يقف بازاء الوسط فان وقف في ميمنة الوسط او في ميسرته فقد اساء لمخالفة السنة هكذا في التبيين الخ فان تساوت المواضع ففي يمين الامام وهو الاحسن (عالمگیری الباب الخامس في الامامة فصل خامس ص ۸۳ ج۱ ، ط. م. ج۱ ص ۸۹) ظفير.

(۲) ويجهر الامام بتكبيرة ركوع وغيره وهو ظاهر الرواية (عالمگیری مصری، الباب الرابع في صفة الصلوة ص ٦۹ ج۱، ط. م. ج۱ ص ۷۲. وجهر الامام بالتكبير بقدر حاجته للاعلام بالدخول والانتقال وكذا بالتسميع والسلام (درمختار) قوله بقدر حاجته للاعلام الخ اوكره اهـ قلت هٰذا اذا لم يفحش الخ واشار بقوله والانتقا ل الى ان المراد بالتكبير هنا مايشمل تكبير الاحرام وغيره وبه صرح في الضياء (ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب سنن الصلاة ص ٤٤٣ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٧٥). ظفير

(۳) والزائد يقف خلفه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٣٠ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٦٧) دومره فاصله دی وی چی ركوع اوسجدی ته ددلو په وخت کي دی دمقتدی سر دامام سره نه ټکربږی والله اعلم. ظفير

ونماز مقتدیها کدام خرابی خواهد بود یانه؟

جواب: هرگاه این شخص برابر استاد شونده از امام پستر بود ودرنماز مقتدیهای دیگر کدام فساد وخلل نه میآید نماز همه صحیح است لاکن بدون کدام ضرورت از قبیل تنگی (ضیقی) جای جدا شدن یک شخص از جماعت وجدا استاده شدنش برابر به امام مکروه است خوب ([1]) نیست.

صف نا بالغها درکجا باشد: **سوال:** (١١٨٦) اگر دوسه بالغها باشد وسه چهار بچه نابالغ باشد دریک صف علی الترتیب استاد شوند ویابالغها دریک صف وبچه ها درصف دیگر دپشت سر استاد شوند؟

جواب: چون بچه های نابالغ بسیار باشند پستر ازبالغ ها استاد شوند ودریک صف استاد نشوند ([2]) فقط

یکجا کردن پای یک مقتدی به مقتدی دیگر چطور است: **سوال:** (١١٨٧) چسپاندن پابه گونه که مقتدی طرف راست پای چپ خودرا به همراه پای راست مقتدی جانب چپ بچسپاند نماز فاسد میشوند یانه؟

جواب: نماز خوبه این کار فاسد نمیشودن این کار آنها خلاف سنت است ([3]).

صف مکمل بود یک شخص آمد ودر پشت سر جدا استاد شد چه حکم است: **سوال:** (١١٨٨) درنماز جماعت صف مکمل پربود برای یک نماز گذار درصف جای پیدا نشد وجدا استاد شد نماز شد یانه؟ یاوی درجماعت شامل شد یانه؟ اگر برای رفاقت خود ازصف شخص دیگر را میخواهد از کدام پهلو بگیرد؟

جواب: اگر وی جدا بستر استاد شدبه این خاطر که درصف پیش جای نبود نماز وی بدون کراهت شدن بهتر این است که ازصف سابق کسی راکش کرده وهمراه خود یکجا استاد کند به

---

(١) ويقف الواحد محاذيا أي مساويا ليمين إمامه، ولا عبرة بالرأس بل بالقدم، فلو صغيرا فالاصح ما لم يتقدم أكثر قدم المؤتم لا تفسد الخ والزائد يقف خلفه ولو قام واحد بجنب الامام وخلفه صف كره اجماعا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ٥٢٩ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٦٦). ظفير

(٢) ولو اجتمع الرجال والصبيان الخ يقوم الرجال مايلي الامام ثم الصبيان (عالمگیری مصری باب خامس فصل خامس ص ٨٣ ج١ ، ط. ماجديه. ج١ ص ٨٨ – ٨٩). ظفير

(٣) وما روى الهم الصقوا الكعاب بالكعاب اريد به الجماعة اى قام كل واحد بجانب الأخر (رد المحتار باب صفة الصلوة بحث القيام ص ٤١٤ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٤٤٤) ظفير.

شرطیکه ترس فاسد شدن نماز کسی نباشد مثلاً اینکه کسی را که کش میکند وی ازمسئله خبر باشد وبه کش کردن وی بفهمد که برای من پشت سرشدن مناسب است واختیار دارد که از کدام حصه صف بخواهد کش کندن لاکن از نزدیک بهتراست ودرین زمانه به این سبب که عموماً ازمسائل بی خبراند واگر کش کردن رامناسب نداند کش نکند زیرا که نماز شخص تنها نیز میشود فقط (۱).

هرگاه نابالغ تنها باشد درصف بالغان استاد خواهد شد: سوال: (۱۱۸۹) اگر عمر زید سیزده سال باشد با استاده کردن درصف اول درحالیکه درصف دوم کسی دیگر نباشد درنماز کسی خوکدام نقصان نخواهد آمد؟

جواب: درین صورت وقتی این بچه تنها باشد شامل ساختن وی درصف اول مناسب است به این کار درنماز کسی چیز نقصان نخواهد آمد کذا فی الشامی (۲) فقط.

درکدام جای صف ثواب زیاد است: سوال: (۱۱۹۰) (۱) درصف باعتبارجانبین درثواب کمبود وزیادت هست یاثواب یکسان حاصل میشود؟ وکسیکه روبروی امام استاد باشد برای وی ثواب زیاد حاصل میشود یاچطور؟ ونزدیک به امام استادن علماء مناسب است ویاجاهل نیز استاد شده میتواند؟ جاهل را اما ازجای نزدیک خیستانده میتواندیانه؟

حکم بدست آوردن جا درمسجد: سوال: (۱۱۹۱) (۲) از قبیل قبضه کردن جا درمسجد بواسطه ماندن کالا ودستمال وغیره درست است یانه؟ اگر کسی ازمسجد بلند شود وبرای حوائج ضروری ازمسجد بیرون براید ودرجای خود دستمال رابماند وی مستحق این جا خواهد بود یانه؟ واگر به این جای کمی نشت این شخص بلند کرده شود یانه؟

ثواب پیش آمدن به مسجد خواهد بود یانه: سوال: (۱۱۹۲) (۳) کسیکه پیش به مسجد

---

(۱) وقدمنا کراهة القیام في صف خلف صف فیه فرجة للنهي، وکذا القیام منفردا، وإن لم یجد فرجة، بل یجذب أحدا من الصف. ذکره ابن الکمال ، لکن قالوا: في زماننا: ترکه أولی، فلذا قال في البحر: یکره وحده إلا إذا لم یجد فرجة (درمختار) وَالْأَصَحُّ مَا رَوَى هِشَامٌ عَنْ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ يَنْتَظِرُ إلَى الرُّكُوعِ ، فَإِنْ جَاءَ رَجُلٌ وَإِلَّا جَذَبَ إلَيْهِ رَجُلًا أَوْ دَخَلَ فِي الصَّفِّ ، ثُمَّ قَالَ فِي الْقُنْيَةِ : وَالْقِيَامُ وَحْدَهُ أَوْلَى فِي زَمَانِنَا لِغَلَبَةِ الْجَهْلِ عَلَى الْعَوَامّ فَإِذَا جَرَّهُ تَفْسُدُ صَلَاتُهُ ا هـ قَالَ فِي الْخَزَائِنِ قُلْت : وَيَنْبَغِي التَّفْوِيضُ إلَى رَأْيِ الْمُبْتَلَى ، فَإِنْ رَأَى مَنْ لَا يَتَأَذَّى لِدِينٍ أَوْ صَدَاقَةٍ زَاحَمَهُ أَوْ عَالِمًا جَذَبَهُ وَإِلَّا انْفَرَدَ . ا هـ قُلْت : وَهُوَ تَوْفِيقٌ حَسَنٌ اخْتَارَهُ ابْنُ وَهْبَانَ فِي شَرْحِ مَنْظُومَتِهِ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوة ومایکره فیها ص ٦۰۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٤۵ - ٦٤٦) . ظفیر

(۲) لم الصبیان ظاهره تعددهم فلو واحد دخل الصف الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱) ظفیر الدین

بیاید برای وی ثواب زیاد حاصل میشود یابرای کی؟

حکم خروج معتکف برای ضرورت از مسجد: سوال: (۱۱۹۳) (٤) اگر معتکف برای حوائج ضروری ازمسجد بیرون برود بعد از پس آمدن به جای سابق بنشنید ویا اینکه هرجا که بخواهد نشسته میتواند؟

هیچ ثبوت اذان به طرف راست واقامت به طرف چپ نیست: سوال: (۱۱۹٤) (۵) در اذان دادن به طرف راست واقامت بطرف چپ ثبوت شرعی است یانه؟

جواب: (۱) درشامی است: قوله وخیر صفوف الرجال اولها الخ لانه روی فی الاخبان ان الله تعالی اذا انزل الرحمة علی الجماعة یترلها اولاعلی الامام یتجاوز عنه الی من بحذائه فی الصف الاول ثم الی المیامن ثم الی المیاسر ثم الی الصف الثانی الخ باز بعدازین فرمود:

قال فی المعراج: ان الافضل ان یقف فی الصف الاخر اذاخاف ایذاء احد [1] الخ ازین عبارتها معلوم شد که درصف اول نیز باعتبار جواب درثواب کمبود وزیادت هست کسیکه اوبروی امام است بالای وی نزول رحمت زیاد است البته اگر برای نماز گذاران دیگر تکلیف باشد باز بهتر این است که این جاراترک نماید وبهتر این است که نزدیک علماء صالحین استاد باشند لاکن بلند کردن جاهل نیز مناسب نیست وتکلیف دادن به وی مناسب نیست [2].

جواب: (۲) درشامی است: وینبغی تقییده بما اذالم یقم عنه علی نیة العود بلامهلة کما لوقام للوضوء مثلاً ولاسیما اذا وضع فیه ثوبه لتحقق سبق یده [3] ازین ثابت شد که اگر کدام شخص از اول آمد ودر مسجد بالای یکجا نشست وباز بهمراه ضرورت وضوء وغیره از آنجا چیست ودر انجا چیست ودر آنجا لباس خودرا ماندوی مستحق آنجاهست اگر کسی دیگری به اینجا نشست وی اورا خیستانده میتواند وبغیر ازحالت یاد شده ماندن دستمال دریکجا وقبضه کردن خوب نیست.

جواب: (۳) کسیکه پیش بیاید برای وی ثواب زیاد حاصل خواهد شد.

جواب: (٤) درمسجد هرجا که بخواهد نشسته میتواند.

---

(۱) ببیند رد المحتار مطلب فی جواز الایثار بالقرب ص ۵۳۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۹ . ظفیر.

(۲) ارشاد نبوی است: لیلنی منکم اولو الاحلام والنهی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم (مشکوٰة ص ۹۸) . ظفیر.

(۳) ردالمحتار باب مایفسده الصلٰوة ومایکره فیها مطلب فیمن سبقت یده الی مباح ص ۶۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۶۶۲ . ظفیر.

جواب: (۵) هیچ ثبوت این نیست فقط.

به سبب باران صرف چهار انگشت پشت سرصف درست است یانه: سوال: (۱۱۹۵) برابر به امام چهار انگشت پستر که یک مقتدی استاد باشد جورکردن صف بسبب عذر باران ویاگرمی درحالیکه صحن فراخ باشد این کار چطور است؟

جواب: درست است (۱) فقط.

هرگاه دردرون (داخل) مسجد جای نماند مقتدیها دردروازه ها استاد شوند یانه: سوال: (۱۱۹۶) اگر داخل مسجد پرشود نماز گذاران باقیمانده دردروازه ها (درمیان ستونها) استاد شوند ویا بیرون بالای فرش بهتر چطور است؟

جواب: دردروازه ها استادن خوب نیست هرگاه بیرون درفرش مسجد جا موجود باشد (۲) فقط.

هرگاه صفها کم برباشد سجده بالای فرش کرده میشود: سوال: (۱۱۹۷) اگر بر مصلی وصف کم باشد که سجده بالایش کرده نمیشدپس پای بالای مصلی باشد یاپائین؟

جواب: چه قسم که میخواهد بکند خواه پایش بالای صف ومصلی باشد وسجده اش برفرش باشد ویاپایشان پائین وسجده اش بالای صف باشد فقط (پاک بودن جای شرط است موجودیت مصلی (جای نماز) ضرور نیست) ظفیر.

استاد شدن امام دردر وازه یامحراب چطور است چون بمقتدیها اشکار شود: سوال: (۱۱۹۸) ستون ودروازه یک مسجد چنان هست که اگر امام درین هردو جاها استاد شود ونماز میدهد مقتدیها به وجه وخوب امام خودرا دیده میتوانند پس درچنین دوجای نماز خواندن چطور است؟ ایامکروه تنزیهی است ویا مکروه تحریمی؟

جواب: قال الشامی والاصح ماروی عن ابوحنیفه انه قال: اکره ان یقوم بین السارتین (۳) الخ ازین معلوم شد که استاد شدن امام درمیان ستون ها ومحراب به گونه که قدمهایش بیرون نباشد

---

(۱) فلوقاموا علی الرخوف والامام علی الارض اوفی المحراب لضیق المکان لم یکره کما لوکان معه بعض القوم فی الاصح وبه جرت العادة فی جوامع المسلمین (درمختار) وظاهره انه لایکره ولو بلاعذر (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ویکره فیها ص ۶۰۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۶۴۶). ظفیر

(۲) ولهذا قال فی الولوالجیة وغیرها اذا لم یضق المسجد من خلف الامام لاینبغی له ذالک. (رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ویکره فیها ص ۶۰۴ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۶۴۶) ظفیر.

(۳) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸ . ظفیر

مکروه است ومراد از مکروه مکروه تنزیهی است که حاصل آن خلاف اولی است فقط.

دو نفر نماز میخواند که شخص سوم آمد امام پیش میشود یامقتدی پس آید: سوال: (۱۱۹۹) امام ومقتدی فقط دوشخص باشند وبهمین خاطر مساوی استاد میشوند حالا شخص سوم دیگر امد حالا امام پس وپیش شود ویامقتد یها پستر شوند؟

جواب: درین حالت اگر امام پیش میرود ویامقتدیها پستر میشوند هردوکار جائز است لاکن پس شدن مقتدی بهتر است به نسبت پیش شدن امام کمافی الشامی وهواولی من تقدمه لانه متبوع ([1]) الخ. فقط

ایا درجماعت چسپاندن پای یک مقتدی بامقتدی دیگر درقیام ضروری است: سوال: (۱۲۰۰) غیر مقلدین یکی بادیگر پای خودرا میچسپانند وازحدیث استنباط میکنند درنزد حنفیه چه حکم است؟

جواب: غیرمقلدین غلط میگویند تنها حکم محاذات قدمها شانه ها وغیره است همین را حنفیها نیزمیگویند ([2]) فقط.

مخنث درجماعت مردها شامل شده میتواند یانه: سوال: (۱۲۰۱) مخنث (نامردان) باشامل شدن درجماعت مردها نماز خوانده میتواند یانه؟ چون وی درجماعت شامل شود نماز مسلمانهای دیگر میشود یانه؟ وکدام روپیه وغیره که به نیت ثواب درمسجد بدهد درضروریات مسجد مصرف شده میتواند یانه؟

جواب: مخنثها درجماعت مردها شامل شده میتوانند اما آنها پس ازصف مردها ([3]) استاد شوند وباشامل شدن آنها درجماعت نماز مسلمانهای دیگر صحیح است ومصرف کردن روپیه های آنها درمسجد درست است فقط ([4]).

---

(۱) وَفِيه إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ الزَّائِدَ لَو جَاءَ بَعْدَ الشُّرُوعِ يَقُومُ خَلْفَ الإِمَامِ وبِتَأَخُّرُ الْمُقْتَدِي الْأَوَّلُ الخ وَالَّذِي يَظْهَرُ أَنَّهُ يَنْبَغِي لِلْمُقْتَدِي التَّأَخُّرُ إِذَا جَاءَ ثَالِثٌ الخ فَإِنِ اقْتَدَى عَنْ يَسَارِ الْإِمَامِ يُشِيرُ إِلَيْهِمَا بِالتَّأَخُّرِ ، وَهُوَ أَوْلَى مِنْ تَقَدُّمِهِ لِأَنَّهُ مَتْبُوعٌ وَلِأَنَّ الاصْطِفَافَ خَلْفَ الْإِمَامِ مِنْ فِعْلِ الْمُقْتَدِينَ لَا الْإِمَامِ . فَالْأَوْلَى ثَبَاتُهُ فِي مَكَانِهِ وَتَأَخُّرُ الْمُقْتَدِي الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸۶). ظفير

(۲) وماروی انهم الصقوا الكعاب بالكعاب اريد به الجماعة ای قام كل واحد بجانب الأخر (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص ۴۱۴ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۴۴) ظفير.

(۳) يصف الرجال الخ الصبيان الخ ثم الخناثى، ثم النساء (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۴ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱). ظفير

(۴) اگر فائده اش جائز باشد زيرا انها نيز مسلمان اند. ۱۲ ظفير.

وقتی درصف اول جا باشد باقطع کردن صفوف بتدی به آنجا رفته میتواند یانه:

سوال: (۱۲۰۲) چون جماعت استاد باشد وهمه مردم نیت بسته کرده باشند یک شخص وضوء کرده آمد ودرصف اول جاء است چنین شخص باقطع کردن صف های کناره درصف اول ویامیانه استاد شده میتواند یانه؟ وگنهگار نخواهد شد؟

جواب: استاد شده میتواند وهیچ گناه در آن نخواهد بود (۱).

باگذشتن ازصف اطفال پیش رفته میتواند یاخیر: **سوال:** (۱۲۰۳) درصف پیش پنج شش (۵- ٦) نفر است وصف دوم از اطفال است که درآن پانزده یاشا نزده بچه است یعنی صف بچه ها صف مردهارا ازطرف راست وچپ فرا گرفقه حلاکه کدام شخص میآید بدون گذشتن ازپیش روی صف اطفال درصف اول شامل شده نمیتواند برای وی چه کردن مناسب است؟

جواب: درین صورت شخص آمده از پیش روی صف طفلها بگذرد ودرصف مردها شامل شود (۲) فقط.

مقتدیها درجماعت با چسپاندن شانه ها استاد میشوند یا باچسپاندن پاها: **سوال:** (۱۲۰٤) مقتدیها درنماز به چسپاندن شانه به شانه که اسپاد میشوند یک صاحب میفر ماید که چسپاندن پای باپای نیز لازم است آیا درمذهب حنفی حکم این است یانه؟

جواب: درحدیث شریف حضرت پاک ﷺ حکم چسپاندن شانه ها وبرابر کردن صف هارا فرموده اند وحکم سیده کردن بجلک ها است ازین غیر مقلدها حکم چسپاندن بجلک به بجلک راپنداشته اند این درظاهر از آنهاغلط فهمی شده واصل این است که حکم یکجا کردن شانه ها درحدیث صحیح وارد شده لهذا این سنت است هرگاه همه مردان شانه نه هارا بچسپانند بجلک های یکجا شده نمیتواند چنانچه تجربه گوره این است بهمین خاطر از بعض صحابه که الصاق کعاب منقول است معنای آن برابرکردن وسیده کردن است یعنی همه مردان صف دریک

---

(۱) ولو وجد فرجة في الاول لاالثاني له فرق الثاني لتقصيرهم وفي الحديث من سدفرجة غفرله (درمختار) مَنْ قَامَ فِي آخرِ صَفٍّ وبَيْنَهُ وبَيْنَ الصُّفُوفِ مَوَاضِعُ خَالِيَةٌ فَلِلدَّاخِلِ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ لِيَصِلَ الصُّفُوفَ لِأَنَّهُ أَسْقَطَ حُرْمَةَ نَفْسِه فَلَا يَأْثَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيْهِ ، دَلَّ عَلَيْهِ مَا فِي الْفِرْدَوْسِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ • { مَنْ نَظَرَ إِلَى فُرْجَةٍ فِي صَفٍّ فَلْيَسُدَّهَا بِنَفْسِه ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَمَرَّ مَارٌّ فَلْيَتَخَطَّ عَلَى رَقَبَتِه فَإِنَّهُ لَا حُرْمَةَ لَهُ } • أَيْ فَلْيَتَخَطَّ الْمَارُّ عَلَى رَقَبَةِ مَنْ لَمْ يَسُدَّ الْفُرْجَةَ. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۰). ظفير

(۲) لووجد فرجة في الاولو لاالثاني وله فرق الثاني (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۰) ظفير الدين غفرله

راسته باشند نه لیسکه پاها وبجلک ها پس وپیش باشد (۱)

حدود شرعی اقتداء چیست: **سوال:** (۱۲۰۵) برای اقتداء کدام حدود شرعی مقرر است؟ درصورتهای کتبی ذیل کدام یک صورت کدام یک جائز نیست؟ (۱۲۰۶) (۲) امام درجای بلند هست ومقتدیها پائین است خواه بطرف راست خواه بطرف چپ وخواه بستر برای این دوصورت است یکی اینکه به امام نزدیک باشد خواه درمیان دیوار وغیره حائل باشد یانه؟ دوم اینکه از امام دور باشد دیوار حائل باشد یانه؟

سوال: (۱۲۰۷) (۳) امام درجای پائین هست ومقتدیان بالاهستند این راحسب بال اچهار شکل است: **سوال:** (۱۲۰۸) (٤) بخش فرش بائین اکثر خانه های این منطقه افریقا واز چوب هست وپائین آن تازمین کم وبیش به اندازه قد انسان مجوف یعنی (قد) میباشد درچنین صورتها مقتدیها در بخش پائین جماعت خانه استاد شده میتواند یانه؟

سوال: (۱۲۰۹) شخص ساکن پیوسته به مسجد ویا دوراز مسجد لاکن چنان که تکبیرات انتقالات وغیره راشنیده میتواند چنین شخص درجای خود اقتداء کرده میتواند یانه؟ درکدام یک صورت ازمریض (بیمار) معذور یامقیم کدام یک ازین صورتها ازجواز است؟

جواب: (۱-۲) اگر امام تنها درجای بالا یاپائین باشد مکروه است واگر بهمراه امام تعداد مقتدیها باشند باز درهیچ حالت کراهت نیست دور ونزدیک هردو درست است بشرطیکه صفها پیوسته باشند دردرمختار است: کمالو کان معه بعض القوم فی الاصح (۲).

جواب: (۳) درین نیز همین جواب است که اگر بهمراه امام بعض مقتدیها باشند درحصه پائین استادن واقتداء کردن درست است (ببیند حواله ماقبل را، ظفیر). فقط

جواب: (٤) از خانه اقتداء امام را که درمسجد است کرده نمیتواند اما در صورت اتصال صفها

---

(۱) عن النعمان بن بشیر قال : کان رسول الله ﷺ یسوی صفوفنا حتی کانما یسوی بها القداح حتی رأی انا قد عقلنا عنه ثم خرج یوما فقام حتی کاد أن یکبر فرأی رجلا بادیا صدره من الصف فقا ل: عباد الله لتسون صفوفکم أو لیخالفن الله بین وجوهکم. رواه مسلم (مشکوٰة باب تسویة الصف ص ۹۷) وعن ابی مسعود الانصاری قا ل کان رسول الله ﷺ یمسح مناکبنا فی الصلاة ویقول استووا (ایضاً) وما روی الصقوا الکعاب ارید به الجماعة ای قام کل واحد بجانب الاخر (ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ص ٤١٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٤٤) ظفیر.

(۲)الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ص٦٠٥ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٤٥) ددی شخه مخکی داعبارت دی: وکره تربع الخ وانفراد الامام علی الدکان لنهی وقدر الارتفاع بذراع ولا باس بما دونه الخ وکره عکسه فی الاصح وهذا کله عند عدم العذر الخ فلو قاموا علی الرفوف والامام علی الارض او فی المحراب لضیق المکان لم یکره کما لوکان معه بعض القوم ایضاً. ط.س. ج۱ ص ٦٤٦. ظفیر الدین

که ازمسجد تاخانه بطور عادی صفهای مقتدیها باشد درین صورت اقتداء درست است ([1]) فقط.

دریس امام چطور مردم استاد شوند: سوال: (۱۲۱۰) درپس امام استاد شدن مقتدیها چگونه مناسب است؟ کسیکه پیش امد خواه ازعلم دین خبر باشد یابی خبر باشد؟

جواب: نزدیک به امام استاد شدن اهل علم واهل عقل بهتر است لاکن اگر نزدیک به امام مردم نماز گذار دیگر آمده با شند ضرورت دور کردن آنها نیست زیرا به هرحال نماز میشود ([2]) فقط.

مطلب الصاق کعبین چیست: سوال: (۱۲۱۹) الصاق کعبین یعنی مراد چسپاندن بجلک یکپا بهمراه بجلک پای دیگر است یا درمحاذات داشتن است؟ غرض اینکه مراد ومطلب الصاق کعبین چیست؟

جواب: درباره صفة الصلاة شامی این عبارت نیز موجود است که مطلب از آن الصاق کعبین حاصل میشود: وینبغی ان یکون بینهما مقدار اربع اصابع الید لانه اقرب الی الخشوع هکذا روی عن ابی نصر الدی بوسی انه کان یفعله کذا فی الکبری ومارو ی انهم الصقوا الکعاب بالکعاب ارید به الجماعة ای قال گل واحد بجانب الاخر کذا فی فتاوی سمرقند ([3]) پس امکان دارد که مراد از الصاق کعبین در محاذات داشتن یک بجلک به بجلک دیگر باشد به گونه که درباره مقتد یها الصاق کعب بالکعب درآثار صحابه آمده است فقط.

وقتی بهمراه امام یک شخص باشد ودیگر بیاید چه کند: سوال: (۱۲۱۲) اگر بهمراه امام تنها یک مقتدی نماز میخواند ویکی دیگر بیاید ویاصف جماعت مکمل پرشود ویک نماز خوان پسان بیاید بلای وی کش کردن یک مقتدی ازصف اول لازم است؟ ویاتنها جائز است؟

---

(۱) ویمنع من الاقتداء صف النساء الخ وطریق تجری فیه عجلة الخ اونهر تجری فیه السفن او خلاء فی الصحراء لیسع صفین فاکثر الا اذا اتصلت الصفوف فیصح مطلقا (ایضاً ، ط.س. ج۱ ص ٥٨٤). ظفیر

(۲) استادشدن درپس خوفانونا حق کسی است که پیش بیاید زیرا که امام را دروسط داشتن حکم است قال ﷺ توسطو الامام وسدوا الخلل ومتی استوی جانباه یقوم عن یمین الامام ان امکنه باز وقتی صف پوره شود صف دیگر را نیز ازکش روی امام شروع خواهد شد ولو یجد عالما یقف خلف الصف بحذاء الامام للضرورة لاکن اگر مردم دیگر اهل عدم را ترجیح بدهد وبجای خود آنهارا استاذ نمایند این فعل نز درست است بلکه مطلوب است وان سبق احد الی الصف الاول فدخل رجل اکبر سنا او اهل علم ینبغی ان یاحر ویقدمه تعظیماله اه این عبارت است وبه تفصیل رد المحتار باب الامة مطلب فی جواز الایثار بالقرب صفحه ٥٣٢: جلد- ۱- رابیندوان سبق احد الی الصف الاول فدخل رجل اکبر سنا اواهل علم ینبغی ان یتاخر ویقدمه تعظیما اه این عبارت است وبه تفصیل ردالمحتار باب العامة مطلب فی جواز الایثار بالقرب صفحه ٥٣ .جلد. ۱. را ببیند.

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلٰوة بحث قیام ص ٤١٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٤٤. ظفیر

جواب: اگر بهمراه امام یک مقتدی باشد باز دیگر بیاید بهتر این است که مقتدی پیشین پس شود وهردو درپس امام استاد شوند اینجا این شرط را نوشته اند که اگر اندیشه فاسد شدن نماز این مقتدی نباشد وی پس شود ورنه پس نشود ازین ثابت شدکه ضرورت پس شدن وقتی است که این ثابت باشد که وی پس خواهد شد واین مسئله برایش معلوم باشد همین قسم حکم استادن پستر ازصف است اگر کدام شخص به پس کردن وی بدون تکلیف پس شود چنین بکند ورنه جدا تنها استاد شود چنانکه تفصیل موضوع درشامی مذکور است.

فلیراجع والذی یظهر انه ینبغی للمقتدی التاخیر اذاجاء ثالث فان تاخر والا جذبه الثالث ان لم یخش فساد صلوته فان اقتدی عن یسار الامام یشیر الیها بالتاخیر وهو اولی من تقدمه لانه متبوع (الی) وهذا کله عندالامکان والاتعین الممکن [1] الخ. وفی الدر المختار ولو صلی علی رفوف المسجد ان وجد فی صحنه مکانا کره کقیامه فی صف خلف صف فیه فرجة [2] الخ ازعبارت در مختار این واضح است که تنها استادن یک مقتدی درپشت سرصف دروقتی مکروه است که در صف پیش جای باشد مفهوم آن این است که اگر صف پیشتر باشد پستر جدا استاد شده میتواند بلی بهتر این است که یک نفر از صف پس برود واگر این شخص آمده گی یک شخص را از صف پیش کش کند این هم جائز است به این کار نماز فاسد نمیشود فی الشامی: لوجذبه اخو فتاخر الاصح لا تفسد صلوته [3] الخ.

به سبب مجبوریت درمدرسه پائین اقتداء درست است یانه: سوال: (۱۲۱۳) درمسجد جامع امام برای نماز دادن استا د شد وهمه مسجد ازنماز خوانها پرشد ویک صف بیرون بالای فرش نیز جور شد باران شروع شد کسانیکه درپشت سر باقیماند آنها به سبب باران مسجدرا

---

(۱) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸، اینکه گفت هذا الامکان والاتعین الممکن مطلب آن اینست که اگر جای پس رفتن مقتدی باشد باز خود مقتدی پس شود واگر جای پس شدن نباشد باز پیش بردن امام مناسب است واگر گنجایش این نیز باشد مقتدی دیگر بطرف چپ امام استاد شود کمی پستر به گونه که مقتدی اول استاد است والله اعلم ظفیر الدین غفرله.

(۲) ردالمحتار مطلب فی کراهة قیام الامام فی غیر المحراب ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸ . ظفیر

(۳) ویقف وسطا (درمختار) وفی مبسوط بکر: السنة ان یقوم فی المحراب لیعتدل الطرفان ولو قام فی احد جانبی الصف یکره ولو کان المسجد الصیفی بجنب الشتوی وامتلأ المسجد یقوم الإمام فی جانب الحائط لیستوی القوم من جانبیه الخ قال ﷺ توسطوا الامام الخ فی موضع اخر السنة ان یقوم الامام ازاء وسط الصف (رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸) وکیفیته ان یقف احدهما بحذائه والأخر بیمینه اذاکان الزائد اثنین ولوجاء ثالث وقف عن یسار الاول والرابع عن یمین الثانی والخامس عن یسار الثالث وهکذا اهـ (ایضاً ص ۵۳۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۸). ظفیر.

ترک نموده درمدرسه استاد شدند که درزیر فرش واقع است گویا ازمقتد یهای دیگر فاصله آنها آمد نماز آنها شد یانه ودرحالت چنین مجبوریت این عذر قابل شنیدن خواهد بود یانه؟

جواب: دردرمختار این روایت است که مسجد بسیار کلان که حکم صحرار ادارد اگر درآن فاصله یک صف ویا زیاد از آن بیاید نماز نماز گذاران پشت سراستاده گان نخواهد شد لاکن شامی نقل کرده که این حکم مسجد کلان است وحکم مسجد عادی این نیست دران درحالت ذکرشده نماز آمردم خواهد شد که درمدرسه ذکرشده نماز خوانده اند وبسیار روایتها را چنان نقل فرموده است که از ان جواز ثابت میشود لهذا درحالت چنین مجبوریت به همین روایات عمل خواهدشد وحکم صحت نماز کرده خواهد شد البته بدون ضرورت چنین کرده نشود ودرین احتیاط کرده شود فقط.

آیا جد از پیش روی محراب جماعت کردن مکروه است: سوال: (۱۲۱٤) بالای فرش بیرون مسجد هرجا که میخواهد جماعت فرض را اداء کند مثلا درموسم گرمی بالای فرش مسجد کلان به سوی سایه ودر زمستان درآفتاب یک صاحب این را میگوید که اداء کردن جماعت فرض روبروی محراب بالای فرش وصحن مسجد لازم است وخلاف محاذ محراب اداء کردن جماعت فرض صحیح نیست؟

جواب: درشامی است: السنة ان یقوم فی المحراب لیعتدل الطرفان ولوقام فی احد جانب الصف یکره ولوکان المسجد الصیفی بجنب المشتری وامتلا المسجد یقوم الامام فی جانب الحائط لیستوی القوم من جانبیه والاصح ماروی عن ابی حنیفه (رح) انه قال اکره ان یقوم بین العارتین اوفی راویة اوفی ناحیة المسجد اوالی ساریة لانه خلاف عمل الامة (۱)

الخ از همه این عبارته معلوم میشود که سنت برای امام استاد شدن درمحراب ومیان قوم است لهذا اگر بالای فرشی صحن بیرون استاد میشوند نیز روبر وی محراب استاد شود باقی نماز بهرحال میشود لاکن طریقهٔ (سنت) همین است که ذکر شد.

(۱) ویقف وسطا (درمختار) وفی مبسوط بکر: السنة ان یقوم فی المحراب لیعتدل الطرفان ولو قام فی احد جانبی الصف یکره ولو کان المسجد الصیفی بجنب الشتوی وامتلأ المسجد یقوم الإمام فی جانب الحائط لیستوی القوم من جانبیه الخ قال ﷺ توسطوا الامام الخ فی موضع اخر السنة ان یقوم الامام ازاء وسط الصف (رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸) وکیفیته ان یقف احدهما بحذائه والأخر بیمینه اذاکان الزائد اثنین ولوجاء ثالث وقف عن یسار الاول والرابع عن یمین الثانی والخامس عن یسار الثالث وهکذا اهـ (ایضاً ص ۵۳۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸). ظفیر

در جماعت صفها بهر دو طرف امام یکسان باشند: سوال: (۱۲۱۵) (۱) مشهور است که درجماعت مقتدیان زیاد تربه طرف راست استاد میشدوند کدام ثبوت آن هست؟
ویا به هردوطرف یکسان استاد شوند؟

چون یک طرف صحن زیاد باشد لحاظ کردن مابین صحن مناسب است: سوال: (۱۲۱۶) (۲) اگر صحن مسجد به یک طرف ده دوازده دست زیاد باشد حالا بالای امام باعتبار صحن استاد شدن درمیان لازم است ویا لحاظ کردن محراب لازم است؟

اگر بیرون جماعت میشود آیا بند کردن داخل ضروری است: سوال: (۱۲۱۷) (۳) دربسیار جاهای پنجاب دیده شده که اگر جماعت درصحن میشود دروازه های داخلی مسجد را بطور لازمی بند میکنند شرعا ثبوت این هم است یانه؟

جواب: (۱) برابر بودن هردو طرف مقتدیها مناسب است) ([1]).

جواب: (۲) وقتی بیرون استاد باشند لحاظ میان صحن کرده شود ([2]).

جواب: (۳) بندکردن دروازه های داخل درین وقت ضروری نیست.

آنطرف مسجد درسایه اقتداء درست است یانه: سوال: (۱۲۱۸) در مسجد یک قریه درسایه نماز خوانده میشود وچون بالای فرش آفتاب میباشد بعض مردم همه فرشی را ترک کرده در فاصله چهارده پانزده گز درسایه درختها درنماز شریک میشوند ونیت بسته میکنند درین صورت نماز آنها میشود یانه؟

جواب: نماز آنها صحیح است ([3]) فقط، (اماچنین کار مناسب نیست صفها پیوسته باشد مگر راه نجات از آفتاب ضرور است بخاطر اینکه برای نماز گذاران تکلیف نباشد. ظفیر

اقتداء امامیکه حالش معلوم نباشد درست است یانه: سوال: (۱۲۱۹) درصفحه ۱۵۳ جلد اول خلاصة الفتاوٰی آمده: ولواقتدی بالامام ولایدری انه مقیم اومسافر لایصح اقتدائه این مسئله معمول بها هست یا چطور؟

---

(۱) مقصد این است که درسایه کدام درختهای اقتداء نماز را به فاصله پانزده گزمیکند اگر درمسجد ویادر فناء (حدود) مسجد باشد نماز درست است فناء المسجد کالمسجد فیصح الاقتداء وان لم یتصل الصفوف (الاشباه والنظائر فن ثانی، کتاب الصلاة ص ۱۹۷). ظفیر
(۲) ایضا. ظفیر
(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة المسافر ص ۷٤۰ ، ط.س. ج۲ ص ۲۹، درنقل کردن عبارت تقدیم وتاخیر است واین را بخاطر واضح کردن مطلب کرده است. ۱۲ ظفیر.

جواب: چیزیکه دردرمختار ازخانیه وغیره نقل کرده آن موافق این روایت خلاصه است لاکن جواب آنرا چنین داده اند که معلوم شدن حال امام درهمه نماز ضرور است معلوم شدن ابتدائی شرط نیست به همین سبب این اگاهی امام که من مسافرم رامستحب نوشته اند عبارت درمختار این است: وندب للا مام ان یقول بعد التسلیمتین فی الاصح اتموا صلوتکم فانی مسافر هذا یخالف الخانیه وغیرها ان العلم بحال الامام شرط لکن فی حاشیة الهدایة للهندی الشرط العلم بحاله وفی الجلمة لافی حال الابتداء الخ.

<u>شرکت بچه های بی ریش درصف اول</u>: **سوال**: (۱۲۲۰) درصف اول استاد شدن بچه های بی ریش چگونه است؟

جواب: استاد شدن بچه های درپشت سرمردها مناسب است لاکن اگر یک بچه باشد برایش استاد شدن درصف مردها درست است دردرمختار است: ثم الصبیان ظاهره تعدد هم فلو واحد ادخل الصف وهکذا فی الشامی ([1]).

<u>زن خود یازنهای محرم دربرابر استاد شده میتواند یانه</u>: **سوال**: (۱۲۲۱) زنها یکه ازمحرمات هستند آنها یا همسر خود که در برابرا اقتداء کنند نماز مکروه مسشود یانه؟

جواب: زنها اگر چه ازمحرمات باشند درجماعت انها نیز برابر استادنه شوند به این کار نماز مرد فاسد ([2]) میشود.

<u>وقتی امام دردالان باشد ومقتدیها درصحن باشد آیا این مکروه است</u>: **سوال**: (۱۲۲۲) زید میگوید که اگر امام در دروازه های سقف اول به محاذات محراب استاد باشد ومقتدیها درصحن استاد باشند نماز مکروه خواهد بود زیرا یکجا شدن امام وماموم درمقام واحد مناسب است واینجا فرق شتوی وصیفی (زمستانی وتابستانی) است بکر میگوید که بلا کراهت درست است زیرا صحن مسجد عین مسجد است شتوی اوصیفی کبقعة واحدة است ومفهوم عبارت در مختار نیز همین است ولم یختلف امکان حقیقة کمسجد واز عبارت عالمگیری نیز همین فهمیده میشود وانما قام علی الحذار الذی بین داره وبین المسجد ولا یشتبه حال الامام صح الاقتداء ایضا

---

(۱)الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳٤ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۱ . ظفیر

(۲)واذا حاذته ولو بعضو واحد امراة ولو أمة مشتهاة الخ ولا حائل بینهما الخ فی صلاة مطلقة مشترکة الخ تحریمة واداء فسدت صلاته لو مکلفا والا لا. (درمختار) قوله ولو أمة الخ ولعلها ولو أمه وعبارته فی الخزائن ولو محرمة اوزوجته (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۲ – ۵۷۳). ظفیر

جاز الاقتداء لمن فی بیته بامام المسجد شرعا حکم چیست؟

جواب: درباب الامامة جلداول شامی است: والاصح ماروی عن ابوحنیفة رحمه الله انه قال: اکره ان یقوم بین السارتین ([1]) الخ پس اگر امام دردروازه به این طور استاد باشد که قدمهایش نیز داخل باشد ومقتدی هابالای فرباشند این مکروه است به گونه که استاد شدن امام درمحراب مکروه است واگر قدم هایش بیرون بالای فرش باشد کراهت مرتفع است واین صحیح است که مسجد مسقف وغیر مسقف یعنی فرش مسجد این همه مسجد است واگر امام محاذی به محراب درفرش غیرمسقف استاد باشد ومقتدی ها نیز بالای فرش استاد باشند درین کدام کراهت نیست کماهو معمول الائمة فی الصیف پس برای امام در استادن دردروازه درحکم محراب خواهد بود واستاد شدن دردرون محراب برای امام مکروه است گرچه اشتباه نباشد مگر درین تشبه به اهل کتاب است واین علت دوم کراهت است وبرمبنای این علت حالی اشتباه وعدم اشتباه امام مساوی ([2]) است.

<u>یک شخص درآخر نماز آمد ودرصف جای نیست وی چه کند</u>: سوال: (۱۲۲۳) چه میفر مایند علماء دین درین مسئله که زید وضوء کرد وبرای شریک وشدن درجماعت رفت ودرصف جا باقی نیست ونزدیک است که امام به هردو طرف سلام بگر داند زید درین حالت چه کند؟

جواب: در پشت سر استاده شده درجماعت شریک شود ([3]).

<u>وقتی مقتدیها تنهابه یک جانب اما استاد میشوند وبه جانب دیگر استاد نمیشوند چه حکم است</u>: سوال: (۱۲۲٤) اگرمقتدیها به طرف راست امام استاد میشوند وبه طرف چپ هیچ کس نباشد علی هذا القیاس همچنان به طرف چپ شود درنماز که کدام قصور نخواهد آمد؟

جواب: امام درمیان صف استاد شود این سنت است اگرهمه مقتدیها به یک جانب ستاد میشدند نماز صحیح شد مگر بهمراه کراهت السنة ان یقوم فی المحراب لیعدل الطرفان ولو قام فی احد

---

(۱) ردالمحتار باب الامامة مطلب فی کراهة الامام فی غیر المحراب ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٤۵ . ظفیر

(۲) وکره الخ قیام الامام فی المحراب لاسجوده فیه وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقًا وان لم یشتبه حاجل الامام ان علل بالتشبه وان بالاشتباه فلا اشتباه فی نفی الکراهة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ص .... ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٤۵) ظفیر.

(۳) وان لم یجیئ حتی رکع الامام یختار اعلم الناس بهذه المسئلة فیجذبه ویقفان خلفه ولولم یجد عالماً یقف خلف الصف بحذاء الامام للضرورة، ولو وقف منفردا بغیر عذر تصح صلٰوته عندنا . شامی ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸. ظفیر

جانبی الصف یکره کذا فی الشامی ([1]).

اقتداء امام مسجد درچنان جادرست نیست که درمیان آنها راه حائل باشد: سوال: (۱۲۲۵) درمیان مسجد وآنجا که برای مسجد وقف است راه وکوچه رفت وآمد مردان قریبه واقع است درمکان مذکور نماز میشود یعنی وقتی به جماعت نماز خوانده میشود کدام نماز خوانی که درین مکان باشد اقتداء آنها به امام مسجد درست است یانه؟ ۔

جواب: اگر درمیان این جای ومسجدراه حائل باشد ودر راه صف استاد نباشد اقتداء درست نیست لاختلاف المکان کذافی الشامی ([2]) فقط.

استاد شدن امام درمیان ستونها چطور است: سوال: (۱۲۲٦) اگر درمیان ستهونهای مسجد استاد میشود ونماز میدهد آیابه دلیل مشابهت قیام فی المحراب درنماز کراهت خواهد بود یانه؟

جواب: درشامی است: فی معراج الدرایة من باب الامام الاصح ماروی عن ابی حنیفه انه قال: اکره للامام ان یقوم بین الساریتین ([3]) الخ ازین ثابت شد که استاد شدن درمیان دوستون مکروه است فقط.

زن غیر بهمراه برقع (چادری) اقتداء کرده میتواند یانه: سوال: (۱۲۲۷) (۱) بهمراه همسر خود به جماعت نماز خواندن درست است یانه؟

سوال: (۱۲۲۸) (۲) زن غیر بهمراه برقع اقتداء کرده میتواند یانه؟

جواب: (۱) درست است فی الدر المختار اما اذا کانا معهن واحده ممن ذکر اوامهن فی المسجد لایکره ([4]) لاکن وی راپشت سر استاد کند وبهمراه خود یکجا استاده اش نه کند ([5]).

جواب: (۲) اگر کدام زن محرم هم باشد مانند زن خود.یا خواهر وغیره پس غیر (یعنی پرده) زن

---

(۱) ردالمحتار المحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸. ظفیر.

(۲) ولواقتدی من سطح داره المتصلة بالمسجد لم یجز لاختلاف المکان. ددی شعه مخکی دی : ویمنع من الاقتداء الخ فی طریق تجری فیه عجلة الخ اونهر تجری فیه السفن الخ اوخلاء فی الصحراء الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵٤۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۸٦) ظفیر .

(۳) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۸ . ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦٦ . ظفیر

(۵) المرأة اذا صلت مع زوجها فی البیت ان کان قدمها بحذاء قدم الزوج لا تجوز صلاتهما بالجماعة وان کان قدماها خلف قدم الزوج الا انها طویلة تقع رأس المرأة فی السجود قبل رأس الزوج جازت صلاتهما لان العبرة للقدم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۵ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۷۳) ظفیر.

نیز بهمراه برقع اقتداء کرده میتواند (۱) فقط.

سیده کردن صفها چطور است: **سوال**: (۱۲۲۹) سیده کردن صفها چطور است؟

جواب: سیدہ کردن صفها سنت است بسیار تاکید آن آمده است (۲) فقط.

مقتدی رکوع وسجود را یکجا بهمراه امام خواهد کرد وبابهمراه توقف: **سوال**: (۱۲۳۰) مقتدی یکجا به همراه امام هئیت خود را از رکوع به سجده وغیره بدل میکنبد ویابعد از امام یعنی وقتیکه امام ازقومه به سجده رفت مقتدی نیز به همراه امام سجده خواهد کرد ویاپسان تر یعنی برای مقتدی معطل شدن ضرور است یاخیر؟

جواب: برای مقتدی توقف ضرور است بخاطر اینکه تکبیر وغیره مقتدی پیش از تکبیر وغیره امام نشود (۳) کماهو المشاهد فقط.

بایکجا استاد شدن بهمراه امام نماز میشود یانه: **سوال**: (۱۲۳۱) یک شخص آن طرف صف شد وبرابر به امام استاد شد درین صورت نماز میشود یاخیر؟

جواب: نماز آن شخص نیز میشود که برابر به امام استاد باشد به شرطیکه از امام پیش نشود قدمها پستر باشدن بدون ضرورت چنین کردن خوب نیست که ازصف بیرون شده وجدا برابر به استاد شود (۴) فقط.

اقتداء درمکان دیگر درست است یانه: **سوال**: (۱۲۳۲) در احاطه مسجد جامع دوکانها است وبالایش مدرسه است ومدرسه پیوسته به صفه مسجد است ویک کلکین دومحاذات مسجد هست درین صورت به سبب باران وگرمی که کسی صفه مسجد میکند و(بالا) در مدرسه نماز میخواند اقتداء آنها صحیح است یانه؟

جواب: درشامی بعداز نقل کلام طویل واختلافات درتحقیق این مسئله نوشته اند: ویو البدائع حیث قال: لوکان علی سطح بجنب المسجد متصل به لیس بینهما طریق فاقتدی به صح اول عندنا

---

(۱) کما تکره امامة الرجل لهن فی بیت لیس معهم رجل غیره ولامحرم منه کاخته اوزوجته اوامته، اما اذا کان معهن واحد ممن ذکر اوامهن فی المسجد لایکره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۶۶). ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ سووا صفوفکم فان تسویة الصفوف من اقامة الصلٰوة وفی روایته عباد الله لتسون صفوفکم اولیخالفن الله بین وجوهکم (مشکوٰة باب تسویة الصفوف فصل اول ص ۹۸). ظفیر

(۳) قال النبی ﷺ، انما جعل الامام لیؤتم به (مسلم). ظفیر.

(۴) ولوقام واحدبجنب الامام وخلفه صف کره اجماعا (درمختار) ای للمؤتم لیس علی الامام منها شیئ ویتخلص من الکراهة بالقهقری الی خلف لم یکن مبنیا علی ظاهر الخ ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص ۵۶۷ . ظفیر

لانه اذا کان متصلا به صار تبعالسطح السجد (۱) الخ ازین روایت واضح شد که درصورت مسئوله درمدرسه مذکوره اقتداء نماز خوانان صحیح است فقط.

بعداز نماز دادن به امام معلوم شد که ضرورت غسل بود حالا چه کند: سوال: (۱۲۳۳) به یک امام بعداز دادن نماز صبح ثابت شد که به وی ضرورت شکل بود حالا وقت برامده بود حالاچه کردن لازم است؟

جواب: بعداز غسل کردن خودش نیز نماز بخواند وبرای هرکدام ازمقتدیانش گر خبرداده میتواند خبر بدهد که آنها نیز اعاده نماز را بکنند (۲).

فصل خامس

پیروی امام ومسائل دیگر

مقتدیان بعداز پوره کردن درود دعاء سلام بگرداند یافوراً بهمراه امام: سوال: (۱۲۳٤) درقعده اخیر مقتدی ها یکجا بمهراه امام سلام بگرداند ویامقتدیها باپوره کردن باقیمانده درود ودعاء خود سلام بگرداند؟

جواب: بهمراهش بگر داند البته اگر ازکدام مقتدی چیزی از تشهد یعنی التحیات باقی بماند بعد از مکمل کردن آن سلام بگرداند درشامی است: والحاصل ان متابعة الامام فی الفرائض والواجی من تاخیر واجبة فان عارضها واجب لاینبغی ان یفوت بل یادی به ثم یتابعه کما لوقام الامام قبل از المقتدی التشهد فانه یتمه ثم یقول الخ بخلاف ما اذاعار ضها سنة (۳) الخ.

بد دعا کردن امام به مخالف خود چطور است: سوال: (۱۲۳۵) امام یک مسجد بعد از نماز فرض دردعاء برمبنای مخالف دعوائی شخصی خود به فریق ثانی بد دعا (دغابد) میکند وبالای مقتدیها آمین میگوید این فعل وی چگونه است؟ واین شخص اولی بالای است-یانه؟

جواب: اگر دعاهای ماثوره را این قسم بگوید که دران بالا جمال برای دشمنان دعاء بد باشد در آن کدام حرج نیست وبانام گرفتن خاص علی الاعلان وبالجهر دعا کردن خوب نیست بالای

---

(۱) ردالمحتار باب الامامة ص ٥٤٩ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٨٦ . ظفیر

(۲) اذا ظهر حدث امامه وکذاکل مفسد فی رای مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامت قبیل المواضع التی تفسد صلاة الامام دون المؤتم ص ٥٥٣ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٩۱). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب مهم فی تحقیق المتابعة للامام ص ٤٣٩ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٧٩ . ظ

مقتدیها لازم است که به آن آمین نگویدوچنین شخص که مردم ازوی نفرت میکنند احق بالامامت نیست بلکه درکتابهای فقه است که اگر بسبب افعال بدیک امام نماز گذار از امامت وی کراهت میکند امام شدن وی مکروه است ونماز درپس وی مکروه است لحدیث ابی داود: لایقبل الله صلوة من تقدم قوماً وهم له کارهون الحدیث کذا فی الدر المختار (۱) فقط.

دوامام دریک مسجد: سوال: (۱۲۳۶) در حالت جنگ دریک مسجد بودن دوامام جائز است یانه؟

جواب: اگر دو امام برای این باشد که بعض مردم را یک امام نماز بدهد وباز همین نمازرا امام دیگر برای مردم دیگر بدهد این مکروه است (۲) فقط (واگر منشأ این باشد که هردو امام را توظیف باشند که گاهی یکش نماز خواهد داد وگاهی به سبب ضرورت آن دیگر گنجایش این هست. ظفیر).

نماز درلباس ناپاک: سوال: (۱۲۳۷) زید کالای ناپاک خودرا بخاطر پاک کردن به یک شخص داد وقتی آنرا پاک کرده آوردش زید آنرا پوشید ونماز خفتن را داد بعد از فارغ شدن دید که کالاهمانگونه ناپاک است لاکن بخاطر شرم هیچ نه گفت یک چند سال بعد در فکر زید آمد که نماز فلان وقت باطل شده بود ودرآن مقتدیها نیز بسیار بودند حالا برای زید چه کردن لازم است؟

جواب: اگرآن پلیدی ازشستن باقیمانده باشد ودرمقدار مانع عن الصلوة بود اعاده همان ضروری (۳) است وکدام مقتدیها که به یادش میآید اطلاع کردن به آنها ضرور است، فقط.

امامت حالت ناپاکی واحکام متعلق به آن: سوال: (۱۲۳۸) بالای یک شخص غسل واجب بود وامام شد ونماز داد بعد ازگذشت چیزی وقت به یادش آمد وقضاء نماز را گشتاند وبه مقتدیها اطلاع نداد نماز مقتدیها شد یاخیر؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامت ص ۵۲۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۵۹ . ظفیر

(۲) ولوصلی بعض اهل المسجد باقامة وجماعة ثم دخل المؤذن والامام وبقیة الجماعة فالجماعة المستحبة لهم والکراهة للاولٰی (عالمگیری الباب الثانی فی الاذان ص ۵۱ ج۱ ، ط. ماجدیه. ج۱ ص ۵٤). ظفیر

(۳) النجاسة انکانت غلیظة وهی اکثر من قدر الدرهم فغسلها فریضه والصلوٰة فیها باطلة (عالمگیری کشوری ص ۵٦ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ٤٦) کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب اوفاقد شرط اورکن وهل علیهم اعادتها ان عدلا نعم والا ندبت (الدر المختار مجتبائی. باب الامامة ص ۸٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱). ظفیر

جواب: قال فی الدر المختار: کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهومحدث اوجنب اوفاقد شرط اورکن وهل علیهم اعادتها ان عدلا؟ نعم ([1]) الخ پس معلوم شد که برای امام درچنین حالت لازم است که به مقتدیها اطلاع بدهد وبعد از اطلاع بالای آنها اعاده این نماز لازم است واگر اطلاع نشد مقتدیان معذور اند بالای آنهاکدام مواخذ (گرفت) نیست فقط.

درباره تشهد متابعت امام: **سوال**: (۱۲۳۹) اگر امام درقعده اولی پیش از فارغ شدن مقتدی از تشهد استاد شود بالای مقتدی بعداز تکمیل کردن تشهد استا شدن لازم است ودرقنوت وتر اگر امام قبل ازپوره شدن قنوت به رکوع برود متابعت وی ضرور است وجه فرق درین دوصورت چیست؟

جواب: وجه فرق اینست که هرچقدر دعاء قنوت شد واجب اداء شد وتشهد همه واجب است واین فرق را علامه شامی درتحقیق متابعت وباب الوتر نیزکرده رکع الامام قبل فراغ المقتدی من القنوت قطعه وتابعه (درمختار) قوله قطعة وتابعه لان المراد بالقنوت ههنا الدعاء الصادق علی القلیل والکثیر وما اتی به کاف فی سقوط الواجب وتکمیله مندوب ([2]) الخ وفی بحث المتابعة فان عارضها واجب لاینبغی ان یفوته بل یاتی به ثم یتابع کما لوقام الامام قبل ان یتم المقتدی التشهد فانه یتمه ثم یقوم (الی ان قال) فکان تاخیر احد الواجبین مع الاتیان بهما اولی من ترک احدهما باکلیة ([3]) الخ فقط.

امامیکه به سبب ترک کردن قعده اخیر اعاده نماز را کرد همگی درآن شریک شده میتواند: **سوال**: (۱۲٤۰) (۱) امام قعده اخیر را نه کرد پس از ادا کردن پنج رکعت سلام گشتاند بهمین خاطر اعاده نماز است حال کسانیکه درنماز اول شریک نبودند درین شریک شده میتوانند یانه؟

قعده اخیر راهم کرد مگر به سبب ترک کردن واجب اعاده میکند درین برای عموم مردم شرکت درست است یاخیر: **سوال**: (۱۲٤۱) (۲) اگر امام بعدازقعده اخیر رکعت پنجم (۵) را خواند وبدون سجده سهوسلام گشتاند ونماز را اعاده کند حالا چنان شخص شریک شده میتواند که پیش شریک نبود؟

---

(۱) الدر المختار باب الامامة ص ۸٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الوتر ص ٦۲۷ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۱۰ . ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ص ٤۳۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۷۰. ظفیر

(۳) **جواب:** (۱) درین صورت نماز وی میشود زیرا این خواشکار است که باترک کردن قعده اخیر فرض آن جماعت اداء نشده بود واعاده نماز بالای آنها ضروری است حالا دراین اعاده اگر کسی دیگر شریک شود مانند فرض آنها فرض وی نیز اداء (۱) خواهد شد.

جواب: (۲) درین صورت نماز وی صحیح خواهد بود زیرا درین صورت فرض این جماعت اگر چه ناقص است صحیح است اما دردفعه اول اداشد لهذا حالا این نماز دوم نفل خواهد بود واقتداء فرض خوان درپس نفل خوان صحیح نیست (۲) فقط.

کمک بچه های یتیم امام: **سوال:** (۱۲۴۲) یک امام درمسجد قریه به اتفاق اهل قریه تعین شد تابسیار زمان امامت میکرد تقدیرات الٰهی بود درحال امامت وفات کرد وچند بچه یتیم ازوی ماند حالا این بچه های یتیم شرعاً مستحق کدام وظیفه که ازطرف بیت المال ویامردم محله به پدر آنها داده میشد هستندیانه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق: حکم بیت المال همان است که ذکر شد که امداد این اطفال را از وظیفه پدر آنها بکند ومردم قریه که کدام امداد مرحوم را زاز چنده خود میکردند بالای آنها امداد یتیم ها نیز لازم است ومطابق توان خود امداد آنهارا بکنند اگر چه برای آنها ضرورت امام جدید نیز خواهد بود وغالباً انتظام تنخواه وی رانیز خواهند کرد اگر کدام امام بدون تنخواه پیدا نشود بازهم امداد یتیم های مذکور را بالای خود لازم بدانند وکار ثواب بپندارند وثواب اخروی (۳) را حاصل کنند.

وضوء امام درنماز شکست وکسی رانه گفت اعاده این نماز بالای هریک ضروری است:

سوال: (۱۲۴۳) اگر وضوء اهمام شکست ودرین وقت وی به مردم نه گفت بلکه بعد از رفتن نماز گذاران خودش اعاده کرد ایا ازجانب مقتدیها نیز اعاده شد؟

جواب: همه مقتدیها وامام اعاده آنرا بکنند تنها به اعاده امام نماز مقتدیها نخواهد (۴) شد.

---

(۱) ولو سها عن القعود الاول الخ مالم یقید ها بسجدة الخ وان قیدها بسجدة عامداً اوناسیاً اوساهیاً اومخطئاً تحول فرضه نفلاً برفعه الجبهة عند محمد وبه یفتٰی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ص ۶۹۸ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۸۳). ظفیر

(۲) ولها واجبات لاتفسد بترکها وتعاد وجوباً الخ وکذا کل صلاة ادیت مع کراهة التحریم تجب اعادتها والمختار انه جابر للاول لان الفرض لایتکرر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب فی واجبات الصلاة ص ۴۲۴ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۴۵۶). ظفیر

(۳) قال رسول الله ﷺ من مسح رأس یتیم لم یمسحه الا لله کان له بکل شعرة یمر علیها یده حسنات ومن احسن الی یتیمة اویتیم عنده کنت انا وهو فی الجنة کهاتین وقرن بین اصبعیه رواه احمد (مشکوٰة باب الشفقة ص ۴۲۳). ظفیر

(۴) واذا ظهر حدث امام وکل مفسد فی رأی مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا (الدر المختار علی هامش =

اگر به کدام سبب نماز جماعت باطل شد تنها اعاده امام از جانب همه کافی نخواهد بود: سوال: (۱۲۴۴) امام نماز جماعت را داد سهواً قرابت را غلط خواند ویابی وضوء ویابی غسل بود درین صورتها بعد ازخبر شدن به غلطی اعاده این نماز تنها به ذمه امام است ویابرذمه مقتدیها نیز است؟

جواب: در درمختار هست: واذا ظهرحدث امامه وكذا كل مفسد في راى مقتد بطلت فليزم اعادتها الخ كما يلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهومحدث اوجنب (۱) (درمختار) ازین عبارت واضح است که اگر نماز امام نشد نماز مقتدیها نیز نمیشود با لای همه اعاده لازم است.

اگر مقتدي قبل از امام سلام بگرداند چه حکم است: سوال: (۱۲۴۵) درکتاب تذکرة الرشید است: که اگر مقتدی پیش از امام سلام گشتناند وفارغ شد نماز مقتدی فاسد خواهد شد واز شامی عالمگیری بحررائق وغیره معلوم میشود که نماز مقتدی بهمراه کراهت خواهد شد این مسئله مصرحاً تحریر فرموده شود؟

جواب: این مسئله که شما آنرا از تذکرة الرشید نقل کرده اید فرع وجوب متابعت امام است زیرا که معنای متابعت این است که بهمراه امام ارکان وواجبات را ادا کند ویاپسانتر ازوی ادا کند پیش ادا نکند یعنی تقدیم ممنوع است چنانچه درشامی درتحقیق متابعت نقل فرموده است: نعم تكون التابعة فرضا بمعنى ان ياتي بالفرض مع امامه اوبعده كما لوركع امامه فركع معه مقارنا اومعاقباً الى ان قال: والحاصل ان التابعة في ثلاثة انواع مقارنة لفعل الامام مثل ان يقارن احرامه لاحرامه وركوعه لركوعه وسلامه لسلامه الخ چون درین دوقول است که مقتدی کلا ام وقت از اقتداء امام بیرون میشود دردرمختار این رامذهب مشهور نوشته که کدام وقت امام سلام گفت اقتداء پایان یافت پس موافق به این قول درتلفظ سلام تقدیم کردن مناسب نیست ورنه نماز فاسد خواهد شد وقول دوم این است که به سلام دوم اقتداء خلاص میشود موافق به این قول یکجا گفتن ویاپسانتر گفتن السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته از امام ضرور است اگر پیش خلاص کرد نماز مقتدی موافق به این قول فاسد خواهد شد (۲) پس درتذکره الرشید احتیاطاً این قول را

= ردالمحتار باب الامامة ص ۳۵۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱). ظفير

(۱) بهند الدر المختار مجتبايى باب الامامة ص ۸۶ ج ۱. ط. س. ج۱ ص ۵۹۱. ظفير

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة مطلب مهم فى تحقيق متابعة الامام ص ۴۳۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۷۰. ظفير

اختیار فرموده باشند: وتنقضی قدوة بالاول قبل علیکم علی المشهور عندنا وعلیه الشافعیة خلافاً للتکملة (درمختار) حیث صحح ان التحریمة انماتنقطع بالسلام الثانی ([1]) شامی. واگر کدام عبارت دیگر درپیش روی شما باشد مارا از آن مطلع سازید فقط.

قطع کردن تنخواه (معاش) به غیر حاضری امام: سوال: (۱۲٤٦) درباره امام صاحب مسجد جامع بمبی متولیان مسجد این روشن رارائج داشته اند که به نماز کدام وقت نیاید انرا حساب کرده وتنخواه آن وقت را ازوی قطع کنند آیا عند الشرع این جائز است.

جواب: چنین کردن جائز نیست واین کار خلاف عرف وشرع هردو است ([2]) فقط.

فصل السادس

احکام مدرک لاحق مسبوق

مقتدیها به در رکعت سوم نشستند وامام استاد بود نماز میخواند: سوال: (۱۲٤۷) زید نابینا است وخالد بینا است وهردو درجماعت شامل شدند وقتی امام رکعت سوم راخواند واستاد شد این هردو فهمیدند که رکعت چهارم است ودرقعده نشستند وقیکه امام رکوع رکعت چهارم راکرد درآن وقت اینها فهمیندند که ماغلط شدیم درین وقت خیستند وقیام کرده رکوع کردند وبهمراه امام درسجده شامل شدند ودرقیام ورکوع بهمراه امام شامل نشدند برای اینها چه حکم است؟

جواب: اگر زید وخالدجدا رکوع کردند وباز درسجده بهمراه امام شامل شدند باز بعد ازخلاص شدن نماز امام رکعتهای باقی مانده خود را پوره کردند نماز آنها شد ([3]) فقط.

امامت مسبوق: سوال: (۱۲٤۸) امامت مسبوق درست است یانه مثلاً زید نماز میداد بکر در رکعت دوم یاسوم شریک شد چون زید از نماز فارغ شد بکر برای پوره کردن نماز باقی مانده

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة مطلب واجبات الصلاة. صفحه ٤۳٦ و٤۳۷. جلد ۱. ۱۲ ظفیر.

(۲) وهل یاخذ ایام البطالة کعید ورمضان لم اره وینبغی الحاقه بباطلة القاضی واختلفوا فیها والاصح انه یاخذ لانها للاستراحة . اشباه من قاعدة العادة محکمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الوقف ص ٥۲٥ ج۳ ، ط.س. ج٤ ص ۳۷۲) وفی القنیة من باب الامامة امام یترک الامامة لزیارة اقربائه فی الرساتیق اسبوعا او نحوه اولمصیبة اولاستراحة لاباس به ومثله عفو فی العادة والشرع (رد المحتار. کتاب الوقف مطلب فی الغیبة التی مستحق بها العزل عن الوظیفة وما لایستحق ص ٥٦٤ ج۳ ، ط.س. ج٤ ص ٤۲۰). ظفیر

(۳) اذا کبر مع الامام ثم نام حتی صلی الامام رکعة ثم انتبه فانه یصلی الرکعة الاولی وان کان الامام یصلی الرکعة الثانیة ولو لم یشتغل بقضاء ما سبقه الامام ولکن یتابع الامام اولا ثم قضی ما سبقه الامام بعد تسلیم الامام جازت صلوٰته عندنا (عالمکیری مصری فی المسبوق اللاحق ص ۸۷ ج۱ ، ط. م. ج۱ ص ۹۲) ظفیر.

استاد شد وخالد امد ودرپشت سروی نماز را شروع کرد نماز خالد درست است یانه؟
جواب: اقتداء مسبوق درست نیست وی درحال انفراد بعد ازفارغ شدن امام امام دیگران شده نمیتواند بر کمافی الدر المختار لایجوز الاقتداء به (۱) فقط.

لاحق چگونه نماز را پوره کند: **سوال**: (۱۲۴۹) علماء دین چه میفر مایند درین مسئله که چون یک شخص دورکعت عصررا بهمراه امام خواند وضوء شکست فوراً بخاطر وضوء رفت بعد از وضوء درقعده اخیر بهمراه امام یکجا شد حالاوی دو رکعت اخیر را چگونه خواهد خواند واگر وی در رکعت سوم یکجاشد چگونه پوره خواهد کرد؟
جواب: حکم این بود که وقتی وی بعد از فارغ شدن از وضوء آمده بود نخست آن دورکعت را بدون قرائت میکرد که به سبب بی وضوء شدن ازوی فوت شد بود باز اگر امام درنماز میبود بهمراه آن شامل میشد وارکان باقیمانده راپوره میکرد لاکن چنان کرد که بعداز وضوء کردن بهمراه امام یکجا شد حالا بعد ازسلام گشتاندن امام این دورکعت را بدون قرائت پوره کند واین صورت رافقهاء مکروه نوشته اند ودرین گنهگار میشود درصفحه ۵۵۶ درمختار است واللاحق من فاتته الرکعات کلها وبعضها لکن بعد اقتداء بعذر کغفلة او زحمة وسبق حدث الخ وحکمه کموتم فلا یاتی بقراءة ویبدء الخ بقضاء مافاته عکس المسبوق ثم یتابع امامه (الی قوله) ولوعکس صح والم الخ وهمین حکم شریک شدن در رکعت سوم است (۲) فقط کتبه عزیز الرحمٰن.

اگر امام لاحق راخلیفه بسازد وی نماز را چگونه پوره خواهد کرد: **سوال**: (۱۲۵۰) اگر امام را درنماز حدث لاحق شود ومقتدی لاحق را خلیفه سازد این خلیفه نماز راچگونه تمام کند؟
جواب: اگر امام را حدث لاحق شود ولاحق را خلیفه سازد او بعد ازتمام صلوة قوم مدرک را خلیفه سازد که سلام دهد ولاحق نماز خودرا تمام کند اواستخلف لاحقا الی قوله: مضی علی صلاة الامام اخر ماعلیه حتی انتهی الی موضع السلام واستخلف من سلم بهم جاز عندنا فتاوی عالمگیری صفحه ۹۵ جلد ۱) ولکشوری محمد جمیل الرحمٰن).

وقتی امام سوره ناس را خوانده باشد مقتدی مسبوق کدام سوره خواهد خواند: **سوال**: (۱۲۵۱) یک شخص درنماز شام در رکعت دوم آمد وشامل شد وامام در رکعت دوم سوره قُل

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ص۵۵۸ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۷. ظفیر
(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص فی احکام المسبوق المدرک واللاحق ص ۵۵۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹٤. ظفیر

اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ راخواند حالا برای این مقتدی بعد از پوره شدن جماعت خواندن کدام سورت لازم است؟

جواب: درین صورت این مقتدی اختیار دارد که کدام سورت راکه بخواهد بخواند (ازهمه قران شریف اختیاردارد ([1]) زیراکه دررابطه به قرآت رکعتهای ازدست رفته درحکم ابتداء است) ظفیر.

مسبوق نماز باقی خود را چگونه پوره کند: سوال: (۱۲۵۲) اگر امام مقیم باشد ومقتدی درنماز چهار رکعتی دررکعت اخری شریک شد پس مقتدی بعد ازگشتاندن سلام امام درسه رکعت چه خواهد گفت؟ ایاهرسه رکعت رابدون قرائت به خاموشی به پایان میرساند ویا دورکعت رابه الحمد وسوره ویک رکعت را تنهابه الحمد میخواند؟

جواب: کدام شخصی که یک رکعت رابهمراه امام گیر میکند مسبوق است اگر نماز چهار رکعتی بود باقی رابه این گونه خواهد خواند که در دورکعت فاتحه رابخواند وسوره رانیز بهمراهش یکجا کند ودریک رکعت تنها فاتحه رابخواند والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهومنفرد حق یثنی ویتعوذ الخ (درمختار) ویقرأ لانه یقضی اول صلاته فی حق القراءة کما یأتی حتی لوترک القراءة لفسدت ([2]) کذا فی الشامی (وفی الفیض عن المستصفی لوادرکه فی رکعة الرباعی یقضی رکعتین بفاتحة وسورة ثم یتشهد ثم باقی بالثالثة بفاتحة خاصة عندابی حنیفه وقالا رکعة بفاتحة وسورة وتشهد ثم رکعتین اولا هما بفاتحة وسورة وثانیتها بفاتحة خاصة اه ([3]) ظفیر.

وقتی امام مسافر باشد مسبوق چطور نماز خودرا تمام خواهد کرد: سوال: (۱۲۵۳) مقیم دروقت پیشین به مسافر اقتداء کرد ویک رکعت راگیر کرد مسافر وقتی دو رکعت راخواند وسلام گشتاند حالا آن مقیم که مسبوق است سه رکعت را چگونه ادا کند یعنی درین رکعتها الحمد وسوره بگوید یا چطور؟

جواب: از روایت درمختار وشامی معلوم میشود که این شخص لاحق ومسبوق است نخستین دو رکعت را بدون قرائت اداء کند ([4]) فقط.

---

(۱) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد فیما یقضیه الخ ویقضی اول صلاته فی حق قرآءة وآخرها فی حق تشهد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۶) ظفیر.

(۲) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد فیما یقضیه الخ ویقضی اول صلاته فی حق قرآءة وآخرها فی حق تشهد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۶) ظفیر.

(۳) رد المحتار باب الامامة ص ۵۵۸ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۹۷. ظفیر

(٤) واللاحق من فاته الرکعات کلها أو بعضها لکن بعد اقتدائه بعذر کغفلة وزحمة وسبق حدث ومقیم ائتم بمسافر الخ وحکمه کمؤتم الخ =

وقتی کدام مقتدی درحال خواندن قرائت امام شریک شود برایش خواندن ثنا لازم نیست: **سوال**: (۱۲۵۴) دوجماعت بعد از شروع کردن امام به قرائت اگر کسی شریک شود بالای وی گفتن ثنا لازم است یانه؟

جواب: بالای وی گفتن ثنا لازم (۱) نیست.

کسیکه در رکوع شریک شود برای وی ثنا نیست: **سوال**: (۱۲۵۵) کدام شخص که در رکوع شریک شد ثنا ازوی ساقط شد یانه؟

جواب: ثناء ازوی ساقط شد (۲) فقط.

مسبوق درسلام سجده سهو به اما اقتداء نه کنداما سجده کند: **سوال**: (۱۲۵۶) وقتی امام برای سجده سهو سلام میگرداند مسبوق بهمراه امام سلام بگرداند یابدون سلام گشتاندن در سجد ہ سهو شریک شود؟

جواب: مسبوق بهمراه امام سلام نه گرداندن درسجده سهو شریک باشد در درمختار است: والمسبوق یسجد مع امامه قال فی الشامی: قید بالسجود لانه لایتابعه فی السلام بل یسجد معه ویتشهد فاذا سلم الامام قام الی القضاء (۳) فقط.

کمی قبل ازسلام شریک شونده تشهدرا پوره کند یابعد ازسلام فوراً استداد شود: **سوال**: (۱۲۵۷) امام گرداننده سلام به جانب واست بود که مسبوق آمد وشامل شد حالا مسبوق تشهد

= یبدأ بقضاء ما فاته عکس المسبوق، ثم یتابع إمامه إن أمکنه إدراکه، وإلا تابعه ، ثم صلی ما نام فیه بلا قراءة ثم ما سبق به بها إن کان مسبوقا أیضا ، ولو عکس صح وأثم، لترک الترتیب (درمختار) قَوْلُهُ ثُمَّ مَا سُبِقَ بِهِ بِهَا إلَخْ أَيْ ثُمَّ صَلَّى اللَّاحِقُ مَا سُبِقَ بِهِ بِقِرَاءَةٍ إنْ كَانَ مَسْبُوقًا أَيْضًا ، بِأَنْ اقْتَدَى فِي أَثْنَاءِ صَلَاةِ الْإِمَامِ ثُمَّ نَامَ مَثَلًا . وَهَذَا بَيَانٌ لِلْقِسْمِ الرَّابِعِ وَهُوَ الْمَسْبُوقُ اللَّاحِقُ. وَحُكْمُهُ أَنَّهُ يُصَلِّي إذَا اسْتَيْقَظَ مَثَلًا مَا نَامَ فِيهِ ثُمَّ يُتَابِعُ الْإِمَامَ فِيمَا أَدْرَكَ ثُمَّ يَقْضِي مَا فَاتَهُ . اهـ . بَيَانُهُ انه لو سبق بركعة من ذوات الاربع ونام في رَكْعَتَيْنِ يُصَلِّي أَوَّلًا مَا نَامَ فِيهِ ثُمَّ مَا أَدْرَكَهُ مَعَ الْإِمَامِ ثُمَّ مَا سُبِقَ بِهِ فَيُصَلِّي رَكْعَةً مِمَّا نَامَ فِيهِ مَعَ الْإِمَامِ وَيَقْعُدُ مُتَابَعَةً لَهُ لِأَنَّهَا ثَانِيَةُ إمامه ثُمَّ يُصَلِّي الْأُخْرَى مِمَّا نَامَ فِيهِ . وَيَقْعُدُ لِأَنَّهَا ثَانِيَتُهُ ثُمَّ يُصَلِّي الَّتِي انْتَبَهَ فِيهَا ، وَيَقْعُدُ مُتَابَعَةً لِإِمَامِهِ لِأَنَّهَا رَابِعَةٌ ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِغَيْرِ قِرَاءَةٍ لِأَنَّهُ مُقْتَدٍ ثُمَّ يُصَلِّي الرَّكْعَةَ الَّتِي سُبِقَ بِهَا بِقِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ وَسُورَةٍ وَالْأَصْلُ أَنَّ اللَّاحِقَ يُصَلِّي عَلَى تَرْتِيبِ صَلَاةِ الْإِمَامِ ، وَالْمَسْبُوقُ يَقْضِي مَا سُبِقَ بِهِ بَعْدَ فَرَاغِ الْإِمَامِ . ردالمحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق والمدرک واللاحق ص ۵۵۶ – ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۴) ظفیر.

(۱) وقرأ سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الامام فی القراءة سواء کان مسبوقا اومدرکاً وسواء کان امامه یجهر بالقراءة اولا، فانه لا یاتی به لما فی النهر عن الصغری ادرک الامام فی القیام یثنی ما لم یبدأ القراءة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة ص ۴۵۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۸۸). ظفیر

(۲) وقرأ سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الامام فی القراءة الخ فلا یأتی به ولو ادرکه راکعا اوساجدا ان کبر رأیه انه یدرکه اتی به (ایضاً ، ط.س. ج۱ ص ۴۸۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب سجود السهو ص ۶۹۶ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۸۲. ظفیر

خودرا تمام کرده میخیزد یا بعد ازسلام فوراً استا د میشود در امداد الفتاوی حضرت مولنا اشرف علی صاحب تحریر فرموده اند که مسبوق بعد ازتمام کردن تشهد میخیزد؟

جواب: این شخص بعد ازتمام کردن تشهد بخیزد همانگونه که حضرت مولنا اشرف علی صاحب در امداد الفتاوی نوشته اند ([1]) فقط.

وقتی مسبوق به فراموشی بهمراه امام سلام بگرداند باز بعد ازبیاد امدن استاد شود بالای وی سجده سهو است: سوال: (۱۲۵۸) مسبوق بهمراه امام سلام گشتاند باز بیادش آمد که برذمه او که یک رکعت است وبرخیست درین صورت بالای ذمه مسبوق سجده سهو لازم است في الدر المختار: ولوسلم ساهيا بعد امامه لزمه السهو والا لا الخ (درمختار) قوله: والا لا اى وان سلم معه اوقبله لايلزم لانه مقتد في هاتين الحالتين الى ان قال قلت يشير الى ان الغالب لزوم السجود لان الاغلب ([2]) عدا لمعية الخ شامي جلد اول صفحه ۴۰۲- فقط.

بباطل شدن نماز اما نماز مسبوق هم باطل است: سوال: (۱۲۵۹) امام درنماز پیشین قعده اخیر را بالكل نه كرد وبه فراموشی رکعت پنجم را نیز اداء کرد حالا ازمسبوقیکه یک رکعت رفته بود وبه این گمان که قعده اخیر من خو رکعت پنخم امام است اقتداء امام راشکست امام برای رکعت ششم خیست واو چهار رکعت خورا خوانده سلام گشتاند. حالا مسبوق میگوید که بخاطر چهار رکعت من اداء شد که من قعده اخیر را ترک نه نموده ام وامام قعده اخیررا ترک نمود نمازوی نفل شد ایا عندالله فرض مسبوق درین حالت اداء شد ویابمثل امام نماز وی نیز نفل شد وبسبب شکستاندن اقتداء نفل صحیح شد یا نه؟ درچنین حالت برای مسبوق شکستاندن اقتداء جائز است یانه؟

جواب: هرگا در نماز امام به نکردن قعده اخیر نشد وفرضیت آن باطل شد نماز مسبوق نیز باطل شد یعنی فرضیت آن داء نشد وبالای اوباز نماز خواندن لازم است ([3]) فقط.

---

(۱) بخلاف سلامه اوقيامه لثالثة قبل إتمام المؤتم التشهد فانه لايتابعه بل يتمه لوجوبه ولم يتم جاز (درمختار) وشمل باطلاقه ما لواقتدى به اثناء التشهد الاول او الاخير فحين قعد قام امامه ارسلم ومقتضاه انه يتم التشهد ثم يقوم ولم اره صريحاً لم رأيته في الذخيرة ناقلا عن ابي الليث المختار عندي انه يتم التشهد وان لم يفعل اجزأه اهـ (ردالمحتار باب صفة الصلاة ص۴۶۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۹۶). ظفير

(۲) ردالمحتار باب الامامة مطلب احكام المسبوق ص ۵۶۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۹۶. ظفير

(۳) من فرائضها التي لاتصح بدونها التحريمة الخ منها القعود الاخير (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ص ۴۱۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۴۲) واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في رأى مقتد بطلت فيلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا كما يلزم الامام اخبار القوم اذا أمهم وهو محدث او جنب او فاقد شرط او ركن (ايضاً باب الامامة ص ۳۵۲ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱). ظفير

اگر مسبوق در رکعت زاید اقتداء کرد نمازش باطل است: سوال: (۱۲۶۰) درقعده اخیر نماز شام یک شخص شامل شد وفهمید که این قعده اخیر است مگر امام سهو شد که شاید این قعده اولی است: امام به این گمان بخاطر تمام کردن نماز خود استاد شد امام سجده سهو نیز کرد چون رکعت اخر بود رکعت زاید امام یارکعت نفل بود حالا کدام شخص که درقعده اخیر جماعت شامل شده بود وی یک رکعت را باجماعت خواند حالا این شخص سه رکعت را ادا خواهد کرد یادو رکعت را؟ اگر حکم اداء کردن سه رکعت باشد این توضیح شود که درکدام رکعت قعده کرده شود ودرکدام رکعت نه؟ واگر کدام شخص درین رکعت زائد شامل شد که نمیدانست که کدام یک رکعت است برای وی چه حکم است؟

جواب: اگر این مسبوق در رکعت زاید که نفل بود تابع امام خود باقی مآنده بود نمازش فاسد شد آنرا بشکناند وازسرنو (جدید) نماز بخواند وقام امامه فی الخامسة فتابعه ان بعد القعود تفسد ([1]) الخ درمختار) وکدام شخص که درین رکعت نفل زائدشریک شود فرض وی نیز نخواهد شد وی دوباره نماز بخواند فقط.

وی مسبوق به فراموشی سلام گشتاند ودعاء کرد باز بیادش آمد چه کند: سوال: (۱۲۶۱) شخصی درچنان وقت درنماز شامل شد که یک رکعت خوانده شده بود وی بهمراه امام سلام دور داد باز دست هارابلندکرده بزبان عربی دعاکرد باز بیادش آمد که یک یادورکعت توخو باقی است برای وی چه حکم است؟

جواب: اگروی بدون کدام کلام وسخن کردن خیست اگر چه سلام گشتاند ودستها را بلند کرده دعا نیز خواسته نمازش شد درأخیر سجده سهو کند ([2]) فقط.

مسبوق درقعده اخیر امام تنها التحیات بگوید: سوال: (۱۲۶۲) اگر مسبوق دررکعت دوم نماز عصر یاشام شریک شود درپس امام درقعده اولی تنها التحیات ودرقعده دوم التحیات درود دعاء ماثوره را خواهند خواندیانه؟

جواب: خواندن ضرورنیست بلکه التحیات راچنان آهسته اهسته بخواند که تاسلام گشتاندن امام

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق اهـ ص ۵٦۰ ج۱ قبیل باب الاستخلاف). ظفیر

(۲) لوسلم ساهیًا ان بعد امامه لزمه السهو والا لا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار، قبل باب الاستخلاف ص ۵٦۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۹). ظفیر

خلاص شود واگر پیش تمام شدوی اختیار دارد اگر خواسته باشد چپ نشسته باشد واگر خوشش باشد کلمه تشهد را بگوید واگر خوشش باشد التحیات را دوباره بگوید ([1]).

مسبوق همراه امام التحیات بگوید: سوال: (۱۲۶۳) اگر مسبوق در رکعت سوم نماز شام شریک شود درقعده اخیر بهمراه امام التحیات ودر ودودعاء بگوید یاخیر؟

جواب: خواندن التحیات لازم است نه که درود ودعا ([2]) فقط.

بعد ازسلام گفتن امام اقتداء درست نیست: سوال: (۱۲۶٤) در وقت گشتاندن سلام اول امام یک شخص به تمام شدن السلام ودوم به تمام شدن (السلام علیکم) وسوم به خلاص شدن السلام علیکم ورحة الله شامل شد ثواب جماعت به اینها حاصل شد یانه؟ واین شخص درجماعت شریک شد یانه؟

جواب: دردرمختار است: وتنقضی قدوة بالاول قبل علیکم ([3]) الخ ازین معلوم شد که وقتی امام لفظ السلام راگفت بعد ازان اقتداء درست نیست واین شخص بهمراه امام شامل نشد نماز خودرا جدا بخواند وتحریمه را تنها بگوید ونماز را شروع کند وخود را مقتدی امام نه شمارد ([4]) فقط.

درنماز جهری مسبوق قرائت جهری خواهد کرد یاسری: سوال: (۱۲٦٥) درکدام نماز که قرائت جهری است درآن اگرکسی بعداز داشدن یک یادورکعت شریک شد بعد از گشتاندن سلام امام رکعت فوت شده رابه قرائت جهری اداء خواهد کرد یانه؟

جواب: برای وی درنماز جهری جهراً واهسته خواندن هردو بهتراست وآهسته خواندن نیز درست است واگر جهر میکند به ادنی جهر اکتفا کند زیرا وی درقضاء ماسبق منفرد است وبرای منفرد درجهروسر اختیار میباشد ویخیر المنفرد فی الجهر وهوافضل ویکتفی بادناه إن ادی ([5]) الخ

---

(۱) ومن جملتها انه قیل انه اذافرغ (المسبوق) من التشهد قبل سلام الامام یکرره من اوله وقیل یکرر کلمة الشهادة وقیل یسکت وقیل یاتی بالصلاة والدعاء والصحیح ان یترسل لیفرغ من التشهد عندسلام الامام (غنیة المستملی ص ٤٤١) ظفیر.

(۲) ومن جملتها انه قیل انه اذافرغ (المسبوق) من التشهد قبل سلام الامام یکرره من اوله وقیل یکرر کلمة الشهادة وقیل یسکت وقیل یاتی بالصلاة والدعاء والصحیح ان یترسل لیفرغ من التشهد عندسلام الامام (غنیة المستملی ص ٤٤١) ظفیر.

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب راجبات الصلاة ص ٤۳٦ ج۱، ط.س. ج۱ ص ٤٦٨. ظفیر

(٤) قوله وتنقضی قدوة بالاول ای بالسلام الاول قال فی التجنیس الامام اذافرغ من صلاته فلما قا ل السلام جاء رجل واقتدی به قبل ان یقول علیکم لایصیر داخلا فی صلاته لان هذا سلام (ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب راجبات الصلاة ص ٤۳٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤٦٨) ظفیر الدین

(٥) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة فصل فی القرآنت ص ٤٩٨ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۳. ظفیر.

مختار فقط.

دریافت کننده یک رکعت درنماز چهار رکعتی قرائت را درکدام جای سه رکعت باقیمانده بخواند: **سوال:** (۱۲٦٦) مقتدی درنماز چهار رکعتی یک رکعت رابهمراه جماعت گیر کرد بعدازسلام امام که وی سه رکعت رامیخواند قرائت را درکدام یک آن خواهد خواند؟

جواب: در احکام مسبوق درالمختار آمده: ویقضی اول صلوته فی حق القراءة واخرها فی حق التشهد الخ ازین روایت معلوم شد که مسبوق درصورت مسئوله بعداز سلام امام دردو رکعت اول قرائت بخواند ودریک رکعت آخرتنها الحمد بگوید فقط (وفی رد المحتار عن المستصفی: لوادرکه فی رکعة الرباعی یقضي رکعتین بفاتحة وسورة ثم یتشهد ثم یاتی با الثالثة بفاتحة خاصة عندابی حنیفه وقالا رکعة بفاتحة وسورة وتشهد ثم رکعتین اولهما بفاتحة وسورة وثانیتهما بفاتحة خاصة اه (ظفیر).

مقتدیهای مقیم دربس مسافر نماز باقیمانده را چگونه تمام کند: **سوال:** (۱۲٦۷) (۱) امام مسافر ومقتدی مقیم است اگر مقتدی مذکور بهمراه امام مذکورد درکعت اول نماز چهار رکعتی شریک شده باشد چگونه نماز را تمام کند:

سوال: (۱۲٦۸) (۲) وکسیکه در رکعت دوم شریک شده باشد نماز را چگونه تمام کند؟

سوال: (۱۲٦۹) (۳) وکسیکه در التحیات یکجا شده باشد مقتدی نماز خودرا چگونه بخواند؟

جواب: (۱) نوت: جواب اول این رامفتی عنایت الهی نوشته بود جواب مفتی عنایت الهی درصورت اول مقتدی لاحق است بعداز تمام کردن نماز بهمراه امام دورکعت باقیمانده رابدون قرائت بخواند.

جواب: (۲- ۳) دردو صورت اخیر مقتدی مسبوق است درصورت دوم بع دازسلام امام استاد شده در رکعت اول فاتحه الکتاب بخواند ودرصورت دوم مقتدی درهرچهار رکعت مسبوق است لهذا بعد ازسلام امام دو دو رکعت اول الحمد وسوره بخواند ودر اخیر رکعت سوم تنها الحمد بخواند فقط حرره عنایت الهی واملا خلیل احمد.

جواب: (از حضرت مفتی صاحب دارالعلوم) مطابق تفصیل کتابهای فقه جواب اول صحیح است.

جواب سوال دوم وسوم: این است که درهردو صورت مقتدی لاحق ومسبوق است وحکم چنین مقتدی این که اول دورکعت رابدون قرابت ادا کند که در آن لاحق است وبعد از ان آن رکعت

راکند که در آن مسبوق است پس درصورت دوم نخست دورکعت را بدون قرائت ادا کند وباز دورکعت رابهمرا قرائت ادا کند ومقیم ائتم بمسافر قوله ومقیم ای فهولاحق بالنظر للاخیرتین وقد یکون مسبوقا ایضاً کما اذا فاته اول صلوة امامه المسافر شامی (۱) وحکمه کمؤتم فلاياتی بقراءة الخ ویبدا بقضاء مافات عکس المسبوق الخ قوله ثم ماسبق به بها الخ ای ثم صلی اللاحق ماسبق به بقراءة وان کان مسبوقا ایضاً (۲) الخ شامی در رکعت دوم وسوم مقتدی مقیم ومطلق مسبوق گردانیدن خلاف تصریحات فقهاء است وهم رکعتها را بهمراه قرائت ادا کردن نیز خلاف قاعده مقرره فقهاء است.

<u>کدام لاحق که وضوءش بشکند در وضوء مسواک زده میتواند یانه</u>: سوال: (۱۲۷۰) وقتی درنماز وضوء بشکند ولاحق اراده وضوء رابکند درین وضوء مسواک زده میتواند یانه؟

جواب: زده میتواند (۳) فقط (واذا ساغ له البناء توضا فوراً بکل سببه (درمختار) ای من سنن الوضوء لان ذلک من باب اکماله فکان من توابعه فیحتمل کما یحتمل الاصل (بدائع) (رد المحتار: باب الاستخلاف صفحه ٥٦٦ و٥٦٧ جلد ۱ ظفیر.

<u>مسبوق به فراموشی سلام گشتاند وقتی متوجه گرده شد رکعت باقی راتمام کرد نمازش شد</u>: سوال: (۱۲۷۱) یک مسبوق سهوا بهمراه امام سلام گشتاند مقتدی برای مسبوق گفت که تو یک رکعت دیگر را بخوان به این گفتار بیاد مسبوق آمد ومسبوق ارام خیست ورکعت را خواند نماز وی جائز است یانه؟

جواب: نماز وی صحیح شد هذا هوالاصح (٤) فقط (مگر برای سجده سهوه کردن مناسب است) احتیاط درهمین است (٥) ظفیر.

---

(۱) ردالمحتار. باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق الخ ص ٥٥٦ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ٥٩٤. ظفیر

(۲) ردالمحتار. باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق الخ ص ٥٥٦ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ٥٩٤. ظفیر

(۳) ومنها السواک ای من سنن الوضوء (عالمگیری مصری سنن وضو ص۷) ظفیر.

(٤) حتی لوامتثل امر غیره فقیل له تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف فوسع له فسدت بل یمکث ساعة لم یتقدم برائه (درمختار قوله اودخل فرجة الخ المعتمد فیه عدم الفساد (ردالمحتار باب مایفسد الصلوة ومایکره فیها ص ٥٨١ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٢٢) ازین معلوم شد که بعد از گفتار مقتدی یک لمحه معطل شود باز بخیزد وتمام کند واگر بمجرد گفتار خیست نیز بقول معتمد نماز فاسد نمیشود بلکه ادا شد والله اعلم ظفیر مفتاحی.

(٥) ولوسلم ساهيا ان بعد امامه لزمه السهو والا، لا (درمختار) أَيْ وَإِنْ سَلَّمَ مَعَهُ أَوْ قَبْلَهُ لَا يَلْزَمُهُ لِأَنَّهُ مُقْتَدٍ فِي هَاتَيْنِ الْحَالَتَيْنِ. وَفِي شَرْحِ الْمُنْيَةِ عَنْ الْمُحِيطِ إنْ سَلَّمَ فِي الْأُولَى مُقَارِنًا لِسَلَامِهِ فَلَا سَهْوَ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ مُقْتَدٍ بِهِ ، وَبَعْدَهُ يَلْزَمُ لِأَنَّهُ مُنْفَرِدٌ ا هـ ثُمَّ قَالَ : فَعَلَى هَذَا يُرَادُ بِالْمَعِيَّةِ حَقِيقَتُهَا وَهُوَ نَادِرُ الْوُقُوعِ . ا هـ قُلْت : يُشِيرُ إلَى أَنَّ الْغَالِبَ لُزُومُ السُّجُودِ لِأَنَّ الْأَغْلَبَ عَدَمُ الْمَعِيَّةِ ، وَهَذَا مِمَّا يَغْفُلُ عَنْهُ كَثِيرٌ مِنْ النَّاسِ فَلْيُتَنَبَّهْ لَهُ (رد =

اگر لاحق رکعت از دست رفته خودرا مانند مسبوق تمام کند چه حکم است: **سوال**: (۱۲۷۲) درکعت سوم نماز خفتن به استاده استاده خواب شد وقتی امام یک رکعت راتمام کرد وی از خواب بیدار شد وی بعد ازسلام امام مانند مسبوق نماز خوان این نماز درست شد یانه؟

جواب: نماز شد وبالای وی مانند لاحق بدون قرائت خواندن این رکعت لازم است (۱) فقط.

امامیکه بی وضوء شد وخلیفه گرفت حال وقتی بیاید اقتدا کند یا امام شود: **سوال**: (۱۲۷۳) امام بی وضوء شد کسی دیگری را امام ساخت رفت ووضوء کر وآمد مقتدی شود ونماز میخواند ویا امام شود؟ واگر امام وضوء میکرد وخلیفه سلام گشتاند امام چگونه نماز را تمام کند؟

جواب: مقتدی شده نماز را تمام کند واگر خلیفه سلام گشتاند نیز نماز باقیمانده راپوره کند ضرورت از سرخواندن نیست (۲) فقط.

مسبوق اقتداء کننده به امام مسافر چگونه نماز خود را تمام کند: **سوال**: (۱۲۷٤) (۱) امام مسافر است درالتحیات رکعت دوم یک شخص مقیم درنماز شریک شد امام دو رکعت خودرا تمام کرد وسلام گشتاند برای مقتدی درهمه چهار رکعت تمام کردن نماز به اندازه الحمد چپ استادن لازم است یا در دورکعت اخیر بالایش خواندن الحمد لازم است؟

وقتی دو رکعت بهمراه امام از فوت شده باشد وی درآن هردو الحمد وسوره را بخواند: **سوال**: (۱۲۷۵) (۲) امام مقیم است مقتدی مقیم بعد از دو رکعت درالتحیات شریک شد برای مقتدی در رکعتها باقیمانده خود که بعدازخلاص شدن نماز امام تمام اش خواهد کرد خواندن الحمد لازم است یابه اندازه الحمد چپ استادن لازم است؟

جواب: (۱) ازعبارت درمختار وشامی معلوم میشود که این مقتدی مقیم مسبوق هم است ولاحق هم است پس دو رکعت اول رابدون قرائت بگوید ودو رکعت اخیر را بهمراه قرائت بخواند یعنی در آن هرد والحمد وسوره بخواند (۳)

= المحتار باب الامامة مطلب في المسبوق والمدرك واللاحق ص ٥٦٠ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٩٨). ظ

(۱) واللاحق من فاته الركعات كلها اوبعضها لكن بعد اقتدائه بعذر كغفله الخ وحكمه كمؤتم فلاياتي بقرائت ولاسهو (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب في احكام المسبوق واللاحق المدرك ص ٥٥٦ ج١ ، ط.س. ج١ ص ٥٩٤). ظفير

(۲) ومن سبقه الحدث في الصلوٰة انصرف فان كان اماما استخلف وتوضا وبنى (هدايه باب الحدث في الصلوٰة ص ١١٥ ج١). ظفير

(۳) واللاحق من فاته ركعات الخ بعد اقتدائه بعذر الخ مقيم ائتم بمسافر الخ حكمه كمؤتم فلاياتي بقراءة ويبدأ بقضاء ما فاته عكس =

جواب: (۲) خواندن الحمد وسورت هردو لازم است ([1])

اگر در نماز مسبوق رکعت باقی رابه قرائت جهری تمام کرد درست است: سوال:
(۱۲۷۶) من دروقت صبح به مسجد وقتی رسیدم که یک رکعت فرض بهمراه جماعت برایم میسرشد وقتیکه امام سلام گشتاند من رکعت باقیمانده خودرا استاده به قرائت جهری تمام کردم درین چیزی حرج خونیست؟

جواب: درین هیچ حرج نیست ([2]) فقط.

اگر قبل از رکوع شریک شد مسبوق نیست: سوال: (۱۲۷۷) اگر مسبوق در قیام رکعتها شامل شدن فاتحه را نه خواند رکعتهای وی تمام شد یاخیر؟

جواب: نمازش شد وهمان رکعت نیز شد ([3]) فقط.

درقعده اولی مقتدی تشهد را پوره نه کرده بود که امام خیست مقتدی چه کند: سوال:
(۱۲۷۸) اگر مسبوق بهمراه امام درقعده اولی شریک شود وبه فوراً استاد شدن امام پیروی وی را بکند ویاتشهدرا تمام کرده بخیزد؟ اگر تشهدرا پوره نکند درنماز فساد میاید یانه

جواب: بعد ازعبارت مذکوره رد المختار وشامی این هم ذکر است که: ثم رأیته في الذخیرة نافلاً عن ابی اللیث: المختار عندی انه یتم التشهد وان لم یفعل اجزاه ([4]) الخ ازین عبارت اخیر (وان لم یفعل اجزاه) معلوم شد که اگر مقتدی تشهدرا تمام نکرد وهمراه امام خیست نماز صحیح

= المسبوق، ثم یتابع إمامه إن أمکنه إدراکه، وإلا تابعه ، ثم صلی ما نام فیه بلا قراءة ثم ما سبق به بها إن کان مسبوقا أیضا (درمختار) هذا بیان للقسم الرابع وهو المسبوق اللاحق الخ ثم یصلی الرکعة التی سبق بها بقرائت الفاتحة وسورة (ردالمحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق واللاحق والمدرک ص ۵۵۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹٤). ظفیر

(۱) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد حتی یثنی ویتعوذ ویقرأ الخ فیما یقضیه الخ اول صلاته فی حق قراءة واخرها فی حق تشهد الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی المسبوق. الخ ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵٦۹). ظفیر

(۲) ویخیر المنفرد فی الجهر الخ کمن سبق برکعة من الجمعة فقام یقضیها یخیر (درمختار) وبهذا التقریر ظهر وجه اقتصاره علی الجمعة وان کان الحکم کذلک لو سبق برکعة من العشاء ونحوه لان المقصود اثبات الجهر فی القضاء فی وقت المخافتة لا مطلقا فافهم. (ردالمحتار فصل فی القرآ ئت ص ٤۹۸ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص۵۳۳) ظ

(۳) وحاصله ان الاقتداء لا یثبت فی الابتداء علی وجه یدرک به الرکعة مع الامام الا بادراک جزء من القیام او مما فی حکمه وهو الرکوع لوجود المشارکة فی اکثرها فاذا تحقق منه ذلک لا یضره التخلف بعده (ردالمحتار باب ادراک الفریضة تحت قوله لان المشارکة ص ٦۷۵ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ٤۱). ظفیر

(٤) همه عبارت چنین است: وشمل باطلاقه مالو اقتدی به فی اثناء التشهد الاول او الاخیر فحین فقد قام امامه اوسلم ومقتضاه انه یتم التشهد ثم یقول ولم اره صریحا ثم رایته فی الذخیرة ناقلا الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة فصل تالیف الصلٰوة تحت قوله بخلاف سلامه الخ قبل اتمام المؤتم التشهد فانه لا یتابعه ص ٤٦۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۹٦) ظفیر.

است ودرین اختلاف است که کراهت درآن هست یانه؟ خلاصه این که درصورت تمام نه کردن تشهد نماز میشود هیچکس قائل فساد نماز نیست فقط.

یابنده تنها یک رکعت بهمراه امام چه وقت قاعده خواهد کرد: سوال: (۱۲۷۹) اگر کدام مقتدی درنماز پیشین یا دیگر وقتی شریک شدکه یک رکعت مانده بود بعد از گشتاندن سلام امام این مقتدی بعد ازیک رکعت قعده خواهد کرد ویابعد از دورکعت؟

جواب: بعد از یک رکعت قعده کردن لازم است (۱) فقط.

اگر در رکعت سابق مسبوق یک فرض بماند وی چه خواهد کرد: سوال: (۱۲۸۰) اگر ازمسبوق در رکعت سابق فرض ماند همه نماز را ازسر بخواند یاسجده سهوه کند؟

جواب: اگر وی اعاده فرض را نکرد نماز را با زاز سر بخوا ند (۲) فقط.

مسبوق شامل شونده درمسجد ثناء را چه وقت خواهد خواند: سوال: (۱۲۸۱) شخصی درسجده رکعت دوم نماز شام شریک شد آیا برای وی خواندن ثنا در رکعت سوم مناسب است؟

جواب: برای وی همان وقت یعنی بعد ازتکبیر تحریمه خواندن ثنا مناسب است ولو ادرکه راکعا اوساجدا ان اکبر رأیه انه یدرکه اتی به درمختار (۳) فقط.

مسبوقیکه در رکعت اخیر لاحق شود نماز را چگونه تمام خواهد کرد: سوال: (۱۲۸۲) شخصی مسبوق درنماز چهار گانه خلف امام در رکعت اخیر لاحق شده بعد ازسلام امام به چطور نماز باقی را اداء خواهد ساخت؟

جواب: مسبوق مذکور بقیه نماز را بعد از فراغ امام بدین طریق ادا کند که در رکعت اول از سه رکعت بقیه فاتحه وسوره بخواند واین رکعت را تمام کرده قعده اولی بکند بعده قیام کرده رکعت ثانیه رابه فاتحه وسوره تمام کرده رکعت اخیره سومی را از قراءة سوره خالی داشته صرف

---

(۱) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد الخ ویقضی اول صلاته فی حق قراءة واخرها فی حق تشهد فمدرک رکعة من غیر فجر یاتی برکعتین بفاتحة وسورة وتشهد بینهما وبرابعة الرباعی بفاتحة فقط ولا یقعد قبلها (درمختار) وفی الفیض عن المستصفی لوادرکه فی رکعة الرباعی یقضی رکعتین بفاتحة وسورة ثم یتشهد ثم یاتی بالثالثة بفاتحة خاصة عند ابی حنیفة رحمه الله وقالا رکعة بفاتحة وسورة وتشهد ثم رکعتین اولاهما بفاتحة وسورة وثانیتها بفاتحة خاصة آهـ وظاهر کلامهم اعتماد قول محمد (رد المحتار باب الامامة مطلب فی المسبوق واللاحق ص ۵۵۷ – ۵۵۸ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۹۶) ظفیر.

(۲) ومن فرائضها التی لا تصح بدونها (درمختار) اذ لا شیء من الفروض ما تصح الصلاة بدونه بلا عذر (رد المحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص ۴۱۱ ، ط. س. ج۱ ص ۴۴۲). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة بعد الفصل ص ۴۵۶ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص۴۸۸. ظفیر

به فاتحه اکتفا کرده ان رکعت راتمام کرده قعده بکند وسلام کند قال فی الدر المختار فی حکم المسبوق: ویقضی اول صلاته فی صلاة حق قراءة واخرها فی حق تشهد فمدرک رکعة من غیر فجر یأتی برکعتین بفاتحة وسورة وتشهد بینهما وبرابعة الرباعی بفاتحة الخ ([1]) فقط.

صحت نماز مسبوق موقوف به صحت نماز امام است: سوال: (۱۲۲۸۳) شخصی درالتحیات نماز صبح شامل شد بعد ازسلام گشتاندن امام وی نماز را تمام کرده فارغ شد وبکدام دلیل نماز امام نشده بود نماز مسبوق شد یانه؟

جواب: درین صورت نماز مسبوق نیز نشد ([2]) فقط.

مسبوق چه وقت ثناخواهد گفت: سوال: (۱۲۸٤) مسبوق ثناء وتعوذ را چگونه خواهدخواند؟

جواب: برای مسبوق این حکم است که کدام وقت برای خواندن رکعت باقیمانده خود میخیزد درآن وقت ثنا وتعوذ را بگوید وکدام وقت که بهمراه امام شریک شد وامام درآن وقت قرائت جهری میخواند نه گوید واگر قرائت سری بود در آن وقت نیز بگوید ([3]) باز وقتیکه برای تمام کردن رکعت خود میخیزد درآنوقت دوباره بگوید.

کذا فی الدر المختار والشامی فقط والله تعالیٰ اعلم.

کسیکه در رکعت دوشریک شود ثناء را خواهد گفت یانه: سوال: (۱۲۸۵) امام یک رکعت را خوانده بود وقتیکه مقتدی بهمرا هش درجماعت شریک شود سُبْحَانَکَ اَللّٰهُمَّ الخ را گفتها میتواند یانه؟

جواب: هرگاه مسبوق بعد ازفارغ شدن امام برای ادا کردن رکعت فوت شده خود میخیزد درانوقت سُبْحَانَکَ اَللّٰهُمَّ الخ بگوید ([4]) فقط.

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلٰوة بعد الفصل ص ٤٥٦ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص٤٨٨. ظفیر

(۲) اذاظهر حدث امامه وکذا کل مفسد فی رای مقتدبطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا (در مختار) واشار به الی حدیث الامام ضامن الذلیس المراد به الکفالة بل التضمن بمعنی ان صلاة الامام متضمنة لصلاة المقتدی ولذا اشترط عدم مغایرتهما فاذا صحت صلاة الامام صحت صلاة المقتدی الا لمانع اخر واذا فسدت صلاته فسدت صلاة المقتدی لانه اذا فسد الشیٔ فسد ما ضمنه (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۵۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۱). ظفیر

(۳) انه اذا ادرک الامام فی القراءة فی الرکعة التی یجهر فیها لا یاتی بالثناء (الی قوله) فاذا قام الی قضاء ما سبق یاتی بالثناء یتعوذ للقراءة الخ وفی صلاة المخافتة یاتی به هکذا فی الخلاصة (عالمگیری کشوری ص ۹۰ ج۱). ظفیر

(٤) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهومنفرد حتی یثنی ویتعوذ (الی قوله) فیمایقضیه الخ حتی یثنی الخ تفریع علی قوله منفرد فیما یقضیه بعد فراغ امامه فیاتی بالثناء والتعوذ لانه للقراءة ویقرأ لانه یقضی فی حق القراءة کما یاتی (ردالمحتار ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹٦). ظفیر

کسی را که دورکعت شام بهمراه امام حاصل شود وی درقعده بهمراه اما تنها التحیات میخواند یادرود وغیره هم: **سوال:** (۱۲۸٦) اگر ما درشام بهمراه امام دو رکعت راگیر کردم درتشهد اخیر همه چیز خوانده خواهد شد یاچطور؟ حالانکه بالای ماخواندن جدای یک رکعت است ودر آن خواندن درود وغیره هرچه خواهد بود؟

جواب: وقتی کسی بهمراه امام تشهد میگوید بعد ازتنها خواندن التحیات خاموش نشته باشد بازوقتیکه یک رکعت باقیمانده را ادا میگوید درآنوقت هرچه رابگوید (۱) فقط.

چون مسبوق به فراموشی سلام بگر داند باز به یاد دادن بخیزد ونماز را تمام نماید نمازش شد یانه: **سوال:** (۱۲۸۷) اگر مسبوق بدون اراده بهمراه امام به هردو طرف سلام بگرداند ومردم شامل نماز برایش بگوید که نمازت مانده آنرا ادا کن نماز این شخص خواهد شد یانه؟

جواب: این مسبوق اگر به یاد دادن وگفتن کسی خیست وبه یاد دادن وی بیاد خودش نیز آمده وبه همین اساس وی خیست پس باکردن سجده سهو نماز وی شد (۲) ودر چنین حالت همین طور کردن مناسب است که اگر شخص دیگر به یادش داد خودش به یاد بیاورد وبه یاد خود کار کند بخاطر اینکه درنمازش کدام خلل نه آید (۳) فقط.

مسبوق بعد ازسلام اول امام استاد میشود یا بعد از دوم: **سوال:** (۱۲۸۸) مسبوق بخاطر ادا کردن رکعتهای باقیمانده بعد ازسلام گشتاندن اول امام استاد خواهد شد ویا بعد ازگشتاندن هر دو سلام؟

جواب: بعد ازهر دو طرف سلام دور دادن استاد شدن بهتر است بخاطر اینکه اگر بالای امام سجده سهو باشد بالای وی بازگشتن نخواهد بود (٤) فقط.

---

(۱) ومن جملتها انه قيل اذا فرغ من التشهد قبل سلام الامام يكرره من اوله وقيل يكرر من كلمة الشهادة وقيل يسكت وقيل يأتي بالصلوٰة والدعاء والصحيح انه يترسل ليفرغ من التشهد عند سلام الامام (غنية المستملي ص ٤٤١). ظفير

(۲) ان تابع والالا، ولوسلم ساهيا ان بعد امامه لزمه السهو والا، لا (درمختار) وَفِي شَرْحِ الْمُنْيَةِ عَنِ الْمُحِيطِ إِنْ سَلَّمَ فِي الْأُولَى مُقَارِنًا لِسَلَامِهِ فَلَا سَهْوَ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ مُقْتَدٍ بِهِ ، وَبَعْدَهُ يَلْزَمُ لِأَنَّهُ مُنْفَرِدٌ ا هـ ثُمَّ قَالَ : فَعَلَى هَذَا يُرَادُ بِالْمَعِيَّةِ حَقِيقَتُهَا وَهُوَ نَادِرُ الْوُقُوعِ . ا هـ قُلْت : يُشِيرُ إلَى أَنَّ الْغَالِبَ لُزُومُ السُّجُودِ لِأَنَّ الْأَغْلَبَ عَدَمُ الْمَعِيَّةِ (ردالمحتار. باب الامامة ص ٥٦٠ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٥٩٨). ظفير

(۳) حتى لوامتثل امره فقيل له تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف احد فوسع له فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأئه قهستاني (درمختار) المعتمد فيه عدم الفساد (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ويكره فيها ص ٥٨١ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٦٢٢). ظفير

(٤) وينبغى ان يصبر المسبوق حتى يفهم انه لا سهو على الامام (درمختار) اى لا يقوم بعد التسليمة او التسليمتين بل ينتظر فراغ الامام =

وقتی مسبوق اقتداء امام مسافر را بکند وی نماز باقی خودرا چیگونه تمام خواهد کرد:

سوال: (۱۲۸۹) وقتی درپس امام مسافر برای مقتدی یک رکعت حاصل شد یاقعده حاصل شد نماز باقیمانده را چگونه پوره خواهدکرد؟

جواب: این مقتدی نخست دو رکعت راخالی بخواند بازیک رکعت رابهمراه قرائت بخواند یعنی کسیکه یک رکعت راگیر کرده وی بعد ازسلام امام یک رکعت راخالی خوانده قاعده بکند باز بخیزد ویک رکعت راخالی بخواند ورکعت آخر را بهمراه قرائت تکمیل کند زیرا وی درحکم لاحق مسبوق است: وتفصیله فی الشامی ([1]) فقط.

اقتداء مسبوق درست نیست: سوال: (۱۲۹۸) شخصی در رکعت سوم یاچهارم نماز جماعت شامل شد بعد ازخلاص شدن نماز این شخص مثلاً زید نماز خودرا تمام میکرد که عمر شروع شد زید را امام خود ساخت واو بعد از تمام کردن نماز خود سلام گشتاند این جماعت درست خواهد بود یانه؟

جواب: کدام شخص که در رکعت سوم یاچهارم بهمراه امام شامل شد وبه امام اقتداء کرد وی رامسبوق گویند کدام وقت که وی بخاطر تمام کردن نماز باقیمانده خود استاد شد درپس وی اقتداء کردن هیچ کس درست نیست لایجوز الاقتداء به ([2]) فقط.

وقتیکه امام به سبب شکستن وضوء مسبوق را خلیفه سازد وی نماز را چگونه تمام خواهد کرد: سوال: (۱۲۹۱) امام نماز پیشین را میداد کدام شخصیکه درپس وی بود وضوء

= بعدها الخ قال فی الحلیة ولیس هذا بملازم بل المقصود ما یفهم ان لا سهو علی الامام اویوجد له ما یقطع حرمة الصلاة (رد المحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق واللاحق. ص ۵۵۹ ج۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵۹۷) وتنقطع التحریمة بتسلیمة واحدة برهان وقدمر (درمختار) ای فی الواجبات حیث قال تنقضی قدوة بالاول قبل علیکم علی المشهور عندنا خلاف للتکملة اهـ (ردالمحتار فصل تالیف الصلاة ص ۴۹۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۲۵) ازین معلوم شد که بعد از سلام نیز خیسته میتواند اما بهتراین است که بعد از سلام دوم استاد شود. ۱۲ ظفیر. غفرله.

(۱) ومقیم ائتم بمسافر وکذا بلا عذر بان سبق امامه فی رکوع وسجود فانه یقضی رکعة وحکمه کمؤتم فلایاتی بقراءة ولا سهو الخ ویبدء بقضاء ما فاته عکس المسبوق (الدر المختار) وهذا بیان للقسم الرابع وهو المسبوق اللاحق وَحُكْمُهُ أَنَّهُ يُصَلِّي إِذَا اسْتَيْقَظَ مَثَلًا مَا نَامَ فِيهِ ثُمَّ يُتَابِعُ الْإِمَامَ فِيمَا أَدْرَكَ ثُمَّ يَقْضِي مَا فَاتَهُ . اهـ . بَيَانُهُ كما فی شرح المنیة وشرح المجمع انه لو سبق برکعة من ذوات الاربع ونام فی رَكْعَتَيْنِ يُصَلِّي أَوَّلًا مَا نَامَ فِيهِ ثُمَّ مَا أَدْرَكَهُ مَعَ الْإِمَامِ ثُمَّ مَا سُبِقَ بِهِ فَيُصَلِّي رَكْعَةً مِمَّا نَامَ فِيهِ مَعَ الْإِمَامِ وَيَقْعُدُ مُتَابَعَةً لَهُ لِأَنَّهَا ثَانِيَةُ إمَامِهِ ثُمَّ يُصَلِّي الْأُخْرَى مِمَّا نَامَ فِيهِ ، وَيَقْعُدُ لِأَنَّهَا ثَانِيَتُهُ ثُمَّ يُصَلِّي الَّتِي انْتَبَهَ فِيهَا ، وَيَقْعُدُ مُتَابَعَةً لِإِمَامِهِ لِأَنَّهَا رَابِعَةٌ . وَكُلُّ ذَلِكَ بِغَيْرِ قِرَاءَةٍ لِأَنَّهُ مُقْتَدٍ ثُمَّ يُصَلِّي الرَّكْعَةَ الَّتِي سُبِقَ بِهَا بِقِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ وَسُورَةٍ. (ردالمحتار باب الامامة مطلب فی المسبوق واللاحق ص ۵۵۶ - ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۴). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق واللاحق ص ۵۵۸ ج۱ ط.س. ج۱ ص ۵۹۷ ظفیر

شکست وقتی وی وضوء کرد وآمد امام یک رکعت را خوانده بود وقتی که این شخص امد وشامل شد وضوء امام شکست وی این شخص وخلیفه خود ساخت وبخاطر وضوء کردن رفت اگروی نماز مقتدیها راپوره میکند ازخودش سه (۳) میشود واگر نماز خود را پوره میکند از مقتدیها پنج میشود چه کردن ضرور است؟

جواب: مقتدیکه وضوء شکست وبرای وضوء کردن رفت ویک رکعت ازوی فوت شد وی لاحق است برای وی این حکم است که وقتی وی رکعت اول فوت شده خودرا بخواند باز بهمراه امام شریک شود پس اگروی چنین کرد نماز وی همراه امام براب رشد واگر وی رکعت فوت شده راپیش ادا نکرد وهمراه امام شریک شد باز وضوء امام شکست واو این شخص (لاحق) را امام ساخت برای وی لازم است که کدام وقت رکعت چهارم امام تمام شود این شخص کدام مدرک (یعنی گیر کننده همه نماز) راخلیفه سازد کسیکه ازاول بهمراه امام شریک بود وی سلام خواهد گشتاند این شخص خواهد خیست رکعت فوت شده خودراتمام خواهد کرد ([1]). فقط

اگر کسی در رکعت اخیر عصر یاشام شریک شد نماز باقی را چگونه تمام خواهد کرد:

سوال: (۱۲۹۲) اگر کسی در رکعت اخیر عصر یاشام به همراه امام شریک شده رکعتهای باقیمانده را که تنها میکند درهر رکعت التحیات خواهد خواند یاچطور؟

جواب: درنماز شام همچنان خواهد شد که وقتی بهمراه امام یک رکعت را گیر کرد در دورکعت دیگر باقیمانده نشستن والتحیات گفتن خواهد بود ودرنماز دیگر (عصر) بعد از سلام امام یک رکعت راکرده قعده درمیانه راخواهد کرد باز دو رکعت ر ا خواهد خواند ودر اخیر نشتن ([2]) خواهد بود.

اگر یک رکعت رایافت رکعت های باقی راچگونه پوره کند وتعوذ والتحیات را درکجا خواهد خواند: **سوال:** (۱۲۹۳) جماعت استاد است مقتدی پسان آمد شامل شد امام صاحب

---

(۱) ولواستخلف الامام مسبوقًا اولاحقًا اومقيما وهو مسافر صح والمدرک اولی الخ فلو اتم المسبوق صلاة الامام قدما مدركا للسلام الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاستخلاف ص ۵۷۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۷). ظفير

(۲) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد حتى يثنى ويتعوذ ويقرا الخ فيما يقضيه الخ ويقضى اول صلاته فی حق قرآنت وآخرها فی حق تشهد فمدرک رکعة من غير فجر ياتی برکعتين بفاتحة وسورة وتشهد بينهما وبرابعة الرباعی بفاتحة فقط الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب فی احکام المسبوق ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۶). ظفير

سه رکعت را خوانده است مقتدی دریک رکعت شامل شد وی نماز باقی را چگونه خواهد خواند؟ مثلاً در نماز عصر یک رکعت رایافت حالا سه رکعت را چگونه ادا کند اعوذ را چگونه ودر کدام رکعت بگوید ایادر رکعت دوم التحیات بگوید ویادریکی اعوذ بالله ودر دویم التحیات بگوید یا چگونه بگوید؟

جواب: شخصی راکه درنماز چهارگانه مثلاً درنماز پیشین یاعصر یک رکعت بهمراه امام دریافت شود این شخص بعد از دور دادن سلام امام رکعتهای باقیمانده خودرا به این گونه ادا کند که بخیزد وبعد ازخواندن اعوذ وسبحانک اللهم الحمد وسوره را در این رکعت بخواند ورکوع وسجده بکند وبنشیند والتحیات را بگوید زیرا که دورکعت وی شد یکی بهمراه امام ویکی راخودش خواند وقتی التحیات راگفت بخیزد الحمد وسوره رابخواند رکوع وسجده رابکند این رکعت سوم وی شد فوراً بعد از سجده خیسته رکعت چهارم را تنهابه الحمد بخواند این رکعت چهارم شد وقتی رکوع اوسجده رابکند بعد ازخواندن التحیات درود شریف ودعا سلام بگرداند ([1]). فقط

وقتی در رکعت دوشامل شود رکعت اول را چگونه ادا کند؟ قرائت بخواند یانه: سوال:

(۱۲۹۴) (۱) مقتدی در رکعت دوم جماعت بهمراه امام شد کدام رکعتی راکه مقتدی بعد از سلام گشتاندن امام میخواند در آن چیزی میگوید یانه؟

وقتی در رکعت سوم شریک شد در رکعت باقی قرائت میخواند یانه: سوال: (۱۲۹۵) مقتدی در رکعت سوم شامل شد بهمراه امام یک رکعت را خواند امام سلام گشتاند وقتی مقتدی میخیزد چه بگوید یانه؟ ودر رکعت سوم وچهارم نیز چیزی خواهد گفت یانه؟

جواب: (۱) دران الحمد وسورة بگوید.

جواب: (۲) اگر مقتدی دررکعت سوم بهمراه امام شامل شد دورکعت وی فوت شد بعد ازگشتاندن سلام امام وی میخیزد وهردو رکعت رابه الحمد وسوره ([2]) بخواند.

---

(۱) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد حتی یثنی ویتعوذ ویقرأ الخ فیما یقضیه الخ ویقضی اول صلاته فی حق قرآئت وآخرها فی حق تشهد فمدرک رکعة من غیر فجر یاتی برکعتین بفاتحة وسورة وتشهد بینهما وبرابعة الرباعی بفاتحة فقط الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی احکام المسبوق ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۶). ظفیر

(۲) والمسبوق من سبقه الامام بها اوببعضها وهو منفرد حتی یثنی ویتعوذ ویقرأ الخ فیما یقضیه الخ ویقضی اول صلاته فی حق قرآئت وآخرها فی حق تشهد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی احکام المسبوق الخ ص ۵۵۷ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۵۹۶). ظفیر

اگر کسی در رکعت دوم شریک شد مگر بهمراه امام سلام گشتاند حالا چه کند: سوال: (۱۲۹٦) شخصی در رکعت دوم بهمراه امام شریک شد وقتی امام سلام گشتاندوی نیز سلام گشتاند؟ پسان به یادش آمد حالابقیه رکعت راخوانده میتواند یانه؟

جواب: اگر مسبوق سهوا بهمراه امام سلام گشتاند خواه به یک طرف ویابه هردو طرف به این گونه که سلام مسبوق کمی بعداز سلام امام واقع شد چنانچه عادت است پس مسبوق خیسته میتواند ورکعتهای باقیمانده خودراپوره کرده میتواند نمازش فاسد نه شد (وان سلم ای المسبوق بعده (ای بعد الامام) لزمه (سجود السهو) لکونه منفردا حینئذ (۱) (بحر شامی).

امام در رکوع بود که یک شخص (ادم) آمد به تکبیر تحریمه در رکوع برود یا تکبیر رکوع رانیز بگوید: سوال: (۱۲۹۷) امام در رکوع است که شخصی آمد آیاوی باگفتن تکبیر تحریمه به رکوع برود ویابعد ازتکبیر تحریمه باز تکبیر رکوع را بگوید؟

جواب: بعد از گفتن تکبیر تحریمه باز به گفتن تکبیر دوم رفتن به رکوع ضرور است این طریق مسنون است لاکن اگر تنها به گفتن تکبیر تحریمه بدون تکبیر دوم به رکوع رفت وهمراه امام شریک شدن رکعت برایش حاصل شد ونمازش نیز صحیح (۲) شد.

که در رکوع شریک شود بعد ازتحریمه دستهارا بسته کرده باز رکوع کند یابدون بستن دستها به رکوع برود: سوال: (۱۲۹۸) امام در رکوع یاسجده است یک نفر آمدوی بعد ازگفتن تکبیر تحریمه دست ها را بسته کند باز به رکوع یاسجده برود یابدون بسته کردن دستها برود؟

جواب: بستن دستها بعد ازگفتن تکبیر تحریمه مسنون است اگر دستهارا بسته نه کرد وهمین طور به رکوع یاسجده رفت نماز صحیح است (۳).

مسبوق سلام گشتاند ودعا کرد باز برایش یاد داد چه کند: سوال: (۱۲۹۹) یک شب در جماعت خفتن من در رکعت دوم شریک شدم مگر بهمراه امام به هرطرف سلام گشتاندن نماز

---

(۱) ردالمحتار باب سجود السهو ص ۲۹٦ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۸۳. ظفیر

(۲) وسننها رفع الیدین للتحریمه فی الخلاصه ان اعتاد ترکه اثم الخ ووضع یمینه علی یساره الخ وتکبیره الرکوع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة صفة الصلوٰة مطلب سنن الصلوٰة ص ٤٤۳ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ٤۷٦). ظفیر

(۳) وسننها رفع الیدین للتحریمة الخ ووضع یمینه علی یساره تحت سرته وتکبیرة الرکوع (کنز) لماروی انه ﷺ کان یکبرعند کل رفع وخفض (البحر الرائق. باب صفة الصلوٰة ص ۳۲۰ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۳۰۲) ظفیر.

را خلاص کردم دعا خواستم مگر درهمین وقت یک مقتدی دیگر که نماز خودرا بهمراه امام تمام کرده بود برایم گفت که بخیز نماز را تکمیل کن اگرمن درین حالت میخیستم ونمازم را پوره میکردم نماز میشد یانه؟ ودرصورتیکه من سخن وی راقبول نکردم بلکه ازسر چهار رکعت فرض را ادا کردم این نماز شد یانه؟ سبب قبول نه کردن من این شد که دردلم این شبه وگمان پیداشد که بافتح دادن بیرون از نماز نماز فاسد میشودُ؟

جواب: اگر بعد ازگفتار این شخص وچیزی فکر برای خودش به یاد آمده باشد که بیشک یک رکعت من مانده است وبه این اساس خیستهٔ باشد وبعد ازپوره کردن یک رکعت سجده سهو شده باشد نماز شده خواهد بود زیرا این امتثال شخصن غیر نیست بلکه هرگاه بیا دخودت آمد اشتاد شدن به همین طرف منسوب میشود دردرمختار هست:

حتی لو امتثل امر غیره فقیل له: تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف احد فوسع له فسدت بل یمکث ساعة لم یتقدم برایه: ودرشامی تصحیح عدم فساد را کرده اند.

وقدمنا عن رشدنبلالی عدم الفساد وتقدم تمام الکلام علیه (۱) الخ (شامی جلد اول).

مسبوق درقعده بهمراه امام چه خواهد گفت؟ وبه همراه امام سجده سهو خواهد کرد یانه: **سوال**: (۱۳۰۰) برای مسبوق همراه امام درقعده خواندن چه چیز مناسب است؟ واگر امام سجده سهو بکند آیا مسبوق نیز خواهد کرد؟

جواب: وقتی امام درقعده اولی بنشیندوی نیز بنشیند والتحیات بگوید واگر امام سجده سهوکرد وی، نیز بهمراهش سجده سهوه بکند اما سلام نه گرداند (۲).

الباب السادس فی الحدث فی الصلاة

اگر در دوران نماز وضوء بشکند چه کردن ضرور است

اگر امام در نماز وضوء شود خلیفه گرفتن درست است ضروری نیست: **سوال**: (۱۳۰۱) اگر امام درنماز بی وضوء شود درکتابهای فقه نوشته اند که خلیفه گرفتن جائز است چون این مسئله نادر الوقوع (یعنی بسیار کم پیش میآید) اکثر مردم ازین بی خبراند خلیفه گرفتن برای امام مشکل میباشد درچنین حالت چه کار کردن ضرور است؟

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد ومایکره فیها ص ۳۸۱ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص ۴۲۲ . ظفیر.

(۲) والمسبوق یسجد مع امامه مطلقا سواء کان السهو قبل الاقتداء اوبعده ثم یقضی مافاته (درمختار) قید بالسجود لانه لایتابعه فی السلام بل یسجد معه ویتشهد (ردالمحتار باب سجود السهو ص ۶۹۵ – ۵۹۶ ج۱ ، ط.س. ج۲ ص ۸۲ – ۸۳). ظفیر

جواب: درکتابهای فقه درصورت پیش آمدن بی‌وضوئی گرفتن خلیفه راجائز نوشته اند ضروری نیست واین را نیز نوشته اند که استیناف (یعنی ازسرخواندن نماز مناسب است بخاطر اینکه مردم درغلطی نه افتند پیش ازپیش نماز را قطع کنند وکدام عمل منافی به نماز را بکند (انجام دهد) باز وضوء کند وازسر نماز را شروع [1] کند.

مسبوق خلیفه شده میتواند: سوال: (۱۳۰۲) چهار مقتدی است وپنجم امام است نماز میدهد ومقتدیها جاهلاً ندیک مقتدی تعلیم یافته نیز آمد ودرجماعت شامل شد وضوء امام شکست حالا درین پنج مقتدی کدام یک را امام ساخته شود؟ وکدام یک که تعلیم یافته هست وی دو یایک رکعت رانه یافته است؟

جواب: کدام شخصی خواننده (باسواد) که پسان درجماعت شامل شده وی امام ساخته شود ودر وقت سلام چنان شخص رابه جای خود امام سازد که نمازش تمام شده باشد وی سلام بگرداند واین بخیز درکعتهای باقیمانده خودرا تمام کند کذا فی الدر المختار [2] فقط.

اگر وضوء مقتدی صف پیش بشکندوی چگونه برآید: سوال: (۱۳۰۳) اگر دوسه صد (۲۰۰ یا ۳۰۰ انسان درجماعت بود ودرصف پیش ازهمه وضوء شخصی درمیان نماز بشکند وی چگونه برآمده میتواند؟ وامام چگونه بدل میشود؟

جواب: صفهارا پاره کرده براید وامام ازمیان مقتدیها کسی دیگر را از دست گرفته بجای خود استاد کند [3] فقط. **اگر وضوء امام درحالت سجده بشکند خلیفه چه کند: سوال:** (۱۳۰٤) اگر وضوء امام درحال سجده بشکند خلیفه چگونه به مصلی بیاید؟

جواب: دري صورت خلیفه به مصلی بیاید وازهمین سجده شروع کند وکدام امام که درحال سجده بی وضوء شده بالای پیشانی خود دست بماند بخاطر اینکه خلیفه بفهمد که وبی وضوئی برای امام درسجده پیش آمده این سجده دوباره کردن لازم است کمافی الدر المختار ولیضع یده

---

(۱) استخلف ای جاز له ذالک ولو فی جنازة باشارة اوجرٍّ لمحراب (درمختار) وظاهر المتون ان الاستخلاف افضل فی حق الکل (رد المحتار. باب الاستخلاف ص ٥٦٢ ج۱) ظفیر.

(۲) ولواستخلف الامام مسبوقا الخ صح الخ فلواتم المسبوق صلاة الامام قدم مدرکا لسلام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاستخلاف ص ٥٧۱ ج۱) ظفیر.

(۳) سبق الامام حدث الخ غیر مانع الخ استخلف ای جازله ذالک ولوفی جنازة باشارة اوجر لمحراب الخ (در مختار) قوله استخلف اشار ان الاستخلاف حق الامام (ردالمحتار باب الاستخلاف ص ٥٦۱ – ٥٦۲ ج۱). ظفیر

علی رکبتیه لترک رکوع وعلی جبهته لسجود [۱] الخ فقط.

اگر در وقت تلاوت سوره وضوء امام شکست وخلیفه آن سوره را یاد نداشت پس چه کند: (۱۳۰۵) امام مثلا یک سوره میخواند که وضویش شکست حالا کدام مقتدیکه خلیفه شده ان سوره رایا دندارد که امام قرائت میکرد حالا خلیفه چه کند؟ وی سوره دیگررا بخواند ورکوع کند این ضروری نیست که همان سوره را بخواند حتی اگر آن امام به قدر واجب قرائت را خوانده باشد خلیفه بعد از رفتن به جای وی فوراً به رکوع رفته میتواند [۲] فقط.

جلد سوم از فتاوی دار العلوم تمام شد

تاریخ

الثلاثاء، ۱۰ محرم، ۱۴۳۱



(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاستخلاف فی الصلوٰة ص ۵۶۲ ج۱ . ظفیر

(۲) من سبقه الحدث توضا وبنٰی اواستخلف لو اماما (کنز) فانه یستخلف رجلا مکانه یاخذ بثوب الرجل الی المحراب او یشیر الیه الخ ولو ترک رکوعا یشیر بوضع یدیه علی رکبتیه او سجودا یشیر بوضعها علی جبهته او قراءة یشیر بوضعها علی فمه الخ هذا اذا لم یعلم الخلیفة ذلک اما اذا علم فلا حاجة الی ذلک (البحر الرائق باب الحدث فی الصلوٰة ص ۳۸۹ – ۳۹۱ ج۱). ظفیر